

# سپاوون

شماره اول حمل ۱۳۶۸ مطابق اپریل ۱۹۸۹ مطابق  
رمضان المبارک ۱۴۰۹ - سال دوم شمار مسلسل ۱۱



مورکیشیہ

صدای

جاودانہ

سدها

۲۰ لیلا، لیلا نوروز است

۲۲ خدا یاد دنیا دوروز است

۲۶ ۱۳۶۸ سال ولی دژر مار کال بولی؟

# لکی فایف



# ۵۵۵

دعوت کما حقہ  
و شخصہ مخصوصہ و شیر خورہ شہرانیہ لاجنس صورتہ بگزار می نماید سالانہ  
لکے فایف ہمیشہ بر شمس اپر خاطرہ خواہد بود

آدرس: شهر ن—مقابل مسجد جامع شیرپور • تلفون: ۲۰۴۱۰



# يما را مين ويدا يو كست

بعترين فلمعاي ويدا يو بي گلچين ( پښتو، د ري  
هندي و ايراني) آماده فروش دارد. فلمبرد اري از  
محافل خوش شما يذ يرفته ميشود.  
ادرس: منزل اول فروشگاه بزرگ افغان  
٢١٧٧٦-٢٠٧٠٤

## عكاسخانه هروي

عكاسخانه هروي عكاسي محافل خوشو سرور شمارا  
به بدترين وجه برگه از مينمايد  
( همچنان تيب و يوب يوسي )

آدرس: چهار راه سردار  
تقريباً خانه  
جمهوريت

## خوراكه فروشى انوش

خوراكه فروشى انوش تازه به فعاليت آغاز نموده انواع خوراكه باب  
را به قيمت هاي مناسب عرضه مي دارد.  
مشتركي دايي خوراكه فروشى انوش باشيد. همچنان مجلات  
و جرايد مورد علاقه تانرا از اين خوراكه فروشى  
د ستيا ب کرده ميتوانيد.

آدرس: چوك قلع فتح شه

# سباووس

اعلان تان شما را با شرايط بهتر پيشه  
ميرسانه

## خوراكه فروشى سبزووش

خوراكه مورد  
نياز شمارا به  
فروش ميرساند.  
همچنان بلوزهاي  
بهاري هندي و لباس -  
جين از قبيل براهن، دامن  
جمبرهاي زنانه، طفلانه و دخترانه  
ساخت وطن را با قيمت هاي نازل بد ستري ميرا -  
جمعين محنت ترارميد هد.  
شما ميتوانيد مجلات و نشره هاي مورد علاقه تانرا نيز بد ست اريد.

آدرس: سرک ٦ قلع فتح شه تقريبا خانه برادران هوسو

## قرطاسيه فروشى سيد احمد شاه

جديد  
ترين لوازم  
تحرير كلتوب  
معارف.  
اقسام كتاب  
و كتابچه، انواع قلم هاي  
خود كار خود رنگ و ده ها قلم  
اجناس ديگر مورد ضرورت تانرا به قيمت هاي مناسب  
ورضايت بخش د ستيا ب نماييد. ادرس منزل اول فروشگاه بزرگ -  
افغان. نمبر تلفون ٢١٧٧٦

## قرطاسيه فروشى اخبارك

كتب، قرطاسيه، مجلات و كارتهاي  
تريكي ارزان و خوشب  
آدرس: منزل اول فروشگاه بزرگ فغان

## قرطاسيه فروشى دوست

انواع قرطاسيه، جرايد و مجلات د لخواهتان را عرضه  
مي ارن. به ادرس توجه نماييد.

ما كميته مگرو باج كهنه

ضروري: د ر شماره يازدهم سال ٦٧ مجله سباوون د شرح عكس هاي مرسوط  
به استعداد ها ثروت ملي ما، نام محنت قاري فاخره قاري و قار تصحيح شون.

شماره اول حمل ۱۳۶۸ سال دوم  
شماره مسلسل نهم

# سپاروون



نعیم پوپل

یلا

نوروز است صفحه (۲۵)

صفحه (۳۵)

## فاجعه



صدای گمشده، صدای  
جاودانه‌سدها  
صفحه (۲۰)

صفحه (۸۴)

درسهای موسیقی

پاستی

سبرین

مخ (۸۷)

کوزیر

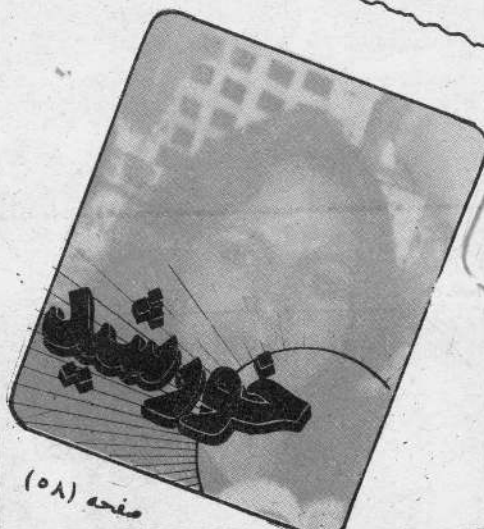
آیاتاسی دخیل

از مود تا سینما  
صفحه (۵۴)

علی فاضلی بسمل  
پروما جبرایلی را با  
دنیای عشق خود از  
سرگردشتان

چون در این بیست  
صفحه (۲۲)

از گپها که ما خبر شدیم  
صفحه (۴۴)



صفحه (۵۸)

۱۳ ساله بوی دره مار کال بوی  
مخ (۲۷)

زن ۱۳ ساله بی ته مرد  
صفحه (۴۰)



چاری در صد سالگی  
صفحه (۳۲)

مدیرمسول: د. کورژا هرطنین  
تلفون: ۶۱۹۵۲  
معاون: محمد اصف معروف  
تلفون: ۶۲۷۵۲  
سویچورد: ۶۱۸۷۸  
ارتباطی: ۳۹ - ۴۸ - ۵۴



نشریه اتحادیه ژورنالستان  
جمهوری افغانستان

زیر نظر هیأت تحریر:  
بارق شفیعی  
محمود حبیبی  
عبدالله شادان  
لطیف ناظمی  
رهنورد زریاب  
شفیق وحدان

ارتزگرافیک: محمد علی فاضلی  
وحمید سمور  
مطابقی: کبیر امیر  
عمی نامی

اداره مجله در تصحیح و تدقیق مطالب دست ازاد دارد. مضا مین  
وارد در صورت نشر یا عدم نشر مسترد نمیگردد. نظریات ارایه شده صرف  
نظر نویسندہ میباشد.

# مصیبت‌اشک

مباحثه: حسینا حافظ

امروز در نیای ماینس و تکالوژی، متأسفانه مواردی وجود دارد که نمی‌شود آن را با این همه مسایل و تکالوژی بیشتر-فته تدایب کرد. هیچ اندازه هم برای وابستگی انسانهای عصر ما به مواد مخدر معین شده نمی‌تواند. شبکه‌های وسیع برای کشتن انسانها توسط مواد مخدره فعالیت میکند. مافیا امروز در هر کجایی شاخ و پنجه زده است. تاجران مرگ با وسایل گوناگون داری مرگ را عرضه میدارند. این تاجران هیت‌های مختلف دارند، در هر کشوری سرولگه‌شان پیدا است، به قیمت جان هزاران جوان آنان زنده کسی آبرومندان و شاهانه می‌نمایند چرا اعتماد از بین نمیرود؟ چرا نیروی جوان و فعال کشورهای جهان سوم عمدتاً و انسانهای کشورهای پیشرفته به حلقه‌های معتادین کشانیده میشود؟ برای اینکار بازی‌های تجارتهی وسیع است. ادامه دارد، و اما اعتماد و وضع اعتماد در کشورها چگونه است؟ مجله ما از کار این برابرم نمیتواند به ساده‌گی بگذرد. چنانچه در شماره‌های قبلی خویش نیز در مورد نوشته‌هایی داشتم و اینک در این شماره با هم با دکتر عبدالسلام آثم رئیس بخش صحت روان‌ها حبه‌ی ترتیب داده و توجه خواننده‌گان را به آن جلب میدارم و تقاضا دارم آنرا تا اخیر بخوانید.

س: اعتماد دوا می‌چی مفهومی دارد؟



ج : وابستگی دوايي که به عوض کلمه اعتياد دوايي يا معتاد شدن از طرف سازمان صحت جهان پذيرفته شده است عبارت از مجموعه عوارض جسمي و زکامی و سلوکي ميباشند اين عارضه در اثروابستگی به مواد الکولي يا مخدر وجود مي آيد که حالات مختلف مي داشته باشد البته وابستگی دوايي يا سوء استعمال دوايي فرق دارد .

س : اعتياد يا وابستگی به مواد مخدره در کشور ما چيزي تازه نيست ولي در اين اواخر تعداد زيادي از جوانان به مواد مخدر معتاد گردیده اند به علت چیست ؟

ج : علل و اسباب مختلف ميتواند وجود داشته باشد . ناپاسامانی شخصيت مي ثباتی عواطف و احساسات شخصي موجود است خانواده هاي پراخ خانواده هاي غم انگيز ، فشار اجتماعي هم نشيني با دوستان معتاد وغيره . همچنان کنجکاري براي دريافتن اسرار رمز مواد نشه آور و بعضاً هم بخاطر فراموشي غم و نگرانی به صورت موقت و بايد علل عده را در تبليغات فریبکارانه قاچاقچيان مواد مخدره دريافت که جوانان و نوجوانان کم تجربه به دامان مي افتند . علل هاي ديگر روانسي نيز وجود دارد مثلاً افاده خود کامگی و نوع بي بندوباري نسبت به خانواده و محيط .

س : در شرايط کشور ما اعتياد نوع از خود بيگانگی است يا لذت بردن ؟

ج : به موضوع دلچسپي تما مي گرفتيد در کشورهای مختلف حالت اعتياد نه تنها در شرايط جنگ بلکه در همه حالات وجود مي داشته باشد چنانکه امروزه در کشورهاي مختلف جهان اين امر به مشاهده ميرسد که بنا بر تجربی جوانان بتزليل افکار

بي اراده می ويوارد ديگر که قبلاً ذکر نموديم حالات اعتياد بروز ميکند . برخی از معتادان فکر کرده اند که گويابنا بردن بيه مواد مخدره و مشروبات الکولي آن ها را به عالم ديگر برده و در چنان حالت ميتوانند نفس راحت بکشند حالانکه در نتيجه اين حالت زنده می آنها به تباهي مواجه شده و واقعيت هاي زنده می همانطور بچامی ماند .

در مورد لذت بردن که شما از آن ياد کرديد در اوایل خوشی هاي گذرا و کاذب به وجود مي آيد بعداً حالت نشه غمناک وغير قابل تحمل می باشد و از سوي ديگر انسان معتاد در يك ناگيري قرار مي داشته باشد به مصداق همان شعر :  
نشه صهبانمی ارز به تشويش  
خسار  
در گذر امروز عذاب که فردا  
آتش است

س : ارتباط معتاد بين بخصوص جوانان با امراض روانی چگونه است ؟

ج : نزد معتادان تشويشات روانی بملاحظه ميرسد گاهی يدي شوار است که فهميده شود که ايا اعتياد باعث تشويش روانی شده است يا تشويش روانی باعث اعتياد .

به هر صورت تاثيرات اين دوايي لاي هم متقابل است در نتيجه پناه بردن به مواد مخدر انسان بي اراده شده مسووليت هاي اجتماعي و اخلاقي را کمتر درک مي کند ، استدلال و منطق نزد معتاد از بين رفته احساسات عجز و کوتاه نظري شود کم حوصلگی و شک بردن بيچنان نسبت به همسر و دوستان در او تقويت يافته چنين تلقينات قضاوتش را متاثير مي سازد به تدریج نفرت و دوستان و خانواده اش را نسبت

به خود بيشتري سازد و گاهی هم از شخص معتاد فقط بايد انتظار انسان زنده را داشت که مشابه به يك مجسمه است .

س : بيشتري معتاد بين درجا معه ما کيها اند و از کدام مواد استفاده بعمل مي آورند ؟

ج : در حالاتيک فعاليت قاچا قبران و تجاران مواد مخدر مساعد تر باشد خطر اعتياد وسيعتر می شود ، مخصوصاً در کشورهایمانند کشور ما دشواري هاي زنده می مصيبت هاي جنگ و بيسوادي و عواملی از ينگونه اين مصيبت را افزايش ميدهد ، در کشور ما در برخی مياطق از ترياکی بحیث داروي آرام کننده سرفه و تسکين درد اعضا و دوايي خواب آور استفاده می شود از تئوپروچرس گاهی براي درمان و معالجه قلعج ها کار می گيرند ، در برخی از ولايات ما در طبابت هاي محلی و غنچهوي حتی براي اطفال نيز اين مواد را توصيه ميکنند ، حالانکه توصيه اين مواد صد فيصد از کودکی اعتياد را به بار مي آورد . در بخش هاي ديگر کشور ما که کشت و توليد ترياکی چرس و تنباکو رايج است از لحاظ اشتغال افراد با اين مواد وابستگی هاي دوايي را بوجود مي آورد . بد بختانه در سال هاي اخير هيروئين در بين جوانان جامعه بازار يافته است ، متاسفانه زماني دختران و پسران جوان مصاب به آن به مشاهده ميرسد که البته کار وسيعی و مبارزه عليه آن ادامه دارد .

نوعه هاي از مواد ديگر مثل ماندرس ، مخم و بننگ آب و بعضی ادويه ديگر هم وجود دارد چنانچه می گويند : در يکی از مناطق ولايت بدخشان پيغمردی بود که مدت درازی ترياکی دود می کرد

و به آن وابستگی داشت ، زمانیکه او چشم از جهان می پوشد در فضاي کلبه موصوف ديگر دود ترياکی نمی پيچيد و چندي بعد يکتعداد موش هاي مرده در بين اتاق محقر پير مرد متوفی ديده می شود ، دليل آن اين است که حتی موش هاي موجود در سوراخ هاي خانه نيز به ترياکی وابستگی پيد کرده بودند که با قطع دود ترياکی و تاپ نياوردن بيسترك آن مرد و زمين اتاق آن پير مرد افتاده اند .

تاجاييکه از خود ما بين وابسته به هيروئين معلومات حاصل شده هيروئين نيز در کشور ما برخلاف کشورهای ديگر از طريق دود کردن به مصرف ميرسد .

س : تعداد معتاد بين به مواد مخدره در شهر کابل آيا معلوم است ؟

ج : آماري وجود ندارد يک احصائيه تشييت يکصد هزار مصاب وابسته به ترياکی در بدخشان است که مربوط بيک دهه قبل است . رياست صحت روانی وزارت صحت عامه در نظر دارد تا به همکاري مالی اداره سازمان صحت جهان و مساعدت هاي ارگان هاي ذيربط ، احصائيه مصابين به مواد مخدره و مشروبات الکولي در شهر کابل وسپس در ولايات را بدست آورد . باتاسف بايد گفت که تعداد اين اشخاص افزايش يافته است و ايجاب توجه جدي را می نمايد .

س : برنامه تدبيريه چگونه است ؟

بقيه در صفحه ( ۷۴ )

# دواي مرگ و تاجران مرگ



یه میگویند...

مهر و محبت

توجه

تاریخ

مهر و محبت

چهار ماه

### دو سه و اده

هیله منده م هغه کسان چی به تحینو عقل نار وغیواخته  
دی ژر تر زره شفا و موسی او د عقلی او هو بنیاری سترگی بی روی شی  
خبره داسی ده چی تحنی بی احساسه اوی مسوولیته نارینه  
د خیل ژوند بدی او د نیستی روی چی لومړنی بنخی ورسره  
به ورین تندي کاللی چوره یاده باسی حتی د خیل بیه نسو  
اوشعرت خخه تیر یزی او د دوهم واره بند و بست کوی که شه هم  
چی د موضوع نوی نه ده ولی به ۶۲ کال کی بی د ساری ناروغی  
بته تحانت نیولی او د پروکسانوته بی سرایت و کړ امید واره یس  
مسز کال داد کورنیو درنگید و ناروغی له منعه ولاړه شی

لطیفا پرداد بیتود پوهنخی فار التحصیل



### پاکی و صفایی

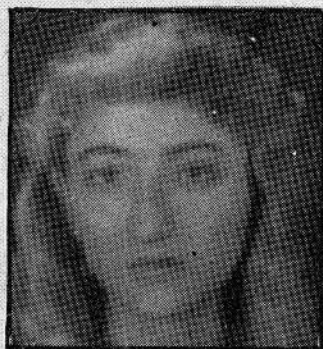
عزیز آقا سراز  
دل بستگی خاصی به پاکی و صفایی د اوم آرزو مند صاحب خانه  
مکروریان شم ، آنجا بهتری شود . پاکی و صفایی راتا مین کرد .  
- اگر با دختری همسر زنده کی شوید که او چند ان توجه  
به پاکی نداشته باشد در آن صورت چه خواهید کرد ؟  
- خدای ناخواسته باشد که این چنین شود ، ورته کار زاری شود  
با آنم اگر چنین دختر سرد چار نسدم انوقت اورا به روحیه  
خود تربیه میکنم .



### نظام و د سپلین در سرویس ها

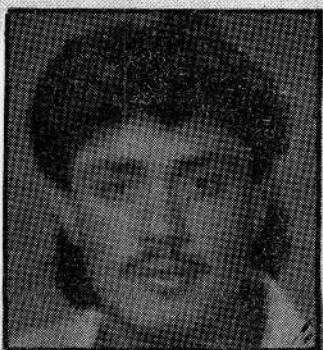
عضوکلان خانواده ام میباشم .. آرزو دارم خواهران و برادرانم  
به آرزوهای دلشان نایل آیند .  
همچنان آرزو مندم که بعضی از همشهریان مانظم و د سپلین  
اجتماعی را در سرویس های ملی بس جدای رعایت نمایند ، و نگرانان  
محتش هم درین زمینه از خود سی تفاوتی نشان ندهند ، بعضی  
از مردان به بالا شدن از د روزه اوی سرویس هلاتمندی بسیار  
نشان میدهند وقتی برایشان گفته شود که یک کمی دور شوید و یا  
به اخل سرویس پیش بروید میگویند : (( برو بی جان توجه  
خود می سازی ، ما از خود خوار و مادر داریم ... ))

مصرفاتیکان در نشان فار از صواب



### میخواهد هنرمند سینما شود

محمد فرید محصل سال د م پوهنخی هنرهای زیبا :  
در رشته تیاتر و سینما مصروف تحصیل استم ، با سلم عشق  
میورن و دوستش میدانم ، و همین ام هر نقشه که برایم سپرد شود  
میتوانم آنرا به خوبی اجرا نمایم ، ولی باتا سف چند باریکه به  
اداره فلم های هنری و مستند مراجعه کردم خود را پشت در بسته  
یافتم و جواب رد شنیدم ، آرزو مندم که امسال آرزو هام برآورده  
شود و بتوانم در فلم ها کار نمایم .





# پایند حاضری خانه

## پایند حاضری خانه



روهینا محسن پوهنتنی ژورنالینم :  
تعمیم د اتم اسنال باشخسر مورد نظم ازدواج تمام آرزو د اتم  
که د زمینه فامیل مخالفت ننماید .  
آرزو مند بعد از عروسی شوهرم مراخیلی دوست بد اوردوسه  
وقت معین خانه بیاید ، یعنی آن تسمیکه باید حاضر د دفتر  
میباشد ، باید ، باید حاضر نزد من نیز باشد .

## وفادار و پولدار



روزیا وفا کارمند وزارت امور عودت کننده کان :  
آرزو د اتم باخوانی داراي تحصیلات عالی ، وفادار و پولدار  
ازدواج تمام ، پولدار به خاطر اینکه میخوایم ماه غسل رادرخان  
از کشور سوری تمام .  
- اگر باخوانی داراي چنین صفات آشنا نشدید در آن صورت ؟  
- در آن صورت باهی کس را دواج نخواهم کرد .

## در آرزوی ثروت و شهرت



محبوبه کارمند نشرات سنا :  
د رزنده کیام سه آرزوی بزرگ د اتم که به حقیقت بیوستن آن  
خیلی مشکل و باهم دوزار امکان است ، نخست آرزو د اتم خیلی ها  
تروتمند باشم ، آندر که حسابش را کم ، دوم اینکه یک ورزشکار  
ورزیده به سویه جهانی باشم و در مسابقات ورزشی جهانی همیس  
موفقیت ازان من باشد و سن اینکه میخوایم به ایالات متحده  
امریکا سفر تمام .

## بنیاست او اخلاق



خیال محمد سرراز :  
زما بیواچینی هیله داده چی سرکال د ترخیر د اخیستلو  
وروسته د ژورنالینم به پوهنتنی کی شامل شم . اوم د ژوند ملگری  
چی بنیاست او اخلاق ولری پیدا کن .  
- د د بی خصویاتو لروونکو انجلی سره که بیسواده ورا شناسی  
عنه انتخابوی ؟  
- لومړی کوشس کم چی د ژوند ملگری می باید باسواده وی  
اړکه نه وه نویسی د مبارزه با بیسواده . کورس کی شاملم او خپله هم  
شبه اوون ور سره سبی وایم ترخو با سواده شی .



# چهارمین جشنواره شعر جوان

## مباحثه از کلامه حبیب

وقتی شعری را زمزمه میکند چنانست که گویی دریایی از نسور در رگهای جانانت جاری میشود .  
صدایش آنچنان برجذب و نوازشگر و لطیف است که وقتی میشنوی تنهایی در وجودت میشکند، زیرا که در صدایش وسعت رویش و پایش است .

سیما شادان از زمره دیکلماتورانی است که میتوان گفت در بخش زنها چون او زیاد نداریم و اگر هم است انگشت شمار .  
وقتی عقب میکروفون قرار میگیرد ، وقتی شعری را از بیدل زمزمه میکند آنچنان با احساس میخواند ، آنچنان شعر را جان میبخشد که گویی این خود شاعر است که در نزد یکی ات نفس میکشد .  
باد نیایی از برسشها بدیدنش میرم تا توشه بی برای مجله تهیه دایم ، مانند همیشه آنچنان که است با لطف همیشه کسی اش که خمیر وجود اوست با خوبی و مهربانی یک زن رو بروم می نشیند .  
هر چند که در برخورد هایش صمیمی است اما در گفتار خود نهایت جدی و دقیق است .

من بعد از سکوت کوتاهی از وی میروم :

- وقتی اولین بار عقب میکروفون قرار گرفتید و اوهام نداشتید ؟
- البته که و اوهام داشتیم ، حتی صدای قلم را میشنیدیم بخصوص که آنروز عبدالله (( شادان )) همراه با من اخبار را میخواند .
- و آیا غلطی نکردید ؟

- نه همه اخبار را بدون غلط خواندم .
- شما علاوه بر آنکه نطان خوب و ورزیده استید اشعار را نیز دیکلمه می کنید ، آیا اتفاق افتاده که اشعار را غلط بخوانید ؟
- چرانه حتماً غلط خوانده ام زیرا گاهی همان لحظه یعنی در آخرین لحظات شروع پروگرام شعر را بمن سپرده انده بخصوص وقتی شعر از مولانا و بیدل بوده طبعاً که بدون غلطی نبوده است .
- شما وقتی اولین باری که شعر را دیکلمه میکردید خواستید مانند چه کسی دیکلمه کنید چون فریده انوری یا کس دیگری و یا خودتان ؟

- چون زنده گی من با عبدالله شادان است من از او آموختم ولی تا اکنون از کسی تقلید نکرده ام . بودن عبدالله شادان نطق ورزیده که دوبار جایزه اول دیکلمه شعر را گرفته است ، فکر میکنم برایم کافی است .

- شما اکثراً هنگام کارگردانی می کنید همینطور است ؟



# پونتم در نیمه های شب به چه فکرمی کند

ترجمه علی اشرف

س- اگر بیگانه پس با شما تماس میگیرد و یا کسی دست شمارا میگیرد و یا دستانتان را در ورگوشهای بیچند پس احساس به شما دست میدهد ؟

ج- در چنین حالات خود را نا راحت احساس میکنم و از این آشنایی ها خوشم نمی آید. اگر یک دوستم ، مادرم و یا کسی را که دوست دارم مرا به اغوش میکنند البته که قشیه کاملاً جداست از چنین چیزها. و در راحتی خیلی به دورتم میدارم و اگر ضرورت بیفتد بگویم. پشت مورد آزار (پس میزنم) در چنین حالت خیلی با قاطعیت و در جلو چشم همه عکس العمل نشان میدهم. خیلی میزنم و یا خنجر را میدرم. با آنهام در زنده کی حتی لسته پس هم خودم را تند و بدون دوست احساس نکرده ام.

س- لطفاً در مورد پوسه نظیر تان وارک و راست بگوید ؟  
ج- من هرگز مردی را در ملاقات نخست نمی بوسم. آنرا استر بگویم به چنین منقالتایی دم نرفته ام. فراموش نباید کرد که مادر خند بوسه بهم نه در آمریکا ، آنرا بوسه دختران را به بیرون رفتن دعوت میکنند. زود آرم. تان دعوت صورت نخواهد گرفت. بران هفتیسه سهنا استم و دعوت هفتیسه جوانی بیشتر با داران. روانه کسی مراد دعوت کند. تمام باید بدیده در این باشد. بنابراین موه دانه زن میزنم اما را به بوسه دو میزنم

س- در نیمه های شب وقتی همه خوابند شما درباره چه فکر میکنید ؟

ج- فکر، فکر، درباره چه فکر میکنم ؟ این مربوط میشود به اینکه چگونه روزی را گذرانم.

س- آنروز بدی را گذرانده باشم ، از زرد میباشم و در بستم ((لوتک)) میزنم و اما آنروز خوبی برایم بوده باشد و حال میباشم به بالشت میزنم و باید لبخند خواب میروم ، این مهم نیست که من چه ساعتی بخانه بر میگردم چهار صبح یا شش صبح ، من خواب سنگین ندارم هرگاه تلفون در یکی از اتاق های دورم زنگ بزند آنرا می شنوم و فوراً بر میخیزم. اما شب زنده دارم حاضری دم داشته ام و آن وقت بوده که یا ناراحتی روسی یا اختناق نشوری با مادر و خواهر داشته ام و عاشقی میخواسته خواب شود.

س- وقتی به اغوش کشیده شدند اید عکس العمل تان چه بوده است ؟  
ج- ای وای ! وای خدا جان ! این دیگره است؟ بعضی حال این مربوط می شود به کسی که مراد اغوش میگیرد.

س- اگر روز بدی را گذرانده باشم ، از زرد میباشم و در بستم ((لوتک)) میزنم و اما آنروز خوبی برایم بوده باشد و حال میباشم به بالشت میزنم و باید لبخند خواب میروم ، این مهم نیست که من چه ساعتی بخانه بر میگردم چهار صبح یا شش صبح ، من خواب سنگین ندارم هرگاه تلفون در یکی از اتاق های دورم زنگ بزند آنرا می شنوم و فوراً بر میخیزم. اما شب زنده دارم حاضری دم داشته ام و آن وقت بوده که یا ناراحتی روسی یا اختناق نشوری با مادر و خواهر داشته ام و عاشقی میخواسته خواب شود.



میخواهم زنی باشم عاشق و باخدا دوستی یک با یک مرد میتوانم بعد گسترده تری از سکس داشته باشم



چونان نسل نوین حدیثی و آزاد است و در این مسورد چسارت کرده با والدین شان حرف میزنند ، اما در مورد من صدق نمیکند چه من تراورده دهسه (۸۰) نیستم ، از تنو تا اندازه یی مسافته کار استم و عذر میزنم میخواهم البته در آینده پیراز کسی اوقات نرم در زمینه صحبت خواهم کرد ، به عقیده من جوانی جو دارد در این مورد ابراز نداشتند که از لسا نورو به پختگی بنیه در صفحه (۶۰)

بوسیدن یا امر بیعی است و وسیله انتقال احساس دوستی و محبت تلق میشود. س- خوب اجازه میدید کسی جلو بروم و ؟

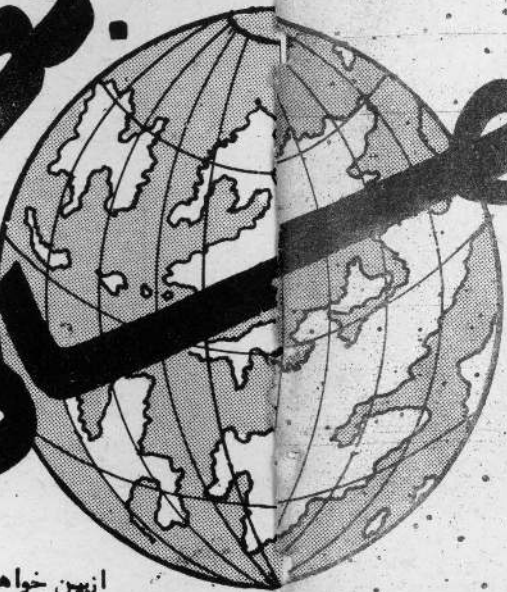
ترجمه: انجنیر حلیم

# تأثیر عمده جنگ ذروی سقوط ناگهانی و سردی و متلاطم درجه حرارت خواهد بود

## تأثیر عمده جنگ

### ذروی سقوط ناگهانی و سردی

### و متلاطم درجه حرارت خواهد بود



بگذارد نوح کیم حادثه غیر قابل تصور وقوع پوست...  
 سیمای جهان بعد از جنگ ذروی چگونه خواهد بود؟  
 از پاسخ این سوال میتوان نهایت مشابهت را قاطع  
 در برابر وجودیت (۵۰۰۰۰) سرگوله ذروی فعلی جهان کار گرفت.  
 در کفرانس های دانشمندان ذروی در سیکو و واشنگتن شهرهای  
 دیگر نماینده گان جامعه علمی جهان به آخرین مسائلات و تحقیقات  
 شان پیروان اینک جهان بعد از جنگ ذروی چگونه خواهد  
 بود توجه جدی میدول داشته اند. تنهاسه سال قبل دانشمندان  
 ذروی این مفکوره که اگرچه وضع جهان بعد از جنگ ذروی خیلی ناچهار  
 انگیز و ناگوار خواهد بود، ولی موجودات زنده به ناچار مانند کیم  
 کیم نخواهند شد، کار کردند. این دانشمندان اکنون بعد از دست  
 یافتن به حقایق تازه و اینکه برای همچو ((جوشینی)) استدلال ضعیف  
 وجود دارد، تغییر عقیده داده اند.

پس اینجاست سیمای بعد از فاجعه ذروی از نگاه دانشمندان  
 زمانیکه سناریوهای گوناگون جنگ ذروی در معرض آزمایشات دقیق  
 و تجارب مودل های کمپیوتر قرار گرفت، چه قدرت محض انفجار  
 (۱۰۰) میگاتن یا (۵۰۰۰) میگاتن (کمز از نصف زیاد خانه میجو  
 ذروی جهان) باشد، همه به این نتیجه رسیدند که  
 موجب انفجارات ذروی نسبت به تاثيرات مستقیم آن (امواج تکان  
 دهنده، جریان حرارت یا تند باد حرارتی و شمشع) به مراتب وحشت  
 ناکتر و کشنده تر است.

مودل های اقلیمی که لظرف دانشمندان شوروی و امریکایی یعنی  
 تیم ساگان در پوهنتون کورنل، مشخصین و دانشمندان مرکزی ایالات  
 متحده برای تحقیقات اتموسفری که مستقیماً در راس آن قرار دارد  
 ولادیمیر الکساندروف و گیورگی ستنچیکوف از مرکز ریاضی اکادمی علوم  
 شوروی، گیورگی گولیتسین و الکساندر گمنزوری از انستیتوت نیک اتموسفر  
 مستقلانه طرح شده است تصویر مشابهی را از سیمای جهان بعد از  
 جنگ ذروی ارائه میکند. تأثیر عمده جنگ ذروی سقوط ناگهانی و  
 سریع و متلاطم درجه حرارت خواهد بود، ظرف چند روز محدود جهان  
 از سردی یقیناً به اندازه سردی قطب شمال دچار سرما خوردگی می  
 شود.

خواهد شد و حداقل برای یکسال ادامه خواهد یافت.  
 آفت ایکولوژیکی سرتاسری!

هفته ذروی بعد از انفجار ((زمنستان)) همراه با تاریکی تقریباً  
 مطلق فرا خورد. صدها هزار تن خاکستر و دود آتش های شعله ور شد  
 در سرتاسر قاره ها پرده غیر قابل نفوذی را بر روی آسمان خواهد کشید.  
 شکل نورمال اتموسفر با هوای گرم در بالا و هوای سرد در پایین حالت  
 معکوس را بخود خواهد گرفت.  
 طبق نظریه ولادیمیر الکساندروف، درجه حرارت اتموسفر در  
 ارتفاعات بین (۱۰۰۰۰) و (۱۵۰۰۰) متر تا حد درجه سانتیگراد  
 خواهد رسید در حالیکه در سطح زمین درجه حرارت در حدود پنج  
 درجه پایین تر از نورمال کاهش خواهد یافت. با این کار واکنش زنجیری  
 از حرکت بازمی آید و منتهی به آفت ویدیخی ایکولوژیکی سرتاسری  
 میگردد.

ناپودی عجات بصورت کل

مودل سرد بعدی هایدرو دینامیکی اتحاد شوروی از اقلیم جهان  
 تأثیرات جانبی وحشت انگیز زمستان ذروی را ارائه میکند. طوری که  
 تفاوت نهایت زیاد درجه حرارت بین قاره ها و اقیانوس (هوای خیلی  
 آهسته تر بر روی اقیانوس) منتهی به تند بادها و توفانهای شدید  
 در نواحی ساحلی خواهد گردید که این به نوبه خود چنان بر فباری  
 های شدیدی را بدین حال خواهد داشت که حیات را بصورت کل نابود  
 خواهد ساخت. علاوه بر آن تغییرات اتموسفری سببیکل هایدرو لوجیکی  
 را کاملاً از بین خواهد برد و خشکسالی و نواذوری را بر قاره های وسیع  
 بندگان و بدون خورشید حکمفرما خواهد ساخت.

بعبارت دیگر، هراتیه که از صمیم آتش جان سلامت برده،  
 سردی یا خشکسالی آنرا از بین خواهد برد. یخبندان ناگهانی و وسیع  
 که الکساندروف ستنچیکوف آنرا پیش بینی کرده، برای جنگلات در ارتفاعات  
 متوسط تها کن و کشنده خواهد بود. جنگلات مناطق حاره و نیمه حاره  
 بی که تقریباً نیمی از کله خشک زمین را در بر میگیرد، یقیناً طوری  
 خواهد شد.

از این خواهد رفت زیرا این جنگلات حتی در برابر تغییرات جزئی درجه  
 حرارت یسازون نمیتوانند مقاومت کنند.

صریخندگان دیگر!

الکساندروف معتقد است که تقریباً یکسال را در بر خواهد گرفت تا  
 جهان باردگر تلاشگر روز روشن باشد. این چه چیزی را آشکار میسازد  
 یا توضیح میدهد؟ جنگلات وسیع به صحرای صحرای تبدیل خواهد شد  
 البدی (یا قدرت انعکاس نور) سطح زمین دوچند یاسه چند خواهد  
 گردید که در نتیجه آن نور خیلی کمتری از خورشید جذب خواهد شد و  
 بدین ترتیب تمام سیستم اقلیمی جهان دستخوش تغییر خواهد گردید.  
 این نشان دهنده امکان پدید آمدن صریخندگان دیگر است.  
 ملازمت الکساندروف و ستنچیکوف محاسبه کرده اند که در حدود (۸) ماه  
 بعد از درگیری ذروی، هوای گرم بر روی ساحات تپت و بعضی نقاط دیگر  
 موجب خواهد شد تا برفها و یخبندانهای ساحات مذکور آب گردیده و  
 در نتیجه آبهای خیلی زیادی بر روی قاره ها سرانبر خواهد شد. بار  
 دگر سبیل عظیمی توأم با درجه حرارت قطبی همه جا را فرا خواهد  
 گرفت.

تمام این ((سناریو)) ها تصور میکنند که فاجعه ذروی در صورت وقوع  
 در نیم کره شمالی رخ خواهد داد، چون کله های هوای سرد و نیم  
 کره در اثر مانع اقلیمی غیر مرئی خط استوا از هم جدا شده اند. انسان  
 میتواند تصور کند که بازماندگان این فاجعه نهایت در نیم کره جنوبی  
 پناه گزین شوند.

زمستان ذروی بر تمام مناطق تا ثیر خواهد انگذد!

بدبختانه به چنین امدها و آرزوها بخود دل بسته اند. طبق  
 نظر الکساندروف این مانع را تفاوت های درجه حرارت بین دو نیم کره  
 از بین خواهد برد.

این فرضیه که هیچ منطقه بی بر روی کره زمین از این فاجعه در  
 امان نخواهد ماند بهر جهت تحقیق مستقل دیگری تأیید شده است.  
 کارل ساگان دانشمند امریکایی و گولیتسین و گمنزوری دانشمندان

شوروی در مطالعات و تحقیقات شان پیروان تغییرات ممکنه در اتموسفر  
 بعد از جنگ ذروی به چیزهای تازه و مشخصی دست یافته اند. آنان  
 توانهای خاکی را که بر سطح کره میخ بر وقوع می پیوندد بعنوان مثال  
 می آورند.

طبق نظریه گولیتسین، خاکتوده هایی که از کره میخ در آسمان  
 تابستان بلند میشود، تمام کره میخ را در ظرف چند هفته در بر  
 میگیرد و درجه حرارت کره میخ را بصورت کلی تغییر میدهد. سطح کره  
 سرد میشود در حالیکه اتموسفر بسوی بالا گرم است و به شکل متناقض  
 جهان پدید میآید. همچو چیز مشابهی بر روی سطح کره زمین نیز اتفاق  
 خواهد افتاد. بر طبق تخمین های نهایت مستطانه بی که بعمل آمده  
 آلوده کی اتموسفر ناشی از جنگ ذروی در تمام کره زمین از شدت شمعاع  
 خورشید که به سطح زمین میرسد ظرف چند هفته در حدود (۱۵۰) -  
 مرتابه خواهد کاست.

مودل های اقلیمی ایالات متحده و اتحاد شوروی نشان میدهد که  
 بعد از انفجار ((صرف)) ۱۰۰ میگاتن ((معادل ۸۰۰۰ هیروشیما))  
 کره زمین برای زندگی انسان یا هر ارگانیسم زنده دیگر جایی مناسبی  
 نخواهد بود.

یک شب طولانی و خاموش

بر طبق نظریه ایرلیچ، دانشمند بیولوژی در پوهنتون ستانفورد  
 کالیفرنیا، هر بخش از جهان زنده که از فاجعه ذروی در امان مانده  
 باشد در هر صورت محکوم به فنا خواهد بود. علت ساده آن اینست  
 که فوتوسنتز، این پایه و اساس زنده گی نجات در تاریکی غیر ممکن  
 خواهد بود و بدون زندگی نجات تمام حیوانات بازمانده از فاجعه از بین  
 خواهد رفت.

حتی اگر تصور کنیم که شرایط نجات شکل ارتجایی بخود بگیرد،  
 در آن صورت جهان با خطر دیگری یعنی شمعاع قوی ماورای بنفش مواجه  
 خواهد شد.

تشکیل مقادیر نهایت زیاد نایتروجن اکساید در ساحه اطراف قشر  
 اوزون اتموسفر طبق نظریه اسرائیل ضو اکادمی علوم اتحاد شوروی  
 بقیه در صفحه (۲۲)

اگر نوعیت و احوال کونی زنده می یابد و در آنجا عمل بینین اوست بر اراده ۳۱ آنه و غیر کونی او بیاسیر بیعی می تواند آید او را شکل ن مد و حتی جریان حسان حارن او را نیز تغییر دهد ۱۰

از حکایات باستانی هند  
مترجم: ع. فرحسوز  
پارسی و متن داری

شب شور و سرور بود چون شام  
بایسری که بر این آرزای شده  
بود شادمان گردیده بود شام  
و ملکه بخاطر دست یافتن به این  
الذفات و بخشش شماری از شعایر  
و مراسم را بر پا آورد و ریاضت های  
بسیاری کشیده بودند از سر  
آنها از زمان ازدواج شان در  
دوازده سال قبل تا این زمان  
کودکی بدنی نیاورده بودند  
ملکه از سوی همه نزد یکان و  
عزیزان تهنیت گفته شده بود  
کودک خوشدل و زیاده رکاب او  
لمیده بود و هنگام نیمه شب از  
همه تقاضا شد تا بخیرد اخلسی  
کاخ را ترک گویند تا ملکه  
که خدمه ها در بیرون از اتاق  
نگهبانی اثر میکردند خواب  
را حسی داشته باشد و جراحها  
خاموش شدند  
ملکه ساعتی خوابید اما ناگهان  
بیدار شد و بدظن رسید که نوری  
در نزدیکی سرش ظاهر شده است  
چشماتش را گشود تا به منبع نور  
نگاه کند آنچه را دید او را به  
شگفتی واداشت آنجا یک موجود

نورانی ایستاده بود و دست  
را ستر به سوی سرکودک نوزاد  
کشیده شده بود چون ملکه به  
آن نگریست موجود نورانی  
دستش را عقب کشید و لبخند زد  
ملکه بر حایر نشست و گفت  
من نمیدانم تو کیستی اما یقیناً  
تو پند موجود آسمانی هستی  
چون نورانی خاموشی گردید این  
کار ملکه را شگفت زد ساخت  
ملکه گفت  
- برا شما گفتمی زنده  
و مود با نه افزود  
- آیا شما یک موجود آسمانی  
نیستید  
رب النوع سرنوشت گفت  
- بلی استم اما من رب النوع  
سرنوشت ایتم و یگانه و شیفته من  
اینست تا آنکه را در زنده کسی  
برای یک نوزاد فراهم شده  
است در پیشانی او بنگسیار  
من نمیتوانم چیزی را بیشتر از آنچه  
(کارما) برای یک کودک مقرر  
داشته است از زودم من درختان  
تولد هر کودکی را تعیینم اما  
مردم مرا نمیتوانند ببینند اینکه

توانستی مرا ببینی بیانگر عفت  
خاص و بدانی بی است که تو  
یداری با وجود آنکه خود از آن  
آگاهی نداری  
ملکه در برابر رب النوع خم شد  
و پرسید  
- آیا آنده را در پیشانی کودک  
من نباشته این برای من آشکار  
نخواهید کرد  
رب النوع سرنوشت گفت  
- من نمیتوانم آشکارا تمسحتن  
اگر اینکار را بکنم برای توست  
ندارد از سوی دیگر اینکار  
بدون هیچگونه تزیین با عفت  
شمرانی تو خواهد شد  
- شما همین الان نیم از آن به  
را آرزو داشتید بدانم برایم  
گفتید چنین به نظر میرسد که  
هیچ چیز خوبی در سرنوشت  
بسم وجود ندارد شما باید تمام  
حقیقت را برایم بگویید در غیر این  
شمارا نخواهم گذاشت که بروید  
اگر با جبر بروید من خود را  
خواهم کشم  
ملکه این جمله ها را با صدای  
نرم ولی مضم اغشار کرد  
مباحثه بین ملکه و رب النوع  
ساعتی ادامه یافت بالاخره  
رب النوع مجبور شد تا برای ملکه  
اشکار سازد که بر او در زنده می  
خواهد کرد و دراز کاخ در  
جنگلی خواهد زیست  
ملکه دریا را میرومید و گریست  
اما بخود جزا داد تا از  
رب النوع خوشبختی تقاضا کند  
که اندکی بارید بختی بپوش  
را کاهش دهد  
رب النوع گفت  
- خوب من تضمین میکنم که او  
هر روز توانایی شکار یک آهو را

داشته باشد و این امر بزرگی از  
سرنوشت او خواهد بود بیشتر  
ازین تازی کرد نمیتوانم  
و سرانگین سخن ها رب النوع  
ملکه را ترسید  
روزها سپری شدند ملکه در  
و وسواس خود را در دل نگه داشت  
یک سال بعد شاه بیمار شد و  
در گذشت وزیر سیمه کار او  
تا شاهی را به بهانه اینکه  
شهرزاده خرد سال است تمسب  
کرد و در پیشان سعی کرد تا ملکه  
و شهرزاده را بکشد اما ملکه با  
شهرزاده کویت به موقع فرار  
کرد و در جنگلی پناه گرفت  
پیش گویی رب النوع مرگ بسمه  
و ا قعیبت پیوست هر نام ملکه  
جال های را در گوشه و کنار جنگل  
می گسترانید و صبح بعد آهویی  
را در یکی از جال های یافت  
ملکه آهو را به یکی از جنگل نشینان  
میداد و او آنرا در شهر می فروخت  
و بهایش را به ملکه می سپرد  
به این ترتیب سالها سپری  
شد بزودی شهرزاده نوجوان  
به یاری مادر شتابید در عین  
حال شهرزاده به شاکردی یک  
تارک دنیا رفت و نوشتن خواندن  
و فلسفه را آموخت  
روزی شهرزاده در اندیشه بی  
با خود میگفت  
- بسیار شگفتی آور است که  
هیچگاهی بیشتر از یک آهو در روز  
شکار نمیکم در حالی که هر روز در  
پنج محل جال میگذارم و بسیار  
عجیب تر اینکه هیچ روزی را بدون  
یک آهو شکار شده سپری نمیکم  
مادرش که این سخنها را  
شنیده بود گفت  
- این بخاطر است که شکار یک

آهو در یک روز جزئی از سرنوشت  
توست  
به این ترتیب ملکه بخشی از  
راز را آشکار ساخت شهرزاده  
اصرار ورزید تا بداند که مقصود  
مادرش چیست و ملکه مجبور شد  
تا همه چیز را به یک به او بگوید  
شهرزاده نشست و در سکوت  
تزیینی فرورفت پس از سکوت  
طولانی گفت  
- مادر! من سرنوشت خود را  
تعمیر خواهم داد  
- بسم چگونه اینکار را میتوانی  
بکنی کی میتواند سرنوشت خود  
را تغییر دهد  
شهرزاده نوجوان گفت  
- اگر من مسؤول سرنوشت کونی  
خویشم به خاطر اعمال خود در  
زنده می قبلی است بسم من  
میتوانم اینکار را بکنم  
شهرزاده ساعات طولانی بسمه  
اندیشه فرورفت و بعد با چهره  
مغمم برخاست  
روزی دیگر او به عور پنج جال  
فقط یک جال را در گوشه بی از  
جنگل گسترانید و در نور یک  
پیشینی کرده بود یک آهو را  
در جال یافت  
روز بعد به عور اینکه جال را  
روی زمین بگستراند آنرا در  
شاخه بی از درختی آویخت  
با وجود آن صبح روز بعد آهویی  
در جال گیر مانده بود  
و بعد جال را در بلند ترین  
درخت آویخت و همین سان گرد  
گرد درخت آتشی بزرگی افروخت  
نیمه شب از خواب بیدار شد  
و موجود نورانی بی را در کنارش  
یافت  
شهرزاده پرسید

- آیا عارب النور سرنوشت  
استیسه  
رب النوع خشمگین گفت  
- بلی من استم منظور تو از  
آویختن نبال در درخت بلند و  
افروختن آتس پیرامون آن چیست  
ایا تو میدانی با وجود یک من یک  
رب النوع است در نیای عینی  
من خلاف قوانین طبیعی نمیتوانم  
کار بکنم نمیدانی که بسردن  
آهوه بالای درخت تازی است  
دنیار  
شهرزاده گفت  
اما شکار یک آهو در هر روز جزئی  
از سرنوشت من است اینکه  
چگونه آنرا در جال من گیر  
میاندازی کارتوست  
رب النوع گفت  
- آیا باید بخاطر خوشبختی  
که برای تو تضمین کرده ام مزا  
حم من شوی  
شهرزاده آهسته گفت  
- اگر کار ترا نوازنی ساختم  
تو در برابر من ظاهر میشدی  
- اما تو چرا میخواهی که من در  
برابر تو ظاهر شوم  
- تا آنکه آنچه را در پیشانی من  
نوشته بی و مرا محکم به زنده می  
در تبعید میکند از جبین من  
بزای رب النوع سرنوشت  
سکوت کرد شهرزاده چشمانش  
را بست و با حرارت و اشتیاق ملهم  
از یک سرنوشت تو گردید لحظات  
طولانی سپری شد شهرزاده  
احساس کرد که دست رب النوع  
از پیشانی او میگذرد بعد  
چشمانش را باز کرد  
رب النوع سرنوشت گفت  
- با اراده و آرزوی خود تو قادر  
بوده ای تا سرنوشت را عوض کنی  
و افزود  
- احسان و بخشش من با تو  
خواهد بود  
و آنگاه ناپدید شد  
روز بعد خوب شکی خوبی  
قیام در کاخ سلطنتی را به شهرزاده  
و مادرش آورد قاصد تخت و  
تاج که مستبد و مستغرضه بود  
از سلطنت خلع گردیده بود ملکه  
و شهرزاده بزودی به سوی کاخ  
رفتند همه کس ملکه را شناخت  
چشم و سرور بزرگی بخاطر اعاده  
تاج به وارث حقیقی آن برپا شد  
و شهرزاده به حیث شاه تاج پسر  
سرنهاد



# مراسم یک تدفین

# امپراتور

از آنجاییکه پیرامین ۶۲ سال مراسم تدفین امپراتور توری صورت می پذیرد، حکومت جاپان با مصلحت دبلوماسی رویرو بود؛ چگونه مثال، چطور میتوانست یقین حاصل نماید که جورج بوش مجبور نشود که تارسیدن نوبت الفبایی کشورش، جهت ادای احترام در برابر تابوت امپراتور، قریب سه ساعت انتظار نکند. اعضای کمیته موظف در وزارت امور خارجه جاپان تا ساعت ۲ یا ۳ شب روی حل همجو مسائل مصروف کاری بودند. قرار معلوم وزارت خارجه کشوری از وزارت خارجه جاپان تقاضا به عمل آورد، بود تا وقت مواصلت رئیس دولت متبوعش، به منظور رفع احتمال آماج گیری از طرف قاتلان سری نهداشته شود. حکومت دیگری خواسته بود که در مورد شاه کشورش ((که نهایت مغرور است)) توجیه بخصوصی میندول گردد. جورج بوش در نخستین مسافرت خارجی خود بحیث رئیس قوه اجرائیه کشور، با سران دولتی زیادی از جمله روسای جمهور فرانسوا میتران، از فرانسه، کورازون اکیانو از فیلیپین، حسنی مبارک از مصر، خواهد پیوست. روهامرفته از جمله پیناز ۱۴۰ هیات ملی شرکت کننده در مراسم در ۵۲ سران دول قرار داشتند.

## درین مراسم جاپان بایست پلوما

## سی امنیت سنن هبی بهم می میخت

قرار اظهار یک ما مورسابقه در جاپان مراسم تدفین امپراتور، از نگاه دبلوماسی، به مقایسه با بازهای اولمپیا ۱۹۶۴ و کنفرانس عالی اقتصادی ۱۹۸۶ در توکیو، شخصیت های برجسته (VIP) زیادی را در برهم آورد. بود هزاران ژورنالیست مطبوعاتی و تلویزیونی در شهر سرازیر گردیدند. اگرچه مواظبت و تغذی این همه مهمانان کار ساد موهلی نبود، در هلهوی آن حکومت صدراعظم جاپان بایست آنانرا از حملات تروریستی معسونس نگه میداشت و مراتب معمول تشریفات بین المللی را با مراسم سنن شنتوننن می ساخت. در حالیکه همه اینها خود را به بهترین وجهی در ذهنیت عام داخلی تبارز میدادند.

در واقعیت امر، توجه از متونی به مهماندار، یعنی خود جاپان، معطوف گردیده بود. هیرو-هیتوئه تاریخ ۷ جنوری درگذشت، مگر جسد وی معرولاکند در بین چند تابوت چوبی سلسلسل، با یک شمشر تشریفات برسران - به منظور اجرای یک سلسله مراسم پیش از مراسم اصلی در کاخ امپراتوری نگهداشته شد. باوصف پیشینی ها، که مرگ امپراتور احساسات ملی و انتحارهای سننسی هب گریبان دست راستی را برخواهد انگیزخت.

مردم جاپان بر سازمانتداری رسمی در روزه به زندگی عادی بی نشان برداختند حتی چین غزا در آری بعضیها احساس مینمودند که با درگذشت امپراتور آخرین نشانه بیوندشان با جگه جهانی دم، با رسمولیت ازد و شرفشان برداشته شده است. مراسم تدفین میرفت که مصیبت های هنرمیت و انشال پیرامین را به دست تاریخ بیسار. ازان نگاه، بعضی ها آنرا به جهت تجلیل تبار جاپان بمثابه نخستین بر قدرت غیر نظامی جهان تلقی میکردند، به همین علت حتی کنسرهایی که در جگه جهانی دم از اجرا و جاپان امیب دیده بودند، مانند چین و کوریا، ی جنوبی، به اعزاز ما موران عالیرتبه شان برداشته بودند، در تانیا، که در آنجا هنوز احساسات غم

جاپانی ناشی از بد رفتاری با اسرای جنگی باخ خود باقی است، به اعزاز شهزاده فلیپ بسنده کرد. اتحاد شوروی، باوصف وجود اختلاف نظر هساروی تلتک جزایر شمال جاپان، انا تولی کولیا توف، معاون رئیس جمهور را گسیل داشت.

مینی برگشته های خانی، که در جوار پارک تعیین شده برای برگزاری مراسم تدفین به سسر میبرد، مقامات امنیتی جاپان، به منظور جلوگیری از ورود تروریست های افراطی، اعضای ارتش سرخ مخالف سیستم امپراتوری، و مواد انفجاری سه توکیو، ۲۲۰۰۰ پولیس شد تروریستی را بسج نمود. بود تا به تلاشی مسوترها و اموال تجارتی زمینی و هوایی در نقاط مختلف مرکز و همیه شهر ببرد از بند. موضوع پارسی که در تنظیم مراسم در نظر گرفته شده بود آشتی دادن و نقش متضاد امپراتور بود؛ نقش سنتی پیشوایی مذ هب شنتوننن نقش ریبر دولت فیریند هبی، باین معنی که تاجه حدی در مراسم مذ هب و تاجه حدی تشریفات دولتی مراعات میگردد چه ماده ۲۰ قانون اساسی جاپان مشعر است که هیچ سازمان مذ هبی نه از امتیازات دولتی ونه از صلاحیت سیاسی بهره مند شده میتواند. دست راستی های شنتوننن دانستند که مراسم باید کاملاً مذ هبی باشند و استدلال شان روی این واقعیت استوار بود که مراسم تدفین سران تمام کشور و جاپان چوب سنن مذ هب شخصی ویا فامیلی شان صورت میگردد. برای رسیدن به یک تفاهم از عناصر مذ هبی مراسم تاحد زیادی کاهش بعمل آمد و لوکه بحدی نبود که موجبات تقاعد حزب کمونسنت جاپان را، که قصد تحریم شرکت در مراسم را داشت، فراهم سازد.



بعضی از مهمانان خارجی، مخصوصاً وقتی که هوا سرد باشد، حسرت تحریم کننده گان مراسم را میخوردند. بارک شنجو کوکون، که باشکوه های گیلان خود شعرت دارد، به نسبت آماده سازی برای مراسم تدفین، بروی مردم مسدود بود و رانجا یک سالون مراسم، که دارای پت دروازه چوبی سه ارتفاع ده فت بود، ساخته شده بود. در مراسم مذ هبی سه ساله امپراتور نقش مهماندارو - رهبران مذ هبی شنتوننن برقرار کننده رسمی مراسم را ایفانمودند. در پایان مراسم مذ هبی بیانییه های از طرف صدراعظم و دیگر ما موران جاپانی - ایزاد گردید و بند عوین در برابر تابوت ادای احترام نمودند و سپس تابوت به گورستان واقع در تیه های نرین توکیونقل داده شد.

از آنجاییکه هوای فیروری توکیوسرد بود حکومت جاپان تاحد ممکن در وقت مراسم کاهش بعمل آورد. تاحممانان خارجی راهوای سرد آن پت نمایسد البته صرف سمعی و معارف زیاد وقتی رضایت بخش تلقی میشود که خوشی خاطر مهمان را فراهم ساخته بتواند. د پلوما سنن زیگانه غالب اوقات سننسی حکومت و رسیدن مشکلات جاپان را در خارج کشور بهتر جلوه داده است و حکومت موجوده جاپان نیز به چنین امری احساس نیازمندی من نمود. به این نسبت صدراعظم جاپان تاحاییکه ممکن بود شخصاً از مهمانان رسیده گئی نمود، اما نظریه کی وقت و تعداد زیاد مهمانان عالی مقام او ده دقیقه وقت را برای هر عیانت تخصیص داده بود، امپراتور جدید و خاتمش از روسای جمهور و شاهان شخصاً رسید گئی نمودند و یاز پیران ملاقات گروین بعمل آوردند.

## زخم معده یک مریضی

نوشته دکتر کورون الله روحیان  
مکروبیست  
کشف میکروب کامیابلو بکتیر پیلوسور (Compylobacter pylori)  
در سال ۱۹۸۲ تغییر فاحش را در طرز شکم و اسباب گستریت های مزمن و فرخات خماساز همی بوجود آورد. تقریباً ۱۰ فیصد مرخصان قرحه اثنا عشری ۷۰ فیصد فرخات معده، میکروب پیلوری را در معده شان حمل نموده و محو همین ارگانیم از وجود بافت صحت و ترمم گستریت ها و فرخات میگردد.

سابق تفکر در مورد اسباب فرخات یاز خم معده اکثراً به اساس تغییر توازن بین ترشح اسید معده و مقاومت میکروبی جدار معده فکسر میشد که تدای هم به همین اساس بیان میشد ولی در این اواخر فلان بالایی فکتور های که باعث تنزیل مقاومت جدار معده میگردد، تدفین نموده یک علت معده همین میکروب پیلوری را در یافتند که میکروب یک قدرت خاصی در تغییر محیط معده و محافظه موضعی معده و میکروبی آن را داشته و میکروب در جدار معده توصل نموده و باعث نابودی قشر محافظی میکروبی معده میگردد. اکثراً ۲۰ فیصد انسانها در یک وقت، صاحب این میکروب میشوند و افرادی که این میکروب را دارند ۲۰ مرآتیه اماتیه تراز مریمان نورمال خطر تشکیل فرخات را دارند، هر انسان ممکن در طول زندگی ۱-۲ بار به این میکروب صاحب گردند و نسبت به سبب بودن مقاومت فردی یا استعمال آنتی بیوتیک که ممکن به هدف دیگری خورده شود، این میکروب از صابین آن نابود میگردد.

در سابق گستریت ها و فرخات را مرتبط به قلوبی اثنا عشر - تشوش روحی، سکر و مسواد مخزش مثل الکول، مرچ، غذای تند، اسپرین و یا خانوادیه آن میساختند. ولی این مسواد فقط میتواند یک سرخی و تخریش و معما تخریب جدار معده را تولید کند ولی نمیتواند باعث التهاب مزمن گردند ولی در صورتیکه قرحه موجود باشد باعث تشدد آن میگردد.

میکروب پیلوری یک میکروب گرم منفی شکل S مانند که یگانه میکروب است که میتواند در جدار معده، کولونی های تشکیل داده و خود را از اسید معده توسط یک قشر پیلو از با کار بزیست و میوکشن محافظه کند و اکثر این میکروب در رواجی که باعث ترشح میکوشن میگردد، تراکم نموده و در ضمن برای محافظه اسید میکروب، یک قدرت خاص فعالیت میتا بولیکی و تولید یوزیا هارکتالیزها را داشته که باعث تولید آمونیم باي کار بزیست از یوزیا میشود که مشابهت با میکروب های نوع سیا سیرولایا هاداشته و از همین سبب ممکن این میکروب در ابتدا از حیوانات به انسان انتقال کرده باشد.

برای اولین بار در ۱۹۳۸ Doenges  
بقیه در صفحه (۹۰)



# موکیشی، صدای جاودانه‌سده‌ها



ترجمه: علی ائیسر



به‌مینگونه موکیش درین قام کردن ریکارد از لحاظ کمی آهنگهایش نبود. برای او یک آهنگ ارزشناکی این را وقتی داشت که احساساتش را در آن انعکاس دهد. به‌عین دلیل هم است که وقتی هزار آهنگ به‌جامانده او را در آن‌ها مردم بد آوری می‌گیرند پاسخ مساعد گرفته می‌شود. بسیاری آهنگهایش ملو از روح هنرموسیقی است. گدایان و شراب‌خواران از آهنگهایش بطور همگون حظ می‌گیرند.

موکیش چاند متور، همانند دیگر موسیقی‌سازان ((وسانت دیسای)) با رویای بازگشتن و آرزوی نیای سینما شد ولی نتوانست در بیشتر از چهار فیلم ظاهر شود. شکست او در بازگشتن به هنر او از خوانی این نیز تا «تیر منق» بجا گذاشت. حتی نخستین آهنگ غیر فلیس این را که به اساس یکی از آهنگهای ((بنگ ملک)) سرود چنگی به دل‌ها نزد همان‌طور که نخستین سه آهنگ فلیس این سرود توجه قرار نگرفت. او تا گریه در یک مکان بدون برداشتن یک کلمه مدتها باقی ماند تا اینکه در ۱۹۴۵ «کشف» شد.

عقیده عمومی بر این است که ((انیل بیسواس)) یکی از موسیقی‌دانان برتران مشهور فلیس، برای اینکه از او یک آواز خوان بسازد موکیش را با سیلی زد. اما خود بیسواس این انسانه را زد کرده می‌گوید: «شاید برای هر خواننده تازه کار در عصر موکیش عشق بوزیدن به آواز سیگل مود بود. من خوبی خرابی داشتم وقتی موکیش از ناتوانی این در سرودن آهنگ حزن بزمیان آوری تهدید شد که در جلو ارگستر -

لک و کوش خواهم کرد ((بقیه در صفحه ۷۸))

گفته می‌شود وقتی شاهان می‌میرند خسوف رخ می‌دهد و طبیعت به عمیان بر می‌خیزد. ولی وقتی شاهان دنیای موسیقی - سیگل، موکیش و راج-سید مردند چنین چیزهایی واقع نشد و در عوض نوت‌های ناموزون از سفوتی زندگی بگوش رسید. وقتی موکیش ((الوداع)) گفت اکثریت مردم ضایعه عظیمی را احساس کرده‌اند زیرا موکیش صمیمیت خود را به مردم عادی با آمیختن آرزوها و رویاهای آنها در لایه‌های آهنگهایش تبارز داده بود.

به اساس کار ((هریش رهوانشی)) که به‌عنده گرفته است تا تمام آهنگهای موکیش را در یک کتاب جمع و انتشار دهد، موکیش در طول ۳۰ سال کار هنری اش مجموعاً هزار آهنگ دارد. یعنی بطور اوسط در هر سال ۲۸ آهنگ سروده است. از نگاه کمیت البته که تعداد قابل‌ملاحظه نیست، اما کمیت صرف تعداد و ارقام را بیان می‌کند نه قلم تسخیر شده هنری را.

بطور مثال سیگل در تمام حیات هنری اش صرف دو صد و پنجاه آهنگ سروده ولی اینکه او چه سرود با ارزشتر است تا اینکه به چه تعداد در سرود! سیگل این امتیاز را داشت که آهنگها کمپوزیتورهای را خواند که انعام درین سودجوی نبودند ولی موکیش در آثارهای عنکبوتی سینمای تجارتنی گیرمانده بود که بعضاً با وجود عدم تطابق برخی از کمپوزها با صدایش بطور لایه‌ای می‌بایست آنها را می‌سرود، با وجود آنهم غالباً انسانسون آواز از آهنگهای بدیعترین عارای ساخت. طلعت محمود یادداشتن ششم آهنگ شاید در انتخاب کمپوزها سختگیرانه برخورد کرده است.



## یک هزار آهنگ در ۳۰ سال کار هنری



ته بی ارتقا کړي تر یوې اندازې ضعیف شوي دي

نه پوهیږم هغه تل انضباط درلود  
- الرزګونښ وکړي له ټولې سره جوړ شي هسه  
سربازان به روزلي دي او سورشال موهم لیري  
کړي (پوه شوي؟)  
- هو، ښاغلی جګړن  
- او بیا کوي چې سربازان د سگرت خړکول په وخت  
کې احتیاط وکړي، کله چې غشي وپشتونکې دغه  
د شپې خلیلونکې چینجی وینې چې له یوې خوا نه  
بلې خوا ته یې ګوتې یې خاړت کوي  
په تیره اونۍ کې پنځه کسه سربازان په سروندو  
باندې په ګولۍ ولګیدل، ښه پاملرنه وکړي!  
پوه شوي؟  
- هو، ښاغلی جګړن  
دوم برید من الرزګله چې د ټولې په لوړ روان

لیکونکي: ولکانګ پورشرت  
ژباړونکي: ماسون

هره اونۍ یوه سه شنبه  
یو کال پنځوس سه شنبه  
او جګړه، د یوې سه شنبې لري.

\*\*\*

د دې سه شنبې په ورځ

په ښوونځي کې یې د القاد لویو تورو مشق کاوه  
د ښوونکي په سترگو، د بلې نښې لرونکې عینکې  
وي، عینکې جوګا ته د لرلې اولنزه یې هغو-  
مړه د بل ووچې سترګې یې په سختې لیدل کیدي.  
دوه څلویښت نجونې د توري تختې و پراندي  
ناستی وي اونه غټو تورو لیکل:  
(فریتس د خپلې بیاله لري، د برتاني د خندا غمز  
تیاره ورسید، په جګړه کې ټول پلرونه  
سربازان دي.)  
اولا (۱۱۱۵) د خپلې ژبې خوکه، ترسزي  
پورې ورسوله، ښوونکې هغه ووهله، (اولا تا-  
جګړه په (ګ) لیکلې، په (ګ) لیکل کېسزي،  
(ګ) لکه ګور، ماخوځوله درته وپلې دي))  
ښوونکې یو کتاب راواخیست او د اولا د نوم په  
وړاندې یې د چلیانته کینود، (د سبا لیاړه  
دغه جمله لس ځله ولیکه (پوه شوي؟))  
اولا وویل ((هو)) اوله ځانه سره یې زیاته کړه:  
(عینکې یې وګوره)) د ښوونځي په حویلي کې  
کارخانود د وږي لیري غوړول شوي ټوټې خورلې.

د دې سه شنبې په ورځ

دوم برید من اولرز ټولې قوماندان وټاکل شو.  
(تاسو باید خپل سورشال لیري کړي، ښاغلی الرزګ)  
(پلې ښاغلی جګړن؟)  
(هداس ده چې ویی ویل الرزګ! په دوم ټولې  
کې دغه موضوع په چاڼه نه لګيزي.))  
(ټاکل شوي ده دوم ټولې ته تبدیل شم.))  
(هو، او هغوي له دغې موضوع سره ښه نلري،  
ته نه شي کولای له هغوي سره سم ولاړ شوی.  
دوم ټولې له انضباط سره عادت لري، له دغه سره  
شال سره په تاسووته مني، تونن هسه داسې کوم  
شي له ځانه سره نه ګرځاوه.  
(هسه ټی شوي؟)  
- نه، هغه خبر راکړ چې ناروغه شوي دي، حال  
یې ښه نه و، له هغې ورسې نه چې د تونن رښې

پینلې سورین وویل: ((هو، هغه کولای شي))

د دې سه شنبې په ورځ

تونن هسه یې په تسکړه کې له حشراتو سره د  
مجادلی کوټې ته ونيو، د ننوتو د روزي پر سره  
یوه ټابلو داسې لیکل شوي و: ((که جنرال یې  
که سربازي، دلته باید خپل وپښته وځړي))  
د هسه وپښته یې وځړیل، د نرس اوز د یوې وږي  
ګوتې د غښ لاسواوښوته ورته وي.  
د بند وپوشاوغواي لږ سره ښکاریدله.  
هسه ته یې په کم شي باندې چې د درملتون  
پوې یې درلود مالش ورکړ، ترسې خپل غښ ډوله  
لاسواو د هسه ښوونځي او وروسته یې په یوې ډبلې  
کتابچې کې داسې ولیکل: ((تودوخه ارا، نهښ



د سورشال یې له ځانه لیري کړ، سگرت یسې  
ولگاوه او په لور غږې وویل: ((د ټولې قوماندان  
دوم برید من الرزګ))  
په همدغه وخت کې د بزغز پورته شو.

د دې سه شنبې په ورځ

ښاغلی هانزن پینلې سورین ته وویل: ((کو-  
چې سورین! د دوم محل لپاره باید ښاغلی هسه  
ته کم شي ولیزو، لږ سگرت، پوخته خوراک، د-  
لوستلو لپاره خوکتا پونه، یوه جوړه د سټکې اودا-  
سې نورشيان، هلکان زکام نیولی، زه هم دغه زکام  
ښه پیژم، د پوره مننه.))  
(ښاغلی هانزن! د هولد رلین کتاب څنگه دي؟)  
- ((حماقت دي کړچې سورین، حماقت، نه، ښه  
په وي لږ څه ساده وي، لکه ولهلم پوشا وپسا  
همدارنگه نور.))  
اته خو پوهیږي چې هسه له ساده شیانوسره ډیر ه  
مینه درلوده، په مینه یې خندلې، تاسو خو په دي  
پوهیږي زما خدا په دغه هسه خوږه کولای شوی  
رخاندي.))

۱۱۱۶ یې هونه، په قوي گمان تیفوس)) او  
کتابچه یې وتر له د کتابچې پر وین لیکل شوي و:  
(د سمولنسک د ساري ناروغیو روغتون)) اسه دي  
کړنې لاندې: ((یوزرا وڅلورسوه بستري))  
موظفینود هسه تسکړه پورته کړه، په زینه کې  
سر له پر ستنې څخه د باندې وتلې و، اوله یوې خوا  
نه بلې خوا ته په حرکت کې و، وپښته یې ورته  
څړیلې و.  
د تسکړي یوه وږ وینکې ریزش کړیو.

د دې سه شنبې په ورځ

میرمن هسه د گاوندې د کورنګه وواژه، کله چې  
د روازه خلاصه شوه، هسه لیک یې چې په لاس کې و  
ونوراوه، مېرمن یې تونن شوي و.  
په هغه لپاره کې د سر ودرجه صفرلاندې څلور-  
پښتوه اودغه لیک نه ورسې په لاره کې و.  
د پاکت بروخ لیکل شوي و: ((میرمن تونن هسه ته  
دي ورسيزي.))  
میرمن هسه لیک جگ نیولی و، خو گاوندې یې هغه  
نه لیده.

څلویښتو درجې ساره، او تر شونډولاندې یې زمزمه  
کړه: ((بیچاره سربازان.))

د دې سه شنبې په ورځ

د سمولنسک د ساري ناروغیو د سارایې روغتون  
رښې د روغتون له سرطیبې څخه پوښته وکړه.  
(هره ورځ خوکه.))  
(پنځه شپږ کسه.))  
اوربیس وویل: ((نفرت پارونکې ده.))  
سرطیبې یې په خواب کې وویل: ((هو، نفرات  
پارونکې ده.))  
او هېڅ یوه ډبل سترگوته ونه کتل.

د دې سه شنبې په ورځ

د ((جاد ویر فلوت)) قطعه یې غزله، میرمن  
هسه خپلې شونډې سري کړي وي.

د دې سه شنبې په ورځ

نرس الیزابت خپل مور او پلار ته داسې ولیکل:  
(دخدای له مرستی پرته استقامت نه شي کیدای.))  
خوکه چې اسپستان ورنژدې شو، له خایه پورته  
شوه، اسپستان لکه چې د نړۍ د یوې وچې نیمه  
برخه یې پر شا پاروي د سالون له منځه په کړ وپسه  
ملاتیر شو.

الیزابت له هغه پوښتنه وکړه: ((هغه ته باید  
کم شي ورکړم.))  
ډاکټر خواب ورکړ ((نه)) دغه کلمه یې هومره  
وړو وویل چې تابه ویل له خپله ځانه شرمیزې.  
اوروسته یې تونن هسه د باندې ولیز داوه، د پا-  
ندی زیات غالمغال اوږدل کیده، چا وویل: ولسی  
مړي په ارامې سره پرېمکه نه زدي، هر محل هغوي  
له پاسه خوشې کوي او غالمغال جوړ یزي.))  
اسپستان له یو بسترنه بل ته یې هره ورځ اوهره  
شپه.

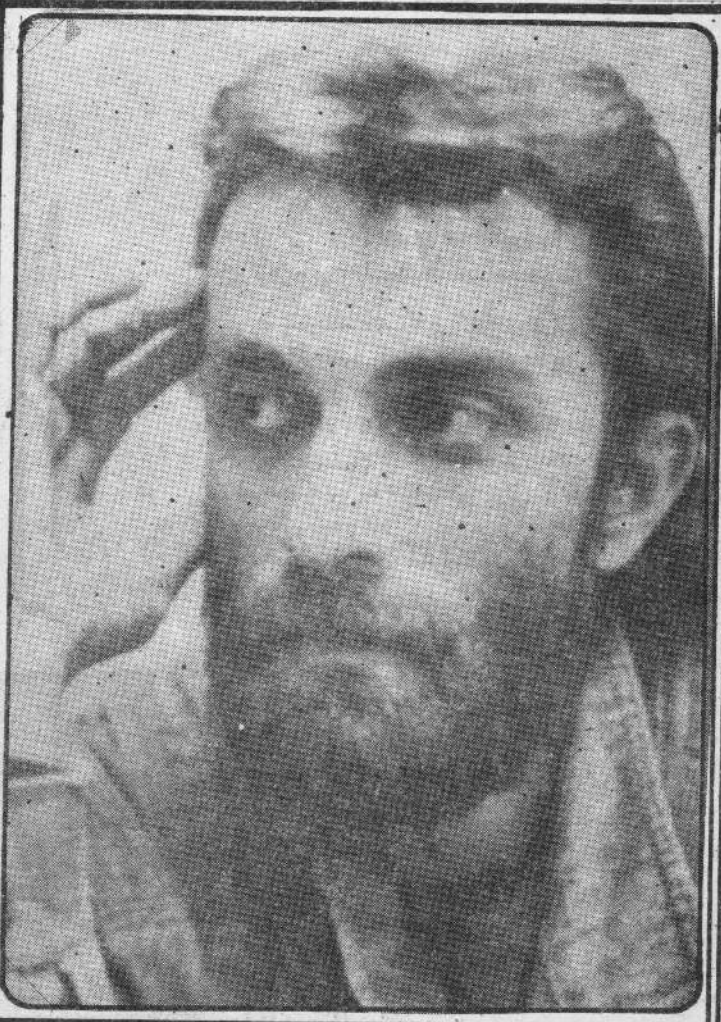
اوه دي ورپسې اود شپې په اوز د وکی، لکه د هغه  
چا غوندې چې د روند باری بر اوږ ووي، کس و پ  
د سالون له منځه تیرید.  
د باندې، دوه کسه چې تشه تسکړه یې وړله  
سره خپې راوړلیدل، یوه یې وویل: ((خلکورم  
نمبر ریزش کړیو.))

د دې سه شنبې په ورځ

د شپې، اولا په خپله کتابچه کې په غټو تورو-  
داسې لیکل:  
(په جګړه کې پلرونه سربازان دي،  
په جګړه کې ټول پلرونه سربازان دي.))  
اولا دغه جمله په غټو تورو لس ځله ولیکله، او جګړه  
یې په (ګ) لکه گور.

صاحبا ز پوپل

# لیلا، لیلا تو روز دوست است خدا یاد دنیا کو روز دوست است



## نعیم پوپل چگونه مجبور شد وطن را ترک گوید



زنده گان راد یوتلوزین از طرف شما ازین غذا محروم اید علت چیست؟

— شما واقعیت را گفتید من صرف در عروسی ها و محافل خوشی دوستان میروم و من

— در راد یوتلوزین چرا؟

— این چرا را باید از خود اینها بپرسید، از بد بريت موسیقی راد یوتلوزین که زنده باشند در روزه های مایوسی را بروی من کشود اید. همین حالام در حد و د (۵) پارچه برای بهار تعبیه د پده ام. انراد ر طلوع سوزنیک ثبت میکنم بعد از از زبانی اگر خدا بخواید که بد پرفته شود انرا لبسنگ خواهم کرد.

— خوب نفهمید من کلام را از موسیقی آغازیدم ولی شما ما بوس گله و شکر به خورد من داد پس بد یعنی چه. بیایید از سالهای دور صحبت کنیم از سال ۹۶ که همکاری تانرا باراد یوتلوزین کردید از همسان اهنگ نخست او از تان برای اکثریت بد پند برنده بود و است. پس بیایید در قدم اول از سرینش های هنری تان بشنویم، بعد من ایتم به طرف تلخی هایش.

— شما حتما استعدادی برای آواز خواندن داشتید ولی ایانزد کسی زانوی شاکردی هم زدید یا مشکل تعدادی از آواز خوانان ما گل خود رو بودید.

— من اساسا آواز خوانی را نزد برادرم نعیم پوپل امختم.

— میشود چند اهنگ او را نام ببرید.

— اهنگ: لیلا لیلا نوروز است خدا یاد دنیا کو روز دوست است

همچنان اهنگ: قدح را سرگنیم شب را سرگنیم. از اهنگهاییست که در انوقت ها زیاد سزبانها افتاده بود.

— ای این اهنگ ها از مرحوم احمد ظاهر نیست؟

— اول نعیم پوپل انرا خواند. بعد مرحوم احمد ظاهر دوسه پارچه او را در کست خوانده است.

— اولین اهنگ من: نگاهت راز من برگیر و بگذر.

— در انوقت چند سال داشتید؟

— در حدود ۱۹ سال داشتم.

— برای چه کسی انرا خوانده بودید؟

— از شعران خوشم آمده بود.

— گویند تان که واقعیت فقط همین بود.

— انرا برای کسی که فعلا شریک زنده گی من است خوانده بودم.

— ایاد راول هاهم از طرف راد یوتلوزین داشتید؟

— بلی. اولین اهنگ راد یوتلوزین با بسیار مشکلات ثبت کردم.

— در مجموع چند پارچه اهنگ در تان بشنویم، بعد من ایتم به طرف تلخی هایش.

— با آواز مقبولی که در اید ۷ پارچه خیلی کر نیست؟

— چه باید کرد کسی به راد یوتلوزین راه نمیدهد.

— علت انرا میدانید؟

— بلی میدانم. انانیکه از زبانی اهنگ ها را به عهده دارند نمیتوان خواست شانرا بر آورده بسازم.

— اقتصاد من خیلی خراب است.

— فقط همین علت است.

— یک گپ دیگر هم است من نه کابی بقمه در صفحه (۸۵)

گروه خودش قرار دارد. ازین هنر مند موفق صرف در حدود (۱۵) - پارچه اهنگ در ارشیف راد یوتلوزین موجود است.

از اهنگهای خیلی به نام او که در انوقت ها زیاد سزبانها بود اهنگ لیلا، لیلا نوروز است و اهنگ (قدح را سرگنیم شب را سرگنیم) میباشد که بعد از مرحوم احمد ظاهر دوسه پارچه انرا در کست خوانده است.

... و این همه راولی پوپل برام قصه میکند.

ولی پوپل آواز خوان خوش صدا را که سالهاست بروی پرده تلوزین بین زنده ام در یکی از عروسی ها بالا میستیز من بینم. او میخورد اید (( نگاهت راز من برگیر و بگذر که دیگر تاب دیدارت زدم ام )) این اهنگ را چنان با احساس میخواند که با کف زدهای مستند استقبال میکردم. مگره او را درین جا غیر مترقبه بیدار کرده ام از او دعوت میکنم تا به دفتر مجله بیاید که به قولش من ایستد و می آید.

شماره مشکل بیدار کردیم چرا انراد یوتلوزین میگزینیم. علاقمندان او از تان چی دارند؟ میگویند موسیقی غذای روح و زبان و احساسات است ولی تا جایی که دیده میشود بیننده گان و شنو-

بمبازند کشور ترک کند او نخست به ایران رفت. در انجا با گوشتوش خواننده پرواز به ایران اهنگهای د و گانه اجرا کرد. حتی زمزمه بین وجود داشت که با گوشتوش رابطه عشقی قائم نموده و با هم از نواج میکنند. بعد از انجایه فرانسه رفت و فعلا در کالیفرنیا زنده گی میکند.

نعیم پوپل هنگامیکه کشور ترک مینمود متاهل بود او خانم افغانسی داشت که فعلا هم با هم از زن و فرزندانش زنده گی مینماید.

ولی در انجا فعالیت گسترده هنری دارد گروه او بنام (( گروه کامیون )) نامیده میشود که در راه بین وقت میخواند ام احساس من کرد صدایش چون رودی در رگ های جان جاری میشود.

وقتی او میخواند فضا بسوی گلبرگهای شسته شده میداد.

وقتی میخواند تو میگفتی گلها میشکند و شاخه های خشک درختان شکسته میزند.

در بریت که آواز خوش نعیم پوپل آواز خوان جوان و خوشوش صداشنیده نمیشود زیرا که او در کشور پیرو برای مردم د پگسر میخواند.

نعیم (پوپل) در سال ۸۴ جبراً روی یک سلسله مسایل و قضا یا مجبوری ترک کشور کردید. و قضیه ازین قرار است:

د دختری که به یکی از خانواده های بانام انوقت منصوب بود به نعیم پوپل چنان دل باخت که وقتی متوجه عشق یک طرفه خویش گردید دست به خود کشی زد ولی نجاتش دادند. خانوادها دختر تصمیم گرفت تا بخاطر نجات دختر شان از انشی که تنها خودش در ان میسوزد نعیم پوپل را مجبور

## ولی پوپل درباره برادرش سخن میگوید

# زاکا کال وولک د ژرما راکا کال یوپی

کی نقل زره نازره وی یو آزی  
 د خیل احساس سره سم پرمخ  
 یی د خیل مراد د لاسسته  
 راور لود باره توله مخه رانسکر  
 زوی د مار به کال زیزید لسی  
 هلك قهار شعوت پرست او  
 خورا حساس وی اوزیزید لی نجلی  
 بنایسته وی به عابانیا نوکی  
 د بنایسته ستاین د باره مار  
 فوندي بنایسته اصطلاح وسیل  
 کییزی .

نیکمرغه به وی که د مار به  
 کال زیزید لی د گامینی اوچرگی  
 به کال زیزید لوسره واده وکړي  
 خود بیژود کال سره به طالعمنند  
 نه وی د پراگ او وحشی خوگ  
 د کلو سره به بد مرغه وی .

به یو یزیم کی مارک نیسه  
 موجود به توگه گیل کیزی د مار  
 رانو پاچا (موجالیندا) بوداد  
 سیل به وخت کی وژغوري مار  
 خو پی ی ترهغه وخته پوری ساتل  
 کیدی ترخود فیلسوف نگارچون  
 د نظر له مخی انسانان د مار  
 د پوهی سطحی ته ورسیدل .  
 همدارنگه به بوداییم کی مار  
 تهر چرگ د شعوت او خوگ د  
 جهل سمبول دی .

د منحنی آسیا منحنی خلک په  
 دی عقیده دی چی د مار به  
 کال زیزید لی نارینه که د سړی  
 اومیزی به کال زیزید لی نجلسی  
 سره واده وکړي د هغه  
 اولاد ونه به نامتوانان داره خلک  
 وی د مار به کال زیزید لی نجلی  
 که د چرگی اوتوپه کال زیزید لی  
 هلك سره واده وکړي دوی به  
 نجونی زیزوی .

د منگولیا اومنجوریا خلک عقیده  
 لری : (د مار به کال زیزید لسی  
 یو معتدل اوزره سواند مانسان  
 دی همدارنگه دی به منطقی  
 تیز فهم او برخله خبره ولاړ سړی  
 وی خو عیب به یی دشرویاتو  
 خنبل وی د زره مغلواو نوری  
 اوز دی ناروی به ولری د د  
 د باره لازم نه دی چی دخیل  
 رییس (وظیفوی) سره جنجال  
 وکړي به لومړی سرکی به رنغ  
 یو سی اووروسته به له منحنی  
 ولاړ شی .)

د تبت د شپيته کلتی کییزی  
 بیل د جینی کییزی له بیل سره  
 سمون نه لری به تبتکی دا  
 دوره د سوي د کال خخه بیل  
 کیزی به پداسی حال کی چی به  
 جین کی د موزک د کال خخه  
 بیل کیزی د دوی ترمنخ توپیر  
 به د روکلوکی دی به دی خاطر  
 اوسنی شپيته کلتی دوره به جین  
 کی به ۱۹۸۴ کال اوپه تبت کی به  
 ۱۹۸۷ کال کی بیل شوه .  
 د ۱۹۸۹ کال د فبروري د  
 شپزیم نیتی به شیه نوي کال  
 یعنی د زره مار کال بیل شو .  
 (چی ۱۲۶۸ هـ ش کال هم به  
 همدی نامه یاد یزی) د طبیعی  
 عناصرو د دی رنگ سره  
 مخه سمون لری کال مونث  
 (نرم) بلل کیزی د خختیو  
 خلکو په روایت به دی کال کی  
 زوری او بد مرضی بیسی سختی  
 نیستی تزلزل اوماته نه بیسیزی  
 د منحنی اوختیعی آسیا په خلکو  
 کی د مار خخه مختلف تعبیرونه  
 شته جابانیا ن عقیده لری :  
 ((مار د حکمت فراست اوارا دی  
 خاوند دی خورا طالع مند دی  
 هر خه ته بخان رسولی شی مار  
 متکبر او مغروردی خوشتر یافغو  
 سته شوی دی مار خورا خسرود  
 خواه او موزی دی خود علاقسی  
 په صورت کی مرستی ته هم دانگی  
 کله هم داسی ساتته کوی چی به  
 مشکله خوگ بخان حنی خلاصولی  
 شی مار د نوروه نظریو افیصلو

د هر عنصر د باره یوزنگ یعنی  
 سورد اور ژر د مخکی سپین د  
 اوسینی تور د اوبواوشین د در  
 ختی د باره مشخص شوی دی  
 کلونه به مذکر (کلك) اومونث  
 (نرم) ټول هم ویش شوی دی  
 د موزک پراگ نهنگه آس  
 بیژواو سینی کلونه مذکر (کلك)  
 اود گامینی سوي مار میزی  
 چرگه اوخوگ کلونه مونث (نرم)  
 بلل شوی دی  
 لویه یا شپيته کلتی دوره به  
 خختیوه اومنحنی آسیا کی لخورا  
 پخواخه د تاریخ په مختلف زمانو  
 کی منل شوی ده د انگیزه به  
 جین کی ترمیلاد مخکی به د وده  
 پیزی به جابان کی به مغولستان کی  
 به خلورمه پیزی به مغولستان کی  
 د میلاد په خوارلمه پیزی ۱۰ و  
 په تبت کی به ۲۷ ام کال کی منل  
 شوی ده .

همدارنگه کال میاشت ور  
 یی او ساعتونه هم دخارویوه  
 نامه یادیدلی لکه د (صفر متر  
 ۲ بجو) د موزک ساعتونه  
 (۲-۴ بجو) د گامینی  
 (۴-۶ بجو) د پراگ له  
 (۶-۸ بجو) د سوي اوهدا  
 راز تراخره پوری یادیدل  
 لویه کیزیه  
 پنخه کوچنی د وولس کلنی  
 د وری یوه لویه شپيته کلتی دوره  
 جوړ وی به دی دوره کی یو  
 خاروی پنخه واره به تکرارید  
 یزی خوه هر وار کی یوزنگ د  
 هر خاروی د باره مشخص شوی  
 دی د ارنکونه د پنخه طبیعی  
 عنصر یعنی درخته اوره مخکسه  
 اوسپنه او اوبوخه اخیسته  
 شوی دی د اوشیه لاند نیس  
 جدول کی به واضح ټول خر  
 گند یزی :

مور	نر	۱ شین	۱۳ سور	۲۵ ژر	۲۷ سپین	۲۹ تور
کوهسینه	بنیخه	۲ شین	۲۴ سور	۲۶ ژر	۲۸ سپین	۳۰ تور
پراگ	نر	۳ سور	۱۵ ژر	۱۷ سپین	۱۹ تور	۲۱ شین
سور	بنیخه	۴ سور	۱۶ ژر	۱۸ سپین	۲۰ تور	۲۲ شین
نهنگه	نر	۵ ژر	۱۷ سپین	۱۹ تور	۲۱ شین	۲۳ سور
مار	بنیخه	۶ ژر	۱۸ سپین	۲۰ تور	۲۲ شین	۲۴ سور
آس	نر	۷ سپین	۱۹ تور	۲۱ شین	۲۳ سور	۲۵ ژر
میزه	بنیخه	۸ سپین	۲۰ تور	۲۲ شین	۲۴ سور	۲۶ ژر
لیژو	نر	۹ تور	۲۱ شین	۲۳ سور	۲۵ ژر	۲۷ سپین
چرگه	بنیخه	۱۰ تور	۲۲ شین	۲۴ سور	۲۶ ژر	۲۸ سپین
لیپی	نر	۱۱ شین	۲۳ سور	۲۵ ژر	۲۷ سپین	۲۹ تور
خوگ	بنیخه	۱۲ شین	۲۴ سور	۲۶ ژر	۲۸ سپین	۳۰ تور

نامه یاد یزی به دی ټول :  
 ۱- موزک ۲- گامینه ۳- پرا  
 نگ ۴- سوي ۵- نهنگه ۶- مار  
 ۷- آس ۸- میزه ۹- بیژو  
 ۱۰- چرگه ۱۱- سپی ۱۲- خوگه  
 نوي کال به د جنوري د د یار  
 لسی خخه د فبروري ترخلو رو  
 پشتمی پوری (د جدید رویشتمس  
 خخه د حوت ترخلو رومی پوری)  
 بیل کیدی تل د سپوزم به  
 لومړی وړخ نامانعل کیدی د  
 منگولیا یی ژبی ویونکی خلک نوي  
 کال (سگان سر) یعنی سپینه  
 میاشت بولی نوي کال به نیمه  
 شپیه نه نامانعی بلکه د نوي کال  
 به لومړی وړخ د سهار سپید وته یی  
 نامانعی اوبه دی سهار دی یی  
 سینی خلک د یویل کورته سس د  
 نوي کال مبارکی وایی اوسفاتو  
 ویش د اعدات تراوسه پوری  
 به منحنی آسیا کی پاته دی به  
 به میلمستیایکی د فونواوشید و  
 خخه نیار سوي خوار به دستر  
 خوان اینول کیزی سپین  
 خوار به سپینه میاشت لور  
 حکمت د رلود او خلک په دی  
 ارمان وه چی د اخوا به به  
 نوي کال د رومو به زیانید وکی  
 اغیزه لری اود پوی خور لسو  
 به وخت کی یویل ته دخارویو د  
 بجایانو د زیزیدولو هیلیس  
 خرگند ولی اونه مغولستان  
 کی اوس هم د نوي کال لومړی  
 وړخ دخارویو دورمی به نامه  
 یاد ییزی .

نه نگاری د دی برخای چی  
 د اقمری شمسی ویولو به به  
 وی چی قمری شمسی  
 مشتري زحل کلزیه یی ویولو  
 بکه د انگیزه د لمر سپوزمی  
 مشتري زحل اومخکی د حرکتو  
 خخه ترتیب شوی ده د اداکبه  
 هم د وولس کلتی بلل شوی چی  
 د لمر به تاوخوا پاندي د مخکی  
 د حرکت خخه تصحیح شوی او  
 توگه ۱۱۶۸۶ کلتی دوره بولی  
 د اوزره د لمر به تاوخوا پاندي د  
 مشتري حرکت دی .  
 تراوسه پوری د دی کیزی د  
 پیدا کید وخوا یی چاته بحرگند نه  
 دی البته به آسیا کی دی خو  
 به خختیوه یا منحنی برخه کی د  
 خرگند نه ده د پوی خوانجو  
 می شمیرنه د منحنی آسیا د کوچنی  
 کلتور خخه لیری بریسی اوبه قوی  
 احتمال د جین د خوزون نجوسی  
 تاریخ لاسرته راور نه بلل کیزی  
 د بلی خواد کلزیه ټول خاروی به  
 لزا استتا (بیژواوچرگه) به  
 منحنی آسیا کی ژوند کوی اونهنگ  
 خوه مرعای کی ژوند کولای شی  
 بکه نوحمل به سل کی دیوه روایت  
 تا بید گران گاردی خو بیاه به  
 اعتماد سره ویلی شوی د دی کلزیه  
 جوړونکی مخرایی کوچیان دی چی  
 د مترکوجی مد نیت خاوندان  
 وړه خرنگه چی مخکی مورویل دوی  
 کلزیه دی کوچنی کلزیه د وولس  
 کاله ده هر کال د یو خاروی به

د هر نوي کال به راتلو سره  
 ټول خلک د نوپیدیدو البته  
 نیکمرغه پیدیدو به پیر به تمه وی  
 اوهریود خیل قیاس سره سم  
 راتلونکی اټکلونه وړاندی کوی  
 د ابخوانی آسیا یی عادت به  
 اروپا کی اوس د کلتور او کچر جیز  
 گریخیدلی دی خو پوهیزی  
 چی راتلونکی کال د کم خاروی به  
 نامه یاد یزی اوهغه ټول کالی  
 اوما سکونه واغوندي اود کال  
 به لومړی وړخ یا شپیه یو بنایسته  
 نویت بنکاره کړی به عانگری  
 توگه منحنی د دی پویشتی سره  
 پیره علاقه خرگند وی اورد سر  
 زره غواری چی د نوي کال هم  
 د هغه خصوصیات اوتقریسی  
 اټکل شوی راتلونکی خان تصعلیم  
 کسری  
 د کلونود اوشی یوه خختیوه  
 عنعنه ده چی د یوخواخه د  
 کلزیه به ټول د کال د عدد د سر  
 خنکه دخاروی هم لیکل کیدی  
 د اوشی دوی دوری لری لومړی  
 یی د وولس کلتی اود وده یی  
 شپيته کلتی دوره ده کله یی  
 پوهان د کوچینی اولوی دوری به  
 نامه هم بولی د وولس کلتی  
 د نورولس هاوکلزیه برتلسه  
 د ویره معموله کلزیه نه ده به  
 یقینی ټول د انگیزه د ویر  
 حقیقی نه ده لکه یوه نجوس  
 اوکلتوری کلزیه چی ده به  
 علمی ادبیاتوکی یی کله قسری  
 کلزیه هم بولی خود ایقینی

د ننی آسیا و نرغاد محلی خخه  
د شیر شاه رشاد ژماره



# مرزهای دانش

## آزون دفاع میخواید

ترجمه از فریدون

آزون مدتها در ساحه پاييس سراسر (توسفيو جزمين) در ارتفاع ۲۰-۳۰ كيلومتر سطح زمين - منتشر است، هرگاه آن از ديگر تركيبات اتمسفيو جدا ساخته شود قشری با ضخامت ۳ ميلي متر را تشكيل خواهد داد، در حالیکه ضخامت مجموعی هواي نورمال به ۸ كيلومتر میرسد، آزون - راديو اکتیف ماورای بنفش خورشید را جذب نموده، مانع ضرر به پوستی - بالایی سطح زمين و مانع تغییرات حرارت در اتمسفيو میگردد.

آزون پس از جذب شعشعات ماورای بنفش خورشید کسب حرارت نموده و سپس آنرا در هواي محیط پخش و انتقال خواهد داد. آزون با جذب شعشعات گرم سطح زمين بر اقليم اثر افکند و درجه حرارت آنرا کمتری میکند. از جمله دشمنان عمده آن فنون - رون و محیط بحرکات مشترک کاربن و فلور و کلور میباشند. از ۶۰ سال است که در میخان ها و کلور ها بشکل مانع مورد استفاده قرار میگیرد. این ماده زهر آگین نبوده، تو با فرار آن کم میباشد. در ارتفاعیکه انتقال میکند کاربن را آزاد می نماید، یک اتم - کاربن میتواند ۱۰۰۰۰۰ اتم آزون را تخریب کند.

بر علاوه فنون کارخان میخان! کساید آزون و دیگر موادیکه تعداد آنها به ۳۰۰ میرسد، قشر آزون را تخریب می نمایند. برای از دیاد معلومیات خوانندگان محترم نقل گفتگوی خبر -

نگار روزنامه از ویستیا با پروفسور ولادیسو زخاریف نظیده اتحاد شوروی در کنفرانس مونتهال که پیرامین اتخاذ تدابیر دروقیه قشر آزون از تخریب بعمل آمده نظیر - تدبیر میشود:

۱- آهنگ تخریب قشر آزون به چه پیمانها بست و ازین نگاه در سده ۲۱ چه چیزی را انتظار است. - در دهه ۲۰، که تاثیرات مواد مخرب بر این مورد مطالعه قرار گرفت، چنین پیش بینی بعمل آمده که در پایان سده جاری ۲۷ فیصد آزون کاهش خواهد یافت و مگر خوشبختانه این پیشگویی به حقیقت نرسیده است. قرار مساجات علمی، در صورتی آهنگ تخریب شدت موجوده را حفظ کند، تا نیمه سده آینده از ۶ تا ۷ فیصد پوشش محافظه خود را از دست خواهد داد. مقدار کم آزون اتمسفيو هیچگاه به یقین معلوم نبوده است، در - اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ مقدار آن صدمید بلند رفت ولی در اوایل دهه ۶۰ فیصدی آن دوباره پاييس اتمسفيو از ده سال نسبت به دهه ۵۰ پايين رفت و از نیمه دوم دهه ۷۰ دوباره پاييس آمد، فعلا قشر آزون ۳ فیصد نازک شده است. - کاهش قشر آزون برای انسان چه تهدیدی را در قبال دارد؟ - لزوم نیست از حجم آنتاب نامت شوش داشت، چه لباس مادی - بپوشد (صفحه ۷۵)

# آیاتصادم زمین با کدام ستاره ممکن است؟

فنا این دنیای آهنگهای اطراف ما، که با نجوم و کواکب مرصع گردیده، نمایشگاهی را مانند دران هزاران هزار کواکب و سیاره پرتو افشانی می کنند. زمین که مراتب این اجسام جویانگرمات در نظام شمسی است چندین بار از تصادم حتی سیارات دیگر که در مدار خود و اطراف آنتاب دور میمانند، نجات یافته است.

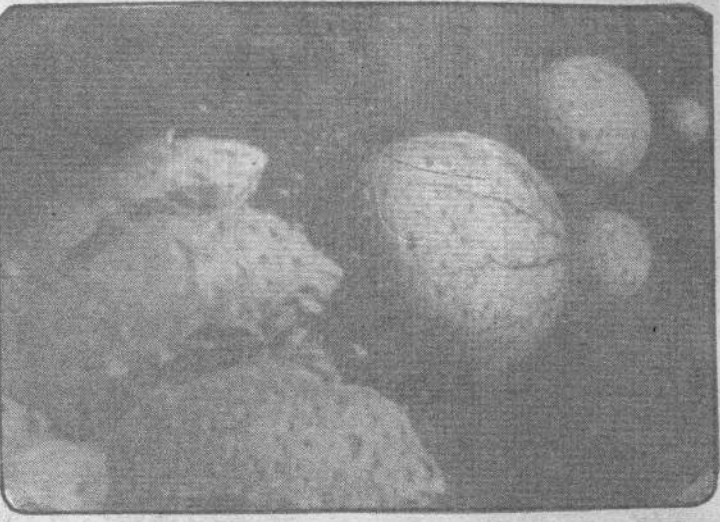
چه مشاهده خواهیم کرد - اگر یکی از ستاره های جدار زمین تصادم نماید؟ علما اظهار می دارند این کار در فاصله زمانی پنجماه و هفت سال بعد امکان دارد. بنا به نزدیک خلقت این امکان به میسر میسازد.

جمعیت پیوسته و نزدیک بود با رویکرد سال ۱۹۳۲ سنیکه (هیومز) ستاره کوچک که شکل و حجم غیر منظم داشت و علما آنرا کوه های پرواز کننده می نامند، تکرار کرد یعنی ستاره مذکور با زمین تصادم نماید.

کوه های پرواز کننده اصطلاحات تلکی است، طبق اظهار علما نجوم در باره این اصطلاح باید گفت: کواکب و کوه های پرواز کننده مدارات عجیبی را در خلال حرکت سالانه زمین بدور آنتاب انجام میدهد که این کار فرصت های نجات را برای تصادم با زمین میسازد.

طبیات سوزن، یکی از شاخه های سنتی ولی مهم طبایع خاور دور، در کشورهای کم رشد و فقیر از نگاه کاهش مبارک ارزنده تلقی شده می تواند اینگونه طبیعت باید در کنار طبایع عصری مورد بهره گیری قرار گیرد، برای نشان دادن ارزش آن مقاله زیرین ترجمه و تقدیم میگردد:

از چه شکایت دارید؟ بدین ترتیب پرسش را اکثر آغاز می یابد. - ارچه؟ از همه چیز، سر درد میکند، خواب ندان، اشتها ندان، پاييس از حد معیسن غذا میخورم، تکالیف عصبی دام، بایک عالم اندیشه هبای و تعاسیم به خواب میزنم ولی فردا باکس خالی از خواب بیدار میشوم. قهوه میبینم تا خود را تشکیسن دم، از دواهای مسکن استفاده می کنم، معده ام کس میشود، استفراغ دام و...



علمای نجوم اشاره میکنند اگر ستاره هیرمز با زمین تصادم کرد درین صورت حرارت به طاقست ۱۰۰۰۰۰ میگردد مواد منفجره بوجود می آید، سیاره عالم که ما آنرا می شناسیم تغییر میماند... زمین با سیارات شدیداً از زمین، امواج غبار و خراب، مواجه میگردد. این کوه تصادم و لوگر در آب یا خشک به وقوع می پیوست تا شیرات سالها سال در هوا باقی میماند... طبیعت زمین را تغییر میدهد که منجر به وفیات موجودات و خرابی کاینات میشود. کواکب چگونه فعالیت می نمایند؟

تاریخچه در صفحه (۷۴)

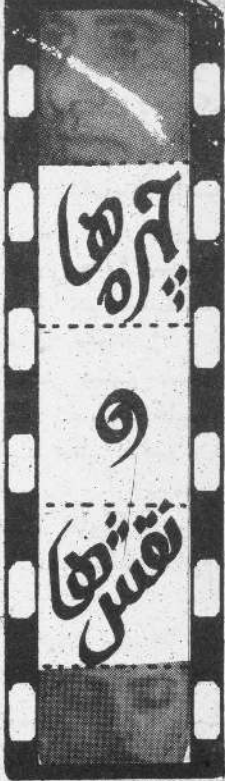
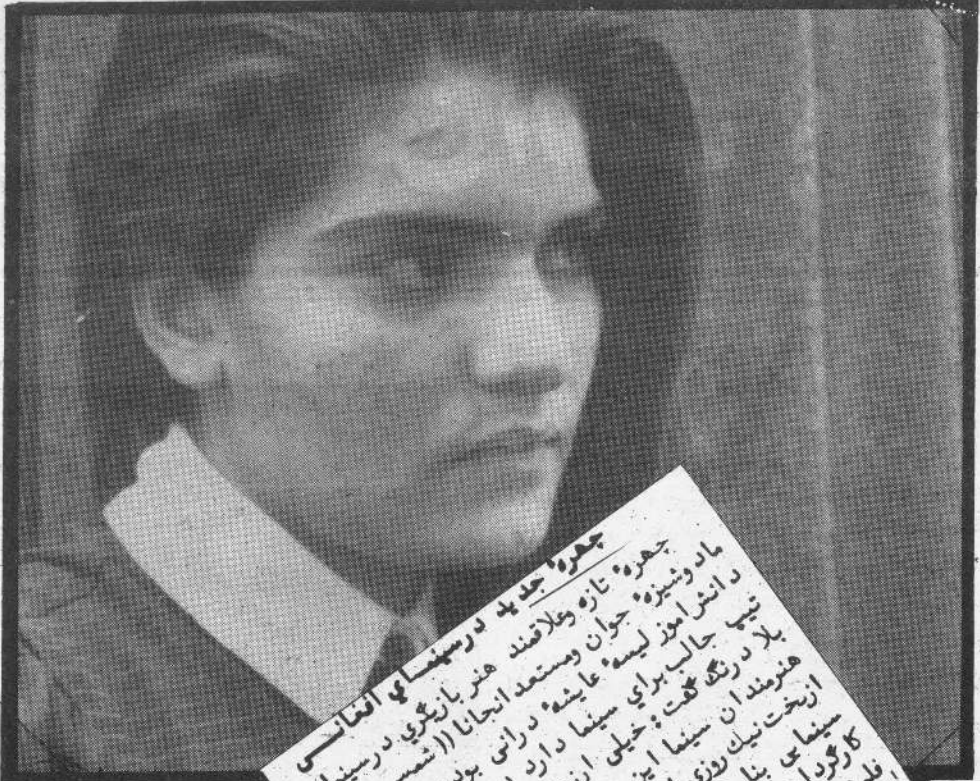
# در جستجوی نقطه مرگ و طول عمر

و میگوید، تریزین تقریباً دو الی ۳ دقیقه ادامه پیدا میکند، جالب این که بیچکاری در زمان صورت گرفته ولی بیمار درد را در دو جناح چپ و راست و سپس در آلات تناسلی و در قسمت پاييس معده پسا Solar plexus نقطه دیگر زنده گی خرد احساس درد مینماید.

دکتر تریزین می دهد: ادویه جانب اعضای جریان پیدا میکند وظایف نشان مختل گردیده است. مریس نیز احساس می نماید که دوا مانند راکت رعبری شده به تعقیب هدایت حرکت میکند. دکتر هونگ چنگ اون، مسر محقق و آمرانستیتوت طول عمر

در پاييس تخت جمهوری مردم کوریا نظریات خود را پیرامون طول عمر، که از هنده سان بدین سو بر مبنای تدابیر میزبان و نتایج فنانعت بخش آن قایم ساخته بیان میکند. علین امارات وی طب سوزن عمیق در رتد او میست. تنفسی، نفس تنگی، تکالیف جگر و تکالیف ناشی از حساسیت ضرر واقع میشود. شیوه دکتر هونگ عمر را طولی میسازد، این طول عمر بعلاوه از فریاد شدن سالهای زندگی شامل افزایش فعالیت واحساس لذت از زندگی نیز میگردد، نکات مهم معده کسار دکتر هونگ است که وی، بعکس محقق و آمرانستیتوت طول عمر

تحقیقات علمی، رتزون وسطی این را پیشگویی میکند که آیا امکان دارد تا دم یک سیاره با سیاره دیگر سبب انفجار گردد؟ ۱۰۰۰ علی الرشم اینکه نظیه، بالا تکمله جوانب وسیع موضوع در میان علمای قرون وسطی نمود ولی عده ناساد علمای آن صریحاً انهم ضمیمه تسمیر این احتمال میکنند: چهل و شش میلیون سال قبل کواکب شکل از دوام گازها ضار را داشت که توسط آنتاب احاطه شده بود، که جذب یک جزان توسط جز دیگر سبب تشکیل آنان گردید و در - اخیر در نظام شمسی همای شان - متناوب است. علمای امروزی نجوم به نظیه فوق الذکر با آنکه از جمله روایات و خیال علمی شمرده میشود، باور دارند هر ان اغانه میکنند: حدود شصت و پنج بلون سال قبل کواکب ضخیم دارای قطرش الی ده میل در اطراف زمین توسط قوه هولناک بقیه در صفحه (۷۴)



**چهره تازه و علاقتند هنر بازیگری در سینمای مادوشیزه جوان مستعد انجانا (انسی) -**

دانش آموز لیسه عایشه درانی بوده است. او که تنها حالب برای سینما دارد در برابر پرستش بلا درنگ گفت: خیلی ارزوداشتم تا روزی در میان هنرمندان سینما این هنر ظریف و حالب قرار بگیرم از نخت نیک روزی اطلاع یافتم که کار تهیه فیلم درمجلسه جویزیه (سفر) در دست تهیه است و کارگردان فیلم در جستجوی کاکترهای بوده که برای فلسفه انتخاب نمود. همانا بنا بر علاقتندی نزد (افایزه) که یک کاکتر ثابت و در مرحله محبوب فیلم برداش میاید کاندید شدم. البته نقش را به کاک برای اجرا کردم و بعد از آن در فونر رومان که در مرحله محبوب خانوادها و همجنان درنم (عاصی) از ساخته های موسی رادمنش نیز منجبت هنرمندی افغانسی با اسم گیری و اجرای نقش عاد سینمای دیگر دست اندر کاران و سینماگران گامهای منزوی درایند و برداشته باشیم.



# لیزا بیوی پرده

دوشیزه ایله ازمن شش سالگی با مادرش که از جمله هنرپیشه های مستعد سینما و تلویزیون است، بنا بر توشوین بدش راهی هنر تمثیل شد و گام بگام صحنه این راه، راپیمود و کون در سکوی موفقیت قرار دارد. او دوشیزه لیزا است.



لیزا در برابر پرستی افزود: اولین مرتبه ای که در برابر کمره فلمبرداری قرار گرفتم، دلم شور و هیجان خاصی داشت، خوشنود بودم که من روزی مثل مساندن (خورشید) هنرپیشه شوم و این فلم (گناه) نام دارد از ساخته های انجنیر لطیف، باردی به فلم سینمایی (گام های استوار) به کارگردانی توریالی شفق بعداً به فلم سینمایی قرار - بقیعد صفحه (۷۱)

## تصویر بردار

این جوان مرم و بر تلاش زمزی (سخی) یکن از تصویر برداران خوب تلویزیون است. او در زمینه کارش حرفه ای دارد که با هم میخوانیم - قبل از آنکه رشته تصویربرداری را پیشه کنم نهایت علاقتند زیبایی های طبیعت و خوانش اشعار بودم، همه زیبایی ها را در ذهنم تصویر میکردم. بدین

علاقتندی تلاش ورزیدم تا در مورد دسترس پیدا کنم هماناد رسال ۱۳۶۲ بدینسو به هنر فلمبرداری تلویزیون رو آوردم که در مجله پروگرامهای اخباری روز موه را - فلمبرداری نموده بعداً برنامه های اداره هنر و ادبیات کارگرن و جامعه، جوانان، اطفال و پیشه وران را ثبت و تصویر برداری بقیه در صفحه (۶۱)



# پیرین چوپیره جیره موقی

یکی از غریبانه گان بر فدرت سینمای هند که نه تنها با آفرینش نقشهای درخشان و نامتوازی و در هشتاد و نه سالگی (مردانگی) می یابد، بریم جو پرواست. از هنرنمایی این هنرمند میگردید، رادینما، فیلمهای او را در رقابت با بزرگان سینما در هند مشاهده کردیم. او در دهه هفتاد میلادی در جهان برزق میزد. او از جمله دست اندرکاران سینمای هند است. با وجودیکه به بزرگی و عظمتش در هند و جهان برزق میزد، در رقابت با بزرگان سینما در هند مشاهده کردیم. او در دهه هفتاد میلادی در جهان برزق میزد. او از جمله دست اندرکاران سینمای هند است. با وجودیکه به بزرگی و عظمتش در هند و جهان برزق میزد، در رقابت با بزرگان سینما در هند مشاهده کردیم.

# مرد خشن با سحرین تیکو



اوزنده گی را دوست دارم - شت و برای حقیقت وانعکاس از واقعیت ها در کرکتهای خشن نومیرت و عاطفه و انسان دوستی را با تمام جسارت در قید تمثیل آرایه میداد. این ستاره سینمای امریکا یک نام شناخته (جان واین) که نام اصلی آن ماریون میخاییل مورسین کبتاریخ ۲۶ می ۱۹۰۲ از پدر مهاجر اسکاتلندی و مادر ایرلندی است در ونیترسا (ایوا) امریکا متولد شد، می باشد.

(جان واین) در ابتدا اعلا - نمند بود تا آنسر نوای هوایی و - چندی در مکتب دریا نوردی - تدریس دید و پس از آن به کارهای متنوع بار زندگی را بدوش کشید.

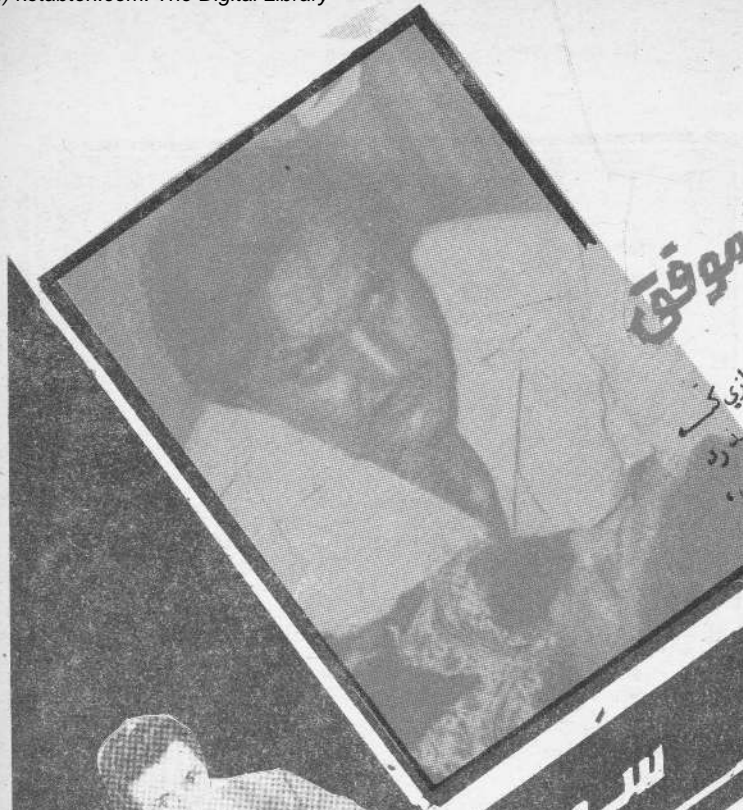
در سال ۱۹۲۸ جان واین به استدیو نوکس در شهر لانس - انجلس مراجعه کرده و در آن جا

در کارهای صحنه سازی فلم ها آموزش دید و به امور تهیه فلم اشتغال پیدا کرد.

نخستین چانس خود را در فلم (خط بزرگ) (( بیک تریل )) به دست آورد، پس از آن نزد یک ده سال در فلم های ارزان قیمت وسترن (کاوبای) نقش های را ایفا کرده و بزرگترین چانس طلایی آن در سال ۱۹۳۹ به فلم جالب کاوبای بنام ستیگ کوچ (وضع گادی چهار اسب) می باشد.

در سال ۱۹۶۹ به گرفتن نقش کاوبای در فلم (( مارشال )) جایزه اسکار را بدست آورد. درخشندگی او در چنین نقش ها برای - سالیان متعادی در زمره ستاره های ممتاز سینمای امریکا، او را از دیگر هنر بینه گان متمایز می گرداند، به تایید این گفته هفده فلم اوسالهای زیبا دی بهترین ارقام احصایوی تماشاگران سینما را بخود منحصر - ساخت. پس از آنکه جلو تر شد به رشته کارگردانی و تولید فلم پرداخت ولی درین زمینه موفقیت چشمگیری بوجود نیآورد.

بقیه در صفحه (۹۱)



# سیدین خاموش شد

و چنان رفته بود که سینما گری برای همیشه چشم از جهان سینما و سینماگری برینده و آفرینشگری جاودانه دست از قلمزنی برگیرد. آن که میخواست از سناریو های نوشته اش فلم و سریالی و نمایشنامه ها از بستر سپید کاغذ به پرده سپید سینما صفحه تلویزیون - صحن ستیز راه یابد و جلو آخرین گردد. ولی دریح که دست بمسرد مرگ آرزو هایش را به انجام و کرختی کشانید بقیه در صفحه (۹۰)

## نقش جدید من

امین رحیمی صحبت می کند



نقش جدید من در فلم هنری رنگه ۳۵ میلی متری بنام سفر می باشد که سناریست و کارگردان آن محترم سعید ورکری می باشد. بقیه در صفحه ۹۳

## آرچه ها



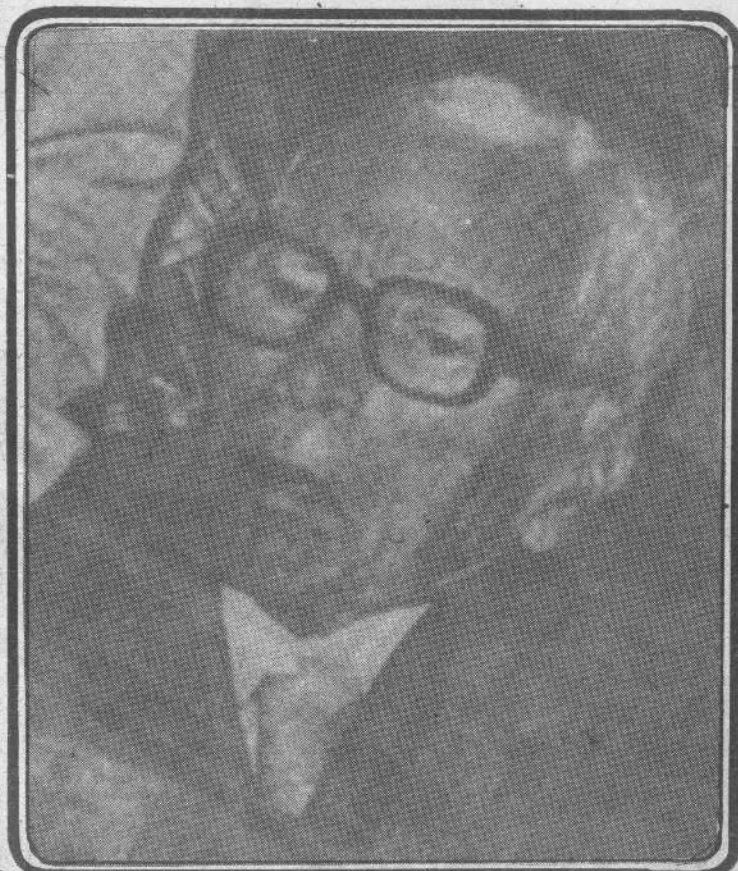
## تفصیلات

# قافیه و قیافه

## کوچک

# درسیمای یک مرد

## بزرگ.



در صد سالگی

# چارلی

استعداد و شهرت افسانه‌ای  
چارلی در سراسر جهان  
معرفی است

شخصیت خالص که در زمان  
حیات خود به شهرت و محبوبیت -  
افسانه بین میرسند بسیاری انگشت  
شماراند ، بخوبی کسانی چون  
چارلی چاپلین که برای مدت زمان  
شواری محبوبیتی پایان ناپذیر در  
میان مردم جهان داشته باشد .  
چارلی چاپلین بزرگ که در این  
روزها در سراسر جهان با حرمت و -  
ارادت نهاد به مقام والا او ، صد  
سالگی تولدش را جشن گرفتند -  
استعداد این شهرت آسانوی در  
ضمیمه همین گردیده بود .  
دو سال پیش از ظاهر شدن چارلی  
برای نخستین بار روی پرده ، هر  
خانواده از ناض آگاه بودند -  
موسکها ، اسپا بازی ، کودکان و حتی  
مسابقات به نام چارلی چاپلین  
مسی گردید ، مردم رقص شبیه راه  
رفتن چاپلین ابداع کردند ، ناض  
ورد زبان اطفال بود ، حتی در فلما  
مقاله چاپلین پدیدار گردیدند .  
چاپلین سیمای جاودانه شخص  
را در دل پرده سینما خلق کرد که  
همه مردم جهان ، خورد و بزرگ از  
دیدن آن شادمان میگردد و کیف  
میبرند ، کیدیهای او حکایتگر  
نابسامانی های تجسم کننده تب  
های معین روزگاران فلماهای  
صامت و فلماهای ناطق ، روزتا روز  
کسب اهمیت و اوج مینماید ، بهترین



است که این بزرگ مردسینما  
 همیشه ، کارگردان ، کمپوزتور و  
 پرودیسور را از زبان خودش شناخت .  
 - چه کارهایی که نکردم ؟ روز-  
 نامه فروش ، شاگردی حروف -  
 چینی ، شیشه سازی ، ساختن  
 بازیچه ، اطفال ، نوکر داکتر و غیره .  
 مگر در تمام این مدت مصروفیت به کار  
 های جانبی هرگز هدف غایی اکتور  
 شدن را از یاد نبردم .  
 تازه مانیک تغییر حرفه میدادم هر-  
 نوز از جلادادن بوتها ، شانه کردن  
 موها ، پوشیدن پیراهن پاک و از  
 رفتن گاه و بیگاه به تئاتر (بلیسک  
 هاور) ابانه ورزیدم .  
 - درستدیوی کمینی که مستون مک-  
 سنت ، سه بیوت صورت کار بودند ،  
 من هم طبعی بلهاس فادی در جای-  
 ایستادم تا مک سنت مرا خوبتر ببیند  
 اودر حالیکه آخر میگاش را میجهند  
 و گرم تاشا ی دیکور سالن هتل بود ،  
 ناگهان رهش را جانب من نموده گشت ،  
 اینجایک چیز جالب ضرور است خود  
 را بگونه کمید بینی میکاژکن ، هرچه  
 میل داری بیوت ، هرچه نکر کردم  
 عقلم قدنداد که چکونه خود را میکاژ  
 کنم ، از میکاژ و لباس را بیوتی خوشم  
 نی آمد ، در حالیکه جانب العاری  
 روان شدم بفکر آمد که پتلون گشادی  
 رابه تن و بوتهای کلانی رابه پا کنم  
 کلاه شیوی خوروی بسرو کنم و صای -  
 چوبین در دست بگیرم ، میخواستم  
 که همه چیز باهم در تضاد باشند ،  
 پتلون گشاد ، کرتی تنگ ، کلاه خود  
 و بوتهای کلان ، تعبدانستم که جوان  
 مینمایم یا من بخاطر نبودن مک سنت  
 مرا بزرگتر تصور میکرد ، اندیشه کردم که با  
 ایزاد بیوت بزرگتر معلوم میشوم ، تبسم  
 هنوز بر لبم روشن نبود ، مگر وقتی که  
 لباس ها را پوشیدم و میکاژ کردم ، نا-  
 گهان معلوم گردید که چه نوع تپین  
 دارم ، ناظا هر شدن بیورود سیتیز  
 تپ من در ز هنم جان گرفت و مکمل شد ؛  
 همینکه در برابر سنت قرار گرفتم با  
 تپیم کاملاً سائیز کرده بودم ، در -  
 برابرش به جست و خیز و قدم زدن -  
 پرداخته و صلبم را حرکت میدادم ،  
 در ز هنم حرکات کهدی و شوخی  
 های نهادی شکل میگرفت .  
 بقیه در صفحه ( ۱۴ )



تعیین کننده صادق

۳۵

# حکایت

# قالت



مادر سراسیمه میدود تا فرزندانش را نجات دهد

## چگونه در برابر چشمان مادری پسرش را به قتل رسانیدند

### این حادثه چگونه اتفاق افتاد؟

مادر هر لحظه به پسر جوانش می‌اندیشید که نخل جوان قامت او چه بیهر همانه بین چشمانش از بیخ قطع شده و بزمین غلتید. مادر در خوابهایش، در بیداری اش، در اندیشه اش و در خیالش فقط او را می‌دید که بین چشمانش بخود می‌پیچید و هوا را چنگ میزد، دست و پیا میزد و بعد رفته رفته سست میشد و دراز به دراز بجای می‌انداخت. آنوقت مادر سراسیمه و نسا آرام فریاد میزد و اندوهی بزرگ بر قلبش می‌نشست.

تقسیم دیواری ۱۱ حصوت سال ۶۶ رانشان میداد، عقربه های ساعت از عدد ۷ گذشت بود. نضا هنوز رنگ شیرین داشت که مردم کارته نوسراسیمه رو - حشترده با نیرهای پیهم گلوله های که از دهانه تفنگچه بی که پانگشتان یک جوان عاصی و قهر آلود فشرده شد از خانه هایشان به بیرون ریختند.

یکسال ازین حادثه المناک گذشته بود که زن سنی انگشت به دروازه دفتر کوید و اجازت ورود خواست و آنوقت بدون مقدمه گفت: (( قاتل پسر مرا محکم به اعدام کردند، آمده ام تا از شما بخواهم که این قضیه را در مجله تان بنویسید، و آنوقت به تلخی گریست، و بعد از سکوت کوتاهی به صحبت خود ادامه

داد: در سال ۶۶ راضیه دختر را که کارمند وزارت مالیه است با نعمت الهه نامزد کردم هفتوز سه ماه از نامزدی آنها نگذشته بود که بین آنها مخالفت آغاز گردید، یکبار بتاریخ ۵ نور دختر را در محل و خیفه اش لت و کوب کردند. بعد او را از موهایش گرفته به دفتر کارمن آورد و گفت: (( بگیر دخترت را، چله سرا پس بده)) در جوابش گفت: معامله مادر خانه بوده من و تو در خانه گپ میزنیم.

بعد بتاریخ ۱۸ نور سلامت ۲۱ بعد از ظهر خانه ما آمد میخواست دختر را سینما ببرد ولی راضیه که همان لحظه از رختشویی خلاص شده بود نمیخواست سینما برود. وقتی شوهرم داخله کرد، نعمت الله بالای شوهرم تفنگچه کشید مرمی که از تفنگچه او خارج شد به ستون سقف - انه فرو رفت که مو ظفین حوزة ۸ امنیتی هم از

موسم آگاهی دارند، در آنروز هم بدختر گفت: (( چله مرا پس بده)) دختر در جواب گفت: من دختر افغان استم اگر چله را دادم پس نمیگیم. دختر به اندازه آخر توهین و تحقیر شده بود بخصوص وقتی پدر من او پیش چشمانش تعدید شد نتوانست تحمل کند لذا نامزدی خود را با اوفسخ کرد.

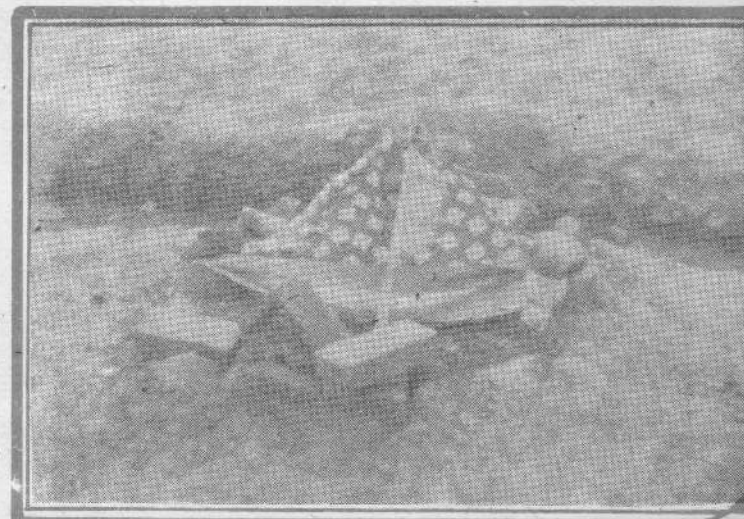
با وجود آنکه دختر نامزدی خود را با اوفسخ کرده بود بتاریخ ۲۵ اسد وقتی از وظیفه بخانه می آمد باردیگر در نزد یکی خانه او را تعدید کرد و پالایش چاقو کشید که با مداخله مردم و کوچکی ها دختر بخانه آمد.

- آیا آندو قبل از نامزدی همدیگر را میشناختند؟  
- نه شناخت قبلی بیین آنها وجود نداشت شوهر دختر کلانم با شوهر خواهر نعمت الله دوست بود و این وصلت به مشوره آنها صورت گرفت، نعمت الله

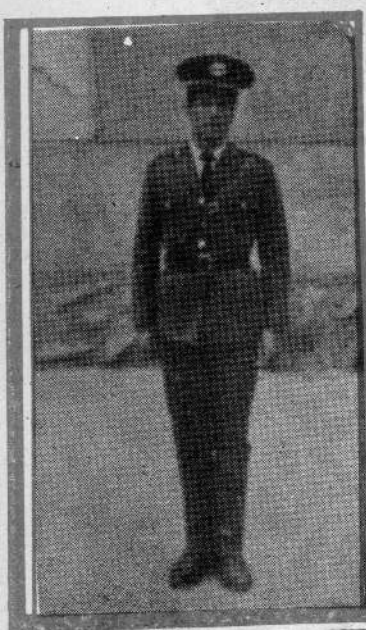
دختر دیگری را در نظر داشت که باید با او نامزد میشد و لسی نامیلش رعایت نداشتند. وقتی باد ختر من نامزد شده دختر همه ما زیاد خاطر او را میخواستیم اما او از همان نخستین روزهای نامزدی باد ختر سر ناسازگاری را گذاشت، و هرگز نظر دختر و خاطر دختر را نمیخواست.

بقیه در صفحه (۸۷)

## مرگ منتظر قاتل است



یاد بود مرگ جاوید در کوچه منزل شان



خواهر جاوید نیز درین حادثه زخمی می بود



# دیوارهای ۵۰ ساله کرملین

تیمارستان

کرملین اهمیت و مفهوم این کار در چیست ؟  
 دهی از انصاف های باستانی در باره آفرینش که تا به امروز معلوم نیست با رجوع به امپروسه پیشگویی نموده بود که درین مثل شهر بزرگی ایجاد میگردد یک قلعه مثل امار خواهد شد (سلطنت سه بعدی).  
 و درین شهر اهالی بیشتر از قبایلی مختلف گرد هم جمع میشوند و واقعا دیوارهای کرملین همانا به شکل مثلث متساوی الاضلاع ساخته شده است.  
 الساق خط دومی استحکاماتی کرملین با دیوارهای کرملین یک مثلث بزرگ دیگری را تشکیل داد که شامل میدان اساسی پایتخت - میدان سرخ - میباشد.  
 کلیسای ترویتس که رود و مرکز هندسی تمام استحکامات مسکو و سمبول ((سلطنت سه بعدی)) در میدان سرخ گردید (که امروزه نام کلیسای یگورسکی یا کلیسای واسیلیانینسک بوده معرف است که در اواسط قرن شانزدهم توسط ایوان کروتنوف - بنیادگذار تاجران از پروس - برخاسته قزاق ها ساخته شد (قرن شانزدهم و شانزدهم).  
 صحر و سمیت سه سیم استحکاماتی سرحدات دولت جوان مسکو و روابط وسیع تجارتی بیرون آمدن اودر صحنه سیاست جهانی مانند دول بزرگ اروپایی میباشد.  
 در زمان ایوان سوم جهت دفاع از حملات اجانب قلعه های یکی بی دیگری مانند قلعه نوگورد ایوان - گورد، کولونو و غیره احداث گردید.  
 در آن زمان مکتب شهر سازی روس ها به اوج بیشتر خود رسیده اما با آنهم جهت اعمار دیوارهای پایتخت روسیه معماران ایتالیایی دعوت گردیدند.  
 بقیه در صفحه (۸۶)

جهان را آغاز نمودند.  
 بیانه عظیم کارها، اعمار برج های اساسی دیوارها و کلیسای کرملین که در مدت زمان ده سال توسط ایوان سوم انجام یافت، حتی امروز موجب شگفتی جهانیان میباشد. چنین ساختمان بزرگ را در آن زمان حتی اروپای غربی هم نمیدانست. در نظر اروپاییان کرملین سمبول نیرومند دولت مسکو محسوب میگردد.  
 اعمار استحکامات کرملین به ترتیب معین صورت گرفت. در محلات نامحفوظ دفاعی در قدم اول برج ها و بعد دیوارهای بین برج ها را اعمار نمودند.  
 اولترازیمه برج (تائیسیتکا یا) اعمار گردید.  
 تحت برج مذکور چاهی را حفر نمودند و در آنجا یک راه مخفی به رودخانه مسکو متصل میگشت تا در مواقع محاصره کرملین از راه آب اکمال کرد. بنا برین برج بدین نام (تائیسیتکه یا) مسمی گردید.  
 در اوایل قرن شانزدهم در اطراف کرملین شروع به اعمار دیوارهای جدید نمودند. در سال (۱۵۳۸ م) تحت رهبری معتمد سیرا یانوی (پتروک) دیوارهای مسکو اعمار گردید. قسمت اعظم این دیوارها در دهه ۳۰ قرن حاضر تخریب گردید.  
 در سال (۱۵۸۵ م) دیوارهای شهر سفید (که در آخر سده هژدهم جای آنرا حلقه خیابان سرسیز عوض کرد) اعمار گردید. این یک امیل مقبول مسکو بود که توسط معمار روسی (نیویرکون) ساخته شد و در سال ۱۵۹۲ در مدت زمان ششماه بزرگترین دیوارهای شهر در جهان - دیوارهای یانزده کیلو - متری جویی که در محل آن بین قرون (هژدهم - نوزدهم) باغ حلقوی مسکو ایجاد گردید.  
 دیوارهای جدید یکجا با قلعه در قرون یانزدهم تا سیمیل واحدی را تشکیل داد. بدین صورت در زمان چیزی بیشتر از ده سال استحکامات نهایی مرکز روسیه اعمار شده اساسا - دیوارهای -

دیوارهای کرملین، در واقعیت امر، به یک مخطط معمولی گنجه معنوی آثار هنری استادان بزرگ مبدل گردیده است. از همین نگاه است که سالانه مشهوران رشته های گوناگون هنر، شعرا و مسلمانان پیشانی پروانه وار بدوران گردی آیند و از تماشاای آن حظ وافری برند.  
**دیوارهای کرملین مسکو ۵۰۰ سال عمر دارد**  
 دیوارهای کاخ کرملین که ۵۰۰ سال عمر دارد معمول دولت روسیه گردیده است. در مثل کرملین روزگاری جنگل انبوه قرار داشت که نام مثل - تپه پرویتسکی از آنجا گرفته شده است. در سال (۱۱۴۷ م) امپروسه (پوری دولگه روکی) درین تپه در کنار رودخانه مسکو اساس شهر را گذاشت. اعمار شهر در آنزمان معنای ساختن قلعه را داشت. معلومات کسی در باره دیوارهای باستانی مسکو حفظ گردیده است. نخستین استحکامات چوبی که در سال (۱۱۵۶ میلادی) ساخته شده بود. طبق معلومات در اشر حجلات تاتارها طعمه حریق گردیده و این دیوارها با زحمت بیشتر تجدید ساختمان گردیدند و در زمان امپروسه (ایوان کالیستی) در آغاز قرن (XIV) چهاردهم در مدت پنج ماه به استحکامات دیگر قدری قوی تر از آن تعویض گردیدند. اعمار آنها هم بیشتر از ۵۰ سال طول نکشید. در نیمه دوم قرن چهاردهم (روس دیمتری دویتسکی) تصمیم گرفت تا استحکامات جدید سنگی اعمار نماید.  
 در قرن XV یانزدهم تحت رهبری شخص امپروس بزرگ روسیه ایوان سوم و معماران ایتالیایی (انتسون فنانین، مارکو روجو، پیوتره انتونیو سولاری و الیگز نپانین، میلانتس) به همکار استادان مسکو در صورت وقوع رخدادهای جنسی تنها پوشش خشتی بارها مورد تجدید ساختمان قرار گرفته است.

امعار گردید. این دیوارهای دو کیلومتری، با در نظر - داشت شکل اراضی منطقه، شکل خط منکسور داشت تا از هر برج تمام نقاط مشاهده شده بتواند. - دیوارهای اولی کرملین، بصورت کل، شکل مثلث متساوی الساقین را داشت. در سال ۱۵۳۸ دیوار های دومی آن، بدور دیوارهای اولی پا مثلث اولی، که میدان سرخ را احاطه نمود، ساخته شد. قسمت اعظم آن در دهه ۳۰ سده روان تخریب گردید. در سال ۱۸۸۵ دیوارهای شهر سفید اعمار گردیدند که در اواخر قرن ۱۸ با حلقه خیابان سیزدهم شد. در سال ۱۵۹۲ بزرگترین دیوارهای شهر جهان، که ۱۵ کیلومتر طول داشته و از چوب ساخته شده بدست ساختمان سپرده شده که در سده های ۱۹ و ۲۰ بجای آن باغ حلقوی مسکو عرض وجود نمود. کلیسای ترویتسکی که رود، مرکز هندسی تمام استحکامات مسکو و سمبول ((سلطنت سه بعدی)) که امروز بنام کلیسای یگورسکی یا کلیسای واسیلیانینسک معروف است، در میدان سرخ جلب توجه میکند.  
 بدین صورت، اعمار استحکامات قدر دولتی روسیه طی یک مدت طولانی به مرحله اکمال رسید. برجها و دیوارهای کرملین از خشت های خوب تکلیف شده سرخ ساخته شده که هر کدام در حدود هشت کیلوگرم وزن دارد. معموره چلیپا مانند ازین آهک ساخته شده که معلا دیوارها را محفوظ نگه داشته است.  
 اگرچه استحکامات کرملین گاه گاه از حملات آتش سوزی ها، نبرهای تپ، انفجارات و تپ ها صدمه برداشته مگر هیچگاه به حملات مستقیم مواجه نگردیده و بنابراین نمانهای بزرگی ندیده است. در صورت وقوع رخدادهای جنسی تنها پوشش خشتی بارها مورد تجدید ساختمان قرار گرفته است.

کاخ کرملین، که یکی از بزرگترین بناهای دولتی تا به این شمار مورد توجهات شگفتی تماشاگران را فراهم می آرد، در سده پانزدهم و در دوره زمامداری امپروسه روسیه، ایوان سوم، بدست معماران روس و بدستباری استادان سنگ کار روس اعمار گردید. به این کاخ عظیم بنظر اروپاییان به نظر معمول عظمت و نیرومندی دولت روس نگاه میکنند.  
 انگیزه اعمار کرملین را احداث شهر مسکو تشکیل میدهد که در سال ۱۱۴۷ میلادی توسط امپروسه پوری دولگه روکی، پالان تپه کنار رود مسکو صورت میپذیرد چه در آن روزگاران اعمار شهر معنی ساختن قلعه را داشت و کرملین قلعه بی بود که جهت همه شهر مسکو بنا کناری شد. از آن زمان به بعد شاهان روس، یکی بی دیگری، به منظور دفاع شهر از بیوش های بیگانگان، به ساختن و تکمیل و تجدید استحکامات شهر پرداختند.  
 کاخ کرملین مثلث انبرجها، دیوارها و کلیسای های است که در دوره های شاهان مختلف، مخصوصا دوره ایوان سوم، ساخته شده است. در گام نخست بدور قلعه ابتدایی، مخصوصا در قسمت های غیر صحن، به اعمار برجها توجه مبدول گردید. این برجها، که تعدادشان به بیست رسید، هر کدام سیمای معتمدی و نام مخفی بخیرود دارد. نخستین برج طوری ساخته شد که تحت آن چاه عمیقی حفر گردیده بود. این چاه انیسک راه مخفی یا رودخانه ارتباط داشت تا کرملین در صورت محاصره از همین سبب به ماینیتکه به معنی گردید.  
 بعد ها، در اوایل سده شانزدهم، در فاصله های بین برجها، دیوارهای محافظتی بدور کرملین

بنای بزرگترین دیواری اعمار گردید. این دیوارها در سده های پانزدهم و شانزدهم اعمار گردیدند. این دیوارها در سده های پانزدهم و شانزدهم اعمار گردیدند. این دیوارها در سده های پانزدهم و شانزدهم اعمار گردیدند.

# فروشنده‌های سبزه‌ها در انگلستان

## فروشگاه آناه‌ها در هندوستان بزرگترین فروشگاه جهان

سخت اعتماد دارند \* متخصصان کارآموده هر هفت  
دیارتنت فروشگاه به منظور جستجوی اشیای گران  
بها ونادر به هر گوشه و کجایند نیا سفر میکنند ، بسا  
علاقندان وگردانندگان آثار به داد و ستد میزند ازند  
و در حراج ها اشتراك میوزند .

انتونی سبزه ۴۹ ساله ، امر د بیارتنت  
نقاشی ، همن تماشای سالون فروشات اگسفورد به  
اثری بنام منظره انبار صحرایی عهد ویکتوریا ، که  
به صورت رنگه آبی کار شده است ، برخورد و به آن -  
چنان علاقمند شد که به همکاری و وظیفه داد تا در  
حراج آن شرکت جوید ، این اثر هنرمندی گمنام از طریق  
مزایده به قیمت ( ۶۰۰۰ ) پوند به سبزه تعلق  
گرفت ، چه سبزه حد سر زده بود که این اثر از -  
نا بیغه رویایی قرن نوزدهم سامویل بالمر است ، بعد  
ها آنرا به ۴۰۰۰۰ پوند به فروش رسانید .

انتونی گاردنر ، مسوول آثار هنری جنوب شرق  
آسیا ، ضمن دیدار از توکیو یک اثر برونزی با ارزش  
تاریخی را با آنکه خیلی خورده هم شده بود خرید  
و ترسیم نمود .

بعد ها معلوم شد که برونز منجوسری ، یکی از مر -  
یدان بود ، از موزیم میانامی بنگله دیش آمد  
است . او میگوید ، ( احتمالاً این برونز در زمان  
حکومت هند و پاکستان به سرقت برده شده باشد ، صا  
کاملاً آماده ام آنرا بازگردانیم مشروط بر اینکه مقامات  
بنگله دیش تعهد بکنند که آنرا در موزیم ایالتس  
بدون امنیت نگذارند . )

با انعامه مجدد برونز ، سبزه مبلغ ( ۵۰۰۰۰ )  
پوند قیمت بازار را از دست داد و این گذشتی است که  
گاردنر آنرا چنین توضیح میدهد : ( آنچه را که ما  
انجام میدهم عبارتست از حفظ آثار برای نسلهای  
آینده است . )

در حمله آثار افغانی مجسمه های از گند ها را  
که از نظر مضمون بودایی و از لحاظ شکل یونانی بود  
و میراث فتوحات قرن سوم قبل المیلاد سکندر کبیر  
بشمار میرود ، نیز در این فروشگاه وجود دارد .  
گاردنر میگوید ، که تا این اواخر آثار هنری و منا طبق

سلطان در تدارک هدیه بی به ملکه  
انگلستان از جواهر فروشی سبزه و سران واقع در  
لندن ، که ( ۳۰۰ ) سال قدمت دارد ، استمداد  
جست ، شرکت در ظرف یکماه ستاره طلایی و گلوند  
جواهرنشانی ساخته و را اختیار شد گداشت .

این شرکت برای بیش از ( ۷۰ ) کشور جهان و  
همچنان برای ملکه ، شعزاده فلیپ و شعزاده ویلز  
مدال ها و زیورات طرح و ساخته است که همین امر  
موجب شهرت جهانی آن گردیده است .

این فروشگاه به عنوان مخزن آثار هنرهای زیبا  
سالانه بیش از ( ۳۰ ) میلیون پوند ستارنگه داد و ستد  
دارد . هرگاه بهترین را میخواستید ، همینجا است  
گزانبهاترین آثار در همینجا است .

تلفورد شوت ، امرا داری فروشگاه اظهار  
داشت ، ( این فروشگاه در سطح جهانی جالب  
ترین نوع خود است . )

نمایشگاه های سه منزله و گالری های آن از -  
مجسمه های شرقی ، منسوجات ، نقره باب ، نقاشی -  
ها ، جنی باب ، مسکوکات ، کتب ، مدال و تعداد  
زیادی از اشیاء و احضایر برانگیزند و جالب آنگند  
است . جالبترین بخش آن قسمت آثار چینی و جا -  
بانی است که یکجا با دیگر بخش های شرقی منبع  
ثروت درآمد شرکت را میسازد ، اجناس ترتیبی  
از قبیل عاج ، برونز و جنی باب چنان با نظم و شکوه  
خاصی در آنجا چیده شده است که کویلا خان  
میتوانست آنرا به شرکت خویش در خاناد و انتقال  
دهد .

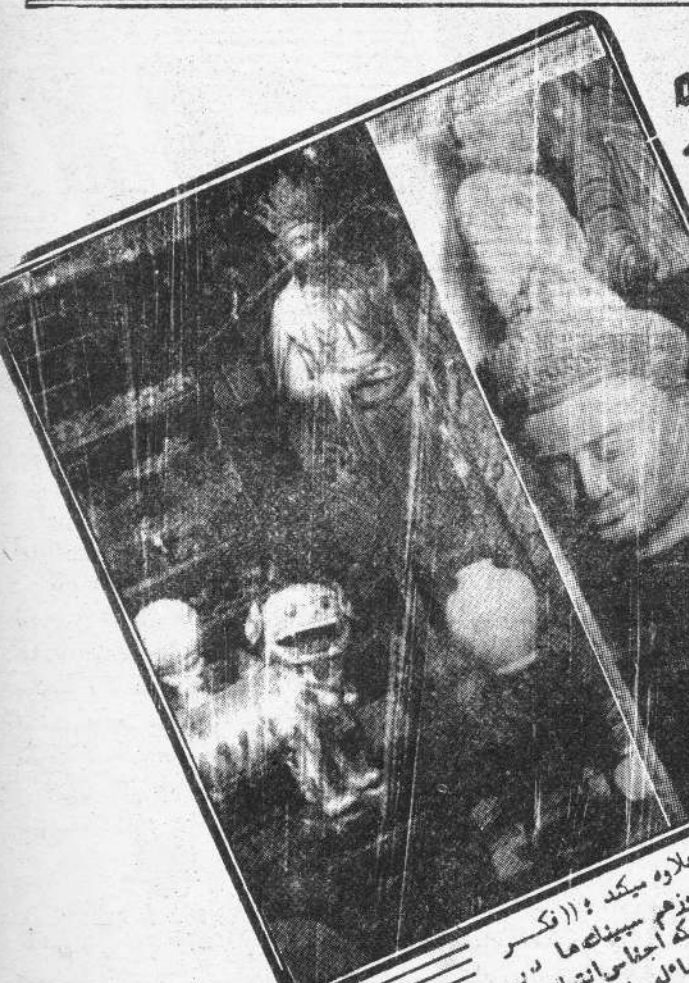
فروشگاه در این اواخر قار شده است که ۴۰۰۰  
لباس کلاسیک شبانه را که مربوط به سال ۱۹۵۰ -  
است و روی آن شلنگ نقره ای که منقوش با جعره ملکه  
سکات میباشد ، در برابر ۵۰۰۰ پوند به دست آورد .

داشتن همجو اجناس د لکتر توجه علاقمندان  
ماورای ابحار را بخود جلب نموده است ، یک امریکایی  
سخت علاقمند است تا در برابر بدست آوری مجسمه  
های سنگی هندی هر چه بیشتر پول مصرف کند .  
مشتریان خصوصی و موزیم ها به فروشگاه سبزه

# مغازه های لندن



میکایل سپینک، ۳۱ ساله، کارشناس ماهر هنر های اسلامی گفت: ((حتی در دوره مقدساتی مکتب می دانستم که به شرکت می پیوندم)) هنگامیکه نامبرده از رشته تاریخ و تاریخ هنر در کالج فنان تحصیل کردید از طرف صوفا پیش در امرتجا



رئی شرکت پذیرفته شد. او علاوه میکند: ((فکر میکنم خوش استند از اینکه تا هنوز هم سپینک ها در شرکت وجود دارند. برای آنانیکه اجناس انتیکه را جمع آوری میکنند، شاید این مسأله پیکار رشته ارتباطی دیگری باشد که باید داشته باشد.))

جنوب شرق آسیا کمتر بوده و ناچیز شمرده شده است. ولی از آنجاییکه این آخرین تمدن بزرگ بشری است چیزهای زیادی را میتوان از آن گردآوری کرد. قیمت تثبیت شده هر پارچه آن تاکنون در حدود چارمیلیون دالر بوده که با این پول به مشکل میتوان نرسید. از رینویرا خرید، هنوز هم بزرگترین آثار این مناطق را میتوان در بدل (۵۰۰۰۰) بوند بدست آورد.

دیپارتمنت نقره ای که موند لیرد کلاویز مسولیت آنرا به عهده دارد، برای من نیست به تازه می رونق پیدا کرده است، خریداران در جستجوی متاع خوب اند و داد و ستد نقره باب ناد بازار خوبی کسب نموده است. بیاله می مربوط به الهیزابت که ده سال قبل مبلغ ۱۰۰۰۰ بوند ارزش داشت، اکنون بهای آن به بیش از ۱۰۰۰۰۰ بوند رسیده است.

در حال حاضر، کلاویز لندن را به مثابه مهمترین بازار نقره میشناسند. در این تازه گی ها، مالک یگانه یادگار بیروزی مسابقه اسپ دو انی چیز دو م یعنی قاب باستینگ ستون در سال ۱۶۸۸ از طرفی کلان نقره پی که به سیک جینایی ترین یافته میخواست آنرا به فروش برساند، این شخص به فروشگاه سپینک مراجعه کرد و آنها مشتری اروپایی را پیدا کردند که حاضر شد مبلغ (۲۵۰۰۰۰) بوند در برابر آن بپردازد.

باتا، سیرد دیپارتمنت مسکوکات در سال ۱۸۲۰ - سپینک نخستین قدمی را برداشت تا حیثیت یکی از بزرگترین معامله گران هنرهای زیبا را در جهان کامی کند. در حال حاضر باتریک فینن مسولیت این

دیپارتمنت را بعهده دارد، نامبرده یاد آور میشود که مسکوکات کلاسیک روسی و یونانی از جمله مسکوکاتی است که در سطح جهانی طرفداران و علاقمندان زیادی دارند ولی معامله گران برتانیوی مسکوکاتی را که در انگلستان ضرب زده شده اند ترجیح میدهند. زمانی انگلستان بیش از (۷۰) صرا - بخانه انگلوساکسون ونورمان را دارا بود و بعضی از علاقمندان تا که میتوانستند سکه جمع آوری کرده اند، برخی دیگر صرف سکه های طلا یا سکه های بزرگ پنج شلنگی را جمع آوری کرده اند، در این تازه گی ها، سپینک، سکه پنج شلنگی گوتیک عهد ویکتوریا را به مبلغ ۱۲۴۰۰۰ بوند بمزاید گذاشت و ریکارد جهانی را قایل کرد.

معامله داران شرکت شامل کسانی همی شوند که مایلند اشیای خود را به فروش برسانند چنانچه زنی در باغچه شهری تازه بیل زده شده سکه کوچکی را دریافت، فینن با تشخیص اینکه این سکه یکی از سکه های اولی انگلوساکسون دوران شاه (اوسا) در قرن هشتم است آنرا به مبلغ ۳۰۰۰ بوند خرید و واژن خوش شد. بقیه در صفحه (۸۹)



# زندگی استعساله کی

از سلسله کشت زار سوخته

تعبه کننده صباح الدین رهش

اوراد یکی از شعبات جنایی خازندوی میباید . شوهرش به جرعت اعتیاد و فروش هیرویین در اینجا توقیف است . نگاه های وحشی و روسپیانه دارد . به خنده های بی معنی و لحن بی ادبانه عادت کرده . بیان عربان دارد و شیطان از گشته هایش نمیشود . به مشکل موفق میشوم که قصه اش را از خود نریشم ، میگوید : (( ما قصه میگویم به شرطیکه تو او را چاپ کنی که کل دنیا نم مره بفانم و بفانم که چی دل کلانی دارم و در گه مره ملامت نکن و نگوی که ما به دل خودم زن هر جایی شدیم و ... )) قبول میکنم و او با زسان خود قصه میکند و من با زبان خود می نویسم :

\*\*\*

شاید در آن زمان نمیدانستم که چه سرنوشت شومی - آنگاه باشم و بی عفتی انتظام را خواهد داشت ، هنوز سالهای ده هم عمده بود که درد مرگ مادر مانند هر طفل بی مادری رخنه سوزنده می درمن بدید آورد ، فضایی هرات زمین ( زادگاهم ) برایم تنگ شده بود . همیشه بیاد مادرم میگیرم ، بیاد مادرم که مرا ( گل بی بی ) خطاب میکرد ، گلی که بر پرشند - گلپیکه یارای ایستاده می در برابر نسیم صبح نداشت . در تلاطم یک توفان از سرزمین برکه ها و لجن - زارها در میافتد . مدت کوتاهی از مرگ مادرم میگذرد که پدرم به فکر همسر دیگری میافتد و اما هیچکس حاضر نیست تا با مرد کلان سن که پدر یک دختر هم است ازدواج کند و سرانجام خانواده بی از قضا مردمان عیش و هوس حاضر میشود تا دخترشان را به عقد نکاح پدرم در بیارند ، به آن شرط که من باید الی رسیدن به سن بلوغ و قانونی پانزده سالگی آن فامیل گردم و ایام نامزدی را به خدمت در آن خانسه گذاشته شوم ، آنها در شعر کابل زنده می میکنند و بعد از آنکه پدرم شرط را میدهد ، من به کابل انتقال داده میشوم - حالا دیگر برایم جز یاد های از مادرم به ارمان نرسیده ام ، چیزی وجود نداشت . او مرد و مرا با کوله باری از اندوه و آشک - تنهایی و بی خانه گی در این دنیای بزرگ برای گریستن و کوچک برای شاد خندیدن ، تنها گذاشت . من طفل بودم - شاید هنوز از راست و چپ چیزی نمیدانستم - هم خانه هام همه مردمانی بودند که تازه با آنها آشنا شده بودم ، تازه د شناسمایشان گاهگاهی گوشم را نواز میداد - من تا حال از سکوی بلندی دست و پا زان برتاب شده بودم - هنوز به زمین نخورده بودم - شاید در نهایت نفسهای تنگ ، در یک شب سیاهتر از هر سیاهی به زمین خوردم و دره - دره چون فریاد هایم با شنیدم . آنشب در دست شپش بود که ننگه های از آغاز مرگم بر صفحه زنده گی ام نقشه شد . من آنشب مردم و تا حال بر طومار آن مرگ رنج زنده گی دور از عفت رامیسم - آنشب نامزد جوانی می بروم مانند چند یسن

شب دیگر به بستر آمد - به بستر دختر دوازده ساله ای که از کسالت کار بام تا شام میخواست آرام گیرد - من از بوسه هاود ست بازی - هایش جز آزار چیزی دیگری را نمیافتم - شب مرگم به نیمه اشرنرسیده بود که با چینی خود را غرق دیدم ، و من آنشب چرکین مردن را فرا گرفتم - دیگر دختر باکره بی نبودم - من دیگر ( گل بی بی ) مادر نه - زن دوازده ساله بی بودم .

و شبهای سیاه یکی بی دیگری مانند لحظات آنگاه از توهین و ظلم بر من گذشتند - در سیزدهمین سال عمرم آنقدر خود را ناتوان و ذنبون یافتم که ناگزیر از خانه وهم خانه ها فرار کردم .

فرار - این بزرگترین دروغ - این بی بنای ترین واژه در انبوهی از آدمها و آدم نماها چه کنی میتوانست به من انجام دهد ؟ به خاطر دارم که راهروهای کارسرت کارت - سه کابل را با گریه و فریاد به استقبال یک شام بی مکان میشتافتم - چشمهایم من میدیدند و شاید تنها برای همان لحظه تا صبح به حال میگردند .

در حالیکه سخت میگریستم بی زنی با مهرانی دست به سرم کشید و چنانکه باید به گریه طفل سیزده ساله بی آرزی داده شود ، دلیل ناراحتی ام را بر رسیدن آنها همینقدر گفتم که در خانه فامیلم برایم حای زنده گی نیست و پدر و مادر ندانم - خانم بیو مرا به خانه خود دعوت کرد و گفت میتوانم دخترش باشم . زن سیزده ساله بییک سرگردان یک سرنوشت شوم در کوچه های شهر نادیده می بود ، زیاد از این تعارف چه میتوانست بخواهد ؟ چه میتوانست از روزگند ؟ و من بدون هیچ پرسشی پذیرفته در حالیکه دست بی زنی را در بین موهایم چرک لمس میکردم و لطف غرض آلودی را احساس میکردم ، راهی منزلش شدم ، در خانه محقر بی زنی یک پسر جوانش نیز با او زنده گی میکرد که از همسرش جدا شده بود و در یکی از اولین شبهای زنده گی در این خانه محکم به پذیرایی وهم آشپزی او گردیدم - ناگزیر به اطاعت بودم بخصوص حالا که از کیف بردن نیز کم بهره داشتم زنده گی در این خانه نیز عمر کوتاهی داشت هنوز کسالت از زنده گی ام در این خانه نگذشته بود که یکروز همیستم گفت : (( کالایته جمع کوکه توه به جایی میسم )) و من نمیدانستم که کجا و به چه مقصدی میرم ، صبح وقت سوار سرویس سفری شده بازم قند ها گردیدم . رفتن از شهری به شهری حالا دیگر برایم مفهم نداشت چه من از خود نبودم - شاید اگر صاحبان نمیخواستند به زنده گی کردن نیز اجازه نمیدانستم .

در قند ها مرید در یوریکه در انتقال مال تا جران از یک شهر به شهر دیگر کار میکرد ، مراد ریدل پول - بولیکه قیمت من بود و تا حال اندازه - انرا نمیدانم از نزد صاحب قبل ام خریدم . ( بخاطر آمدن بود که زمانی پدرم مرفی را خریدم بود و از وی آریزان تا خانه آورده بود و من فکر میکردم که با پاسر قیمتش را خواهند دانست هرگز ) . من حالا دیگر یک زن نوجوانی بودم که کمتر میتوانستم از سرنوشت

آگاه باشم - در زمانیکه شاید سرنوشت راه نامش نمیدانستم ، زمانیکه خود را غشته به نجای میدیدم ، نمیدانستم که چسرا باید محکم به زنده گی شوم و اینبار تقدیر مرا دوباره به کابل آورد - نمیدانستم که اینبار چگونه مصدر خدمت به ماحم خواهم شد ، وقتی به کابل در خانه بی انتقال داد ، فکر میکردم شاید در اینجا تنها یک مایه داشته باشم ، اما - در رخ که اینبار هر شب و یا چند شب بعد مالکهای موتقی را باید پذیرایی میکردم -

باعین این آدم نماها خود را برایشان سرویس کتم ، در دستهای قهار و وحشی شان بلوتم و دره دره - وجود را ، وجود کوچک را برایشان تعارف نمایم صبح ها از کسالت شیشه - بخوابم

تعبه کننده صباح الدین رهش ( ۸۶ )

سر گذشت یک زنده گی پر باد رفته

# ازهریسی



## پسر بچه ارمنی عملیات بسیار نادر را گذراند

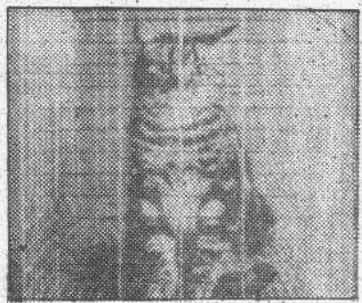
وقتی زلزله فاجعه آورده شهر سیتاک ارمنستان را تکان داد، قارن- قاجاریان مانند هزاران طفل ارمنی دیگر در مکتب بود، مادر وی برای نجات پسر نه ساله خود به مکتب شتافت اما ساختمان زاپسک خاک توده یافتند. خوشبختانه قارن با عده معدودی زنده ماندند اما چشم چپ و دست راست خود را از دست داده بود. فقط عمل جراحی بسیار مغلو او را نجات داده می توانست. دکتران شوروی که بمباری زنده نگهداشتن مریضی های بسیار و خیم زحمت می کردند به پدر و مادر او توجه کردند طالب کمک از دکتران امریکایی شوند.

قارن و پدرش در اوایل فبروری به امریکا رفتند و از کمک هایی بهره مند شدند که به منظور مساعدت طبی به آسیب رسندگان زلزله ارمنستان تدارک دیده شده بود، قارن به شفاخانه اطفال در فلادمپس در ایالت پنسوانیا برده شد.

دکترول، وسترمان دهن شفاخانه پسر از معاینه پسر بچه گشت دو انگشت پای چپ قارن را به دست راست او پیوستند و زنده ایمن عملیات که دو انگشت را از پای او بدر آورده و دست راستی بجه زدند چهارده ساعت را در هرگزوت، دکتر وسترمان یک وید دست قارن را نیز باورید ساژ او تمهیز کرد.

وقتی عملیات بسر رسید، دکتر متوجه شده خون در بخش تازه پیوند حورده جریان ندارد و چندین ساعت دیگر برای جریان دادن خون صرف شد، این عملیات بسیار مغلو نیز مایکروسکوپ انجام شد و نتیجه آن قناعت بخش است.

قارن یکی از ۳۸ طفل ارمنی است که برای تداوی به ایالات متحده فرستاده شدند و با این احساس مصروف سیاستمداران از دکتران امریکایی به وطن برمیگردند که خوش هایش را به او باز گشاده اند.



## ازهرده پیشک اروپایی، یکی مصاب مرض ایدس است

دانشمندان آلمان غرب تخمین می کنند یکی ازهرده پیشک اروپایی یکی مصاب مرض است که شبیه ایدس میباشد. پیشک یا معمولاً این مرض را از جمله می کشد مگر می کنند. ماهیان هارزینک بروفیسور هالندی میگوید تا چهل درصد پیشک ها در اروپا این مرض را با خود انتقال میدهند اما این مرض به انسان سرایت نمی کند. آزمایش روی انسانها هم که با چنین پیشک ها در تماس بوده اند ثابت می سازد که آنها دچار این مرض نشده اند.

## پولیس دریایی سگرت کشان

مقامات مانه لاد در محلات عامه سگرت دود کردن را ممنوع کرده اند و ۲۰۰۰ پولیس فلیمین در تعقیب آنان می گماشته شده اند که به مقررات را نادر کرده بگردد، و اگر چنین شخصی بدست پولیس بیفتد از ۲۰۰ پست و ۹ دالر جریمه داده روز زندان، جزا خواهد شد دید.

طبق این مقررات هیچ شخصی اجازه ندارد در سینماها، همها های شهری، رستوران ها، هتل ها، مکتب و دفاتر رسمی سگرت بگردد و اما مخالفین این اقدامات داهیل میاورند به غیره و مقامات مانه لاد اولتر گرتش موتوهای دیمزلسی میخی پس را ممنوع می کردند که ستونهای از دود غلیظ را به هوا بلند می کنند و آلودگی محیط را بازمی آورد.

## لیزتا یلورا با قانون گلا ویز شده

مایکل ویلینگ جونیر، پسر لیزتا یلورا با اصرار به عدم بازگشت به سرش به انگلستان حکومت ایالات متحده را به چشم آورده است. از دست داد. سناتور جان ورنر، شوهر پیشین لیزتا، میخواست از مقررات مشخص مخدر گردید. بود خود که از قوانین سختگیرانه این حکومت، طبق قانون امریکا بیامون مهاجرت ظاهره رفته ایالات متحده، سبب می شود که است زاین امر منجر به ایحسان وی حق سکونت دائمی خود را در سرودهای در آن کشور گردید. آن کشور از دست دهد.

## بخطرات جلوگیری از قمعین کاری پدرش را کشت

در ایالت میسیسیپی آمریکا، متعلی پدرش را به قتل رسانید که میخواست او را نسبت اخسند نمرات خرابش تنبیه کند.

مسئول بخش رکی بانکر میگوید: والدین این پسر خطرتنبلی واخذ نمرات پایین او را ملامت کردند و پدرش خواست او را با کمر بند ی لت و کوب کند، اما حاجی دانیل ۱۷ ساله پدر ۴۴ ساله اش را - پیش از توسل به قمعین کاری با ضرب گلوله از یاد آورد.

قاتل به انتظار محاکمه در زندان به سر می برد.



عادی نموی نماید و در تداوی و تربیه این نوزادان مالک آن توجه جدی میدون داشته و تحت نظر داکتر جوانان تحت معالجه قرار دارند. سیتلوریتا بعد از دو سال نوزادان را بدنیآورد.

یکسک ایرلندی به اسم سیتلوریتا در اوایل بهار ۲ نوزاد را بدنیآورد که رحمت عمه نوزادان خوب میباشند. خوردترین نوزاد که وزن آن از عمه نوزادان کم است به نیامیباشد که بحالست

خانه‌چی ها

تهیه کننده حسن نیر

## آتش سوزی در ستدیوی تلویزیون میسور ۲۰ نفر را هلاک ساخت

حین فلمبرداری یک سریال تلویزیونی در شهر میسور هندسه آتش سوزی ۲۰ نفر را کشت و ۲۵ نفر را زخمی ساخت.

آتش سوزی در ستدیوی رخ داد که سنجی خان، هنریشهر دایرکتر سریال ۵۲ قسمتی ((شمسیر تپوسلطان)) را تهیه میکرد، علت حریق هنوز معلوم نشده و سنجی خان به نسبت حراحتیکه برداشته در بیمارستان بستری گردید. همکوران گفتند که خطری جدی زنده می آورا تعدید نمیکند.

قرار بود این سریال از ایرسل آیند و در تلویزیون هند به نمایش گذاشته شود. در این سریال سنجی نقش تپوسلطان، پادشاه انسانوی قرن ۱۸ را به عهد داشت.

# از هر یکجا

## اکیهیت و سالیانه دو میلیون دالر

میگیرد



اکیهیتو، امیراتورجدید جاپان سالانه ۲۵۷ میلیون (معادل ۲ میلیون دالر آمریکا) به عنوان معاش دریافت خواهد نمود. این درست همان مقدار پولی است که پدرش هیرومیتو بدست می آورد.

انژون بران، ۲۵ میلیارد (۲۰ میلیون دالر) دیگر هر سال به صیغه مصارف دربار به وی پرداخته میشود.

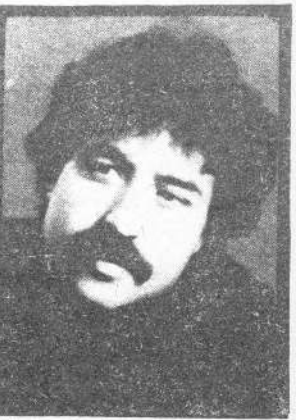
## سهه حیوانات از خود حقوق دارند

اختلاف نظر درباره حقوق حیوانات نهاد است و سهامی افراد و اشخاص اصلا دهن زمینیه چیزی نهادند.

تعداد نهادی به این عهد اند که تجارب فراوان به شمول غیر انسانی روی حیوانات صورت میگردد که همواره در هر کجایا سنجی های علمی به منظور بهبود زندگی بشر نیست. آنها به ضرورت رفع شرایط خرابی که این حیوانات نهادار میشوند و نیز قطع تجار و روی حیوانات مذکور تاکید دارند و میگویند همه حیوانات به نهاد این اصل ساده که زندگی بدون توجه به اینکه چگونه میگردد، زیبا و دلپسند است حقوقی دارند. بحث انسان این وظیفه است که زبان این بی زبانان و نگهبان این بیگانهان باشیم.

# از گپ های که ما خبر شدیم

## آیا معشر لاف زده نبود؟



دهد، که این حرف به اصطلاح به رنگ نیرت یک عده دیگران نوازنده گان خورد و بیرون بردند بالایی معشر در تلویزیون که چرا چنین گفته ای، معشر نه و ساره در مصاحبه خود با دانش جوانان گفت: حاج معشر سابقه بد هم و شرطی عم نام منو براینکه اگر در مسابقه بره از من بود پنجمه هم ارادتانی می خواهم، اگر با حتم می بردن، کسرت مسابقه حاضرند مسرت را بید بود.

شخصی حاضر شد و گفت: منتظر معشر واحد مسابقه ندهند من با برنده مسابقه دست و پنجه نرم میکنم.

وقتی از معشر پرسیدم، حالا سخن از چه فرار است؟ گفت: گمشکو بیاد رشت ای گپ نگردد که بوی خون از منی آید و من ندانستم آیا معشر به اصطلاح لاف زده بود؟ طرفش جلدی بود؟ و بالاخره بخیر من کیست که به گپ خوب مردم ما قیود داده نشست تا بگوید که عیچکدام آن ستار نواز نیست جزمی! به عزمورت قبول معریت: باد شوه باران نسوه خدا مراد خوشه چین بته، و ما و ما هم که اگر ستار علاقه دارم یک مسابقه جالب دیدنی راتنا خواهم کرد.

چندی قبل معشر معسار نواز با استعداد کنورد مصاحبه خود در برنامه هزارویک گپ تلویزیون و در نفس جوانان گفت: حاضر نیست تاده سان آیند، جاب هنری این راه کسی دیگر

## صد قسم برای یک بوجی آرد

نور سیاه سنگ منایل نقلیه ار دو نزد یک دکان لالا غفور بیروسیا در عجیبی بود، مرد بچم پشت سرهم نس میخورد که خدا به قرآن به آسمان، به زمین یک بوجی آرد از ماه آبرو شخصی عم میگفت از برای خدا چرا تا حق نس میخورد، هر نس بوجی از آرد به این که همین چند لحظه قبل از موتربایس کردم و از هزار نس با خسته آرد، ام میوام تارته نسوه منزلت بیس، زیرا موتریکه بوجی ها را آورد همینجانبی خلاص نمون، منتظرین، موتریکه بوجی قسم اما آن شخص نس و توان میخورد که (با آره کت) این بوجی از خودم است و توچار بوجی را به بخلوبین بایین کردی، خلاصه به میانگیری یک حاجی موسفید به آن شخص گفتند تو حاجی سرتی دستت را بالایی بران مجید بگا ریب و نس بخوری که این بوجی از دست! گفت بلی من حاضرم و چنین کرد. آن مرد بیچاره را بوجی آرد را در موتریک

انداخته سوپ کارت نورفت مردم از آن فرد دیگر پرسیدند ترا خدا راست میگفت که این بوجی از دستت گفت: بیجا در خودم فریب بود از گدنگی بوس راو پنج بوجی آرد خانه می برد نس خوردم که از من این چسرا و تیکه خرد بودم در مسجد درس میخواندم شنیده بودم که برای نه ات دادن جان نس خوردن رواست و بوجی آرد آن معلوم را به دست انداخته سوپ من خون رسد.

# شما هم خبر شوید

تعبیه کننده: احمد غوث زلی



## حالا که پرسیدید پس بخوانید!

انیسه محسن بوهنخی و تزنی بوهنخون کابل:

س: برای مدت کوتاهی در نشرات تلویزیون تغییرات خوبی دیده آمد اما بعد از گذشت چند شب، دوباره نشرات مسیر قبلی خود را گرفت، یعنی اینکه اصلاح قابل دیدن نیست، چرا چنین شد؟

ج: میگردید، در جویبیکه آب رفته باز میرود!

س: چرا بعضی از هنرمندان موانع خواندن، چشمان خود را پت می گیرند یا به اصطلاح با چشمان پت می خوانند؟

ج: به خاطر اینکه میخواهند جو سر خود را ببینند.

س: چرا بعضی از هنرمندان موانع خواندن، چشمان خود را پت می گیرند یا به اصطلاح با چشمان پت می خوانند؟

ج: به خاطر اینکه میخواهند جو سر خود را ببینند.

س: چرا بعضی از هنرمندان موانع خواندن، چشمان خود را پت می گیرند یا به اصطلاح با چشمان پت می خوانند؟

ج: به خاطر اینکه میخواهند جو سر خود را ببینند.

س: چرا بعضی از هنرمندان موانع خواندن، چشمان خود را پت می گیرند یا به اصطلاح با چشمان پت می خوانند؟

ج: به خاطر اینکه میخواهند جو سر خود را ببینند.

س: چرا بعضی از هنرمندان موانع خواندن، چشمان خود را پت می گیرند یا به اصطلاح با چشمان پت می خوانند؟

ج: به خاطر اینکه میخواهند جو سر خود را ببینند.

## اسد بدیع از طبابت دست می کشد

تلویزیون دیدیم که جهت گرد اندگی برنامه سفینه رادیویی آمده بود، غمگین موسیقات و شایعاتی را که در مورد او شنیده بودم برای من گفته که بعد از شنیدن و تین بسیار آرام و شمرده گفت: زلمی جان همیشه این حرفها دروغ است تو باور نکن گفت من که باور نمی کنم خدا کند خوانندگان عزیز هم باور نکنند خدا بد و گد دست اختیار آری و من برای همه ای کردن ازین فرار میگویند شخصی بود که فکر میکرد نامه گندم است، اورا دست تدابیر به اسبیکاه می بردند و گفتند

نور اسد از لپ و بابت کساره گیر کند. وقتی این شایعه را جایی شنیدم، گفتم بی اسد بدیع چه کار خواهد کرد، کدام کسار بگیرم نماند، که عرفان برود گفتند شاید به نوع خلق - الله تداء مرکز ترانسپورتی شهری را با استراتژی چندین تن از تجار ملی - این نماید و شاید عم مواد اولیه ترس برزب معضه هریان را تهیه نماید. باران ترانس رزب هریان رساند و تمام کدام کسار نیت دیگر را دنبال نماید.

آوازخوان، کمپوزیتور، شاعر، ورزشکار، نظامی، رایسورسور، نویسنده و بالاخره تا آخر این اسد بدیع

ان مجرب روانی اورا تحت معاینه قرار دادند و زیاد زحمت کشیدند، رزب نکتورموشک اورا نزد خود خواست و گفت: بران رتواگر نامه گندم نیستی، تویت سرود دستی یک مرد کاملاً عسادی و صحتمند از نناه لپابت، تو میتوانی عروس شو و با صاحب اولاد و نواسه شوی، تو میتوانی صاحب یک خویی باشی و همه مردم خدمت نمایی. رزب جمله حرفها میزد. یاد داشت خاسر سخنان نه کتور استید بد را خیر به وی گفت: تشکر دارم صاحب من هم قبوس میکنم که من دیگر نامه گندم نیست اما خدا کند که موفقیاتش برسد.



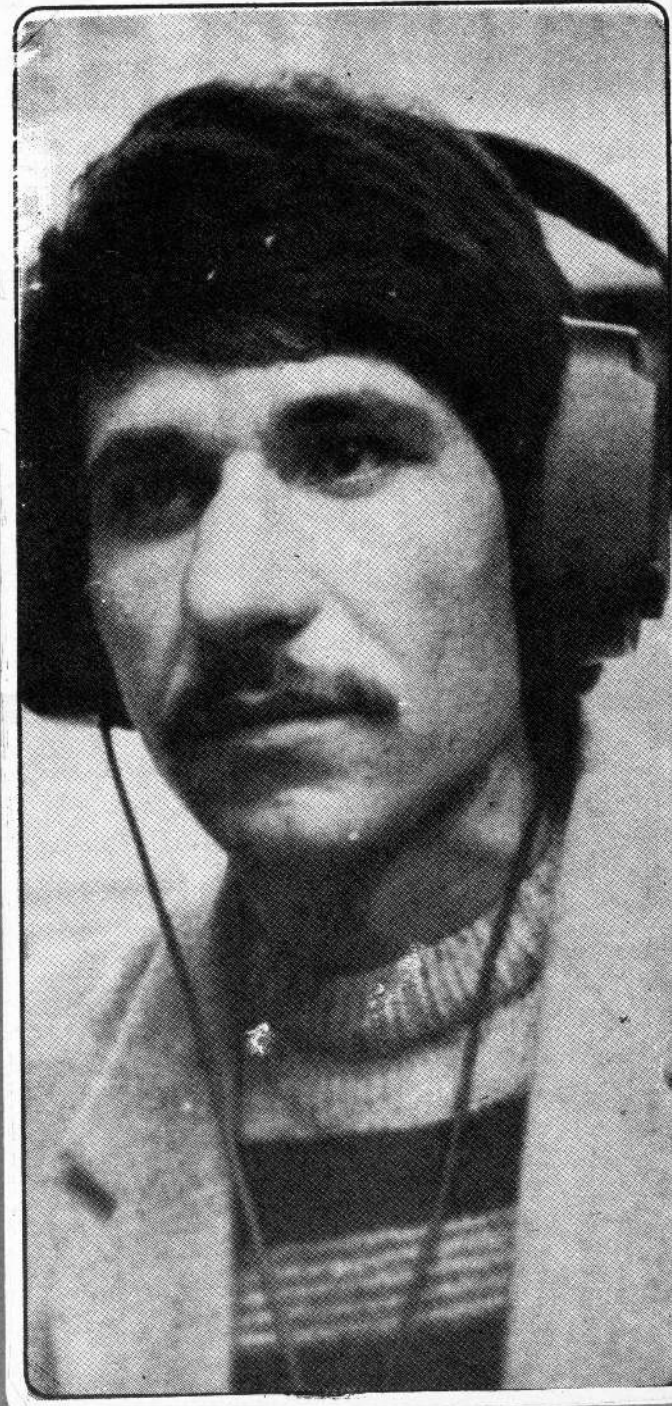
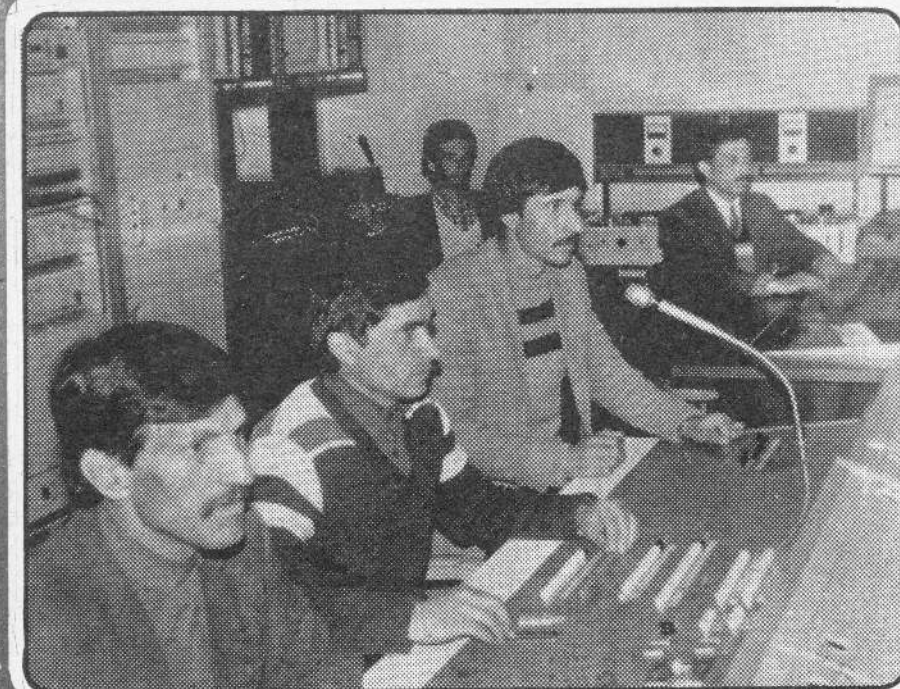


# مجله ناولوژی

مسابحه از اسد بدیع

## سی از یک دهه

### گفتگوی بانجیب ساکب ژورنالیست نویسنده و دایرکتور مستعد که از هفت سال به این سو برنامه ناولوژی مجله را تهیه مینماید



بایک تابلوی نقاشی از تیشه های طبیعتی - با الفقه در برنامه گنجانیده میشود تا از این رهگذر نیز در تظیف ذوق بیننده های خود سعی داشته باشیم، چنین برنامه بی طرف توجه و علاقمندی تشریحات از بینندگان تلویزیون هست، چون مجله تلویزیونی در جایگاه یک برنامه اختصاصی هنری - ادبی در سطح نسبتاً بلندی ارائه میگردد، بنا به بیننده های برنامه نیز در برگیرنده تشریحات گویا و صاف با زده مکتب الی بالانتهی - سطح دانشی است که البته هر بیننده بی با در نظر داشت اندازه آگاهی و علاقمندی خویش میتواند به نسبی با پرداختن های برنامه، موافق شود.

س - در سال جدید چگونه مجله بی راهبری تلویزیون پیشین هستید و آیا حالا کدام کنی و کاستی در آن اساس میکند؟

ج - تصمیم داریم این ساله را با بیننده های مهربان برنامه ام درجهان بگذاریم، یعنی با راه اندازی یک همه پرسشی از طریق خود برنامه هفت اتوا در سال بقیه در صفحه (۱۱۰)

تان باشید، کدام بخشها را بیشتر می پسندید؟

برنامه مجله تلویزیونی یکی از برنامه های اختصاصی تلویزیون است که در سطح بلند هنری ادبی انتشاری باید طبعاً این برنامه بنا به ضرورتی ایجاد شده است و اهداف مشخصی را دنبال میکند، در گام نخست این برنامه با اشاعه بخش ایجاد مختلف هنرهای مختلف و جهان جنبه های فرهنگ کشورهای مختلف پردازد، مطالب مجله تلویزیونی آنکسوبه معرفی و تظلماتی هنری خفوم کلی و عام آن به مثابه یک نیاز حتی عاطفی و روانی انسان - اتکا میکند و از جانی دیگر، به تحلیل و وارنهای خواص و جوانب قابل تامل آن، دستی یازد، تا بدینوسیله ضرورت وارزشمندی هر هنر را برای خود، با زتاب داده باشد، یکی از زنده تین اهداف برنامه، پیش کشیدن موضوع ((پرویش هنری)) است آهنگهاییک در برنامه برگزیده میشود به همین هدف است، یعنی خویشتن آهنگ ها، در جایگاه یک اثر هنری - مستقل - مثل یک پارچه شعری

هنری اما با در نظر داشت محدودیت های فراوانی که در برابر خود داریم، در زمینه پرویش، صرفاً مستحکم فرموده ما من همکاری همراه است که لازم حدائق از سبب بدین جهت و حاصل ما در قاتله اش سپاسگزاران کم.

و اما در زمینه نوشتاری از سال سوم برنامه بدینگونه مسئولیت برنامه، کلا بدوش من گذاشته شده، علاوه بر نوشتن بخش های درسی، بنا به مردم موجودیت نهی شده، پشتو در اداره، ما نوشتن بخشهای پشتوئی برنامه را نیز به شکل ناگهانی انجام میدهم.

در گذشته نهی شده گان - دیگری چون شهره داء، زین انیسو، و اکبر کرگر (در بخش سخن هفته) منزه آسوده و اصف معروف نیز با من همکاری بودند که اکنون صرف مستحکم سرور انوری همواره برای هر برنامه ام یک مقاله خوب می نویسند.

س - حقیقتی وجود دارد که یک مجله به روشهای مخصوصی به یک هرزه تشریحات خود، تشریحات میکند، آیا مجله شما در کدام خط تشریحات رهسپار است؟ بیننده های برنامه، تان بیشتر بی - کسانی هستند و اگر شما بیننده مجله

۱۳۶۰ تاکنون یعنی مدت هفت سال است که با تهیه، نوشته و دایرکت برنامه، مجله تلویزیونی بارادیسو تلویزیون همکاری دارم کار من در - تلویزیون، اساساً در دو جهت - شکل یافته است: کارگردانی برنامه ها و نوشتن گسی متین هنری - ادبی.

در بخش دایرکت، علاوه بر مجله تلویزیونی، برنامه کتاب را نیز برنام ((برگها)) اساس نهادم که نهی شده کی و کارگردانی اثرات نیز مهده داشتیم، جدا از آن، دهها برنامه فوق العاده هنری - ادبی و نمایشهای تلویزیونی راتیمه و - دایرکت نموده ام، البته در حاشیه، از نوشته، سناریوی فلم داستانی ((سهند)) تیاتر تلویزیونی ((طلوع سانه ها)) بخشهایی از نخستین سهال تلویزیونی انقانی، چند داستان و شعر نیز میتوان یاد کرد.

س - کی هادرتیمه برنامه مجله تلویزیونی شما راهگاری میکنند؟

ج - گرداننده گان برنامه مجله تلویزیونی همانطوریکه اصول تهیه آن ایجاد میکند، با مست مشکل میبود، آنک یونیت وسیع مشخص در صوم بخشهای فنو و

که راه، موسم ستدر دوید برتو شده، کارگردانی در همه آنها هست، بازاری ندارد، از اصطلاحات هرزه، این سلسله گرفته تا بسیاری دیگر از لایه های فنو کار، کلا خلاصه - میشود به چند تکلیک و اصطلاحی (شاید درست و شاید هم نادرست) که از سوی برخی از کارگرداران - غیر مسلکی، تدوین شده است. اما، کار من وقتی کارگروه کمتری از دایرکتوران تلویزیون، مبتنی است بر تجاریک حین کار و اصلاح بدت می آورند، اینجا اصول میزان - مؤقت یک کارگردان بستگی دارد به ابتکار، دید هنری و استعداد شخصی او، که در هر صورت و در همه جا، لازمه اساس کارگردانی برنامه های تلویزیونی است.

س - تحصیل اصلی شما در کدام رشته است و چند سال است که بارادیسو تلویزیون همکاری دارید، کدام برنامه ها راتیمه کرده اید (البته جدا از مجله تلویزیونی) و آیا با کدام ارگان دیگر نیز همکاری دارید؟

ج - من تراکیری رشته ژورنالیزم را در سال ۱۳۵۸ در دانشگاه ادبیات و علوم بشری به پایان برنم و از سال

در تلویزیون، در لایه داشته های نیم جان و ناپخته (روشن سازی هنری)، برنامه (مجله تلویزیونی) یگانه برنامه نفس کی و زنده، هنری ادبی است که صیقل معقول سلامت ارایه مؤثر را دارد بیشتر برای رانفان و رهبران هنر و ادبیات درخور قبول و پذیرش است.

بانجیب ساکب، دایرکتور جوان و آگاه برنامه (مجله تلویزیونی) که خود، انبیا، نهی شده و شامسر است، نوشته ها و کارهای دتسوق هنری - ادبی اش، صداق لبید صیقل روشنگرانه اش میباشد، گفت شنودی تمهه دیده ایم که پیشکی شامشود:

س - آیا در رشته دایرکتوری تلویزیون بهره در زمینه برنامه سازی - تحصیل بخصوصی کرده اید؟

ج - کار در تلویزیون طویبت که معایب و روابط بخصوصی در رابطه با دایرکت برنامه ها، از قبل تدوین شده است. من به اقتضای تخصص مسلکی ام، کم پیش چیزهایی در دانشگاه و هم از لایه کتابها آموخته ام. اما در تلویزیون ما، همانطوریکه اشاره کردم، بسیاری از مواردی

# دوست میدارم و را

قند جویی ، بند جویی ، ای جناب  
 هرچه میجویی بجو  
 بیکران بحریت ، گزهر بیحساب  
 هرچه میجویی بجو  
 فارس گویی ، دري گویی و را  
 هرچه میگویی ، بگو  
 لفظ شعرو دلبری گویی و را  
 هرچه میگویی ، بگو  
 بهرین تنها زبان مادر است  
 همچو شیر مادر است  
 بهر آن تشبیه دیگر نیست ، نیست  
 چونکه مهر مادر است  
 زین سبب چون شوخیهای دلبرم  
 دوست میدارم و را  
 چون نوازشهای گرم مادرم  
 دوست میدارم و را

مومن قناعت

# کاسیر

بلبل به فغان چه کار دارد  
 نه که خبر از بهار دارد  
 قمری به طلوع صبحگاه می  
 جشنی به چمن هزار دارد  
 چشمش ز شراب ناب امشب  
 پتگر که چنان خمار دارد  
 مردم زنگاه آشنیش  
 گلگونه قبا ، نگار دارد  
 اندام ظریف و نقره فامش  
 بردل هو من شکار دارد  
 آید بیم ز راه شوخی  
 حیف است به غیر نظر دارد  
 صید کشته بود و بناز و رامش  
 خون شهدا ، وقار دارد

# مشوش

من مرغ اشم  
 شب را بزیر سرخ بر خویش می کنم  
 در من هراس نیست ز سردی و تیوه گی  
 من از سپیده های دروغین مشوشم  
 سیاوش کسرای

این شیشه ، دل ز سنگ روزگار  
 نشکست ولی غبار دارد  
 پژمان شده اسپیر زلفش  
 صد همچو منی بتار دارد

# بچه دیور

داکوشی ستا بر سپین مخ خوری وری شوی  
 که ز ما بر سیاوون تیاری خوری شوی  
 ستا دسترگود خیال سیوری چی بری ولوید  
 پرورشوی دارمان توری تیاری شوی  
 ستاد بزند و گنو تکه نه وه ، خه وه  
 ورسره می چی اسری خاوری ایری شوی  
 درسی شوی دادی خیلی پیسرا گانی  
 نه چی زما دعاوی تالره نیسری شوی  
 چی ترکی تلی ستا دادا گان سو  
 هغه لاری زما ستا تر منعه پسری شوی  
 دما بنام له تیکی تیخ د هلال ووت  
 د هسک مورگی د شفق به وینوسری شوی  
 چی ورتل به سرولمبو لکه اور پینتی  
 به هغو بلهارو لکی هد پسری شوی  
 چی د مینی د محفل بلی لوی وی  
 خاورو لاندی خه بنایسته نیگی خیری شوی  
 بیا به و سپری رسی د سرو رید سو  
 که به سرو وینو خرویی می میری شوی

پوهاند زیار  
۶۷۲۲۲

# بچه تو در کجاست

فسرده روح مرا با گل و بهار چکار  
 ز نو بهار چه گویم به لاله زار چکار  
 ببین زکان طبیعت به که سار سبزه  
 مرا به دشت و دمن بی تو گلزار چکار  
 ببر کنسید و چمن جامه نگارین خوش  
 مرا به گلشن د بیای مرغزار چکار  
 صبا نسیم تو آورد طرف لافه من  
 جدا از وادی عشقم به جویبار چکار  
 د مید صبح بهاران رسید وقت طرب  
 مرا به بیک فریبند و خمار چکار  
 فغان و ناله مرغان خوش ترانه شنو  
 مرا بی باغ و به گلگشت نوبهار چکار  
 بیا که شوق رخت در دل جوانه زند  
 قسم به تار دوزلفت به شام تار چکار  
 د رخت و باغ و چمن بین چه جامه زین  
 مرا به سپروسفر سوی گل بهار چکار  
 خروش موج بد ریاحه مستی هادارد  
 شکسته شیشه قلبم مرا قرار چکار

# مته، نیت

گرتویند اري دل م را حز تو یاري هست . نیست  
 یاغم را غیر مهتر نمکساري هست . نیست  
 گر بگویم سینه از دست تو بر خون نیست . هست  
 و برپرسی گرتو در خاطر نمباري هست . نیست  
 گر کسی گوید که درد نیا به دوش زنده کسی  
 سخت و سنگینتر زه جریار یاري هست . نیست  
 بیش تیرت گر بگویی دیده برهم زد . نـزد  
 چشم مست را از این دل به شکاري هست . نیست

## غزل

ماد خیل سرویش خکلی دی به دی کوخه کی  
 به مائل کانی وریدی دی به دی کوخه کسی  
 به ما دینس او وفا زیادنی ولسی کوی  
 تائل خندلی مائزلی دی به دی کوخه کی  
 ستا به غضب غضب کاته نوي خبره نه ده  
 داسی می لیرد پرخه کتلی دی بعدی کوخه کی  
 سترگی خمار شوندی مسکی انگلی ولونه ولسونه  
 خه خطرناک قاتلان بنگلی دی به دی کوخه کی  
 ستاد بهار بهار بخوانی شراب به جا وریزی  
 مائل د هجر زهر خنلی دی به دی کوخه کی  
 توتی توتی کچکول بی مه زاری دژوند ملگرو  
 سائل د زره توتی شیند لسی دی به دی کوخه کی

ابوالقاسم لاهوتی

## دخوانی گلونه

ز یاد مینی بنگلی بنگلی پسانسی  
 چی د سپرلی بنگلا پری بیه بنکاریده  
 به مرمونولپوچو خوب ته بی سرنه تیتاوه  
 د بپشتی عظمت نینه بی  
 برته خته کی وه  
 دغه غرور بی د پیری بیرونو  
 مات نه شوکر ای  
 کره صدقه بی له زلفانو  
 دخوانی گلونه  
 خودغه تورماران بی  
 کله د غاری امیلونه نه شول  
 چایی دیانور زیدل  
 به شپه کی ونه لیدل  
 به جوانی برگ مینی  
 د جاخماري نازینی سترگی  
 باندی نمجنی نه شوی  
 خودخوانی گلونو  
 د جاناز کوینبوته  
 باسته فرشونه جور کرل

رحمت شاه سائل

## پروانه ها

پروانه های پروانه ها  
 پروانه های خوشنما  
 پروازتان بس دلنشین  
 بر آسمان و بر زمین  
 کالای خوشترنگ شما  
 رقم شما، جنگ شما  
 روی گل و روی چمن  
 روی علف های دمن  
 مستانه بال و پرزید  
 بر روی من بر پرزید  
 گفتم بگیرم بالکت  
 آن بالک خال خالکت  
 از دست من گشتی رها  
 رفتی سوي تخت هوا

رازن روپین

قتیل خور یانی  
کابل ۲۰ مه ۱۳۶۲

## شبه

شب التیام زخم تن تاب دار خویش  
 در شام تار طرز صدایش نخواند است  
 اما  
 زلفان تار دختر شب  
 روی ماه را  
 در چنبر طلسم سیاه کشید است  
 اری!  
 شاید که زنده کسی  
 يك انتظار دخت شب خوابدید ما ست

حمید مهرورز

## برادر خدا

دست بر از نیاز من و بارگاه تو  
 آه ای خدای من!  
 چون شاخه های خشک درختان  
 در آستان درگه \* تو با کمال عجز  
 از فرط یک نیاز  
 سر بر کشیده از تو طلبگار حاجت است  
 دستم تعی مدار  
 آه ای خدای من!  
 و این قلب من که جایگه ذات پاک توست  
 و اینسان غمین مدار  
 هرگز رواندار خدایا که قلب من  
 در این زمان که اوج جوانی زنده گی است  
 از غم بمیرد و شود خالی و تنه  
 هرگز رواندار خدایا که چشم من  
 در شمری فروغ جدایی شورسپاه  
 مرضیه عدیل

## شهباز

هر شب که آسمان خیالم درین دینار  
 با چلچراغ روی تو چون روز می شود  
 هر شب که دست باد از آن سوی کوهها  
 بوی تراب کلبه ای من می براكند  
 من، لوح خاطرم:  
 با قاف قامت تو،  
 دل انگیزی کنم  
 با یاد پادشاه تو،  
 شهبازی کنم  
 محسنتی "سروش"

## لیون

د عشق زخوره شول لبه لیون سی  
 تو رو تباروی شول د یوه لیونی  
 میگی ی خود د ن هدا یوکی ناخسی  
 بگی د یوه نه دی هغه لیونی  
 د اچی بی د ریغه بری قدم زدی آشنا  
 کلی کی نه شته دی بیوجه لیونی  
 د عشق په توری به د ا ره بحر وی  
 کله کوی جاته سجده لیونی  
 زهیز به کوریه لبی پلی وی لا  
 ترخوچی پاتی وی د ا (دوه) لیونی

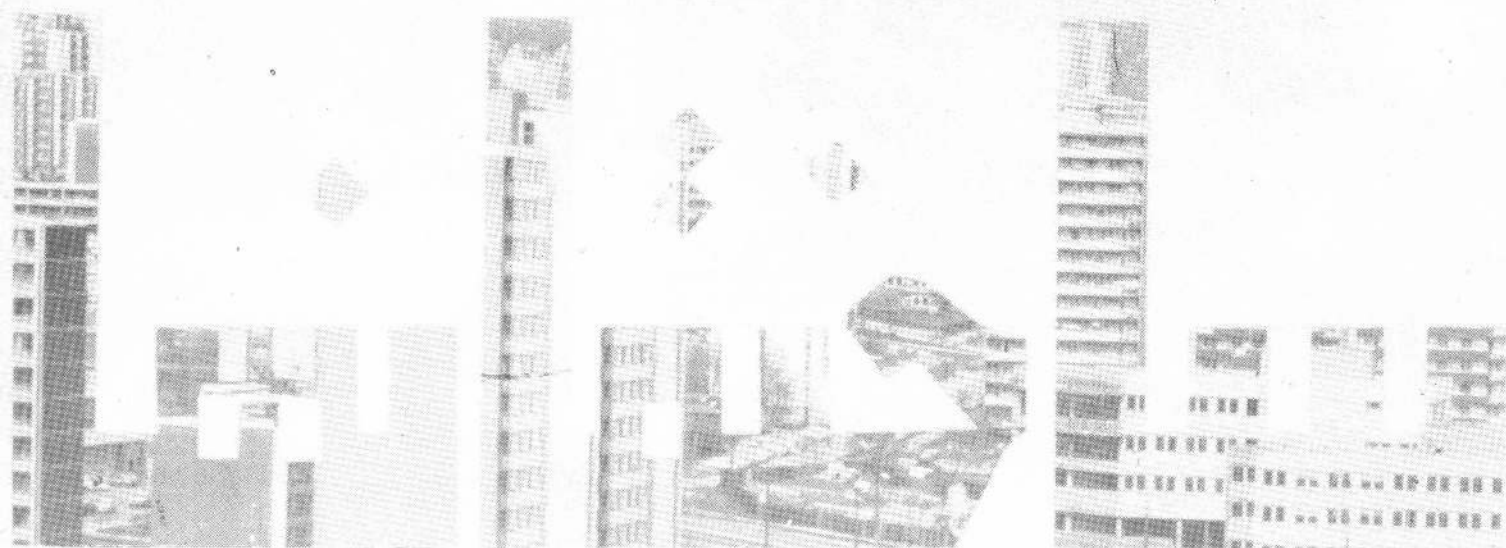
السمعیل

## شبنم پاک سحر

واضح باز میانند  
 نشان شیخ اندامت  
 به دیوار دل پادم  
 که می آیی به سوری من  
 به دیت ابروی صفا  
 و یاد ستان البرزانی  
 خدایا، نه، چرا سر زان  
 که شیخ است این که میگرد  
 نه دستان سید مریم تو  
 تو در شمر سکوت و خلوت خواب سحر گاهم  
 مثال شبنم پاک سحر گاهم  
 در آغوش نرمانوسم  
 که جوان د ستاهای کودک شیخ چمنزاران  
 به رویت باز میگرد  
 ارسالی: محمد اسماعیل برهان اندالی

## بهار و بیا

یک عصر تو بهار  
 من باشم و نگار  
 درختان شکوفه بار  
 بازان ریزه ریزه وهم مست و بیقرار  
 من با ادب بوسه بچشم زلف او  
 او از رواج ناز شود سرخ و شرمسار  
 وانگه بجام چشم اوستای من بنبار  
 یک عصر تو بهار  
 من باشم و نگار  
 (لومان) تویی خنار  
 ارسالی: محمد طیب (لومان)



# سربه آسمان میزنند

ساختمان ها و مزارع سرسبه  
فلك كشيده درجهان آنقدر نهاد  
نمست • مزارع آسمان خورش از-  
همان آفازمورد تعجب و حیرت مدی  
زیادی مردم میشد ، این نوع مزارع  
نشاندهنده اوج ترقی تختک  
دین هیا آن مرحله تاریخ است •  
در آفاز چنین مزارع یک چیز  
کامله لوکس حساب میروند و ملتی که  
آنها بنا نهاد بود به آن افتخار میکرد  
ولی امروز مزارع آسمان خورش نظر  
به ضرورت اعمار میشود ، کمبود مسکن  
، کوشش برای داشتن مراکز بزرگ -  
خدماتی و ادارات دولتی از عوامل  
امار چنین مزارع سرسبه فلك كشيده  
میشود •

تا امروز با برج ایفل پیاده شناسیم •  
انسان امروزی از دیدن این هرم -  
دست تحریر به دندان میبرد •  
انکشاف واقعی ساختمانهای  
بلند از زمان گوتهك آغاز میشود •  
دین زمان در تمام جهان کلیساها  
و اماکن مقدس که باید بگفته نشود  
در عرض و طول ، بلکه در ارتفاع نیز  
رقابت مینمودند ، اعمار شدند •  
کفایت میکند که کلیسای پتر مقدس  
را در شهر رم که ارتفاع مناره آن به  
۱۳۳ متر میرسد مثال آورد ، هم  
چنان باید از قصر گوتهك در شهر  
کولن آلمان یاد دهانی کرد که  
۵۷ متر ارتفاع دارد •

بها دگاره های تاریخی همگون در  
زمانهای بعدی رومانتیزم و کلاسیسم  
نیز در پیوستیم ، ولی همان آمدن برج  
ها ، آنتن ها و آسمان خراش های -  
صوری با استفاده از تکنالژی جدید  
بستگی مستقیم دارد •

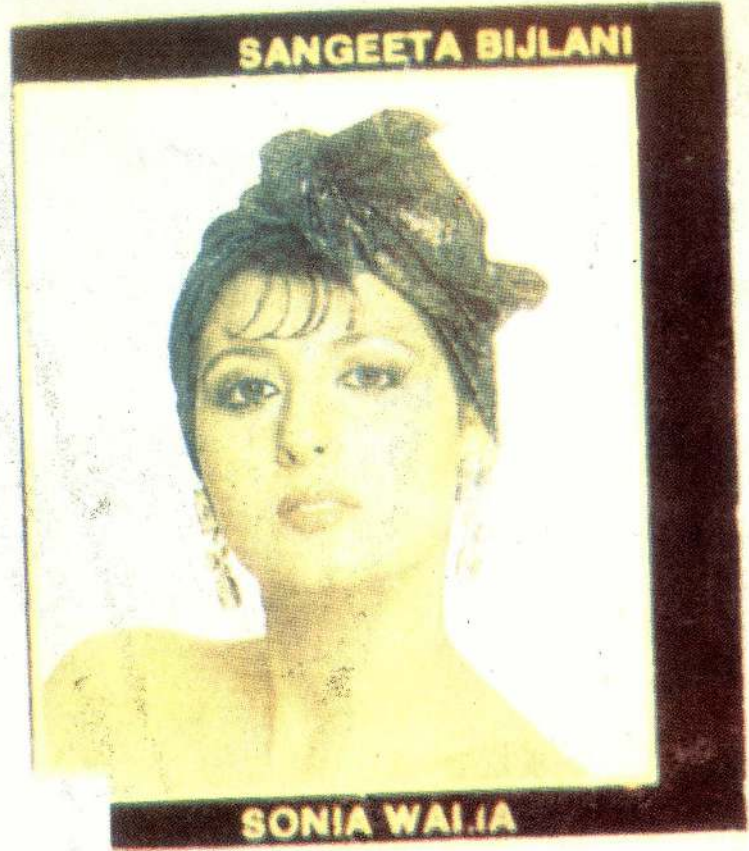
اولین برج فولادی با ارتفاع  
۳۰۰ متر که مدت نهادی درجهان  
بگانه برج از نوع خود بود ، برج مشهور  
در شهر پاریس است که همه ما آنرا

نبر نام برج ایفل پاریس می شناسیم •  
این برج طی مغل مجالی بمناسبت  
تعیینگاه بین المللی در سال  
۱۸۸۹ افتتاح شد بنام مهندس و  
طراح آن گوستاف ایفل منسب شد •  
این برج به جز جدا ناپذیر پاریس -  
تبدیل شد و در اکثر نقاط جهان -  
مادل های این برج گایی و اعمار  
شده است •  
بکار در برج ایفل مدت نهادی -  
شکستنده شده ، بالآخره در سال  
۱۹۳۰ زمانیکه در شهر نیویارک آسما  
خراش کوسلر بلدیگ ( CHURCH  
BUILDING ) که ۳۰۶

متر ارتفاع دارد ساخته شد ، بکار در  
برج ایفل نیز شکست • بعد از مدت  
نهادی مقام اول را در داشتن ساختن  
های بلند منزل نیویارک کایی کرد •  
مزارع امپایر سٹیته بلدیگ  
( EMPIRE STATE  
BUILDING ) این مقام را برای -  
نیویارک گونتی کرد ، این ساختمان  
بدون آنتن که بالای آن نصب است

۳۸۱ متر ارتفاع دارد •  
آنقدر زمان دیر می نگردد که -  
ارتفاع فوق راساختن دوج مرکز  
جهانی تجاری ( WORLD TRADE  
CENTER ) که ۴۱۲ متر -  
ارتفاع دارد ، نیز گرفت • ارتفاع -  
۴۱۲ هنوز هم نتوانست به بلند -  
تهن ساختمان جهان که در شهر  
شیکاگو واقع است برسد • ساختمانی  
که در شیکاگو واقع است دارای -  
۱۱۰ طبقه (منزل) بوده و ۴۴۲  
متر ارتفاع دارد • این ساختمان بنام  
SEGRS TOWER یاد میشود •

در طولی ساختمانهای بلند  
منزل ، آنتن های پخش امواج رادیو  
و تلویزیون به ارتفاعات بلند تر اعمار  
شدند •  
در سال ۱۹۶۴ ارتفاع ریکوردی  
را برج تلویزیون شهر توکیو که ۳۳۲  
متر داشت به دست آورد • این برج  
بقیه در صفحه ( ۷۴ )



SONIA WALIA



# از دنیای مود

توسعه و عالی



## حرف‌هایی از دومودل معروف

تازمانی که فلم

((خون بھری مانگ)) به معرض

نمایش قرار گرفته بود اندیشه ((سونوالیا)) به شابه طلوع و غروب آفتاب آکنده از سایه ها و روشنی هابود ، گا هن تھین امیدوزمانی توام بادلھرہ جاس ۔ برای آتھ قہل ازاین فلم ، درنلم های ((تیرئ - شھرین)) و ((آگوشن)) نیزظاھر شدولی شمئ ازکار خود نگرفته بود ۔

وقتی اورادرد ((پانسیون)) که زنده گی میکنند ملاقات کردم در برابر پریشی گت :

((بدون تردید فلم ((خون بھری مانگ)) برای - ثبوت اھلیت هنری من ، وجہ تعیین کننده یسی داشت)) ۔

ایمعدانک وقتھ کوتاه ، به دنبالہ حرف هایش افزود :

((خوشحال استم ازاینکه ((راکش روشن)) درنلم خود برایم فرصت کار داد ویا این زمینہ سازی، شناختی بین ماپدید آمدوموقع یافتم تا مردم برای هنرواستعدادم تھمتی قایل شوند وازنمایش فلم به اینسوہ روزی رابہ یاد ندارم کہ زنگ تیلفون به صدا نھاید وازکارکرد - موقعیت آمیز من حرفهای نرتند و برایم تھریک نگیند ۔

عدہ بیں راقہدہ براین است کہ ((راکش روشن))

کارگردان فلم ((خون بھری مانگ)) ازمن به شیوہ نا- جایزی استفادہ کردہ وکارحوش شنا با لباس های ((سکس)) مرابہ انظارجلوہ دادہ استولی اقتصاد من این است کہ اگر درکارحوض شناہ لباس شنا رابہ تن داشته ام کہ به مقتضای صحنہ فلم است این چه گناہ کبیرہ است کہ ازان حرف نامی بافتند ؟

آیا تھن یک بہنندہ این است کہ درکارحوض شناہ دخترئ با لباس سوراپا مستور جا-ر شود ؟ ایادرمحل- شناہ پوشیدن لباس شناہ امرکاملآ طبیعی نھست ؟ اگر کارگردان مراد درکارحوض شناہ با لباس های

کہ ((سونم)) درنلم ((وچی)) ظاھر شدہ است و ارد ہکرت بدون تردید این حرکت کارگردان از لحاظ هنری جغای بزرگی بود کہ برمن تحمیل مھشد ۔

درنلم ((آگوشن)) نقش ن یک هنرمند بہ نام رسیدہ بیں رامتھد ہونم ، نقش نہایت پرازنوامض وابداعات بود ولی کارگردان ، مرایشوہ کار را آموخت و مرا خوب یاری رسانید ۔

درنلم ((تیرئ شھرین)) نقش کوچک داشتہ یک فلم هنری بود ودر تلویزیون ہم بہ نمایش گذاشتہ شد ۔

((سونوالیا)) درنلم های نهادی ، درنقش های مختلف ظاھر مھشود ، درنلم های ((جین داتا))

و ((مھاسنگرام)) یا ((ادیتہ پنجولی)) و درنلم

((نمئری آدمی)) با ((متھن چکروتی)) درنلم

((مستروسنر ۴۲۰)) با ((راج بھر)) ہمبازی مھاشد ۔

منافع براین ، یک عدہ از فلسازان جنوب ہندوستان نیز رغایت او رابرای بازی درنلم های جنوب حاصل کردہ اند کہ وی صھمانہ ومعدہ همکاری بہ آنها دادہ است ۔

دراین بارہ اوصوف هایی دارد بہ این تحصیل :

((من عجلہ بیں ندارم کہ درہل آن بہ اوج شھر برسم ، برای تسخیر و تصاحب این مقام تا ملوشکوبایی

فراوان دارم ، برای تعدد قرارداد بازی درنلم های

ہم دلچسپی فراوان ندارم ، ازاینکہ ہمبازی من

کہست ، بسیار نمی اندیشم ۔

برایم بسیار بی تفاوت است کہ درنقش مقابل من کی قرارداد دارد ، مثلیکہ قہلا گتہم درنلم ((تیرئ شھر - مین)) در برابر ((مارک نیئر)) و درنلم ((آگوشن)) مقابل ((اکھرخان)) و درنلم ((مھادیو)) با ((ونودکنندہ))

سازو بہ بازی شدم ۔ من بہ دراست وجرا ت این موضوع را تھیبند مھکم کہ بہ هنرمندان نام نهاد ولی نامدار درگز تکیہ تن نمایم ۔

حالی کہ ((سونوالیا)) دروازہ کاروبار مود را بستہ و درنمایش لباس های - نمیکورد ، خودش می نھد :

((موقعیت کتونی حکم میکند کہ بعدازین سینما وھنرنامی مرکز تمام توجھاتم باشد نہرا نقش راکہ درنلم ((آگوشن)) ایذا نمودہ ہونم رھصھرفرتہ قناعت بخش نبود وچا کہ فلسازان معروف بہ من چشم امید دوختہ اند لایم است من ہم تنس های فراوانی از خود نشان دھم)) ۔

درخجس دنیای مود و فیشن ((سونوالیا)) عکس- العمل خودداینگونه تھازم مھدہد :

((اگر پھشنمادی درمورد نمایش لباس برایم ہوسد

ردنی کم مشروط ہراینکہ طبع ونحوہ نمایش قابیل

# تاجهان سینما

## سونووالیا و سنگیتا بجلانی چه میگویند؟

توجه باشد تصمیم گرفتیم بهر نوع پیشنهاد سونووالیا  
حم نیک ولو که از احساس بولی ، قابل توجه میباشد))  
«سونووالیا» از آثاری که در عین اوج حرف های

نیای من گویند ، در یوگون داشته میکند :  
(«نمیدانم چو آمده بی به عزتنامه و دیگرگون من  
اعتزاز میکنند ، تردید ندارند که در لسان انگلیسی  
مهارت کم تغییر دارم ولی نباید انکار کرد که از انسان  
صحنه اردو دهند هم بهره و نیز گاهی دارم ، روی  
این اصل توانم نیکم به انتقاد آثاری که عقیده -  
ندارند ، اردو را به شیوه آمخته با انگلیسی اداسی  
کم یادگیرین تواند آهنگ دارم .

اعتزاز میکنم که حضرت ارجهان مود به دنبال  
سینما خالی از اشکال نیست ولی این ادما درست  
نیست که میکنند مود را لباس هاتراندند و هنر  
ندارند)) .

(«سونووالیا» که از کار روزنامه نگاری حاصل  
قام ((دخترهنگ)) پیوسته به تزیینات قابل آمده  
میکند : ((والدینم در هر قدم مشور کارهایم بودند  
به استثنای شمول در کارهای هنرینمایی ، تا آنکه  
سوانحار آنها را تمنع دادم و رعایت شان را در این  
مورد حاصل کردم)) .

برای اینکه ، درین فرصتیکه من راه خود را در  
سینما شخیر میکنم ، آرزو ندارم در محدودده ، نقش های  
منفی گیر شوم زیرا به صراحت میگویم که نقش های

منفی مورد علاقه من نیست

در این اواخر رزمه بی از عشق و داستان عشق او  
با ((وتودکنه)) بجز هاسرید ، در حالیکه از این  
رزمه ها کاشته شده است و او به راحتی نفس تازه  
میکند ، در این باره تصریحی ندارند این شرح :  
(«من با ((وتودجی)) در ظلم ((معاذی)) در -  
مسئله ((اوق)) صرف بازی بودم ، چون ((وتودجی))  
مرد مسیح الصدر بوده و در بسیاری از موارد اندیشه بی  
یک سان داشتم ، اینه خا بر اینکه با دیگر تازه گزار  
بودم ، به حشاک هنرمند تجربه کار و مسوخته ،  
شجارت خود را در اختیار من میگذاشت و برای بازی میخواستند  
که از این سلوک انسانی او خبرنگاران بدون در نظر داشت  
حقیقت موضوع ، دست به شایعه پراکنی زده سانه  
را به شوه داستانهای تخیلی انعکاس دادند .

این رهداد در حالیکه روی احساس ما ، تأثیر  
ناگوار بی جا گذاشت ، هر دو تصمیم گرفتیم به اشکال  
همکاری دوستانه بی شایه خود خاتمه بدهیم .  
نوا مقاومت در برابر شایعات غلط و اتهامات بی اساس  
که با شایخ بیگ های فراوان سمت دهن میشود حوصله  
شکوهایی خازر الماده میخواند)) .

سونو والیا میگوید : (من به خود باور دارم که در سال  
های آینده ، به عنوان یک ستاره شناخته شده و  
موفق عرض وجود کنم با این تلقی ضمن بران دارم نقش  
های را بازی نمایم که دارای نرم احساس باشند تا  
هفت احساس نقش را به صورت متوازن انعکاس داد .  
بخوانم .

من عقیده دارم که با تمویل هر نقش بیت هنرینه  
میتواند بول قابل توجه ذخیره کند ولی برای هنر  
خدمتی را انجام داده نمیتواند . از اینروست که با هر  
نوع نقش دلچسپی ندارم و اگر چنین میگردم امروز  
در مقام یک مجری می بودم و در یک ((پانسیون)) زندگی  
نمی کردم)) .

و اما در مورد ((سنگیتا بجلانی))

شهر هر مود را لباس در جهان سینما ، موفقیت

قیه در صفحه (۷۸)





# سه بانوی تریا: اکنون سخن میگویم

## سریال مجید

### حافظه اول

تریایی میگوید

# چگونه از رضاشاه جدا شدیم؟

شاه بانو اسعد یار ، پسر اسعد اسکوت ، خاطرات همیان انگیز زندگی مشترک با شاه را نقل ساخته و در ضمن نکات خاسته از این روایت است : (حافظه زندگی من در این خاطرات جایگزین شده است) آنست که میست که تاکنون پسرانم زندگی منم نگه داشته اند

شاه بانو اسعد یار ، پسر اسعد اسکوت ، خاطرات همیان انگیز زندگی مشترک با شاه را نقل ساخته و در ضمن نکات خاسته از این روایت است : (حافظه زندگی من در این خاطرات جایگزین شده است) آنست که میست که تاکنون پسرانم زندگی منم نگه داشته اند

# خصوصی من

تغیر با بین العالی انبرابر اشارات و لایح تراشیدند...  
 در تهران با بین العالی انبرابر اشارات و لایح تراشیدند...  
 در تهران با بین العالی انبرابر اشارات و لایح تراشیدند...

تغیر با بین العالی انبرابر اشارات و لایح تراشیدند...  
 در تهران با بین العالی انبرابر اشارات و لایح تراشیدند...  
 در تهران با بین العالی انبرابر اشارات و لایح تراشیدند...

تغیر با بین العالی انبرابر اشارات و لایح تراشیدند...  
 در تهران با بین العالی انبرابر اشارات و لایح تراشیدند...  
 در تهران با بین العالی انبرابر اشارات و لایح تراشیدند...



# برفراز تياتر وياسينما

— سینما يك شاخه با اهمیت فر...  
 هنگ بشمار میرود ، دست یازیدن  
 بدان جرات میخواهد و ایشان  
 جلایش چنین بیکره زیبا و انسانی  
 منحصر به ذکورت نیست بکون طبق  
 حکم زمان ، اناث جامعه ما  
 میتواند در رشد و هشد این  
 بدیده ، والا از اهمیت با ارزشی  
 برخوردار باشند .  
 — اگر همانند همه ازنات که  
 به سلام این بیکره رجوع کردند  
 و بعد بلاد رنگ و اداع کردند چی ؟  
 — شما میدانید که جامعه ما یک  
 جامعه عقب مانده و روزه انکشاف  
 است و از جانی بدیده سینمای  
 ما تا هنوز نتوانسته هويت ملی  
 خود را کسب نماید و استند عد مای  
 که بنا بر تخیلات واهی گرایانه و یا  
 ممکن اشکالات ناشی از تعصب و  
 ربا، بای خود را از عرصه فعالیت  
 باز میدارند . ولی من بعد ان  
 می اندیشم که نباید عقب گرا بود  
 و سوي سایه رفت ، سایه بیکره  
 سیرش به تاریکی و لغزندگی  
 می انجامد . چرا ، خرد مندانه  
 به سوي خورشید گام ، بگام پیش  
 نرفت و از خورشید بیکه اشعه  
 پر فروش همگانی است ، سود

به جست  
 — خورشید جان عقیده شما در  
 رابطه به داشتن يك سینمای  
 خوب چیست ؟  
 — بعد از لحظه بی درنگ افزود  
 باید برای یافتن سینمای خوب  
 اولتر از همه در جستجوی فرهنگ  
 ملیتها بود . در يك فلم نیز باید  
 اندیشه بران داشت —  
 محتوی از يك تفکر اصیل و فر —  
 هنگ جامعه گذران زندگی می  
 نمایم ، ما به داشته باشد .  
 — ستم شما در هتشدن سینمای  
 افغانی از چه قرار است ؟  
 — من بعنوان يك فرد درین عرصه  
 نمیخواهم بصورت دیگری فکر کنم  
 فقط تلاش ورزیده ام با انها بیست  
 صمیمیت و بی الایشی به اجرا گری  
 فتن کرکس سپرده شده ، رعایت —  
 نظم و دیسپلین — داشتن اخلاق  
 خجسته و احترام متقابل ستم خود  
 را تا همین اکنون با صداقت تمام ادا  
 نمایم .  
 — میخواهم بدانم کار کرد هایتی  
 سینمای شما از کد ام فلم و  
 چگونه آغاز شد ؟  
 — من با پیشینه کار رادیو  
 ام با علاقه مند ی که در  
 بقیه در صفحه ( ۱۱ )

# خورشید



این بار در رابطه به ویژگی  
 های هنر و شناخت بهتر هنر —  
 مند ان سینمای افغانی ، با ی  
 صحبت هنرمند مجرب و مستعدی  
 که پیشینه کار کرد هایش از امواج  
 راد یو آغاز و در زمره نخستین  
 اکتریس های ( هنر پیشه گان ) تیاتر  
 سینما — تلویزیون باد رخشد  
 چشمگیر جا گرفت و در آثار راد یو یی ،  
 تیاتر ، سینمای و تلویزیونی موفق  
 از آزمون بد ر آمد و تلاش بیکره  
 و علاقه وافر از زمره موفق ترین  
 چهره های سینمای افغانی در  
 سطح کشور شناخته شد .  
 نشینم .  
 این چهره پر در رخشد محترمه  
 خورشید است که دعوت ما را با  
 علاقه و محبت پذیرفت . اینک  
 توجه عزیز خواننده گان گرانقدر  
 را به گفت و شنود این هنرمند  
 معطوف میداریم .  
 — میخواهم نخستین سوالها  
 چنین طرح کنم :  
 — از نظر شما موجود  
 دیت اناث در بیکره  
 سینمای نو بیا خواسته  
 ما ، از چه اهمیتی  
 برخوردار خواهد بود ؟

همینکه اثری از خود به جا میگذارم برایم افتخار است  
 استعدادها باید به موقع کشف گردند

# اسرار خوردنی ها

بادرنگ از جمله سبزی های بسیار معمول بوده که نوع آن خیلی نهاد رایج است. بادرنگ تا به سر سردکننده و طراوت بخشی داشته و قهقهه ها حاوی تمام عناصر است که برای بقای سلامت و بیماری ضرورت است.

بادرنگ به انواع گوناگون بنا تفاوت شکل، اندازه و رنگ وجود دارد. رنگ آن از سبز کم رنگ تا سبز تیره است. بهترین نوع آن بادرنگی است که تازه و سخت بوده و شکل منظم و رنگ سبزه تیره داشته باشد. پوست بادرنگ نعلبختی خفید می باشد. نهراتصام نکبات و متصامین هاداران موجود است. از این رو بادرنگ را نباید پوست کرد.

در علم گیاه شناسی آنرا بنام کوکومیز ساتیوا می نامند. بادرنگ را صوری ها، یونانی ها و روسی های

قدمی شناختند و در قرن ششم قبل المیلاد در چین پیدا شد. اکنون این سبزی خفید در سراسر جهان کاشته می شود و از آن استفاده می کنند.

## ارزش های :

از نگاه تغذیه، بادرنگ حاوی نسبتاً خدار نهاد متوال هاست. تحمیل این صوره سبزی مانند نشان میدهد که در صد گرام آن (۱۶۳) فیصد رطوبت، (۴) فیصد پروتئین، (۰) فیصد فایبر، (۰) فیصد کربوهیدرات موجود است. مقدار متوال هاروتصامین های آن حاوی (۱۰) ملی گرام فیصد، فاسفور (۲۰) ملی گرام فیصد، تانین (۰.۳) ملی گرام فیصد، تانین (۰.۲) ملی گرام فیصد، متانین (۰.۲) ملی گرام فیصد می باشد. ارزش آن از نگاه

کالوری (۱۳) است. علاوه بادرنگ منبع با ارزش پتاسیم، سدیم، منگنز، سلنیوم، منگنیکان، کلرین و آهن است.

## خواص طبی :

بادرنگ حاوی مقدار (۶۴.۰۵) فیصد متوال های القلی ساز و (۳۵.۹۵) فیصد متوال های اسید ساز می باشد. از اینجاست که خاصیت معالجه و درمانی این صوره رادرنک کرد. بادرنگ در حفظ القلیت خون خفید است. علاوه بادرنگ از بهترین مواد ادراور آور طبیعی بوده که دفع و جبهان ادراور را بهبود می بخشد.

## نکته :

بادرنگ دارای مستقل ضد قضا می باشد. کمانه که به قضا می چسبند اند می توانند با خوردن روری دود بادرنگ از فوائد آن مستفید شوند.

## اختلالات معده سی :

صا ر ه بادرنگ در معالجه هلیکوباکتری و زخمهای معده و

# باد رنگ

مترجم انجنیر حلیم

## سبزی مفید برای صحت و زیبایی

انتفاخ خفلی می باشد. در چمن مواردی هر دو صفت می باشد. (۴) تا (۶) اونس آن تجویز می شود. از این که بادرنگ حاوی (۱۶) فیصد آب بوده مقدار صا ر ه آن بیشتر است. بادرنگ سبزی مفید را خفلی زود بر طرف می کند.

## بیماری های رایج :

صا ر ه بادرنگ در معالجه هلیکوباکتری و زخمهای معده و

هنگامیکه با شوره لکه مخلوط شود بوی شکستادن و جمل ساختن سنگ در مجاری ادراور و تقلیل اسید ادراور می باشد.

باید که با آب تازه تازگی مخلوط شده به مقدار یک یاد او ص هیک ساعت بعد دوی خفلی خوب بوی رفع تشنگی در هنگام حله کولسرا مسوی می گردد. این صا ر ه مخلوط توانی مایع الکترولیت را که در اسه بیماری کولرا مثل گردیده، حفظ می کند.

## جوش ها و داده های روری جلد :

صا ر ه بادرنگ در بر طرف ساختن جوش ها و داده های روری پوست مؤثر ثابت شده است. به منظور اخذ نتیجه بهتر صا ر ه های زودک و کاهو را با سبزی صا ر ه بادرنگ مخلوط کرده، اضافه کردن مقدار کم صا ر ه شاد در بعضی موارد قدرت درمانی این ترکیب را بیشتر می سازد.

بادرنگ بخانه ماده حفظ زیبایی

ماسک بادرنگ رنده شده روی صورت، چشمها و گردن برای (۱۵) تا (۲۰) دقیقه قوی خوب برای پوست صورت است. بخاطر استفاده از این ماسک باقیمت دراز نکشد. بوی جلد باقیمت دراز نکشد. استفاده منظم بادرنگ از بهداشت جوش ها و چین و چروک و خشکی صورت جلوگیری می نماید. صورت را با طراوت و شفاف می سازد.

بادرنگ را می توان با سبزیجات، حبوبات، صا ر ه جات و صلا د مصرف کرد. معمولاً از بادرنگ بعنوان صلا د به شکل ترکیب با زودک، لبلبو، باد نجان روری، ملی، کاهو و سبزی های دیگر استفاده می نمایند.

اضافه کردن شوره لکه به این صلا د آثار خوردنی لذیذ و آرازش فزاینده می سازد. همواره باید آنرا خام مصرف کرد نهرا ارزش درمانی آن در اثر پخت از بین می رود.



# پونم ...

بقیه از صفحه (۱۲)

رسیده باشد در غیر آن شکلات نهدی مایه خواهد کردید. به هر صفت تاردواند ن طاسب نمیشود. صداقت و وفاداری جوهر انسان است با چندین مرد در یک زمان دوست بودن مقلان نیست. به نظر شما دوستی های افراطی ممکن است؟

ج - چرا نه، دوستی یک زن با یک مرد میتواند ابعاد گسترده تری از سکی داشته باشد. س - در فضا شادمانی چه مردی که میماند، چه زن؟ کرد؟ ج - واصل، دیوانه خواه شد مخصوصاً اگر از آن مرد خوشم نیاید در چنان حالت خود را به آب پوت همک تا از آنجا فرار نماید و لو بداند شادمانی زنده بلغم می کند. س - شما در نگاه انسان خیلی معصوم و پاک جلوه میکنید، آیا

# دنوروزیه ...

د (۱۹) مخ پاتی

نوبه سی - ارد نوروز سندی و ایسی داجی : خاوند به بیاد پسرلی کس له وجه با گند لونگوبوی را خینه د پسرلی به ریحوراشه چی تورتکری درته کیزدی و غورومه خوانان هم به دغه و رخ بنگلی او نوبی کالی اغوندی خیل توستک را اخلی - تا کلیومیله خایونوتسه یسی - اتیونه کوی، بنی ولی او - سلنگی وهی چی دنومور ولوبو اتسل ته دکلی د سبب ز پیری له خوابه گوته شوی بگری د پالی به توگه ورکول کیزی به خینوسپورکسی لحواتی بیغلی خیلونامزاد شویو ملگروته هگی ایشوی، نقل، نیسی او توتسه هغوته ورکوی)) د هزاره سیه کی برعمومی - دود و نوبسیرکوبلی خانگی دودو ته هم ترسترکوزی به دی باب د هزاره ملیت یوتن و ایسی

دخوان اتل) دراتگ به انتظار به تال کی کینی د هغه دراتگ لار بخاری اوبه گزار کارخانن رنگوبی خوله بده مرغه چی به تال کی بی خوب روری او همداسی وید به پاتی کیزی - داهم اسطوره ده چی د پسرلی طلسم بی به جادوی خوب خوبولی کوی د - نوروز خوان راحی اوتیزیری به باغونو او راغونوکی او گلزارونو - د پسرلی د گلنوبد ناویونیزی ته خان رسوی - خونوروزی بی بی خوارکی چی کله سترکی برانیزی - گوری چی ددی له بی بروایسی خنجه بی یارد نورومه نیز و کسی لویدلی دی - دغه حال نه نس زغملائی - د لیونوتوب خیره پری راحی او بخان له تال خنجه اجوی - که چیری به اوبوکی لویدنه نوهغه کال مسوزاد برکتونو کال ویا و که چیری بی به وجه کی رلویدنه هغه کال بیاد و جگالی او خواری کال ری - د همدغی فولکلوریک کیسی برینست هبله من یوچی سز کال به اوبوکی لویدلی وی خوسز نس کال موز ته برکتونه اوسوکالی د پالی کری -

# خورشید بر فراز ...

بقیه از صفحه (۱۹) زمینه تمثیل داشتیم در سال ۲۰۰۰ راه موسسه آر یا نا فلم راد ریش گرفتیم و با آشنایی مترجم انجنیر لطیف محترم عباس شیان، محترم توریالی شفق در فلم های جون : سیاسی و جلالی، غلام عشق، دام سرگ مزوره سبز، مرد هار و قول اس، کلام های استوار، فرجام صبور - سر باز، فرار، گناه، برنده های مهاجره مسافر و سفر نقش داشتند و داشته های تلویزیونی ام میارند از : فلم هنری کفر، نوای تشلیق زن عروس، د لمره لور، شمع زن - د هک - من و نمانی شانهها و تیاتر تلویزیونی : غم مانی، زهره وید الله، امضا و زیر زن زمین، مرگ المازوف، آدم هسا، عروس، اشتباه عبرت انگیز چند دیگر ...

واقعا فعالیت های سینما و فرهنگی شما ارزشمند است، می شود از افتخاراتتان در این باب نام ببرید؟ - همینکه کار می کنم و از خود اشرفی بجامیگذارم، برایم افتخار است ولی در این باب افتخارات از - بابت اخذ مدال و جوایزی به خصوص بدست ندادم و لیس در سال ۱۳۶۶ - ۱۹۸۷ ایسه مسئول سینمای منعقد مسکو، شهر نیازی اتحاد شوروی در فلم سینمای (ا برنده های مهاجر)) بلعده بی از هنرمندان شرکت جست که خاطره آن برایم فراموش ناشدنی است.

مند افزود : - من از همکارانم صمیمانه توقع میبرم تا صرف نظر از بد در ایس ها و آواندیشه بخود داشتن ها چی بهتر که در یک وحدت از کا - نیکه دست به دست هم داده - کام بگام در راه رشد و انکشاف هنر هفتم (سینما) قدم نمایند. بخاطریکه میتوان به این نکته باور داشت و هم بدان تاکید کرد، که در کشور ما در همه رده های هنری و درین شمار هنر سینما - استعداد های آفریننده بریافت - بلیت باوروی و شگوفایی فراوانند، استعداد هاییکه اگر موقه موقه به کشف آیند، بد رستی رهبری و مستند می گردند، در اندک زمان شگوفه میدهند و هنرمند ما به آفرینش های قابل بقایه با آثار جهانی نایل می آید، به امید آنکه همه توانایی هاد رخدمت رشد استعداد ها و ظرفیتهای هنری بکار افتد.

# مرد ها را خواستند

40 مینرنگه

## آیا فحاشیهای فیزیکی مخصوصاً زنده گی زنانه را اصله میزنانه

جهنیکولوژی خاخر نشان میسازد که هرگاه یک زن ورزشکار بیش از دو ماه قاعده نشود در زمینه باید اندیشید و بعضاً تعویق قاعده کی راجحاً یک عادت پذیرفته اند ، ولی در تشخیص ساله ، پرا بلعهای سی عرض وجود میکند ، زیرا خانم کریستیانسین بدون اینکه فهمیده شود ، سه ماهه حمل داشت . داکتر معالجی مترود بود که شاید عامل عمده در زمینه خسته کی باشد . متوقف شدن قاعده گسی اولین علامه حمل است . ولسی کریستیانسین قبلاً نیز عادت داشت که بعضاً قاعده کی این بس تعویق بیافتد .

مینانسیکیستهای گونه کوتی در مورد توقف قاعده کی زنان ورزشکار وجود دارد که یکی از آنها گسی شحم وجود است . شحم بدون - هورمون اندروجن را ، که از غده های ادرنال تراوش میکند ، در نتیجه تغییر کیماوی به نام اروماتایزیشن به ایستروجن ، که هورمون جنس مونث است ، تبدیل میکند . این ترکیب جدید ضمیمه ایستروجن میشود که توسط تخمدان به وجود می آید . (چاقی اضافی در جنس مذکر ، علامه زنانه مانند جمع شدن شحم در اطراف پستانها را با خود دارد )

برای آنکه سطح ایستروجن را به گونه قناعت بخشی در زنان حفظ کرد ، شحم وجود آنها باید حداقل ۲۰ فیصد وزن بدن شان باشد به صورت نورمال در زنان خانم

بقیه در صفحه ( ۷۷ )

اندروجن بر رشد عضلات تا شیر میگذارد و در نتیجه آن پالای وجود زنان موی بیشتر میرود و عضلات شان قوی میشود . سابقه های زیبایی اندام ، در حالی که بیشتر سابقه کننده ها از نظر فیزیکی جذاب اند ، این تصور نادرست را از بین برده است . به هر حال بازی با وزنها نوعی از مقاومت رابه عضلات میباشد .

هرگاه این ساله که اجزای تمرینات با وزنها سنگین به بزرگ شدن عضلات می انجامد ، مورد قبول باشد ، استفاده از وزنها ی سبک و تعریف متواتر ، به انفر شدن جسم می انجامد و این میتود است که اگر زنان آن را ترجیح میدهند .

چقدر باید وزن سنگین ( یاسبک ) باشد ؟ در زمینه کدام قاعده قابل ملاحظه می موجود نیست . ولسی مطالعه ساختمان وجود مردان و زنان بر مبنای گزارشها کی از آن است که به صورت اوسط بزرگترین مقدار وزن در تمرین عضلات سینه برای مردان ۱۶۶ کیلوگرام و برای زنان ۵۰ کیلوگرام میباشد . این گفته چنین معنی میدهد که برداشتن وزن بیشتر از صد پوند آسیبی به زنانه کی زنان نخواهد رسانید .

داده اند . چنین وضع زنان دیگر را متیقن میسازد که بسیاری از آنها ها در مورد حامله گی و خطرات - تمرینهای فیزیکی رایی اساس بشمارند ، البته در این نوشته ما خواهیم کوشید که حقایق را در بین زمینه روشن سازیم .

نیمه دوم قرن بیستم نسبت به سالهای قبل از آن با زنان بیشتر مهربان بوده است . البته این هم نتیجه مبارزه سر سخت زنها برای رسیدن به یک سطح بلند زندگی میباشد . امروز زنانی که دل مرد ها را میبایند و هم از نظر فیزیکی جوان اند ، رویه تزاید است . از ((راکل و لاش)) گرفته تا ((ریکا)) همه بر نرم سازی وجود تاکید میکنند . بعضیها معتقد اند که تمرینات با وزنها ، بعضاً خصوصاً زنانی کی زنان را از بین میرد این پندار مرد شدن را از دیاد سطح اندروجن ( نوعی هورمون جنس مذکر ) تشکیل میدهد . هورمون

کریستیانسین یک زن پرکار است . در سابقه هایی که انجام میدهد ، همیشه مقام دوم و سوم را حاصل میکند . او به نسبت ولادت سپورت ((دوش)) را مدتی متوقف ساخته بود ، ولی بعداً آنها از سر گرفت . اگر چه او میاند که مادر شدن او را از دست قهرمانان بیرون کرده است ، ولی چنین نشد . او در سابقه هایکی بعد دیگری به پیروزی رسید و تا اکنون هفت ریکارد های پنجهزار متر و ده هزار متر را حفظ کرده است . مثالهای دیگری نیز وجود دارد که بیانگر حالت زنانه است که بعد از حامله گی ولادت نیز لقب قهرمانی رابه خود اختصاص

# نیمه آدم نیمه حیوان

## اسرار جاودان ابوالهول



چهل و پنج قرن قبل زمانیکه فرعون ((خفرن)) دستور داد که اوزار رکاب گیزه به شکل ابوالهول (سفنکس) (نیمه آدم - نیمه حیوان) جاودان سازد، از همان زمان تا حال این ترکیب عجیب هنر فنانان را به خود مشغول ساخت و به متابعتی بدون جواب و سرگنج کند مای باقی ماند.

مرد جوانیکه بدون کدام انگیزه مهم کسی را به قتل میرساند به شهرتیوانزد یک میشود. پیش از آنکه به شهر برسد در کوه صعب العبور و مرتفع نیکون بسا موجود عجیب و بیرو میشود. شیر بالدار با کله زن، که معای را از جوان میرسد، چیست آن در روی زمین یکی باد و دیگری با سه پا و یکی هم با چهار پا که بنده یک نام یاد میشوند. یگانه موجود است که بر روی زمین، در هوا و آب حرکت میکند. تغییر چهره میدهد. با تمام این یاها و وقتیکه حرکت میکند سرش کم است.

موجود عجیب از همه همشهریان تویا، این سوال را می پرسید و بسیاری از ساکنان باید قربانی میشدند. زیرا جواب گفته نمیتوانستند.

ولی مسافر بنام اودیپ معمارا حل کرد و در جواب گفت: ((انسانیکه توازن هن خود داری)) در ابتدای زنده می زمانیکه هنوز کودک است و راه رفته نمیتواند به چهار پا راه

میرود. بعد از یاد و باوا از طرف شب به اسباب قانون حکمت متصل به پای سیم میشود.

و موجود عجیب و وحشی که شهر نیوارا به خطر مواجه ساخته بود و جواب معایش را بدست آورد. به پایان میافتد.

اودیپ مورد نوازش قرار میگردد و سیه یاد شاه یوکاستارا نصیب میشود. بدون آنکه بداند که با مادرش ازدواج میکند و حکمران کند و رمیشود.

یونانیان قدیم هیچ وقت در بید این موجود اسرارآمیز: جنس سره، نیمه زن، نیمه مار ایخید، سگد و سوره اوتروس و غیره هم عقیده نبودند. همچنان در باره ترکیب زن و شیر عقیده دیگر نیز موجود است: که از طرف رب النوع خیر از حبشه برای محازات شهر تیا فرستاده شده.

موجود عجیب که بر بسیاری از گله های یونان باستان تصویر گردیده با برنده آن اودیپ بگمان اغلب در یونان از طرف بحیره مدیترانه آمد. زیرا ابوالهول تقریباً ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد یعنی ۵۰۰ سال قبل از ابوالهول کار تیا قدمت دارد.

دو حیوان انسان نام بسیار کم با هم شباهت دارند. موجودیکه در کوه نیکون جا داشت زن است با تنه از شیر، باقیانه زن و داری با

لها و ابوالهول مصری بال ندارد و به اساس نظر ابوالهول شناس، هانیس و پیش نمایا گستر یاد شاه به شکل زمین روی با تقدس خدایی میباشد. در این چهره او جانشین رب النوع آفتاب میباشد که سمبول زمینی آن شیر است. فرعون خفرن ۲۶۵۰ سال قبل از میلاد دستور میدهد که قله بی از یک بلاک بزرگ سنگی به شکلی ابوالهول تراش گردد. ابوالهول خطوط چهره فرعون را میگیرد و بنا نوار عنقوی شاهی پیوند مییابد. در حائیکه بدر خفرن، خیسویس دستور داده بود که سنگها را بر روی داخل اهرام که بنام خود شرمسی است بفرشد. حالا حیوان شاهی مرتبه بزرگ شده بر روی زمین دراز کشیده ۲۱۰ متر درازی و ۲۰ متر ارتفاع، در طول سده ها، رنگ های بیابانی یادگار خفرن را پوشانیده بیود. در آخر قرن نوزدهم بود یک قسمت آن از خاک برآید و از سال ۱۹۲۶ است که ایسن آدم - شیر را به شکل بیبنیم که در اول بود. ولی روی ابوالهول زیاد ضرر دیدیم زیرا در قرون وسطی توسط یک سلطان با توپ زده شد.

هیچ فرعون دیگر مانند خفرن با این عظمت جاودان ساخته نشده و این مجسمه نیمه آدم نیمه حیوان بر رسد. های مابعد خود زیاد مورد تقلید قرار گرفت. بعداً

نه شیر در مصر قیافه زن را گرفت. بسیاری از همین نوع مجسمه ها به شکل نگهبانان در پیش روی دروازه های اماکن مقدس گذاشته شدند، که اکثر آنها با کله های از قوچ، نهنگ و باز میباشند.

از این نوع موجودات، نمبر از حکمت بد هیچی در تشریفات نیز از آن استفاده بعمل آمد. در لوکسور راهروی از این نوع موجودات را ساختند که در طرف راه قرار دارند. همچنان در غرناطه از قرن هشتم راهرو از ابوالهول ها (سفنکس) بنا یافته که کله هایشان از قوچ بوده و تا حال پابرجاست.

برای توضیح ایده و شکل ابوالهول هانس ویشین اسناد زیادی را گردآوری نمود، او به هزار هانوس اشکال از این نوع مجسمه ها در کتاب خود بنام (ابوالهول) اشاره نموده و تعداد مصر زیاد تراز ۶۰۰ ابوالهول را تثبیت نموده که زیادتر آن ۲۶ قرن قدمت دارد. صد هاسال بعد در سوبوتامیسا بوجود میآیند و سر از آن در گریست و یونان.

ابوالهول سمبولی از حکمت دنیا قدیم است که اول از ساکنین شهر تیا و بعد از او دیپ معمار رسید تا که در آئینه خود ش به یک معما تبدیل شد. چطور پیدا شد، چی معنی دارد، ترکیب عجیب کله انسان با تنه حیوان؟

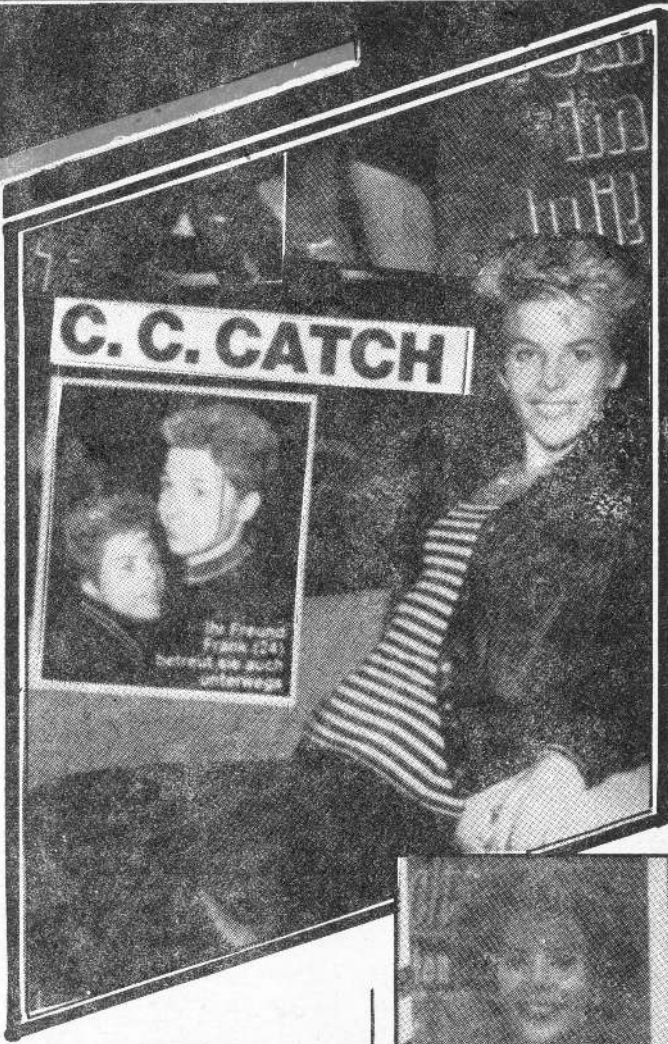
# ملک جهانی که بزرگ می‌شود

«من می‌دانم قلب خود را قدرتمایم»  
آهنگ تازه بی‌ازسری سی تی

می‌کند. کمپوزیتور مورد علاقه اش دیتربولن از برود یوسران معروف آلمان غرب می‌باشد، زیاد تر و همیشه در سفرهای هنری اشتراک می‌نماید، ریکاد های فوق العاده جالب و زیاد عرصه می‌نماید که به مجرد رسیدن به بازار فروش می‌رسد.

قهه به شهرت رسیدن او هم جالب است، سی سی کیچ قبل از اینکه خود را بچیت یگانه خواننده تثبیت نماید، در گروه هنری زنان بنام ((اسی میل)) ترانه می‌خواند، در روز هاییکه خواندن هایش را در رادیو ثبت می‌نمود، در آنجا همیشه اتفاق می افتاد که از کارهای خلاق دیگر این هنرمند برود یوسران آلمان دیتربولن تعجب می‌نماید. تودرن تلاکنگ یکی از برود یوسران آلمان و تیکه کنسرت آن گروه زنان را از رادیو شنید، سی سی کیچ راه استدیو دعوت نمود، اکنون در تمام جهان از کنسرت‌های او بخاطر غنای آواز زیبا و نرمش که شنونده گانش راه هیجان می‌آورد ستایش و استقبال گسترده می‌آید. شعرو کمپوزیکه بنام ((بخاطر

اینکه توجوان هستی)) توسط دیتربولن ترتیب گردید اولین گام موفقیت و سر آغاز شهرت سی سی کیچ بشمار می‌آید. با آنهمه تلاش و فعالیت‌های هنری او بلا نهای در آینده دارد، او همیشه در کلمات این هنرمند آمده است (( در زمان ماستاره های معروف و معروفه های تازه ظهور می‌نماید که تصور و بینش آن مشکل است )) در این اواخر موسیقی با سیر صعودی روزه تکامل است که در این راستا خلاقیت و ابتکار سی سی کیچ در شو های تلویزیونی مقام عالی و برجسته را حایز میگردد. تاننا جیان کسرت‌های سی سی کیچ به ده ها هزار نفر میرسد، سی سی کیچ و گروه هنری امرینام ((کوله فیوز)) نه تنها مورد استقبال علاتمندان قرار دارند بلکه در جهان نیز هواخواه و شهرت زیادی بدست آورده است.



مینمایم

در یک شب مقبول بچیت هنرمند د یسکو تبارز می‌کنند. خواندن زیبایش با هم می‌توانم قلب خود را قدرتمایم)) مردم را هیجانی و آرام آرام به شور می‌آورد، خواندن های زیبایش از اعماق مردم تبارز نموده بچیت د یسکو زدگرم در تمام اروپا شهرت یافت نمود ریک نمایش تلو ییزیونی که د یسکوی فوق العاده اجرانمود بنام ملکه د یسکوی ای خود شهرت بسزایا کسب نمود. این سی سی کیچ نه تنها در اروپا بلکه در جهان نیز شهرت دارد، نام اصلی وی کسور سولیراست که در سال ۱۹۶۴ در هالند تولد یافته فعاله در آلمان غرب زنده گی دارد، رنگ دوستد اشتیاش سیاه است و برای لباسهایش رنگهای آبی کمرنگ و زرد را انتخاب

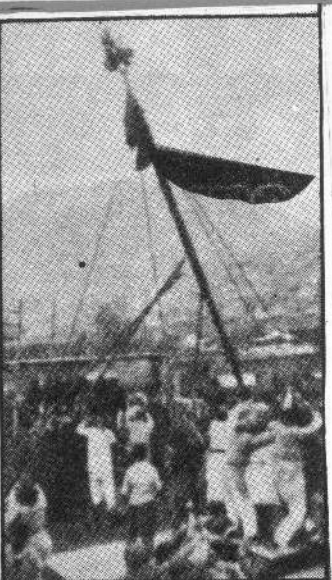


دنیای بزرگ موسیقی همچون بحر خروشان نیست که از امواج پرتلاطم آن انسان این موجود آفرینشگر و مبتکر همه توانمند ی اش سروده ها و پارچه های رابره میگیرند و آنتی‌نوس های بیکران آنها در نوردیده به سوی شادی های فرج بخش و نشاط آنزاده می سپارد. اینک باد ست یازدیدن به جهان موسیقی - گل خوشه یی را ازین سرزمین هستی آفرین به شناسایی میگیرم و هنرمندی را به نام من: من کیچ باهمه محبوبیت هایش به شناسمرفسی

# لرغونې نوروز او

# نوروزي دودونه

د ليمه ليکه



کال له سختيوسره خداي پاماني کوي او نيکمرغيو ته ورژد ي کيزي زمونږ په ميواو کي نوموړي - د دودونه تراوسه پوري په پوره برتم سره نما نخل کيزي او تراوسه لا زمونږ خلکونه دي هيرکري له اولسي او اتلسي بيړي راپه دي خوادغه دودونه په لزاو پير تويرسره نما نخل کيزي شمير - الدين ظريف صديقي په دي باب وايي ((له کابل کي دغه ميلي لومړي د جبه بياد سيا مندي ته - بابرباغ، د سخ او دنيا لگير داينود لو او بزگر د ورخي د ميلو په نامه جوړي شوي او تراوسه پي خپل او پير برتم عمداسي ساتلس دي په عرات کي هم دغه دود په تخت صفر، بل مالان، خواجه سپاران، خواجه صفا، ريگ روان په خانکر و ميلواو خوښيو سره نما نخل کيزي په مزار شريف کي د گل سرخ، ميله جي خلويښت ورخي روانه وي په دغه ورځ ملتهد حضرت علي جنده پورته کيزي چي په کابل کي هم د سخ جنده او د مندي توغ په عمدغه ورځ پورته کيزي

د نوي کال د ميلو په باب غلام محي الدين ملکري چي د خلکود فرهنگ د خانگي مسلکي نمري دي وايي: ((د نوروز په شپو ورځو کي په گند - هارکي د شالمار، بابا ولي، جهيل زيني په گرد يزي کي د (روحاني ما - حب)) په کونړ کي د پير بابا او په ننگر هارکي د ولکي بابا ميلو د يادوني وړ دي په پښتني سيمو کي نجوني او پيغلي نوي اوښکلي کالي اتوندي تمبل وهي زيارت ياتي به (٦١)

دغه اوسني تاك ووايموه يي په خپل وار انگور شوه باجاله هغه وروسته د سپرغ د دغه لطف په ورځ هرکال دنيا لگيو کينه لسو دود پيل کړ او داي په گوته کړه چي هرکال بايدغه ورځ د خوښيو او خوشحاليو په جوړولو سره پيل شي .  
 د ((سيزه بدر)) له لسو شگومونو څخه يوهم د باران اور پيل دي چي هغه به يي دنیکمرغه قال په توگه ياد اووه په ديار - لسمه ورځ چي دنوروز باي وهم ټول ټول مراسم ترسره کيدل نارينه زويه بهلواني کولي ، بيلونه به يي وهل زړه وينخوا ويند و په خپل وخت به ندرنو هلنگر نو په تودولو او د خيرات او خيانت په برابرولو باندې تياروه ، پخواني نجوني او پيغلي به په دغو ورځو کي به شيلو کي کزيدي ، په شيلواو سمور کورونو کي به يي خوښي کولي او د راټوکيد ليوشيلو پاني او څانگي به يي دنیکمرغه ښک په نيټ غوټه کولي له لگيدلو او بلوڅو او وروڼو څخه به يي په خاښو ناروغيو ادا کانو توپونه جون کله به يي چي وايه سره غوټه کول ، د هغو غوټه به يي د خپلي مينی او بلقي وړ عنوان په نامه اېوله . دنوروز په درشل ((سيزه بدر)) کي به د پاندي باور و چي ټوک يي دغه دود نما نسي او نه يي ميروي هغه د تيارو زار -

لومړي شپي مراسم يي د سندان تيار يي به نيول کيده ، اووه ټوله ميوه به لند يده ، داووه شين د سترخوان به وغوړيده چي بيلا به اووه سين باندي واوښت . پير سيره برهڼو به يي پاكي او په هم راوړي ياد کال د اوښتون په شپه کي به چي اوه ونيور يي اوله هغو سره سم به د خوښيو جشن او موسيقي پيل شوه . دنوروز په د بزرگميله هم جوړي دغه ورځ د جمشيد ((يما)) پاچا په عصر پوري اړ ونده بولس .  
 په دغه باب لرغوني انسانه ده چي وايي : دغه پاچا د ليدني کتنس ورځ درلوده چي دروازه يي د عامواو خاصو رڼخ پرانيستی وه . هوکي پرانستی وه ځکه چي تر شنه اسمان لاندي په ازاده فضا کي دي ليدني کتنی صورت نيو چي دعاسي ميلي بڼه يي نوره کړ يوه . د ميلي په خوښيو او تودو کي د هما يا سپرغ مارغه له الوتنس راهيت شواو هغه څه چي يي په مښوکه کي وود باچا په قدمونو کي و اجول او وروڼه يي وغوړول . کوم شي چي مارغه راوړي و پوهانو ترخپل نسي لاندي ونيول او د نبات دانس يي تشخيص کړي . پاچا حاکم وکړ چي دغه دانس بايد سپين پيري او يوه بزرگه ځمکه کي وکړي د کرلونه د پارلس ورخي وروسته هلته نيالگي راټوکيدلي وو چي -

ترکومه خايه چي زمونږ د خلکو او زمونږ د بلرونو ژوند په باب څرک لکيدلي ((نوروز)) او د هغه اړوند مراسم زمونږ په فرهنگ کي د باطرنی وړ لرغونتيا لري . ځکه نو دغه مراسم له يوه پښت څخه بل ته اوله بل څخه بل ته ليز ول شوي او تر زمونږ پوري رارسيدلي - دي . د پخوانو اريايانو په زمانو کي به چي کال پاي ته رسیده د کال وروستی جارښنه به يي په برتم سره نما نخله . دغه جارښنه د سوري جارښني په نامه سره ياد يده او په هغس کي به يي ميلي کولي . ځکه چي د اد پسرلي د برتم په درشل کي دنوروز ميلو پيل و . په دغه ورځ به يي اورونه چي پات او پيغلي توک و بلول او هغه منگي اوگري يي چي د مني - ((مهرگان)) به جشن کي به يي لغلي نه ټکول په دغو ورځو کي به يي ماتول ، داله ژمي او ارامی سره د خداي پاماني ښه و . په اسطورو کي راغلي دي چي له سوري نارښي څخه د پارلس ورخي وروسته واپه په فارس ژبه د ((سيزه بدر)) په نامه ياد يزي . زرد شتيانو د دود يار لسو زونو پيل د ((اښاد)) او پاي يي د ((پهشتوار)) په نامه ياد اووه . او په دغو ورځو کي به دنوروز ميلي وي . له سوري چارښني څخه وروسته به بيا د کال د

## شاید خنده گنید

روزنامه بایین بیاید ، دوم اینکه ممکن است میزان انتشار بایین نیاید ! و در صورت . . . . .  
 ارسالی ژولیا (بهارا کبزراده) از بدخشان  
 شخص پیراهن را زدید به پسر خود داد که بفروشد ، پسر پیراهن را به بازار برد و از او زدیدند ، دست خالصی مراجعت نمود ، پدرش گفت پیراهن را چقدر فروختی ؟ گفت به همان قیمت که تو خریدی ، بو - دی ارسالی محمد ابراهیم هجران

مدیر یکی از روزنامه های معروف ، نویسنده یکی از سر خواننده ترین ستونهای روزنامه خود را خواست و به او گفت : میدانم خسته شده اید ، برای رفع خستگی حاضریم شما را مرخصی به شما بدهیم . نویسنده سرش را خاراند و گفت : از لطف شما متشکرم ، ولی من این مرخصی را قبول نمی کنم به دو دلیل : اول اینکه ممکن است در نتیجه تعطیل شدن ستونی که من می نویسم میزان انتشار



ای یاری وفا ، تو بوکس کو مه دفاع



## اخبار سال

خبرنگار اختصاصی ما ، شافل میزاشا اخبار که همیشه مصروف جمع آوری اخبار خالص می باشد ، برای این شماره این اخبار را تهیه دیده است :

\* در اثر زرد و خوردی که بین احمد خان و برادرش (فرید خان) در اتاق نشیمن شان صورت گرفت ، تمام نشیمن های اتاق شکسته و قسمت اعظم فرش و ظرفی که موجود بود از بین رفت . در این جریان ، احمد خان دست راستش را از دست داد و فرید خان در ناحیه قلبش زخم شدیدی برداشت . بدرفامیل وقتی که حال روز

فرزندانش را دید ، عاجزانه ایشان را به نفاخانه انتقال داد و در نخستین روزنه تمامی تمام معاشش را که بعد از آن ماه عرق ریزی به دست آورده بود ، مصرف نمود ، بلکه چندین هزار افغانی قرضدار شد .  
 خبر می افزاید که برادران زرد و خوردی ، بعد از آن که به حال آمدند ، اعتراض کردند که علت مشاغر ، شانرا نمیدانند .

## از تیلیفون نمبر ۵۴۰۰ می شنویم

انا نسر تلویزیون :  
 بیننده گان گرامی ، اخبار را شنیدید ، حالات توجیه تا نرا به تمبره به تعقیب آن به تعاشای را بر تاز معذرت داشته و در اخیر فلم هنری عنندی به نام (سو - ستوری) پیشکش میگردد .  
 \* \* \*  
 جرنگ ، جرنگ ، جرنگ  
 - بفرمایید ، تلویزیون است .  
 - اوه نوکیوال ، اول اعلان کردید که فلم (سلطان قلبها) را نمایش میدید ، حالا چرا فلم لوستوری را انانوردادید ؟  
 - امر مقامات بود .  
 - کدام مقامات .

تیلیفون نمبر ۵۴۰۰ که تازه در جوات - فجات (۲۲ گانه شریک) به فعالیت آغاز نموده ، اخیراً توسط اپریتوران فعلاً خود گفتوگوهایی را بلی را ثبت نموده که اینک پیشکش میگردد :

جرنگ ، جرنگ ، جرنگ ۱۰۰  
 - بفرمایید ، اداره ، نشرات تلویزیون است .  
 - نشرات تلویزیون است ؟  
 - بلی ، بفرمایید .  
 - بیشتر اعلان شد که امشب فلم هنری ایرانی به نام ((سلطان قلبها)) نشر میشود .  
 - بلی درست است .  
 - اما از آنجایی که این فلم را دیشب از طریق وید پوکست در خانه تماشا کرد ، ام و برای فامیل ما تکراری می باشد ، امرو می کم بو آن فلم هستند ی

(لو ستوری) را ناسر کنید  
 - ببخشید ، آخر آن فلم را بنا بر تقاضای مکرر بیننده گان تلویزیون و ضرورت نشرات پیش آماده ساخته ایم ، اما آن ندار . که آنرا ناسر کنیم .  
 خاموش با سر مامورت مستخان نکن .  
 میدانی ، من یکی از مسؤولین بلندرتبه استم ، من ( . . . ) استم که امرو کم .  
 اوه ببخشید صاحب ، صاحب ، حتماً تغییرش میدهم ، صاحب ، ببخشید ، صاحب .



تما با هنر نمیشه





## از خود شما

سوال  
گفت: يك سوال ميكم، اگر جواب دادی مردی.  
گفتم: بگو، تا مردانگی ام ثابت گردد.  
گفت: آیا میتوانی برای همیشه خشویت را نزدت نگهداری؟  
گفتم: نامردم و جواب نمیدهم.  
\*\*\*  
مادر: انسان با کارهای خوب به بهشت و با کارهای زشت به جهنم میرود.  
پسر: انسان چه کار کند تا به سینما برود.

ارسالی همایون از بونهعی  
ژورنالیم ویان بروی زار به بلخی

(( امتحان ))

يك سوداگر معروف دریایی از همسرش خواست که تا عشق و علاقه خود را نسبت به او آزمایش عجیبی ثابت کند. مرد به زن گفت: - اگر راست میگویی و حقیقتاً مرا دوست داری برو چشم بسته بر لب بامی ایستاد شو سه مرتبه دور خودت بچرخ بعد به هر طرفی که من میگویم قدم بردار.  
خانم نه تنها زیر بار این امتحان بزرگ نفرت بلکه آقا را به محکمه کشانید و از وی طلاق گرفت.

(( در صنف ))

معلم: پنج چیز را نام ببر که صد سال پیش اصلاً وجود خارجی نداشتند؟ شاگرد با کمی مکث: سنجی دست، کارکرد، میناکشی، توپسرا، اندرسن و نواد رامز.

## مادر زن یا روزنامه

شخصی به دوستش شکایت کرد که: خشمم مثل روزنامه است.  
- چگونه زیاد حرف میزند؟  
- نه هر روز به خانه ما می آید.

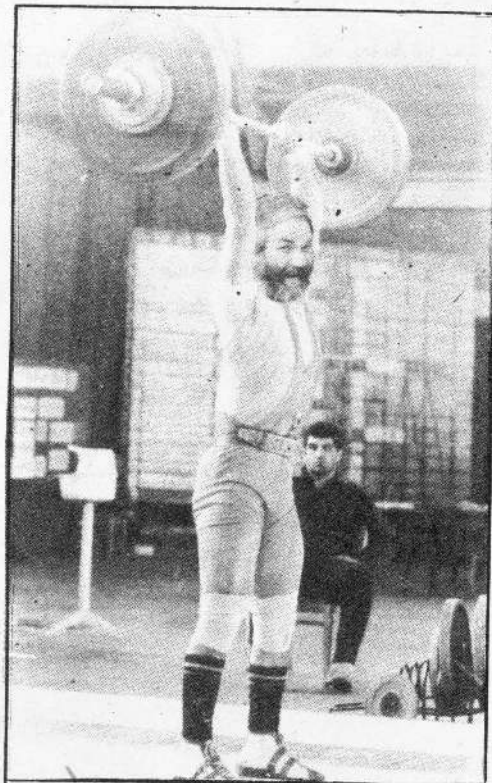
## راه حل

رئیس اداره حسابدار است شرکت تجارتي ربه معاون خود نمود و گفت:  
- حالا چطور به رئیس عمومي بگويم که تحويلدار پنج مليون فرانک موجودی صندوق را برداشته و فرار کرده؟  
معاون: همگام چطور است این ماموریت را به آقای دوران که لکت زبان دارد بگذاریم تا آقا رئیس از جیبان مطلع نشود.

## اندرزهای مطابق روز

X بگذار کودکان مکتب را ترک و در مسدود بمانند تا مسؤولین سیل صف منتظران نانوائی قرار گیرند.  
X لقب نهرمانی را به دست آرند.  
X بگذار تلویزیون شروع گردد و ما را X بگذار انتقادات را مسؤولین پشت خواب ببرند.  
X گپ زن که يك جنس به صد نسخ نکنند.  
X عرمه گردد تا پارهائی از خواب بیدار X چپ باش تا مسؤولین بخواب روند و شهریان از گرسنه گي بنالند.  
X خاموش باش، معازره مای کوبونی نوشته: جاله

نورانی بوموقع



معلم صحنه خوب است

همسایه بپ

د بیرونی تن از دست پیرایه است کمترین تم به بد آزار که نماند و نگذارد آن در پیسر تا رئیسند با بی اعتمادی همکاری نمایند خود را به خانه رسانند. خود این نمود.  
خبرس از این که خبریان کاین از این نمودن به جانیه موقع تغییر احب سوسوف لبراز خوش وقت در دانی نمود. از روند انامه این سلسله در ریاست به می باشند.

خبرنگار: میرزا شاخسار

شخصی نزد دوستش شکوه میکرد که: میدانی چقدر همسایه بد دارم در شب تا ساعت ا شب با مشت به دیوار اتاق میگویند! دوستش پرسید: آنوقت تو خواب بودی. آن شخص گفت: نه، خوب بخوابیده بودم زیرا با اکورد یونم تمرین میکردم.  
ارسالی عطیه

# مینیاتوره‌های طلایی

اگر اثریست مولف را بد زدی آنرا بد زدی گویند . اگر از چند مولف را بد زدی این دیگر تحقیق است .

به هر اندازه ای که فکت ها کم باشد بهمان اندازه اشکال زیبا می باشد .

چیزیکه امروز حقیقت است فرد انسانی تخریب پیش نیابد .

اگر واقعیت ناخوش آیند و یا غیر منتظره باشد بدان کسی باور ندارند .

بهترین منطق ، منطقی است که بعداً بوجود آید .

تاریخ برای ما می آموزد که از او چیز نیاموزیم .

به هر اندازه که بالای اندیشه خود گارمیستی به همان اندازه متیقن میشوی که بیگانه است .

از تمدن گذشته ، نواری های آینده به وجود می آید .

زمانیکه همه چیز گفته شود و عملی گردد ، زیاد گفته شده .

از اندازه عملی شده .

مادرکلان : عسوی از نامیل که نس تواند از غنید ای بیرون آید .

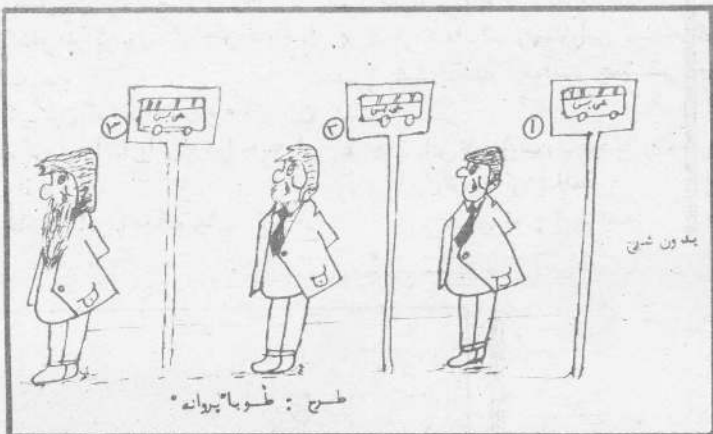
خشو : مشاور با المقطع در پروم های خانگی .

بیکار : حیوانی که وقت را میخورد عروسی : ( عقد ) قماریکه مردان در آن آزادی خود را دو میکنند و زنان خوشبختی خود را .

جنگ : دو بیلوماسی بین المللی که مدق خود را از دست میدهند .

دشمنان : مگوری از دستان که نمیتوانیم خود را از آنها دفاع کنیم .

## کارتون



## نیم کاسه های زیر کاسه

مارک تواین روز جمعه را روزی شو میشمورد .  
یکی از دوستان روزی برای پیش گفت :  
دوست عزیز در جمعه شخصیت های بسیار بد نیامده اند مانند جورج واشنگتن ، تایلین ، شین و کلاستون .  
مارک تواین موافقت کرد : ممکن است ولی فراموش نکنیم شخصیتها مردند اند .

امیل زولانزد ، اکثری رفت ،  
داکتر پرسید : چه شکایت دارین ؟  
خود را ضعیف احساس میکنم از چند روز است که یک لقمه راهم در دهان نگذاشتم .  
داکتر سر از معاینه برای پیش نسخه نوشت :  
ای تابلیت ها برای اشتهای تان کف میکند .  
امیل زولانرش را با ناراضی شور داد و گفت :  
داکتر صاحب این تابلیت ها برای من کف نمیتواند من اشتهایم را ولی چیزی ندانم که بخورم .

مدیریت باشد کسی دیگر را ندیدند .  
محمد سرور خبرنگار که به خاطر تخیله صاحب ، نسبت به دیگران رجعت نیادتوری را مقبول شده بود به آشخرف گفت :  
چند روز پیش مدیر صاحب برای مامکتور روان کرد که بیاید با ما صاحب کهد ، ولی حال خودشان تشریف ندارند ، آیا شما حاضرند کجارتی اند ؟  
معاون شعبه گلشن را مصاف کرده گفت :  
وله راسته بگویم ، به هم نیامم که مدیر صاحب کجارتی ، مگم دیروز در امری صحه حلیا داد کدهه سینما قلم نهند شده ، شاید نمونه رفت باشن .  
محمد سرور که گوی خشکی

## بی غم باش لالا

سفر اراخان مدیر تیلیت و ترو صغ فاجیکه ساختن طلی مکتوب -  
رسمی از خبرنگاران را دیو و تلویزیون دعوت به عمل آورد تا ساعت ۱۰ هتل از ظهر روز دوشنبه به شعبه اش آمده با او جوار امر مربوط مدیر پیش صاحبه نظیرند .  
روز موجود فرارسید ، مسئولین تلویزیون با هزار جار و جنجال ، موتو ، کمره ، ایت و همکاران شنیکر و فی را آماده ساخته آنجا رفتند .  
همون که داخل شعبه شدند به جزارتشخص که پهلوی مدیر شسته و معلوم میشد که باید معاون

شده پوئوسید :  
ایا پیر به شعبه خات آمد ؟  
معاون جواب داد :  
ایره خوب میخام که تی ، به خاطر که مدیر معادلت نداره وقت که بر آمدن پیر بیایسن .  
تمام خبرنگاران و همکاران تختهکی در حالی که سخت آورده شده بودند دهناره به ظرف اداره تلویزیون حرکت کردند .  
در نیمه راه شهر حسن فلمبردار بیکاره همه را مخاطب قرار داده گفت :  
اوسیه ها ، اینها حومه خوب سرگردان کدن ، مام کارز میکنم که تازنده استر یادتان نره ، اوهم ای که برشان میکنم که روزیکنیه آینده آماده باشن ماسی ایم ، باز

### متولدین ماه اسد :

خوش شانس شما در اینست که در راه بنامت آوردن مواد بخته سیلواز خود مقابلهت نشان نمیدید اما ممکن است حین بالاندن به سرسری ملی بس جراحی بردارید که بعد از رفتن نزد دایر این تشویر رفع خواه شد .  
متولدین ماه سنبله :

شما دم کم حوصله بی استید به مجرد تماس کردن بایک تینگ یا کراچی روی سرک باد ستغرو - شان برخاطر میباید ولی بایک محتاط باشید که انعام بر - گری کم از شما نیستند احساس استقاد بدی تان را تقویت کنید .

### متولدین ماه میزان :

تشویشی که از ناحیه بلند رفتن تکت ملی بر در شما ایجاد گردیده است انقدر جدی نیست در میزان هم نگران ایکی د واقعا تان را صاحب میزند ندیده رستوران اکتر سرزید زیرا مقابل مگر حساسیت دارید .  
متولدین ماه عقرب :

همیشه از روند استید تا در هر جا از جمله موتریلی بر موقف خوبی داشته باشید . از همین رو با دیدن جالبی به لگن موتسری جمله ورمیشود اما متوجه باشید که جیلک تان را حین رسیدن به هدف کم نکنید .  
متولدین ماه قوس :

ادم با اراده استید وقتسی بخواید کاری را انجام دهید بدون توجه به سنگینی آن ، آن



# فالی که طنز نویس دیده است

### متولدین ماه حوزا :

ارزوا یینه به خار به دست آوردن کین لیت به سو میروانید به جزازته و بالادین چندین هفته به تمرین رسید به مشکلات زنده تی تان انانسه از این افزوده نمیشود به زودی بوجی اردی به غدومی اندازید .  
متولدین ماه سرطان :

شما دم خون خرقی استید بوی ونگه گیاه کارسری در شما اثری نمیکند . بول صفای را در مواقع معین میبرند از بد بجز واسطه ها ، واسطه های قوی پیدا خواهند کرد .

### متولدین ماه حمل :

امید و ارزو هم وقتیت کوشت از سر تان به اسمانه ای هفتم پرواز میکند . در هفته که پیشرو دارید روزی این خوشی را در تان تیل سیری مینمایید در باره تخم مرغ کمتر فکر کنید .  
متولدین ماه ثور :

همیشه با ما مورین متاز به بر - خورد صمیمانه دارید خوبست به خاطر رفتن تان وقت ترا - خواب برخیزید تا با اطفال تان کمتر سرنا بنوازند کوشش کنید بی د بار در هفته به دفتر سرزید .

را انعام میدید مثلا شما قادر استید به اسر وقت از نانوای نزدین خانه تان ، نان بدست بیاورید اما متوجه باشید که نفع شما درسی واسطه شس شماست .  
متولدین ماه جدی :

ناراحتی های که از ناحیه بلند رفتن مواد اولیه طسرف سرورت دارید بی فایده است در اینده نه چندان دور شیز - خانه تان را قطنی روغنی رنگین خواهد ساخت براد بومک بشنوسد زیرا مقابل سایل تکراری حساسیت شده بد دارید .  
متولدین ماه دلو :

فکر مرغ بلورا از خیال تان دور سازید . کتوبه بازار بروید بی نشی ملی بر شمارا متاثر میسازد ولی باید بدانید که این موضوع د پتغادی شده است شما هم مانند مسولین در زمینده معافیت حاصل نمایید .  
متولدین ماه حوت :

اگر شما امور دولت استید ، اطفال تان در نانوایی مصروف اند و شانس کامیابی در مکتب کم دارند ، وظیفه شماست که به معلم آنان واسطه پیدا نمایید که در جمله مشروطان ختم سال ، کامیاب گردند ، حتما بخت اطفال تان بیدار میشود ، تاراحت نباشید اطفال تان را تشویق نمایید که بوظیفه خود در نانوایی بگیرانده ادامه دهند . از لیل سعادت

روزی که رسیدیم . همه در حالی که لبخند بر لب داشتند قبول کردند . همین که به دفتر رسیدند بشیر حسن نظیر در گوش تلفون رایسر داشته به شعبه سرفرازخان تلفون کشیده گفت : معلون صاحب محترم ، از کجه تمیه صاحبیهت شما با اتمه مهم اثر ، بری مدیر صاحب سرفراز خان و امیر شعبات شان بگهین ( - لنگه یاد داشت کهن ) که مارونیک شنبه آینده ، ساعت ( ۱۱ ) می آیم ، مارو بر سرفرازخان و آمرهلس باید رهبر موسسه هم دعوت شود ، چند جریده دیواری به تشریف و تاریخچه مفصل فابریک نوشته شده جانر باشد ، بخشهایی مختلفه

تعمیر باید به صورت نمونه در این شود و تولیدات فابریک هم به قسم نمونه به نمایش گذاشته شود تا از آن چند شات بنهیم ، و در روزی که ما می آیم ، تمام کارگران و کارمندان مدیریت تا تراجیم کید تا با آنها هم صحبت نماییم و در ضمن برای تان جاشت ( ۱۲ ) نفر خبرنگار و پرسونل تحمینی مسدا تهیه کید . برای سرفرازخان بکجید کارهای را که کقیم حتما باید انجام دهند ماه صورت حتمی می آیم . معاور گفت : به چشم حتما برشان مهم روز موعود فرارسید اما هیچکس برای صاحبیه به شعبه سرفراز خان نرفت .





## دوهامدينه

د راديو-مجلي پسرل  
پسې داستان

## سرپرست رئيس

نطاق : دراد يوچريد ي برله  
پسې داستان د پروگرام اوريد-  
ونکو لوستونکو سلام )  
تاسې په تيره گڼه کې ولو -  
ستل چې د بېتا تومپنولو د ریا -  
ست رييس د مقاماتو د لزم د پيد -  
ياد ناغې ي له کبله برطرف شو .  
بي له دې چې بل رييس وټاکل  
شې او ياد رياست د کوم مرستيال  
د سرپرستي مکتوب راشې . دريل  
ست د چوکي د نيولوبه خاطر د  
اداري اوفسي مرستيال ترمنځ  
رقابت او کش وکړمنځ ته راغې . په  
لومړي ورځ له سهاره ترغرمسي  
پوري اداري مرستيال به چوکي  
پوري نېستې و . خو کله چې د -  
پنځو دقيقو له پاره له چوکي پورته  
کيزي او د باندې وځي . نوغسي  
مرستيال د رياست په چوکي پښه  
ياتي ( ١٠ ) مخ ته



## نانوای

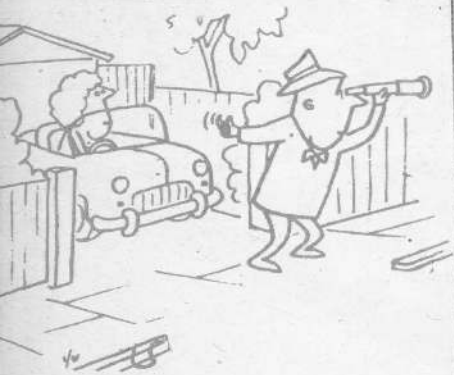
دغه مهم اوحياتي لغت په  
معاصرو قاموسونو کې د اډول تو -  
ضیح او تشریح شوي دي :  
( نان ) د ډوډي او -  
( واي ) د واخ مانا لري .  
يانې کله چې خوک د پښار په  
نانوایانو کې په پنځو ډوډيو پسې  
( واخ ) چيغې ووهي او هغه  
هم په لاس ورته ورته شې .  
.....  
غور خوره . غوري وايه . خو په  
غور وڼه تير وځه ا



## علمي تخييلنه

هغه خوک چې دغه ليکه لولي غرموسې د نيوغسي په دوران  
کې د ناپيروجن دوراني حالت د بيلوژي په کتاب کې ترسترگو  
شوي دي ، خود لته د ناپيروجن پرحاي د يوې بلې ډيري مهمې  
اوحياتې مادې د دوران په باب غږيزو . دغه مهمه اوحياتې  
ماده د سر کونوله باسه هغه خاوري او ډوډي دي چې هره ورځ  
په زمونږ ښاريان په دوراني ډول دخولي اوزي له لاري سزواو  
کولمونه ننه باسي . اودالري ترهغې روانه ده چې خود پښار  
په واټونو کې دخټواو ډوډو دغه حال وي .  
له دې خبرې سره داخبره يې لا براتواره په ثبوت رسپيزي  
چې حاده څه ډول له يو حالت څخه به بل حالت بدليزي او خپلي  
بقا ته دوام ورکوي .  
راغې چې په دې باب په خپله دغه دوراني حالت ته  
ورنښوئو :

# نردی لیدوتی میړه او د سنجی وریوری



## دیوډاگانو غوښتلیک

د راپیو، تلویزیون، وریجیا، سټو،  
مجلو او جریډ و محترم موسیولینو!  
غوره وړخ ویناو او وړی سټو  
تلویزیون او راک یوکی د ماشومانو  
او حیواناتو له پاره ځانګړي څېړنوي  
څېړنوي او هم په مجلوماتو کس  
دغه ټول ګلښی ترسټرکو کیز یی .  
خود یو ډاګانو څېړنه تراوسه نشه  
چالیدلی . نه یی اوریدلی او نه  
بی هم لوستلی ده . ایا یو ډاګان  
غوز ونه نه لري . زه ونه نه لري .  
اوسټرګی نه لري بی څو یی  
د دې ټول څېړنو تم نه څوړی .  
د ایه موسیور او ریډلی وی چی :  
زاره به څوړی . مرګ یی د یی -  
سار . څوړی . د امانانه لري چی  
سړی به مړه ګیډه لیتی یا او کوره  
و څوړی . بلکی روحی څوړی ونه چی  
د خولی په ځای د سټرګو او ټوړو  
له لاری کولموته ننوسی هم اړ تیا  
ده . ځینه کیز یی چی د دنیسی  
اړ تیا به پام کی نیولوسوه (د بو -  
ډاګانو نړی) . ایه نوم څېړنه به  
څېړنو ټوکی وریاته کړی .  
ستاسی اجزا توت غوز اوسټرګی  
په لاریو .

بریالی اوسی

کاکا سفندر د یو ډاګانو ټولنی  
سرپرست

وکتل شو!

د یو ډاګانو دغه غوښتنه به ځای  
ده اوله عمدی نیسی وریسته به  
د بدچاره هنی هنیوال د یو ډاګانو  
د نړی په نیم یوه ټوکی به هنی  
کی وریاته کړی .

# ګندنه

زه مجنون د ګندنی م ، ګندنه زما لیلاد ه  
په لاسونه راغی ملګرو ، کبرجنه بی وفاد ه  
اوس بی مینه بازاری ده . له پتی تللی د ګان ته  
په مفلس مین شرمیزی ، ښکته ما ځنی اجداد ه  
د مهران مودی اوز دی شوی . د وصال په طمعه طمعه  
زه د یواښت په هیله ، تیرم میاشتی ګندنه  
داله ځمکی نه عواته ، پورته شوی په هوا ده  
لاهم وړخ په وړخ جکیزی ، یو ځیران رانیتنه شوه  
د نړخونوبه سیالی کی ، ګله ګله له (پامپا) ده  
په مړه کیډه . عینکله . ماونه څوړی . په مینه  
د اچی ورکه ده له مانه ، ټول ما ورکه د تیا ده  
که یی نړخ راکښته نه شی ، د څوړاک عیله بی مکر ه  
ای مفلسه حیبت ته کوره ، ګله څوړاک ګی اشتهیا  
بخوانی مینی اوسنه شته . زه د یی څېړنه یاری کړی  
اول نړخ کوره بازاری ، ګندنه یی مینی ته سودا ده  
غسی نه چی لیونی شی ، په کونوبه بازارونو  
څه به لاس درله درنه شی ، د ابله تما شان ه  
نورته افریاد ونه کړی ، زه مړه کی مبرګندی نه  
ای مفلس ګندنه څوړی ، د ازما درته وینا ده .



## میږز له میږسره څه څپیلوی لری ؟

میږخوتول بیژنی چی د دفتر  
په کوچ کی به څلور ښو ارام  
ولار وی اوبه رمسی وخت کسی  
میږزایان ورباندی څپیل سرز دی  
اویده کیزی .  
راعی وګوړو چی میږز اڅه ته  
وایسی : میږز له دوه برخو  
(میر - زا) څخه جوړ شوی دی  
چی دوه لاسونه ، دوه ښی ،  
دوه سترګی او دوه غوز ونه لری .  
اوسی (که میږ) ، (میر) او  
(زا) د وار ه سره یوځای کړی  
نوبه ټو سټرګو ویلاي شو چی :  
میږز اڅه (میر) دی چی له  
(میږ) څخه زیږیدلی دی .  
(څېړکی)

په لاسونو دانه باغیچه ښکته

په کلاټ څه کارولای

## دیوډاگانو نړی

یوه ډاګان او یو څوړان په ګوره ده  
پوړی ګاسی ته باغیچه وړی .  
پوړی بی څوړی له  
دوی د وار وید څوړه شخولند  
راهه اوبه سټرګو اوسی ټوکی  
یوسی چی ددی عیسی بیسی ته  
هت بی پاتی وکله یو اڅه و -  
پوستل .  
- کاکا خانه (ولی زاری)  
- څپیه بوښته نه ګوه . . . نه پامه  
خوله کی غاښونه نه شته اوسه  
پوړی شخولندنه شم وهلاي .  
خودغه څوړان چی غاښونه لری  
ټوله پوړی بی راځنی رځوړی .  
څوړان چی خوله بی له پوړی  
په ګه وه . په پک ستونی بیسری  
ا و دانګل .

د روغ وای وروزه ! زه چی غا -  
ښونه لرم ، نوبه پوړی شخولند  
وهم لږ دم بی " خودغه بود اڅه -  
ښونه نه لری او پوړی ژوند یی  
ژوند یی تیوی .

یوشن میږز اڅه لار څو څپیل بود ا  
پلارته لیک ورباندی ولیکی ، میږز  
دغه وویل :  
میږز - ښه وروزه ! پلارته دی په  
لیک کی څه ولیکم .  
سړی - سلام . . . ګرانه پلار . . .  
میږز - ولی چی چی ویی ؟  
سړی - ددی لپاره چی بودا -  
پلار یی په غوز ونو کول دی او  
وړو څېړنه اوری .



# علی مشتری سفر پر ماجرای رابه دنبال عشق خود از سرگذشتانند

## مجموعه شعر

خواننده گان عزیز در شماره های قلمی مجله باغ رشک سفر  
علی مشتری را دنبال عشقش در هیالای به غنای خوانندگی اینک پیش  
بهری این همه را برانید

شب فصل بهار و ماهتاب است  
نغم باغ رشک مشک تاب است  
شگفته دامن افشاده به گلشن  
زخون لاله شاخ گل خضاب است  
بدیده تان (( ماه در بسا لا))  
ز خجلت ماه تابان در حجاب است  
نغم آهسته تبرنگ رزگوش  
که ((منازجهان)) من بخواب است  
درین فصل بهارای گلشن نساز  
زهجرت مشتری اندر عذاب است  
مجله کابل هم در یکی از شماره های خود  
بیوگرافی مدهو بالا را بطورمکمل تحت عنوان هللی  
مشتری ومد هوایا بدست نشر سیرده که چندند  
صفحه از آن مجله مصروف وزیران گرفته است  
جریده انیس هم زیر عنوان ((علی مشتری رایشنا -  
سید)) یک صفحه از روزنامه را به بیوگرافی بنده  
و عشق عصری قرن بیست وموضوع مدهوالاتشریح  
یحات مفصل داده وهم چنین موضوع روز را طلاماً  
جمعی افغانستان بود و اکثر روزنامه ها و جراید  
درین باره مضامین و اشعاری بدست نشر  
صی سیرده نده که چون مدت و زمان زیادی از آن

تاریخ نگشته اکثر آنها فراموش گردیده اند  
همچنین مجله ننداره که یک مجله هنسری  
فلسی و ادبی بود در وقت و زمان خود شهرت خوبی  
داشته، صاحب و راپور تازی مفصل و نظریات خویش  
را بدست نشر سیرده و عکس هاییک مدهوایا در آن  
امضا کرده و بطور یادگار برایم اهدا نموده بسود  
و هم چنین عکس های از من در مجله ننداره به  
چاپ رسیده

و این است راپور تازیکه در شماره دوم سال دوم  
مجله ننداره که مدبرمسوول آن محترم شفیع رهگذر  
بودند - نشر گردیده، یک قسمت آن بحضور  
خواننده گان گرامی سپاروین، زیلا، تقدیم میشود

((یک راپور تاز د لچسپ خواندنی  
گفتوایی با علی مشتری))

((عشق))، امید ((و آرزو))، سه کله خوش  
آهنگه سه لفظ خیال انگیز و شاهراهنه و بالاخره  
سه معمای مشکل و پیچیده هستند که بدور مرکز  
دن می چرخند و دل این مایه زندگی و این اوست  
زندگی بهر رنگی که خواسته اوست این هر سه را

بسا خود می رقصد و آدمی را بدنبال آنچه نغم  
عشق و آرزو در وی بوجود آورده است، گاهی در  
صحاری خشک وریگه بیابان رگاه بابای برهنه  
روی خار مغیلان می میدان وطن میدان میدواند  
و اهتایی باین ننداره که کف پای آدمی را دردی  
وشت پای او را گردی نصیب نموده است  
آنچه راهبان اخبار و ناقلان آثار و خوش  
چینان خرمن سخن از دوران کهن بدل نسبت  
داده اند که اگر غلط نیست، عجیب ضرور است  
زیرا گاهی دل را خون شده گان مظلم ناچسار  
خوانده و هزاران نوع نوحه دیگر برای اوسر و دهاند

در حالیکه همین دل بیچاره عاجز و ناچار ایشان را با خاک و خون کشیده و بعد هم برایش نوحه گری که بوشق نفرین کرده آرزو را محال خوانده و امید را فریبنده میدانند به تعقعه خندیده است. همین دل مظلوم دوست باکتر لوگه ما علی مشتری را دو سال تمام از یاد دور داری و در جایی او را در محافل ادبی و هنری و محفل انس دوستان خالصی ماند، داستان اینکه روی دره یار غربت چها کشیده، برای خود بی کتابی است.

ولی اینکه در سرزمین بیرونیان نمکین و سستی، جهادید و چهارگز برای خوانندگان مجله دوستداران مشتری، موضوع معتنا به و غنیمت سی است که با استفاده از یک صحبت دو ساعته با ارجحی اجالی بخوانندگان نامه خود از آن ترتیب و تقدیم میکنم تا با کمال تعجب بیکار دیگر در یابند که مشتری هم در حالیکه مثل همه ما و شما باز چه دل بوده، باز هم برای دل خود بسیار میسوزد و هر لحظه آهی کشیده، میگوید ((بیچاره دلکم)) با خوش خلقی ((همیشگی مرا پذیرفت و بعد از تعارفات معمول، مانده نباشی اضافه کرد: گمان میکنم در اینجا هم مثل بعضی بیک مشت سوالات تو امثال تو بایسد جواب داد، روی خصوصیتی که داشتیم، خندیدیم و گفتم.

س: جزاین چاره نداری وقتی که حاضر شدی تمام جراید فنی بیگانه را از نظریات و اظهارات عاشقانه و هنری خود بزرگی ناگسری برای نماینده مجله فنی کشور خود هم حرف بزنی. عده زیادی خواننده گان ما ترا می شناسند و جداستن ماجرای مسافرت عشقی و هنری تو عسلا - کنند اند.

ج: حاضرم به سوالات تو جواب بدهم مشروط بر اینکه زیاد وارد خصوصیات نشوی و من برای سکوت اجباری احساس نکم. س: به دیده این قسمت را رعایت میکنم اما تا آن حدی که حس کنجکاری یک خبرنگار بتواند اجازه دهد.

ج: بسیار خوب فرمایید، من حاضرم که به سوالات شما جواب گویم.

س: اولتراز صحبت صحبت کن تا جاییکه من میدانم منظور از مسافرت توبه بعضی در مرحله نخست معالجه چشم بود، آیا بهتر شد؟

ج: خدا را سپاس گزارم یک مدت مختصر تحت تدابری بودم که به زودترین فرصت تکلیف رفع گردید.

دیدن روی عزیزان چشم روشن میکنم داری بینایی یعقوب را یوسف کند س: پس چرا توقفان در بعضی مدت دو سال طول کشید؟

ج: خودت میدانم که من به عوامل هنری علاقه زیاد دارم، از روزیکه پای من بروی ستیو بهار شده بیش از آنکه یک شاگرد اهل صالح بسرای طیب باشم، دو دسته دامن هنر و سوانح هنر مندانه را چسبیده ام، ازین جهت خیف دانستم از شهری مانند بعضی که مرکز هنر و هنرمندان کشور بزرگ هند و تقریباً هالیوود شرقی است، بدون فیض

بردن و انداختن معلومات هنری برگردم، طبعاً این کرد شها و کسب معلومات هنری مدت زمان طولانی را ایجاب میکرد و من هم بی مضایقه حاضر شدم، این مدت را فدای اندوخته هایی هنری کنم. س: خوب، البته این مطالعات منحصر به ملاقات با ستاره زیبای آسمان سینمای هند بود و هر لحظه بی که بایکی ازین آفات مفضل و هوش رنده بدیده باز ماندی یک انسا یکلوییدی نوبی از تو بوجود آمد؟

ج: یقیناً این وجهه احساساتی و شاعرانه مطالعات من است، معذراً هر یکی ازین ستاره ها در هر لحظه زیبایی و دلربایی، عالم بخش هستند و دارای یک استعداد سرشار در پیشه خود هستند.

س: به نظر تو هنرمندترین ستاره های هند کدام عا بوده و آسامی شان چیست؟

ج: به نظرم را جگپور، بلراج سمانی، کمنور ساهو، دلپ کمار، اشوک کمار، برتوی راج و جانی و اگر از جنس خشن، نرگس، مدهوالا، نی، وی - جنتی مالا، نلنی جیونت، گیتالی، کانی کوشل نو باری، از جنس لطیف، سربر آورده گمان جهان سینمای هند بشمار میروند، البته این یک قضاوت هنری و شخصی خود من است و من هیچ گونه وجهه قطعیت و احتیاط به آن قایل نیستم.

س: نگاه شما از نقطه نظر زیبایی روی کدام

ج: شاید تا چیزی درین نباشد مردم از آن چیزی هانی سازند، محبت و علاقه من به مدهوالا یک ساله چندین ساله دارد و تماشای فلم های محفل نازنین، ((خانم آتای ۵۰)) در تشدید و تحکیم این محبت ستم زیادی داشته و بعد هم همین عشق و علاقه به او محرک احساسات شاعرانه من شد و توانی در حدود ((ده هزار)) بیت در وصف مدهوالا از طبع من بوجود آمد، گرچه علت اساسی مسافرت به هند طوریکه در بالا گفته آمد یک مسافرت هنری و ورزشی بود، معذراً آرزوی باز دید ازین محبوب و معشوق رویا ها و تخیلات نیز درین مرحله ستم زیادی داشت.

س: بعضی از جراید چاپ بعضی مثلاً اداکار آرزو و غیره ضمن راپورتاژ هائیکه از تو طبع کرده اند حرفهای نیز در مورد ملاقات تو با مدهوالا و اهل خان بد را و بجای سپرده اند چاک از اینکده مدهوالا به ازدواج یا توبی میل نبوده، ولی پدرش دو صد هزار کله در هندی جمعیت مصرف عروس برای بستن زبان مردم از تولید انبوهاتی اساس مطالبه کرده است، آیا این مطالب حقیقت دارد؟

ج: بی شک دیده ام مدهوالا از نزدیک یک تضایی قلبی من بوده و بعد مدتی انتظار روکشش توانستم اوراد رفتارش که یکی از زیباترین مهارت حوالی بعضی است، ملاقات کم درین ملاقات از هر دری سخن راندم و طبعاً از دل بستگی و علاقه پی که بوی داشتم نیز سخن بمیان آمد، مدهو برخلاف

# مدهو بالا وینوس شرق است

آنچه در زلم هاملاحظه میکنم یک د ختر خلق و محب است، بنابراین وقتی سخن بدینجا کشید، گونه هایش از شرم گل انداخت و در حالیکه نمیتوانست بمسوی من نگاه کند، گفت، برین موضوع بهتر است با یسد صحبت کنید، شاید راه حل درستی پیش پای تان بگذارد، ملاقات با اهل و اواله خان نیز در استان دورو درازی دارد ولی مختصراً همان است که جریده آرزو و بگر جراید هند نوشته اند.

س: و طبعاً تو این پول را نتوانستی تعمیم کنی زیرا سرمایه بی که با خود برده بودی یکی هنر و دیگری یک دل شوریده و پرورد بوده که ایسن دو نمیتوانست خان را اقناع کند و نه خان نمیتوانست بدان وسیله زبان دراز مردم را کوتاه کند.

ج: این قسمت را به اجازه تو مسکوت میکنم و امیدوارم طالب هیچ گونه توضیح بیشتر از آنچه میدانسی نباشی.

این قسمتی از صحابه بود که در مجله ننداره به طبع رسیده بود و کلکسیون مجله مذکور هم در کتابخانه عامه کابل موجود است، علاقه مندان میتوانند بقیه در صفحه (۱۱)

# لی غم باش لالا

مدیر صاحب ، سزای قسوت  
 ((ا)) گرم  
 هفته گذشته ماره سرگردان  
 ساختن ، ما آمدیم شمانودین ،  
 خیالی دیدیم که چلو تصد خوده  
 گرفتیم که یک هفته شماره به خاطر  
 صاحب صرف ساختیم ، آخر  
 هم دیروز نامدم  
 سرفرازان که این حرف ها را  
 شنیده ، خنده ، تمسخر آمیزی  
 کرده گت :  
 بی غم باش لالا ، ما دیروز هم  
 نبودیم .

بقیه از صفحه ۱۲۷  
 شوهر من فلمدارک در من  
 حال به حث بدبختی نگاران -  
 تلخهون ایفای وظیفه میکرد ، یک  
 روز بعد گویی را برداشته سزای  
 سرفرازان که همان روز در شب  
 بود تلخون کرده گت :

بقیه از صفحه (۷)

# مصیبت اعتیاد

ج : همین شخړ صاحب به  
 وابستگی مواد مخدر و رانمیتوان به زور  
 و فشار تد اوی کرد با وجود اینکه  
 تمام تسهیلات آرمایی موجود د  
 باشد ، رضا و رغبت صاحب به  
 تد اوی شرط اول تد اوی است .  
 برای تد اوی معتادین باید برنامه  
 های وسیع تبلیغاتی نیز در رنر  
 گرفته شود ، نمایش فلم ها و نمایشنامه  
 های تواند موثر باشد . برعکس  
 فلم های تشویق کننده یک  
 جایا مواد مخدره از طریق تاجران  
 مواد مخدره خود اعتیاد را بیشتر

می سازد ، در برنامه تد اوی باید  
 خانواده ها و استادان مکاتب  
 و همروسه زیرط سم بگیرند  
 یعنی منظور این است که اولاً  
 برنامه و قایون داشته باشم  
 نه معالجوی . بسیاری از صاحب  
 می توانند داخل پسترس شوند  
 اغلباً دیده شده که انهمالاز  
 طریق همیره های سابقه به مواد  
 مخدره کشانیده شده اند .  
 ج : طوریکه قبلاً گفتم تد اوی  
 اجباری این انفراد مفید نیست  
 معلوم کردن معتادین هم چنانچه

# لیزاروی

بقیه از صفحه (۲۱)



نمایشنامه (( ایدم نیست ))  
 بعضی نمایشنامه های تلویزیون  
 و رادیویی نشانه های داشته ام  
 - لیزارجان کونکه به آرزوی تان  
 نایل آمده اید و هنر پیشه سینما  
 شده اید ، فلم جدیدتان کدام  
 است ؟  
 - فلم جدید اینکه من در آن  
 نقش برارنده ام ، (( سفر ))  
 نام دارد به کارگردانی سعید  
 ورکزی وهم اولین بار است که  
 رضایت کارگردان را جلب  
 کرده ام چون نقش یا کرکتریکه من

آنرا اجرا میکنم نهایت خوش  
 آمده بود و از سوزی شرح و کسار  
 دقیق کارگردان و اعضای یونت  
 فلمبرداری مناسب شد که من  
 بهتر و خوشتر در قالب کرکتر سیرده  
 شده قرار گیرم .  
 - قرار اطلاع شما شاگرد ممتاز  
 مکتب خود نیز هستید آیا به هنر -  
 پیشه مگی تان ادامه خواهید  
 داد یا چطور ؟

- یاد رایت و هوشیاری با سح  
 داد :  
 - از هنر ، هنر زنده مگی کردن  
 را موخرم ، نه تنها به درسهایم  
 میروم بلکه در منزل با مساد  
 نیز کمک مینمایم و زمانیکه تسهیلات  
 خود را بی پایان رسانیدم ، آرزو  
 دارم ، در آسمان سینمای افغانی  
 ستاره باشم ، آگاه و پردرخش ش .  
 - ما شما این بیروزی را قبلاً  
 تیریک میگویم .

# به شعر جان میبخشد

بقیه از صفحه

- پلی شما درست میگوید من در حدود ۲ هزار پارچه  
 موسیقی را دایرکت کرده ام .  
 - وجه تعداد اشعار را دیکله کرده اید ؟  
 - شاید در حدود دوهصد پارچه بوده باشد .  
 - پس در بخش دایرکت باید تسهیلات همه جانبه داشته  
 باشد میشود از تسهیلات تان بیروم ؟  
 - نسبت مشکلاتی که داشتیم نتوانستم بیشتر از ۱۲ صنف  
 تحصیل کنم اما در بخش دایرکت از طریق تلویزیون دایران یک  
 کورس ماهه را تمقیب کرده ام .  
 - در بخش دایرکت بن ویا مردم کدام یک مؤفق تراست ؟  
 - به نظر من زن مؤفق تراست .  
 - چرا ؟  
 - زیرا که زن میتواند بخصوص در حوضه رنگ لباس و آرایش  
 دقیق تر باشد .  
 - میخواستم بیروم دایرکت آهنگهای استاد هوشی بوشو  
 وسما ترانه ، کار کدام دایرکتراست زیرا لباس و آرایش خواننده  
 باغفای که خواننده در آن ترانه دارد هم آهنگی تلم دارند ؟  
 - کار من است .  
 - پس به این صورت بیشترین ضرورت شما در تلویزیون است ؟  
 - فعلاً در خانه .  
 - چرا ؟  
 - مشکلات دارم .  
 - در نظای مؤفق تراستید ویا در دیکله اشعار ؟  
 - فکر میکنم شعر را خوبتر میخوانم .  
 - گاهی بخارج از کشور سفر داشته اید ؟  
 - بل در فنشوال و در گاه ماسکو سفر کرده ام و یکبار هم سفر  
 شخصی به کشور هند داشتیم که در ضمن پاکستان راهم دیدم .  
 - فعلاً کدام پروگرام را پیش می برید ؟  
 - پروگرام زن و جامعه را .  
 - و در اوایل که به تلویزیون آمدید کدام وظایف را پیش  
 می بردید ؟  
 - از سال ۱۳۶۰ برای ۱ سال مدیر عمومی موسیقی تلویزیون  
 بودم .

# آیاتصادم زمین با ستاره

بقیه از صفحه (۲۹)

امکان مشاهده اثر و نشان این  
 حادثه تیل از وقوع نبشند اجرات  
 دفاعی در برابر آن اتخاذ میگردد ؟  
 یکی از شاگردان پروفیسور (پول -  
 ساندرف) از وی چنین سوال  
 کرد : چگونه میتوان زمین را از  
 تصادم و آرهانید در صورت تریکه  
 هشت ماه به تاین وقوع این  
 تصادم نمانده باشد ؟ آیا میشود  
 راکت های دوگلوله ای را غرض  
 انفجار ستاره به خاطر تغییر  
 مجرای سیمون بکار برد ؟  
 بعداً ساندرف اظهار داشت :

دفع کردید که در نتیجه چهره عالم  
 تغییر یافتم ، زمین لوزه ها ، انفجار  
 در که های بزرگ و تواننا به وقوع  
 پیوست ، طبقات غبار سنگ های  
 ضخیم یوز هوا را احاطه کرده و  
 مدتی چند در همانجا باقی ماند و  
 حبابی در برابر اشعه آنتاب  
 گردید . درین میان به اثر توقف  
 ترکیب نور هزاران هزار موجود  
 زنده با مرگ مواجه گشتند .

برخی از دانشمندان معتقد اند که  
 خطر تصادم زمین با یکی از ستاره  
 های یک امر کاملاً حقیقی به شمار  
 می آید . ۱۰۰۰۰ لیکن میتوان آنرا کاملاً  
 ضایل نیز کرد . طبق اقتصاد  
 (شویکر) ستاره ای که فوت  
 انفجار معادل هیرمز را دارا باشد  
 امکان تصادمش در خلال صد هزار  
 سال یکبار مت و راست . اما ستاره ای که  
 متادل تو انفجارش فقط یک مکان  
 باشد امکان دارد بعد از هری سال  
 داخل یوز جوی زمین گردد .

انفجارات هولناک  
 در سال ۱۹۰۸ برفراز جنگلات  
 دور دست سالیها جسم طعمی با  
 طاقت انفجار هایدروجنی دوازده  
 میگاتن عبور کرد این حادثه سبب  
 تولید امواج زلزله در منطقه  
 تانکوسکا شوروی گردید ، اشجار -  
 قطع و به سانه ، پنجاه میل دور  
 انداخته شدند ، غبار و تند بساد  
 ها مناطق وسیع دنیا را فرا گرفت .  
 از همان وقت تا امروز از فلما در ساره  
 سبب این انفجار و شش ناحیه  
 تانکوسکا سوال میشود آیا جسم  
 مذکور رأس متلاش شده ، مذکور  
 (یکی از سیاره ها) یا ستاره ، سخنر  
 ایست ؟ گویی از دانشمندان با  
 این سوال مواجه اند آیا در صورت

ستاره های پرواز کنند :  
 مای بیهم بعضی از زمین  
 شناسان را که این کار را نهاد  
 موجب اظهار نسی دانند . . .

# ساختمان ها

# سریر

# آسمان

بقیه از صفحه (۵۱)

به مناسبت بازهای المپان توکو  
 امارشده . چنمین زلزله را از سر  
 گذشتاند . در سال ۱۹۶۷ این  
 یکبار به سکونت انتقال یافت . دهن  
 شهر اتن تلخون استانکون -  
 بالارفع ۵۴۰۷  
 متر امارشده . این اتن تلخون  
 جمعه ۵۵ هزارتن وزن دارد .  
 در ارتفاع ۳۲۵ متر این اتن  
 رستوائت واقع است که چن مخود  
 این رستوائت منظره بسیار زیبایی  
 به شهر مسکو نصیب مارجم -



گفته شد کاری ساده نیست اداره ماصرف درحالاتی میتوانست آنان راحت تدای بگیرد که از جانب خانواده های شان یا بطور داوطلبانه از جانب خود شان مراجعه صورت گیرد .  
س: آنانیکه بعد از تدای معتامی شوند آیا باز هم چانس صحت یابی را دارند ؟  
ج : آنانکه دوباره بعد از تدای به مواد مخدره روسی آورند کسانی اند که باز نخست به زور تحت تدای قرار گرفته اند.

و طبعا مصاب شدن شان بسیار دیگر خطرناکتر است زیرا برای ترک اعتیاد تصمیم و اراده قوی و علاقمندی شخصی باید وجود داشته باشد .  
س: معتامین چی نوع برابلم هاراد رجامعه به میان میاورند ؟  
ج : برابلم های ناشسی از معتامین وسیع است .  
از نظر جسمی خطرات جدی بیماری های کشنده را بوجود می آورد مثلا بیماری های ریویم و خطرناک جگر که از استعمال

مکرر مشروبات الکولی پیدا می شود .  
خطر سرطان نزد کسانیکه عادت به دود کردن دارند . بوی دهن چنین افراد سبب از پتدیگران می شود . زرق داخل رور سدی مواد مخدره زمینه انتقال و انتقال مرض خطرناک اید سر برابلم می آورد .  
حادثات ترافیکی ناشی از همین موارد می باشد .  
از نظر روانی نیز مشکلات بوجود می آورد .  
از نظر اقتصادی چنین انبساط کارایی کمتر داشته و باید شانرا راصرف مواد مخدره می نمایند

طبعا خانواده ایشان دچار تنگدستی می گردد آنها بیشتر اوقات خوشتر با دوستان همردیف خود گذراننده اطفال شان از مهر محبت شان محروم می گردد .  
گاهی اطفال شان نیز مصاب به این موادمی گردد .  
خانواده کی آنها نامطلوب گردیده سبب ایجاد جنسوجنجال ها بالاخره به طلاق و جدایی منجر می گردد .  
انسانها ثروت جامعه اند طبعا انسانعامتاد ازین ثروت کاسته می شود .  
رجای

زنده کی برای آنها محدود میگردد .  
بعضا بخاطر بدهی است کورده ن پول غرض خرید اری مواد مخدره آنها مرگب جرم و جنایات مختلف می شوند .  
حتی تا سرحد قتل و زدنی های بزرگ میهنی اینک برابلم ناشی از اعتیاد طفیل وسیع دارد که برای درمان آن مبارزه بزرگ بکاراست چی ضم مادران و اطفال مسکمه جوانان و سرانجام مصیبت یک جامعه ناشی از اعتیاد به مواد مخدره می باشد .

# نقطه مرگ

بقیه ازصفحه (۲۶)  
کوبایی چنانکه سوطون عمر را کوبند یاد میشود و شامل ۱۲ نیمی است که از نباتات و حیوانات بدست آمده و هیچ عنصر منحصوی کیمیاوی در آن وجود ندارد .  
عبارتند از: «مساره» جمعه سنگ پشت خاور دور ، «مساره شاع کرگدن» خسته های نباتات *Armenacae* *Juulperus-Rioids* لیمویی چینی ، خسته قیسی و شنبلیله های که در کوروسا نیز پیدا می شوند .  
واژ روزگاران بچلی سینای بلخی مورد اعتقاد قرار داشته اند .  
از نامبرده برتنش بعمل آمده که : آیا ممکن است که عمر را طولانی ساخت ؟  
اینگونه پاسخ میدهند : بل ، با قویه سیستم های قبلا ذکر شده ممکن است .  
زیرا تضعیف فعالیت آنها باعث بیری میگردد .  
طول عمر سورا میتوان تا ۱۲۰ سال و حتی از آن هم بالاتر برد .  
بالای اشخاص بین سنین ۶۵-۷۰ که وظایف تمام سیستم های شان تضعیف شده بود ، تجاری انجام دادیم .

با انکفالمیت جنسی آنها از ۵۰-۷۰ میقد کاهش یافته بود توانستیم که آنها را با نرس تدای بحال نورمال برگردانیم .  
برای اینگونه تدای «مساره» تطبیق دو یا سه کورس لازم است .  
تیمی که کورس از ۱۰ تا ۱۰ بار تطبیق میگردد و تطبیق بیچگاری .  
ها چند روز را در بر میگیرد .  
در حله اول بیچگاری ها در نقاط فعالی صورت میگردد که بیمار از آنها شکایت دارد .  
چیز مهم در تطبیق این سیستم است که نقطه مورد نظر بد نیصد پیدا می شود .  
در حالیکه درسوزن زن عادی تقریبا ممکن نیست .  
داری تر رقی شده خود بخود زیر جلد انتشار یافته و خود را به نقطه مورد هدف میرساند .  
کورس اول تطبیق بیچگاری در ظرف ۳ تا ۶ ماه نتیجه میدهد و نتایج کورس های بعدی بهتر و بهتر خواهد شد .  
سپس نظریه وضع چهار کورس تطبیق بیچگاری بعد از یک سال یاد و سوال و یا سه سال تطبیق گردد .  
بعضی اشخاص در اولین تطبیق بیچگاری صحت یاب میگردد .  
تلاش طبیبان کوبا به تزریق دروا نقاط لان طول عمر محدود نموده درصدد پیدا کردن نقطه مرگ نیز استند .  
دکتر هونگ بیامون نقطه مرگ چنین عقیده دارد :  
در یک حیوان بزرگ بحری بنام

اوختاپوس یک چشم سوی نیز وجود دارد که از آن هورمون مخصوص بنام هورمون مرگ ترشح می کند .  
هرگاه این چشم سوی ازین برده شود آن حیوان برای همیشه زنده خواهد ماند .  
فرض کنیم که پسر شدن انسان هم که معلول فرسایش اساج و جگره ها می باشد .  
از هورمونی بنام هورمون مرگ سرچشمه گرفته باشد .  
هرگاه بتوانیم ترشحات این هورمون را زایل کنیم و یا لاقط کاهش دهیم به جلوگیری یا کاهش بروسه بیری نایل خواهیم شد .  
همانطوریکه هر عضو بدن یک نقطه فعال در روی جلد دارد به احتمال قوی هورمون مرگ هم باید نقطه فعالی در روی جلد داشته باشد .  
به نظر او این نقطه بالایی خطی موقعیت دارد که بنام خط طول عمر پداسی شود و از گلو شروع شده پس از عبور از سینه و ناف به آلات تناسلی ختم میگردد .  
بین ناف و استخوان جنسیخ نقطه طول عمر ، که از قدیم ها تصدیق گردیده ، موقعیت دارد .  
مهمترین آنها نقطه چپانگ است .  
دکتر هونگ نقطه جدیدی را هم کشف کرده که ۲ تا ۴ سانتی به طرف پایین ناف موقعیت دارد و بنام خود روی قسمی است در تحقیقات بعدی خود تصمیم دارد که نقطه مرگ را هم درین منطقه پیدا کند .

بقیه ازصفحه (۲۶)  
چواند انسان را از نظر اشعه ماورای بنفش حفظ کند .  
درجهان حیوانات و نباتات چه اثری خواهد داشت ؟  
هنوز حوات راتعا از ضلیم سوی حیوان صورتگرده هرگاه انسان بتواند خود را تا اندازه ای از تشعشع محافظت کند .  
کی آنف بر حیوانات و نباتات اثر گذار نخواهد بود .  
طوطال ، سطح حاصل دمی حیوانات غیر نفاذ ۲۰ نمد حاصل خیزی بعضی نباتات ۳۰ نمد کاهش خواهد یافت .  
شد تشعشع ماورای بنفش امکان دارد نفا را بکوته مناطق صنعتی و آلود سازد .  
نگر این امر ممکن نیست .  
پس از ۵۰ سال صورت گیرد و نام در صورتی ثابت ماندن انسان در برابر آن .  
طوبیک معلوم است در سالهای نزدیک بنظر نگهداری این از خطر نخب اقدامی ضروری در نظر گرفته شده است .  
آیا بعضی حیوانات خوشبنا شابه صل دانگنی شیه نیست که از بعضی مرض جدی او را بمانان نگهدارد ؟  
گفته های من نه تعابیهانته های تجارب طی هبوطانم بلکه برنتیج پژوهشهای جهانی استوار است .  
تجارب و آزمایش های چندین ساله پروگرام انگلیسی مل متسد ( UNDP ) سازمان متروپولی جهانی میانگرجان تطبیق است .  
از ده سال در هر پاییز بالان قطب جنوب شکاف آزیوی پیدا ر میگردد .  
طت چیست ؟  
در برابر این پرسش هنوز پاسخ قناعت بخش وجود ندارد .  
با انهم در زینه این فرضیه ها تمام گردید است :  
شکاف آزیوی شاید زا ده جهان کیمیاوی با حیوان دنیاکی با هر دو ی ان باشد که بالان توصیف صورت میگردد .  
بعضی هالین موضوع را با اهتزازات رزم حرارتی و همچنان با اعمال شدن خوبید پیوسته میدهند .  
همچسک تاکنین به تشعشع مناسب آن توفیق نیانته است .

بقیه ازصفحه (۲۶)  
پژوهشها و آزمایش های بیشتری در کار است .  
تحقیقات بشرک شیوی ، آلمان ، دموکراتیک ، بلغاریا ، منگولیا ، کوبا ، هند و ایالات متحده روین دست است .  
در سال حاضر چه پیمانه مواد تهیه کننده این درجهان تولید میگردد ؟  
تعدادی روین ساله در حدود یک طین تن (۴۰ نمد آن در ایالات متحده ، ۳۵ نمد آن در ایالات ۱۰ نمد آن در جهان و شیوی ) تولید میشود .  
تلقشته تعدادی در شیوی ، ایالات متحده و بعضی کور های دیگر مواد الترفاتی آن تولید میگردد .  
در کفرانس مونتهال چه مصامی اتخاذ گردید ؟  
مصام حق قبل از آن در سال ۱۹۸۵ در هائیا هم اتخاذ گردید .  
چنانچه طبق آن تحقیقات سراسری جهانی رویدت گرفته شود در پروتکل آن ۵۰ کور اضافه کننده تمدد سپردند که تولید مواد تهیه کننده این را قطع نمایند .  
تا چه وقت هکدام پیمانه از تولید مواد ضربه قطع خواهند شد ؟  
در کفرانس مصم گرفته شده که در سال ۱۹۹۳ از تولید روین ۲۰ نمد و در سال ۱۹۹۵ به اندازه ۵۰ نمد کاسته شود .  
آیا کاهش های در نظر گرفته شده کافی است و چرا تاختم شده جاری منتظر کاهش بیشتر اند ؟  
هرگاه برنامه وضع شده تطبیق گردید و تولید مواد تهیه کننده این افزایش نیابد پیمانه تهیه شد کشور این مایه نگرانی نخواهد بود .  
با کور هلیک پروتکل مونتهال را تا هنوز اضافه کرده اند چه معاطه صورت میگردد ؟  
نظریه موافقه مونتهال تکلیفی وسیل تولید روین در اختیار آنها گذاشته نخواهد شد .  
البته متخلین با مسازات جدی اقتصادی سرزنی خواهند شد .

رستورانت میشود .  
اخین حرف تخنیک به شهر تونتو کانادا اطلاق میشود .  
۱۹۷۵ دین شهر برج بزرگ تلوهون با ۵۰۴ متر ارتفاع خود انبزرگترین ساختمان جهان از نوع خود میباشد .  
در ارتفاع ۳۴۷ متری این برج رستورانتی ک دارای ۴۷۶ چوکی همرازی معامات بوده و واقع است .  
معامات این رستورانت توسط لفت ک درکار

برج واقع است و اطرافش را شیشه عاظمه کرده انتقال داده میشود معامات میتوانند از لفت به منظره نما که به شهر تونتو تها میشود لذت ببرند .  
شاید برایتان غور قابل قبول باشد اگر بگویم که درجهان تا حال دهبار از سرحد ۶۰۰ متری ارتفاع تجاوز شده .  
این دو ساختمان - مرعج چارت انپایه های تلوهون بوده که یکی در اراکت شدالی در

ایالات متحده امیکالک ۸۸۸ متر ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج رابجوی دشر و وراسی پولندا است که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .  
ارتفاع ۶۴۰ متری فعلا نقطه اخین را گذاشته و ولی منتظر بلندبودگی از این حد ارتفاع چه گاهی به اسان هانزیک هان شد .  
به همین الان پیروزه های نورگراست که در صورت اسراران ارتفاع هزاره متری در نظر گرفته شده است .

ایالات متحده امیکالک ۸۸۸ متر ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج رابجوی دشر و وراسی پولندا است که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .  
ارتفاع ۶۴۰ متری فعلا نقطه اخین را گذاشته و ولی منتظر بلندبودگی از این حد ارتفاع چه گاهی به اسان هانزیک هان شد .  
به همین الان پیروزه های نورگراست که در صورت اسراران ارتفاع هزاره متری در نظر گرفته شده است .

ایالات متحده امیکالک ۸۸۸ متر ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج رابجوی دشر و وراسی پولندا است که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .  
ارتفاع ۶۴۰ متری فعلا نقطه اخین را گذاشته و ولی منتظر بلندبودگی از این حد ارتفاع چه گاهی به اسان هانزیک هان شد .  
به همین الان پیروزه های نورگراست که در صورت اسراران ارتفاع هزاره متری در نظر گرفته شده است .



# جواد عبر چهره جوان موسیقی در بالسخ

## اولین بند بربق

مرجوری جویت بل نخستین امریکایی بود که در سال ۱۹۱۱- به کابل آمده و اجازه اقامت یافته بود (در ۱۸۸۰ پارک ملی بدریار امیردوست محمد خان رسید - بود)

انجنیر بل توسط امیرحبيب - الله خان برای تاسیس دستگاه برق آبی در جبل السراج استخدام گردید . هر چند برای یکسال - آند ه بود اما هشت سال زادن سر گرفت تا کارش تکمیل گردد .

کارها توسط فیل انجام میگرفت کارهایی از قبیل انتقال سنگهای بزرگ و اجسام سنگین فن و غیره چیزها .

سامان لوازم همه به پشت اشتر حمل میگردد . البته این سامان آلات از مالک خارج چون هندوستان و غیره همه بواسطه اشتر و فیل حمل میشد . بل در سال ۱۹۲۵ از میان رفت . یادداشت های او زیر عنوان :

انجنیر امریکایی در افغانستان در سال ۱۹۴۸ از طرف یونیورسیتی منیسوتا منتشر گردید . این کتاب که شامل ۳۳۵ صفحه است مشتمل بر نکات دلچسپ درباره وضع مردم افغانستان در آن روزگار است .

مخاضل خوشی میخواهم و هیچوقت هم مانع دروسم در یوهنخی نیباشند . میخواهم در آینده هم در تعلیمی رشته بی که تعجب مینمایم به حیت آواز خوان باقی مانم و زیاد میکوشم نرفروش نباشم .

وی در مورد سوال دیگر گفت : در مورد انتخاب شعره کمبوز و تلفظ کلمات خودم سعی بنده می کنم . راه خن میدهم و از اهمل ادب کمک میگیرم همیشه دیوان غزلیات شمس تبریز را میخوانم و میبالم به اینکه حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی به دیار ما تعلق دارند .

می پرسیم آیا آهنگهایت از عشق رنگ می خورد ؟ میگوید : تا حال عاشق نشده ام ، اما زیاد میکوشم آهنگهای رنگی داشته باشم تا طرف قبول واقع گردد . به امید موفقیت های زیاد و رقابت های سالم جواد عمر در ساحه درس و هنر وای خدا حافظی مینمایم .

زلمی

از خود بکنم که خوشبختانه طرف تایید فرار گرفت . و از آن روز به بعد به تقلید از جوانان آوازخوان گاهی شرقی و گاهی هم به سبک غربی میخوانم ، اما زیاد میخواهم غزل خوان باشم زیرا دوستانم به این عقیده هستند که غزل را خوب تر میخوانم از همین سبب است که به صدای فرهاد دریا بعد از احمد ظاهر علاقه مندم .

جواد در مورد سوالی گفت : در شهر مازندران دیگر از هنر - مندان آوازخوان هنرنمایی دارند که به همه شان احترام دادم و میخواهم رقابت سالم باهم داشته باشم . خودم گروه هنری تشکیل دادم که در -

در شهر مازندران هنرمند بر آوازه بی محاضرات خوشی شهریان دیار مولای رانگیر ، سرمی سازد که صدای خوب ، گم و گبرایش شنونده - گانی دارد ، او جواد عمر نام دارد و محصل یوهنخی ادبیات یوهنتون بلخ میباشد .

خواستیم با وی صحبت کوتاهی داشته باشم ، میگوید از مدت پنج سال به اینطرف نظریه علاقه خاصی که داشتم به موسیقی رو آوردم ، آواز هنر - مندان خوب را شنیدم و روزی جرات نمودم عقب ارمونیه بشنیم و صدای بی

# مردها نخوانند

سطح رحم متواند که زمان کوتاه قاعده کی را توضیح کند.

میکانیزم دوم عبارت از این است: بودن سطح هورمون LH *(Luteinizing Hormone)* است. این هورمون که از غده های مغناطی ترشح می شود، سطح آن در زنانی که به ورش دوش اشتغال دارند، پایین است. بلند رفتن یکباره کی این هورمون به خاطر خارج کردن تخم از تخمدان در نیمه دوره - قاعده کی ضروریست. خارج کردن تخم از تخمدان به کوه عادت عادت تا آنکه وجود آمدن گریز از جنس در محل تخم خارج شده از تخم دان است که هورمون دیگری را به نام پروجسترون میازد. کوتاه اینکه مقدار کم هورمون LH معنی آن را میدهد که تخم در تخمدان به وجود نی آید. بناً

بقیه از صفحه (۶۴) مقدار شرح بیمن ۲۲ تا ۳۰ نبع وجود شان در تغییر است. در انهایی که به دوش عادت کرده اند، شحم بدن شان تا آنکه پایین آمده می تواند در این صورت از آنجا که مقدار استروژن کم است، بناً درجه پایین تر

در تخمدان پروجسترون وجود ندارد که در نتیجه زمان قاعده کی تطبیق می افتد. پروجسترون را می توان وجود می آید که با تعویق افتیدن قاعده کی خطری دارد و یا خیر؟ مامم می دانیم، دیده شده است که استروژن برای محافظت استخوانها در زمان غریبیست. پایین آمدن ها کاهش استروژن بعد از توقف قاعده کی به نرم شدن استخوانهای انجامد مطالعه آنهایی که به دوش اشتغال دارند، نشان میدهد که محتوای منزالی استون فقرات شان کمتر از انهایی است که به دوش اشتغال ندارند.

مادر مورد خاصی قبل از مرگم که شجاعتش بعد از مادر شدن تهنه اثبات رسیده است. روانشناسان و دکتوران تلاش

کرده اند تا این پدیده را توضیح کنند. در زمینه چندین نظریه وجود دارد، نخست اینکه سن زن که تحمل شدیدترین درد - یعنی درد هنگام ولادت، را دارد، می تواند در استخوان همین پالن خود فشار را تحمل کند، زیرا با این خود اطمینان تحمل درد را دارد. دوم اینکه زنی در اثنای اجزای تمهین شاید کم خود را ناگهان محکم گیرد تا به زنانه کی اش آسیب نرسد، ولی بعد از مادر شدن می تواند سخت تر تربیت کرد. - نیز آنگاه امتحان زنانه کی خود را گذرانده است، سم اینکه، تغییرات هورمونی در اثنای حاملگی امکان دارد که اندازه حرکت پاها را در اثنای دوش تحویت کند. بالآخره چنین مطرح گردیده که هورمون پرولاکتین که بعد از ولادت

از تولید شیر مادر فعالیت میکند، تاثيرات موثر روانی را با اثرات مقاومت دارد که تاثیر آن مد - نیادی دوام میکند. به اصطلاح نوروردن می جاد و زمان حامله کی خسرات است، ولی در آنهایی که متواتر به دوش عادت دارند، بتدریج اندوختگی های مانند فشار خون را ندارند، خطری به دنبال آن نیست، در ایالات متحده آمریکا بسیاری زنان تا روز ولادت به دوش ادامه میدهند. کدام تمهین را باید زنی انجام بدهند؟ در پاسخ باید گفت که هر نوع تمهینی که خواسته باشند پیاده گردی، دوش، بوگاها ورزش های دیگر، ولی مهم این است که از آن لذت ببرند و بهسره مند شوند.

## جهان بعد از قاعدگی

بنیة ازمنه (۷)

ارگانهای حای زنده را از شعاع ماورای بنفر مشورت نگه دار در راست برتاب، نهار آتین ناشی از انفجار تخریب خواهد شد.

شعاع ماورای بنفر که زمانی محور واقع کننده زندگی روز زمهرن گردید می تواند بهمان بهمان موجهات نسبتی آنرا نیز فراهم کند. این شعاع خرمه گوینده از خاصیت پرور ابرو وارد خواهد ساخت.

چنانچه اکثر ارگانهای حای یک حجره وی را که حلقه صده می راد و زهمبر غذایی موجودات بنفر - تشکیل میدهد از این خواهد برد، و بدین ترتیب زهمه محونا بود سایر حلقه های زهمبر را صادر خواهد ساخت، نه تنها در این نهایت از این خواهد وقت بلکه شعاع ماورای بنفر مالیکول های را که مشخصات ژنتیک مربوط به انسانت تخریب خواهند نمود. در قسمت سلولها تکمیل پست پاپرهای شان در برابر شعاع سیر گرد و ولی قادر نخواهند بود چندان شانوار - اما ننگ دارند جهان بسوز ناپیدایی خواهد رفت.

میلیونها پرندگان و جانوران ناپیدا در چشمی آن ودانه سر گردان خواهند بود و انسان قادر نخواهد شد با آنها کمک کند زیرا خویش نیز در وقت شامهی قرار خواهد داشت، نیکولو پوجکوف، دانشمند ژنتیک آکادمی علوم حای اتحاد شوروی راهپدیده بر آنست که در جنبش شرایطی فائزانه نخواهد بود تکرار بشری و از نگاه ژنتیک هادامه پرورسه تکامل انتظار داشته باشیم، ایندهش شعاع و مواد رادیوسو اکثف سولات زیادی را در تمام مایکروارگانهای حای بازمانده، نهاتسات و حیوانات بشمول انسان بوجود خواهد آورد، چراشم کمالا بی ضرر خسرات مرکبانی را متوجه انسانها خواهد ساخت.

مانور بران، مکتب تفیر بازمانده شرفیت تکرار بهمت اینکه شمار آنها به سزائی تهن سطح پایین کاهش خواهد یافت، از دست است بدهند، نه تنها اختلاف ژنتیک به حداقل خود کاهش خواهد یافت بلکه جلوگیری از جهش همگی با همی غیر ممکن خواهد بود در نتیجه خطر تغییرات نهایی ظاهر خواهد گشت و به این معنی ارضی که بشر در طول دوره، تکامل خویش بدوش کیده است عوامل جدیدی که یقیناً نیل بشری را به سوی نیستی خواهد کشاند، امانه خواهد شد.

## فردین موزیک

انواع مختلف کسهای موسیقی افغانی، هندی و غربی را به علاقمندان موسیقی پیشکش مینمایند.  
آدرس: مارکیٹ جمہوریہ

## رستوران شامی

خوله ده ده د مخه فنی مرستیال به جوی کیده ا جولوی و اداری مرستیال جی دنه جوی سی د خان منلی حق باله به خیسل بخوانی دستری بی دریاست بول صلاحیتونه به خان بسوری و تر ل له بلی خوا اداری و فنی مامورین هم له دیویدا و پرو دخه کم نه وو. حکه جی دیوتن به ریبر کید لو سره دیولو به جوی او بیستونگی تغییراته.

که چیره فنی مرستیال رییس شوی وای نو فنی خانگی د - بنوجا کونانو د تیره کولو عموسی مد برد فنی مرستیال جوی او بیست تراسه آبه او د همسه مرستیال به خبله د عموسی مد بریت جوی و ریاتی و وحس به دی بول تر روزنی مامور جوی دنه حق خیسل حقدارته رسید.

دعری وخت و جی دلور مقال له خواد سرپرست رییس مکتوب دارشیف مد بریت ته راور میده. مکتوب مخکی له دی حس بخبله دارشیف مد بری و کوری نه هغه مامور باکت حرسیری کی و وار د مکتوب متن بی لوستی و کلمه

جی دارشیف مد برکتوب دیلوست له مکتوب سره یونای بی د خیلی امانه کاری بیننهاد هم له میز خانی راه اخست ایبه د اس حال کی جی در نهایت خندان به شونو و خبره وه. د اداریسر - ستیال د دستری به لور و روجو حید. (لوستونگی دی د خوشی سو له باره یوست موزیک و فز وی) نفاق: د رنولوستونگو (ناسی خه فکر کوی جی به مکتوب کی به خه لیلی وی. دارشیف مد بر خه شی له باره دخیلی امانه کاری بیننهاد له مکتوب سره یونای اداری مرستیال ته یور. ایاندارشیف مامورین له خیسل مد بر خخه مخکی بی مکتوب لوستی و فنی مرستیال به له موصوع خیر کی آوکه نه، او هم د اسی دریاست جوی که د حاس به تعیب وی.

دا هغه بویتش دی جی د برله بیس داستان به درجه اوروستی برخه کی جی به را - تلوونگی که کی به خبره شی حل کید و نگی دی. اورنو د خدای به امان. روغ او حواله حاله اوسسی.



# موکیش

## از دنیای مود...

(بقیه از صفحه ۵۰)

شهرت را با خود همراه ندارد. هر (ثبت امان) (رگبی گانکر) آسمان سینما را می‌تواند ببورد.

در سینمای هند، مودل های فراوانی مرخص وجود کردولی به عدم توفیق خود واقف دیدند. اما در این مجبوره ((سنگیتا جلالی)) نام پر درخشش و استیلا کاشده ایست که از دو سال برسوگن موفقیت ششمه مهر قلمرو سینمای هند حکمفرمای می‌کند.

او از مدت‌ها به این سوتقاضای فلما سازان راستنورد می‌کرد برای اینکه علاقه بی چندان برای بازی در فیلم ها در خود احساس نمی‌کرد و از جانب دیگر نمی‌خواست از زین مقام اصلی اش که سخت به آن علاقه مند بود تهاشی کند. چه او از اتصال به این طرف یگانه مودلی بود در عرصه نمایش لباسهای که مودم او را ((چراغ)) - خطاب می‌کردند و در این دایره از شهرت فراوان بر - خورده بود. ولی سرانجام به نام سینماگران افتاد. در جهان فلمبرداری فلم ((قاتل)) که تمهین یک رقص رابا ((انیمه پنچولی)) منمود، در گرو صحت شد و در برابر یک سوال گفت:

((به پیشنهادات و تقاضاهای سینماگران ظهور در پرده سینما کوچکین علاقه مندی احساس نمی‌کردم برای اینکه در قبال کارم به عنوان ((مودل)) شهرت، مصیبت و ثروت فراوان حاصل بود از اینسرو مودلی نبود که مرابه سینما متماثل بماسز دولی حالا دیگر شده که شده)).

((سنگیتا)) نهایت پاکیزه، نظیف، خوش لباس و خوش ترکیب است که در برابر هر سوال با کساد و دهی و تواضع لب به سخن می‌گشاید ولی هر گاه در مسایل شخصی او سوال دویزنده، آن وقت مثل کرم ابلهش که خودش را در تارهای باهک تنیده اش سخن می‌کند، او هم خودش را در اینان حرف ها، کلمات می‌بیچاند.

هنگامیکه ((جی، پی، دت)) یکی از کارگردانان مشهور، پیشنهاد بازی را در فلم ((هتیار)) به عوض ((دمیل کادیا)) به وی نمود، او از تومن غیور و تکبر فرود آمد و این نقش را بیدهن پذیرفت در حالیکه تا قبل از آن هر نوع پیشنهاد را قاطعانه رد می‌کرد. انگیزه این پذیرش را ((سنگیتا)) این طور توجیه می‌کند:

((نزد من ((دت صا حب)) یک کارگردان توانا و آگاه است از اینرو پیشنهاد او را احترام گذاردم ولی تصور نمی‌کردم که بعد از این پذیرش، در موقعیتی قرار می‌گیرم که حساب تراراد های بازی در فلم ها برای شکل شود و کار و بار فلم سازی در قلم هام شکل تر از آن.

در حال حاضر ۲۴ ساعت در شفت های منتظیف صرفم استم برای بازی در فلم هاییکه تراراد آنرا قیلا بدون سنجش اضافه کرده ام. شما باور کنید در این اواخر در عرصه فلسفی که قرار داد میشود، دهکی آن پانزگرا اول من انتخاب میشود تنها با ((سنی دت)) و ((متن چکورتی)) هشت فلم در دست تهیه دارم.

بقیه در صفحه مقابل

بقیه از صفحه (۲۱)

سرانجام آهنگ در کوشش نخستین، بدون آنکه ضرورت به باز خوانی بیافتد، ثبت شد و در فضا میلودی ((راگ درباری)) (دل جلتاهی توجلی دی) پیچید. عمه موکیش را با سیگل عوض گرفتند و ((انیل بیسواس)) به موکیش توصیه کرد تا زمانی که قسا در به کسب هویت مستقلانه در آواز خوانی شود از سیگل بجزدی کند. این آهنگ موکیش را به اوج شعسرت رسانید.

تمرینات اساسی زیر نظر ((جگه نات)) به آواز موکیش نریش ضروری را برای سرودن میلودی های ریتماتیک داد. اکثر آهنگهای راکه در آن زمان خوانند بشهرت رسیدند، ولی آواز ((پ))، موکیش از عبق گلپوش اداه میگرد، بطوریکه قسمت های حزن آلود آهنگ مطول شده غم ازان میتراود. ادای آوازه های طولانی یک بدیده نسبی است، ولی در مقامیسه با سایر آواز خوانان، موکیش توانایی محدود در کشیدن چنین آوازها را داشت. در بسیاری حالات حین ادای آواز های طولانی صدا را بیشتر از طریق بینی اداه میگرد، لکن اینها را کمپوزر ها به اغراض مینگر بستند و راضی بودند که موکیش را نسبت به عکس دیگری دارند.

((شیروراجانی سلوا)) نقش اساسی را در شهرت رسانیدن موکیش بازی کرد. شهرت او بین سالهای (۱۹۴۸-۱۹۵۱) زمانیکه نزد یک به یکصدوسی آهنگ را در ظرف چهار سال سرود برفق آسایود. بعد از لحاظ تعداد آهنگهای موکیش به رکورد مواجه شدند. چنانچه در ظرف هفت سال مابعد یعنی تا (۱۹۵۸) وی پنجاه و پنج آهنگ سرود که خوانند نهایی فلمهای ((اه))، ((سری ۴۳)) و ((ده هوماتی)) از شهرت نوی العاده برخوردار شدند. فلم ((معشوقه)) شاید یکی از بدلا - یل این رکورد باشد، زیرا برود یوسر فلم با موکیش به توافق رسیده بود که تا پنجایش گذاشتن فلم ((معشوقه)) او نیایست آهنگ تازه برای فلم دیگری میسرود. فلم ((معشوقه)) که در (۱۹۵۳) به نمایش گذاشته شد، زمان طولانی را در برگزینت ناتکمیل شود. با استفاده از همین فرصت رفیع و طلعت سبقت جستند، در سه سال (۱۹۵۰- ۱۹۵۴) رفیع دو صد و شصت آهنگ و طلعت بیشتر از یکصد و شصت آهنگ خواندند. دلیل دیگر در این رکورد شاید ترجیح کمپوزر های مورد علاقه موکیش مانند ((روشن))، ((انیل بیسواس)) - ((شنگر - جکشن))، ((راتی)) و ((نوشاد))

به دیگر آواز خوانان بوده باشد. دلیل هر چه بوده موکیش از پس این اجماعات باشایستی بنا آهنگهای فلم ((یهودی)) در (۱۹۵۸) بد ر شد. باز یگر قلم ((یهودی)) دلپ کمار که همیشه در - فلمها آواز های طلعت و رفیع را با سنگ می‌کرد اصرا روی وزید که قبل از اجرای آن از شنونده ها نظر خواسته شوند. شنونده ها عمه با اتفاق هم به موکیش ارج گذاشتند.

وقتی ((بعالت رام)) و ((رام چندرا)) موکیش را رد کردند وی خم به ابرو نیاورد. به موکیش هیش چیز بیشتر از یک آهنگ خوب که منظم مانند - نظم عقربه های ساعت سر و اهش می آمدند، ارزش نداشت.

با گذشت زمان کهنه کاران جهان موسیقی هند یکی پس دیگری یاد شدند. وقتی موکیش آهنگ ((الوداع الوداع)) را در (۱۹۶۰) سرود در واقع وداع اشک الودیا ((انیل بیسواس)) و ((موتی لال)) بود که برای آخرین بار کار مشترک شانرا انجام دادند.

با انکشاف وسایل تخنیک در سینما، موسیقی در فلم هانیز مد رتیزه شد و آرکسترهای کلان با آلات جدید موسیقی بکار گرفته شد ولی موکیش مثل همیشه بدون تغییر همانطور ساده و بی تکلف باقی ماند. آهنگهای زیاد با موسیقی دایرکتوران چون ((لکشی کانت - بیاری لال))، ((سلم چودری))، - ((کلیانجی - اندجی)) و دیگران خوانند که برخی از این آهنگها با لطف خوشی که دارند ماندگار شدند. زیاد ترین آهنگهای رابا ((کلیانجی - اندجی)) در فرستی خوانند که آنها در آریسه بهترین نمایشان فرار داشتند.

یک دهه پس از مرگ موکیش به این واقعیت متوجه می شویم که این تعداد آهنگهای موکیش نیست که اسطوره او را جاویدانه نگه داشته است بلکه این صمیمیت وی آلیشی آهنگهای او که آنگه باغ اند دلیل جاوید انگی آنهاست.

وقتی معجزه موکیش را به ازایی میگیریم تا قبل اعمیت است بخاطر بیایرم که مانند آهنگهای سینگ وینک ملک یکصداد زیاد آهنگهای حزن آلود موکیش مستقلانه بدون ذکر نام کمپوزر ها و با قلم هاییکه این آهنگها برای شان سروده شده اند، در آن ها شنونده ها باقی مانده اند و آنها را محفوظ می سازد، و این به نوبه خود سیاس و - امتنان به خواننده بی است که آوازش قدرت تداومی خاطرات شاعرانه روز گاری را دارند که نمران سروده شده اند.

# آشیان بزرگ ترمیت‌ها



بزرگترین آشیان ممکن  
ترمیت‌های استرالیاراداشمندی  
بنام ستین بیوان در جنگل‌زاری  
که در ۱۷۰ کیلومتری داریوسن  
موقعیت دارد کشف نمود.  
ارتفاع این ساختمان بزرگ  
به ۶،۷۰ متر و قطر محیط آن به  
۷۳۳ متر می‌رسد. این آشیان  
آشیان عظیم دانشمندان این  
ساختمان‌ها را چنین مسمی  
نموده‌اند (چهار میلیون ترمیت  
زاد خود جاداده است. آنها  
شبه مورچه‌گان در یک نظام خوب

ما زمان یافته، حیات بسرمیرند  
حتی در مناطق، شهرهای نیز  
از این ترمیت‌ها وجود دارند.  
دیوارهای ساختمان‌های بعضی  
از این انواع به حدی محکم ساخته  
شده که تخریب شان تنها بوسیله  
ابزار خیلی قوی میسر است و پس  
این حشرات همه چیز را می‌خورند  
و این کارسالیانه ملیونها خساره  
وارد می‌نمایند.



# ازینجا و از آنجا

# بازی با تسترین

هر دو زمین شخسر بازی با تسترین  
و انجام داده است. از تحقیقی  
که در شهر هامبورگ آلمان  
فدرال صورت گرفته، روشن  
میکرد که چرا تعداد کثیری از  
زنان در مغازه‌ها به دزدی می  
پردازند. «نورا» برهنه چیره‌گی  
یافت و هظر را در جیب پنهان  
کرد. «اقترا» ویژه و تهیه یک  
زنی است که در فروشگاه‌ها به  
دزدی می‌پردازد.  
برودن اجناس گسترش  
نیاید و طوریکه تازه ترین آمار  
نشان میدهد (۲۰۰۰۰۰) -  
مرتبه در سال، باشندگان  
آلمان فدرال دست به سرقت  
اجناس مغازه‌ها می‌زنند و این  
تعداد فقط انعامی را در برمی  
گیرد که ابتدا بدستگیر شده‌اند.  
طوریکه تجارت‌برچسبون  
فروشی وانمود کرده، تعداد  
واقعی انعامه‌الی بیست برابر  
بیشتر از عدد فوق الذکر است.  
از برهنه‌ها گمانی که در  
شهر هامبورگ بعمل آمده، هر

دو زمین معروف به سرقت  
چیز شده‌اند.  
رغبت بیشتر در دزدی -  
اجناس از قبیل، عطریات، لوازم  
آرایشی، زیورات، ریکاردهای  
موسیقی، فرآورده‌های چرمی  
والبه سود ریز که بی‌بزه مسود  
یستند خان‌ها قرار دارند، دیده  
می‌شود.  
رواقعا خانها، با وجود  
اینکه در مقایسه با مرد ها کمتر  
مرکب جن می‌شوند، به اصطلاح  
در بالا رفتن دزدی مقام اول را  
احراز می‌نمایند.  
در اطری منتشره، وزارت عدل  
ریاست نورد این وست فالن آلمان  
غرب چنین آمده است: (( در  
دزدی مغازه‌ها زنان و مردان  
نسبت ۱- را بخود اختیار نموده  
که عدد بزرگتر مربوط زنان است))  
علت آن چیست؟  
روانگویی از دوسلدورف بنام  
داکتر هانس یواخیم شوین،  
هرمون‌های زنان را مقصر شناخته  
و می‌نویسد: ((عقد و رگرتگی  
های روانی در رابطه علمی  
با اختلالات غده‌ای قرار دارد  
که در مراحل نوجوانی (۱۲ -  
۱۶ سالگی)، قلعه‌گی، حمل

و یا سال‌های مینوز به ظهور  
می‌رسد.  
ولی همچنان انجماد زنده‌گی  
جنسی نیز اسباب دیده کلپ‌تومانی  
(عقد و رگرتگی روانی) را فراهم  
می‌آورد. ((  
منتها مرد ها نیز می‌توانند  
از نقطه نظر زندگی جنسی متجمد  
باشند، پس چرا آنها دست  
به سرقت نمی‌زنند؟  
روانشناس هامبورگی بنام  
زیله ویبر در پاسخ می‌گوید:  
زنها بیشتر ناخوشی بوده و کمبود  
عاطفی و جنسی رایج و عیاشی  
در آن احساس می‌نمایند، در  
حالیکه مرد ها مدت عاقل‌امو -  
خته‌اند که چگونه عواطف خود  
غله حاصل نموده و مانع بروز  
آن گردند. مرد ها بیشتر بیماری  
های جنسی مبتلا می‌گردند. ((  
نباید از نگرانند اخت‌که  
برودن یعنی دزدی رعایت -  
خاطرمی بخشد. در جریان  
دزدی انرژی تشنج روانی از او  
شده کشیده‌گی و رگرتگی انباشته  
شده از میان برداشته می‌شود.  
و بالاخره انگیزه رعب و وحشه  
که از ناآرامی ترس‌میان می‌آید  
با احساسات لذت‌آور جنسی  
می‌تواند ارتباط داشته باشد.



# از دنیای مود...

بقیه از نسخه مقابل  
در خصوص اینکه در بیست‌فلمی که ((امتا بهر))  
فعلا روز آن کار می‌کند، دزدی از آنها، نام ((سنکیتا))  
خوانده نشود و مطلب قابل توجه است:  
نخست اینکه هنرپیشه‌ها از تازه‌کار به قدری  
صروف‌اند که هر یک از آنها از بیست تا سی فیلم در وقت  
قرارداد دارند که مابه‌انصراف فلان سال از آنها  
میشود.  
دو دیگر اینکه ((سنکیتا)) انقدر جوان و شگفته است  
که همبازی شدن او با ((امتا بهر))، هیچگونه  
ظرافت هنری را ایجاد نمی‌تواند.  
مگر در هر صورت ظاهر این دو، در پرده فیلم  
انقدر هابمید از امکان نیست. ((سنکیتا)) در این  
مود می‌کشد:  
((آرزو دارم به عنوان یک بازیگر خوب مقیم  
برای خود کماش کم و بیش طرز تلقی که، می‌کنند  
(مودها)) هنرمندان خوش‌آزای در نمی‌آیند و  
خط بطلان بگم تا دیگر گفته شود که ((مودها))  
مود اند و جسم‌های غیر متحرک را مانند  
اگرچه در فلم ((هتیار)) ظاهر شدم ولی فلم  
اولی من ((قاتل)) است که بی‌صبرانه منتظر مکرر العمل  
مردم در برابر هنرمندان ام می‌باشم.  
داستان این فلم پر از فواض و چیدگی‌های بیست  
که از لحاظ اصطلاح سینمایی می‌توان اثری آنگده از  
(سنس) خواند.))  
به عقیده ((سنکیتا)) بین هنرپیشه‌گی و مودل  
بودن چندان تفاوت قابل ملاحظه وجود ندارد.  
او می‌کشد: ((بین این دو حرفه، یک تفاوت کوچک  
موجود است و آن اینکه در نمایش لباس‌ها یک محصول  
به معنی فیزی قرار می‌گیرد و در حالی که در سینما  
تخیلات یک نه‌سند، خلاقیت کارگردان، مهارت  
کامه‌بین به صورت یک مجموعه توسط هنرپیشه  
موضه میشود.  
اگرچه در فلم‌های هندی رهنمود نقش حساس  
برای یک هنرپیشه، به ندرت محسوس میشود ولی  
تلاش خواهم کرد تا چنین نقش‌هایی را در بام))  
((سنکیتا)) فعلا حدود پانزده فلم در اختیار  
دارد که آنها را طی یکماه اول سال محسوس قد نموده  
است.  
اگرچه در این‌ها و آخره داستان مشقی ((سنکیتا)) با  
(آلیسان) روی نه‌انعامت ولی او موع را اینگونه  
جلو میدهد:  
((در زنده‌گی من فعلا هیچ مردی سایه  
ندارد. اگر کسی نایبانه به من مشق می‌ورزد  
مرا دوست میدارد باید تا زمانی انتظار بماند که  
به آرزوهای که در قبال بازی در سینما دارم موقانه  
نایل آیم)).

# بدنیست اگر بدانید

بیشترین ورزشکاران هنگری در تیم های خارجی عضویت دارند، همین اکنون ۱۸۰ ورزشکار هنگری در کلوب های مختلف ورزشی چهار قاره جهان ورزش می نمایند، که بیشترین آنان را فنبالیستها بعد از هند بالران، والیبالران، بیسبال، یانک بازان، وواترپولسو تشکیل می دهد، و ۷۰ فیصد از عایدات ورزشکاران به کلب های مربوطشان در هنگری انتقال داده میشود.

XXX

الینیت معروف ایتالسوی نخستین انسانیت که ۱۴ قله کوه یورست را فتح نموده است، او در نظر دارد قله ۸۵۰۱ متری یورست را تا قسمت جنوبی تسخیر نماید، تا حال هیچکس قادر به چنین کارنگردیده است. ورزشکار ۴۳ ساله به خبرنگاران اعلان نمود که در سال جاری در کوهنوردی بگرنیز او را همراهی خواهد نمود.

XXX

فدراسیون بین المللی باسکتبال بزرگترین مؤسسه ورزشی جهان است که ۱۷۲ کشور عضویت آن را دارد و در آینده قریب نیم های باسکتبال بعضی کشورهای دیگر چون تانکسو، موناکو، ايسلیندو و بعضی کشور های دیگر نیز جدیداً عضویت خویش را در کمیونیکس فدرترکیزی اعلام نمیدارند.

فدراسیون وسیع و بزرگ است که در سال ۱۹۱۱ ابا بره انداختن مسابقات السب از صدمین سالگرد خویش تجلیل بعمل می آورد.

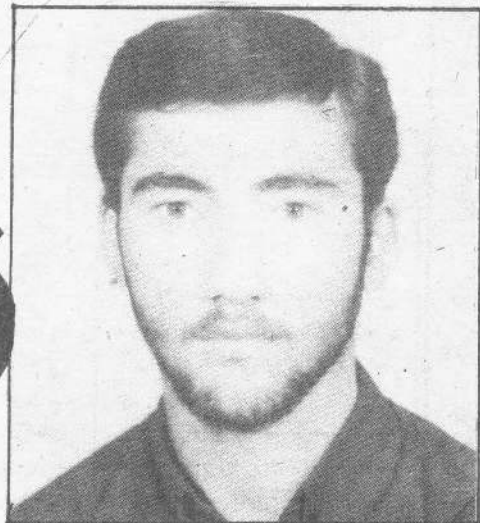
## زمینه والیبالر

\* زمینه ورزشکار مکتب نمبر ۱۴ مکرویان :

تمرینات ورزشی ما پیش از وقت درسی میباشد و باعث عقب ماننی دروس مانمی شود، در فسنیوال جوانان و تورنمنت های بهاری و خزانسی مکتب ولیسه های دختران جای اول را کسب نمود، ام مشکلات عمدتاً مانبودن میدان و لوازم سپورسی میباشد، معلمان مانسبت به سپورت ذ هنیست خوب ندارند با ما برخورد نادرست می کنند که شاگردان تبیل و بازیگوش هستیم، غرض بهبود وضع ورزش به مشکلات مارسیده گی صورت بگیرد، و در زمینه تهیه لباس و عصریسه ورزشکاران راکم نمایند.



## ورزشی



# قوی ترین

مصاحبه از منیره

## ناصر هوتکی ورزش

در ۱۱۳ آن سیک بومسه و در ۱۴ کشور سیک هیانگ رایج است. در تی کواندو به عکس سایر ورزشهای رزمی مانند کاراته و کانگو ۸۰ فیصد حرکات روی باها استوار است و هر ضربه یا قدرت معادل پنج ضربه دست را تولید میکند.

در کشور ما شمار زیادی از جوانان به این بازی روی آورده و کلب های ورزشی آن را ایجاد نمودند. استاد تریگرکپ (( تی کواندو و سو-سه )) محترم عبدالناصر هوتکی است.

خواستم تاباوی بیرامسون کارش صحبتی انجام دهم، موصوف چنان شخصیت گیرایی دارد که

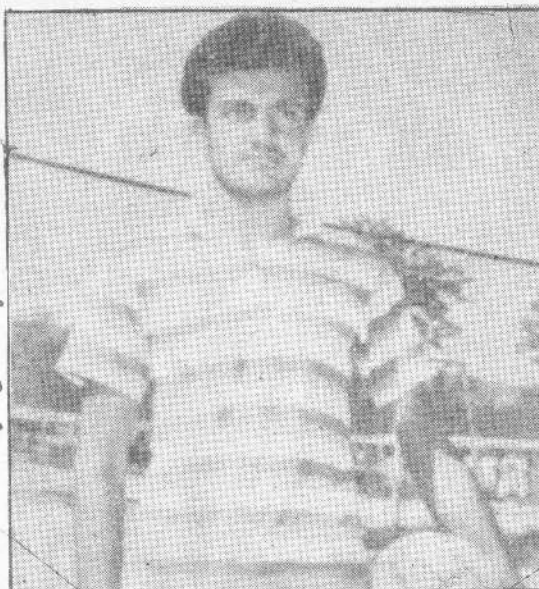
ورزش تی کواندو در جهان به عنوان کامل ترین و قوی ترین سبک دفاع از خود شناخته شد، است. این بازی برای نخستین بار در کشور کوریا جنوبی بوجود آمد که کاملاً مجزا از کانگویی چین و کاراته جاپان است و فعلاً به عنوان یک ورزش عصری و بین المللی در شراسرد نیابنداشته میشود. تی کواندو از سه کلمه کوریا می (تی) ضربه زدن و جهیدن با یا (کوان) به معنی دفاع کردن (دو) (سه) معنی روش متشکل است. این بازی دارای دو سبک شناخته شده است. تی کواندو و هیانگ و تی کواندو و بومسه میباشد و از جمله ۱۱۷ کشوری که این ورزش در آنها معمول است

از چشمانش مهر و حوصله میبارد، وی با قدرت و لوازمی به حرکات پسران تمرین کننده مینگرد، او باور مند فرد ای درخشان شماست. از جابجایی می خیزد تا حرکت نادرست یکی از پسران را اصلاح کند، یک بای خود را بلند مینماید و دست خود را به عقب برده به اندازه دو متر بلند

## همایونج باسکتبالر

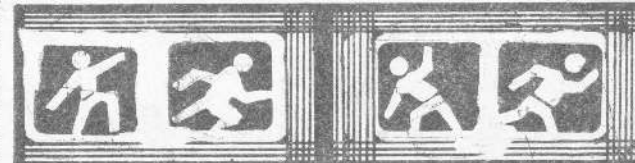
\* در میان چهره های ورزشی جوان مکتب شهریکی هم همایون باسکتبالر لیسه انقلاب است ، وی سرنیم مکتب خود است اوصاف یک ورزشکار خوب را چنین بیان نموده است :  
 ورزشکار باید جدیت ، تکلیک خوب و بازی ماهرانه داشته باشد .

وی در مورد موفقیت های خود گفت : اشتراک در همه مسابقات دارم و در سال ۱۳۶۲ ، تیم مکتب ما در ناحیه مقام اول را حایز شد . راجع به مشکلات شان در زمینه ورزش مورد علاقه اش - میگوید : لباس مناسب ورزش ، توپ کرکچ ، - عصریه ، اینها همه نیازهایی است که شاگردان برای پیشبرد امور ورزشی بدان ضرورت دارند .



## درخشانترین چهره های ورزشی آمریکای لاتین در سال ۱۹۸۸

به اساس نظر پرسی سالیانه آژانس خبری پرسنالاتینا ، هاوسر سوتوما کیویا ، برجسته ترین ورزشکار خیز بلند امریکای لاتین در سال ۱۹۸۸ بوده که جایزه این آژانس برای بهترین ورزشکار مرد امریکای لاتین را برده و - همچنان سیلویا پول کوستاریکایی در راب بازی جایزه مجله پرینسا را درین عرصه بدست آورد .  
 در جمله ده ورزشکار خیلی هاس معروف یکی هم دیگوارماند و ما - رادونا ، از کشور آرژنتین در فوتبال ، دیگري اتانید پلینا کیروت ، از کیوبا ، در دوش ۴۰۰ تا ۸۰۰ متر هستند .  
 و اما در مسابقه پرند هاس ، طوطی آرژنتین در نمایشی در نزدیکی شهرینکاک بیشتر از هم قطاران خود نظر تماشاگران را جلب کرد ، این پرند ه بزرگ از جمله چند پرند ه تربیت یافته در تایلند بود که با مهارت های هیجان آورو حیرت انگیز خود تماشاگران را به شورش و شغف در آورد .



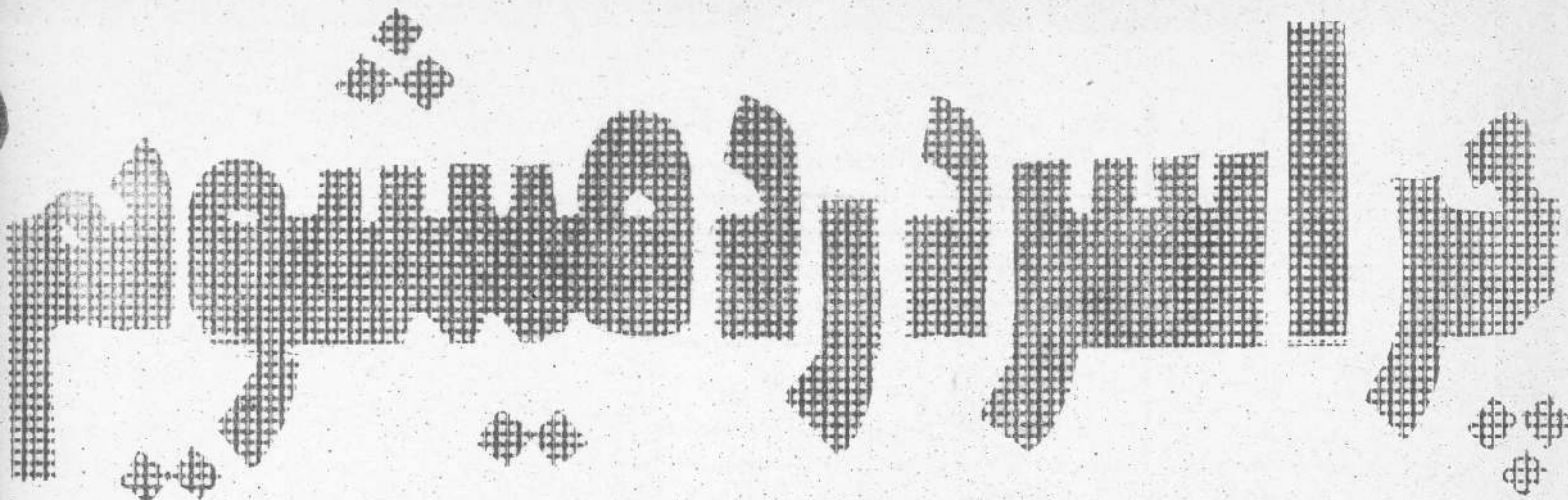
# سبک فاع

بازگشتم و کلب (( تی کواند و پوسه )) را ایجاد نمودم .  
 از جمله شاگردانم هفت تن کمربند سبز ، بیست و سه تن زرد و بیست و سه تن سفید گرفته اند ، من میخواهم هر آنگاه که در مدت پنج سال تعیین موخته ام به آنها منتقل سازم برای شاگردانم بر علاوه تی کواند و طریق استفاده از سلاح های سرد مانند نان جیکو ، زنجیر ، چوب د راز ، شمشیر ، سامورایی ، پرتاب چاقو و پرتاب میخ را نیز می آموزانم ، فعلا به جز کار در کلب که ام مصروفیت دیگری ندارم ، چون امتحان کانکور بوئینتون را گذرانیده ام ، امیدوارم سال آینده به بوئنخی طب قابل تحصیل کنم ، در اخیر به امید موفقیت های هر چه بیشترش با وی خدا حافظی میکنم .

معلومات دهد ، اود زمینیه اینگونه آگاهی میدهد :  
 (( برای اولین بار در صنف نهم مکتب به ورزش بوکس روی آوردم و مدت دو سال تحت نظردرم این ورزش را موختم و سپس نظر فعلا - قه بی که به ورزش های زینیه داشتم به تی کواند روی آوردم و در سال ۱۳۶۲ نظریه عواملی به کشور ایران رفتم و در آنجا تحت نظر (( قدراسیون ورزشی ایران )) موافق به اخذ کمربند سیاه شدم و در ضمن مربیگری کلاس رانی نیز تعقیب کردم ، در آنجا با رهسا در مسابقات اشتراک ورزیدم چهار بار به کسب مقام اول نایل آمدم که غمه اسناد آن نزد من موجود است ، در سال ۱۳۶۶ به وطن

## چهره جوان تکواندو

میود ، پسرانی که همه مجذوب حرکت او شده اند ، به دورش جمع میشوند و وی به تشریح حرکت خود میبرد از .  
 بعد از اینکه تمرین آنها ختم میشود به وی که جوان بلند قامت و موه دبی است نزدیک میشوند و صحبتی بعمل می آوریم و میخواهم تا پیرامون آغاز کاروسا پر مصروفیت های شریه من



# دیدن بعضی تصاویر، استفاده

## از عینک‌ها و کلاه‌ها

### بعضی تصاویر سردی

ترجمه ستانک

یکی از معمولترین علل سردی دردی صرف الکل است، شرب الکل غشای مخاطی دهن را میسوزاند و در جریان عبور از مری نیز سوزناک و به داخل معده می‌ریزد و از آنجا به جریان خون داخل شده و در سراسر عضو منتشر می‌گردد.

باید تمام اعضا و مجاری به سم خوش بعضی کمتر و برخی بیشتر از آن را میگیرند. حساسترین آنها در مقابل الکل حجرات صبی و مجاری مغزی است و گه می‌شود که معوم شده اند. این حجرات و مجاری خیلی زیاد دچار اختلال شده و جریان خون مغزی به هم خوشتر از دست می‌دهد و برخی از این مجاری تا اندازه بی منقبض گردیده و بعضی دیگر اتساع پیدا میکنند.

هنگامی که الکل از من رفت (زمانیکه عضو بمسختی اثرات آنرا خنثی می‌سازد)، مجاری برای

یک مدت طولانی در حالت غیرمادی باقی میماند ولی در وقت باید توجه کرد که بازم همین مجراهاست که دوران مایع فقراتی مخ و فشار روی زوهای مغزی و همچنان بالای خود راتا همین میکند. در چنین یک حالتی چه چیزی را میتوان انتظار داشت؟ بهترین چیزی را که باید انتظار داشت سردی یا احساس سنگینی در سراسر است.

چه چیزی موجب حمله میگردد؟ سردی یا گرمی زیاد، کار بیش از حد یا خواب ناکافی. میگردند بعد از ماندن زیاد در بوسه اطاق دلتنگ کننده یا مبلوازد و به وجود آید. نقش صده رادر زمینه حالت روسی بیمار بازی میکند. شکل اصلی حمله چگونه است؟ خون از هر دو سمت از طریق شریان های قوی سیات (شاهرگ ها)، چه داخلی و چه خارجی به سر میرسد. حتی جریان ثابت خون در شاهرگ میسر می‌تواند دفعاً از طریق سیستم شریان های داخلی و خارجی باز-توجه شود. در مرحله نخست افزایش سریع شریان خون در شاهرگ داخلی به وقوع می‌پیوندد که با این کار آنه عمل رساندن خون به بخش های دیگر دماغ بهبود حاصل میکند. این کار بعد چشم و شنوایی را خیلی نیز ترمیم می‌سازد و فعالیت عمومی بدن را پیرایه سه متر می‌سازد. همزمان به آن، جریان خون در مجاری متسع شده شریان سیات خارجی (شاه)

رگ خارجی) متاسفانه بطور آتی گذر می‌شود. صورت بیمار به سرخی می‌گراید این نشانه یک حمله محسوب میگردد و در واقعیت امر نخستین مرحله میگردد است. مرحله دوم بیماری باعث پائین توفیع سطح دیگر جریان خون میگردد و در این حالت صورت بیمار رنگ باخه بنظر میرسد. زیرا انجاری سیستم شاهرگ خارجی تنگتر میشود. در این حال، مجاری مربوط شاهرگ داخلی بطور آتی منقبض شده که در وقت موجب سردی میگردد. حادثه این تغییر در مجاری زوده های دماغی به مشاهده میرسد و بالای گیرنده های دردمسائل میکند. سردی غیرقابل تحمل میگردد. این تغییرات در مجراها

همچنان فشار داخل جسمه بی را بالا میبرد. در وقت برای بیمار بعضی پالانویه اسهالات دست میدهد که به تمهید آن حمله صلا به پایان میرسد و این حالت است که مایع اضافی دیگر از بدن خارج شده است. کاهش دوشار سلول اتفاق می افتد و اسهال لسی. تا حدودی در زوده های دماغی از بین میرود. اینست آنچه بدن بخوش کک میکند ولی بدبختانه صوف. وقتی این کک میسر میگردد که تهبانی حمله رنج نهایی را متحمل شده



در مرحله دوم دواهایی که موجب تنگ شدن مجراها میگردد - اسامه میتواند حمله را برطرف سازد ولی بهتر است از وقوع حمله جلوگیری بعمل آورد بهترین راه برای این کار غسل پاها با آب گرم است - هم چنان بهتر است دستان را در آب خیلی گرم غوطه وریخت - پلاسترو مرهم خردل میتواند تا شهرشاهی داشته باشد - تجهیز مقدار کم ادویه های انبساط دهنده مجاری - (صنایین پ پ ، پایا وین و غیره) برای یک مدت طولانی میتواند در راه مقابله با نخستین حمله تنگ کردن یا تنگتر ساختن مجراها مفید و سودمند تمام شود .

ولی طبعاً جلوگیری از مسکون همچنان شامل رژیم درست منظم - خواب ، استراحت و تغذیه و تفسیر اجزای تمرینات جسمی و حتی - پرورش و تربیت مجراها میگردد .

نصایح ، مثال ها ، نمک ها و کلاه های شب پوش

از سالهای خیلی قبل یعنی زمانیکه هنوز مصل بودم داستانی را که از طرف یکی از استادان مادر - باره داکتران معروف شوروی و - قدرت قابل ملاحظه شخصشان قصه کرده بود بخاطر دارم - ایمن قصه در باره داکتر معالج و معروف پروفیسور ماتوی مودوروف است - یک روز زمستانی در اوایل قرن نوزدهم از جمله تاجرانیک در کپلین مسکو کار بهار مغازه داری را پیشه کرده بودند ، مغازه داری نزد مودوروف مراجعه و از سردردی های شدید شکایت میکند ، بعد از معاینه پروفیسور از بیمار میپرسد ، (( از کدام مدخل به مغازه ات میروی ؟ )) بیمار میگردد ، (( از مدخل سیاسکیا )) . داکتر به بیمار توصیه میکند ، (( از - امروز به بعد باید از طبقه مدخل بورووتسکیا داخل کپلین شوی )) با این کار سردردی بیمار برطرف میشود ، بعدها از پروفیسور ملت را می پرسند زیرا سردردی ها با اظهار نظر یا سلمه با شهرت داکتر که - تدایون نمیشد ، توضیح داکتر -

مودوروف خیلی ساده بود ، در آن روزها بهر آنی مدخل سیاسکیا - مثال حضرت مهیم را اوختند بودند . این تاجر با مودوروف مدخل بمجودیکه پیشش به مثال می - افتاد ، کلاهش را بر می داشت و بدین ترتیب سوش خنک میخورد ، بهر آنی مدخل بورووتسکیا چنین مثال می - وجود نداشت .

چنین بنظر میرسد که عمدتاً سردردی های تاجرانیک از بیماری ضلالت کوچک و نازک واقع در حشره های موجوده است ، هرگاه تمام اینها آناه منقبض شوند ، طبیعتاً میگویند ، می ایستند یا بلند میشوند در وقایع بیماری های التهابی و - خنک خورده گی ها این ضلالت دچار درد شدید میگردد و چنان تصور میشود که تمام سردرد میکند . باری این یک بیماری خیلی معمولی بود ، بخصوص در موسم های سرما در اخیر شب بخاری ها و همراه با آن اطاق ها خیلی سرد میگرددند - کلاه شبانه محض جنبه نشن رادر بر نداشت بلکه آنرا همچنان بعلم کاملاً دقیق طبی توصیه میکردند - این روش معالجوی آزمایش شده - زمان میتواند حتی امروزه با نورمال نگهداشتن دوران خون در فسیح سردردی ها سودمند و موثر واقع شود . این کلاه شبانه بایست سبک و بقدر کافی بزرگ باشد ، در ضرورت عطیه نفس در پوست سر - متوقف خواهد شد و موجب گرمای - بیش از حد خواهد گردید ، در - صورت امکان ، این کلاه را از نشم نرم یا فانیل باید ساخت . این یک چاره ساده ولی نهایتاً موثر - وضع سردردی است .

ولی گاهیگاهی اینگونه پیشبینی - ها واقعا پر ایلم های زیادی را بیمار می آورد بخصوص اگر تنگ باشد و سر را در ضیق نگهدارد و آنرا چون جالی تنگ احاطه کند یا در موسم مناسب آن پیشده نشود . محکم بمتن کالهای تنگ که حرکات کردن را - محدود ساخته و بهر مجراها فشار را در

می گذختی اگر این فشار کمتر هم باشد میتواند موجب سردردی گردد نتیجه آن درد ، احساس سنگینی در سر ، گدزی در تنگ و کاهش واکنش - هاست . در تها تریا کفرانس ها انواع مایلند کالرها یا تنگایی های شانسرا بسست نمایند ، با این کار فوراً احکام آراض و بهبود میکنند .

اتفاقات ، سردردی هائیش از استعمال نمک ها نیز میباشد ، یعنی تجهیز نادرست نمک یا نرم ها که میتواند با این یعنی یا شقیقه ها فشار وارد کند . در اثر آن با این - شریان های صدغی ( شقیقه ) فشار وارد میشود . نمک و تتیاکو

بازی رشد موسم گرما بسیار زی را که در حدود ۲۵ سال عمر داشت به شفاخانه آوردند . معایناتی که انجام شد نشان داد که آب بدنش سرد و یا صایع شده است . داکتران معالج فوراً به تدایون - لازمه پرداختند و همچنان سعی - ورنه نداشتند تا او را به نوشیدن میسور سازند ، برای حفظ فعالیت منظم قلب او سعی فراوان بخرج داده شد . ظرف یک ساعت وضع دمائی لاش بهبود یافت و سردردی لاش برطرف شد . ولی بیمار ضعیف و ناتوان باقی ماند . چه اتفاق افتاد ؟ بهر صورت ، بیمار تنگها مرده بود .

جرم اینهنه ناراحتی بدوش - ماهی خشک کرده بود ، در هوای خیلی گرم ، مرد جوان دلش بسرای خوردن چیزی نمکی تنید ، بدون - اینکه واقعا فکر کند ، بصورت تندی در حدود یک کیلوگرام ماهی خشک کرده را خورده بود ، سرد احساس تنگی نمیکرد ولی فوراً - توانایی لاش را از دست داد ، فشاری را روی شقیقه هایش احساس کرد و در وقت بدقی گردش پیدا شد و سوش را نیز بشدت درد گرفت ، بقیه لاش را نمیتوانست بخاطر بیارود . صرف مقدار نهاد نمک در هوای

گرم زمانیکه اطراح مرق خیلی زیاد است موجب کمبود سوخ آب در بدن تراکم خون ، کاهش در مایع فقراتی مع و در نتیجه باعث پلین ابتدائی در فشار داخل قحفی میگردد . ضمناً نتیجه مشابه از کاهش آنسی صرف آب نیز بوجود می آید . - انسان بایست مقدار مایعاتی را که میگیرد صرف در حدود معین قابل قبول کاهش بدهد .

اعتیاد به سکرته یکی از صده تنین عواملیست که موجب سردردی میگردد ، با گذشت زمان بقایای - تتیاکو به زه های چسب و فسیل آکسیجن در واقعیت امر کاهش می - یابد ، این عمل با این مجازی سر تا شهر ناگواری دارد طبیعتاً دهک جالین مجراها در حالت تنج و در جای دیگر در حالت اتساع قرار می - داشته باشد ، بدین ترتیب در نتیجه سردردی های دوامدار دامن گیر شخص میگردد .

انادرموروتیک مایلند سکرته را ترک بکند ، نباید هنگامیکه به کدام بیماری خاد یا مزمن صاب - هستند این عمل را انجام دهند زیرا ترک آبی سکرته به عدم توان مؤثری سیستم وایی منجر شده و حالت شخص را بدتر میسازد ، درین صورت باید یا داکتر مشورت کرد .

عوامل دیگر

عوامل صبی در ایجاد سردردی هائش خاصی را بعهده دارد ، هر - گونه جابجایی خاتواده گی وضع فوق العاده وحاد درجهان کار - فعالیت روزمره حقی یک مناقشه اعلانی میتواند اضطراب روسی و بارها - سنگین روانی را که موجب ایجاد قلیح مختلف ضعف اعصاب میگردد و بنام اختلال صبی وایی معروف است ، بهر آورد . افرادی دارای کرکتر های قوی میتوانند احساسات شانرا فروشانند و آنرا نزد خود نگهدارند ولی نمیتوانند اختلال عصبی وایی را که یکی از علل صده سردردی های معمول بدون (( دلیل )) است بر طرف سازند .

# درسهای موسیقی برای همه

## در تعریف موسیقی

قبلاً مجله سبازون سلسله درسهای موسیقی را آغاز نمود. به اداره محترم مجله نامه که بنا بر مشکلاتی انرا در نبال نتوانستیم در سال جاری محترم انجنیر صدیق قیام که در این زمینه دسترس دارند و عده همکاری را داده اند ما سر از این شماره درسهای موسیقی را در نبال خواهیم نمود.

در میان علاقمندان هنر موسیقی غرض فراگیری اساسات آن تقاضا به سطوح مختلف وجود دارد. یعنی یک عده شایسته ضرورت دارند تا از الفبای موسیقی و آشنایی با مروج ترین آلات موسیقی (هارمونیه، طبله) به شکل تدوین شروع کرد و بعداً به دیگری شاید دلچسبی باشد شناخت رانگ ها و تال و اطلاعات ترانه و غیره و در همه شایسته به نوشتن و تفاوت های موسیقی شرق و غرب و بالاتر داشته باشند که همه به یک بار مشکل است.

بدین ترتیب نظریه تقاضای اداره محترم مجله سبازون مستند به نامه هایی که به آن اداره رسید و ناگزیر از الفبای موسیقی شروع کم و به تدریج امیدوارم به ذوق همه تاحد امکان معلومات آرایه نام. تقاضایکم تا وقتند آن محترم کمک نموده یا نظریات پیشنهادی و سولات خویش

شکوه دلیر! نیرومند که نه باید هیچگاه فراموش شود و موسیقی های بیگانه جای آنرا بگیرد.

ولی فراگیری نوشتن به سبب غریب یا تقسیم و دسته بندی راگها و تال ها به سیستم هندی نباید با موسیقی ما بیگانه تعبیر شود بلکه سواد موسیقی است برای هر هنرمند فراگیری آن لازم و ضرور است.

همانطوریکه برای فراگیری هر زبان دانستن الفبای آن در قدم اول ضرور است به همین ترتیب در موسیقی هم دانستن الفبای آن گامی است در فراگیری آن.

قدیمی ترین الفبای موسیقی در چین و برای اولین بار الفبای موسیقی به زبان سانسگرت در هند به وجود آمد. این الفبا در چوکات هفت سر یا هفت لغت یا هفت صدا این که از تکامل سرود های مذهبی به وجود آمد بود نامگذاری یا ریخت گردید.

الفبای مذکور که به الفبای طبیعی انتخاب و به موسیقی داد شد هر یک معانی بخصوص دارد:

- ۱- شاجده به معنی صدای طبل و صد رفته است.
- ۲- رشابد: سرود یکی برود و بنام چنگا.
- ۳- گنداره: مانند صدای بز.
- ۴- مدایاه: مانند صدای مرغ ماهی خور.
- ۵- پنجامه: آواز ناخسته.
- ۶- دیوات: ترنم بقه در موسم بارانی.
- ۷- نشاده: ترنم آواز نیل.

همچنان یک نوع نامگذاری دیگری که منشأ آن سرود های

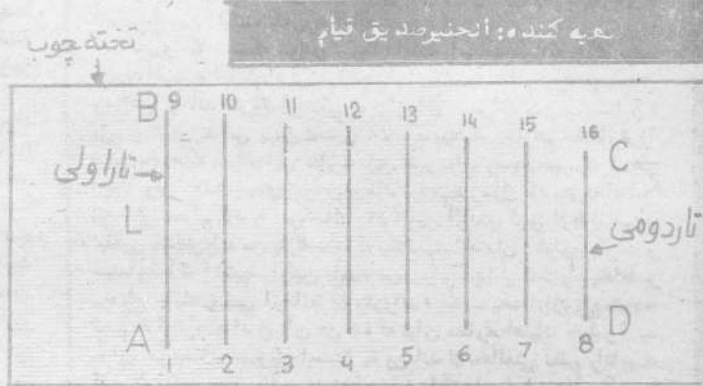
مذهبی است قرار دین:

- ۱- براتاما: تون اولی
- ۲- دیوتیا: در دومی
- ۳- ترتیا: در سومی
- ۴- چتوریا: در چهارم
- ۵- پنجاما: در پنجم
- ۶- سیتا: در ششم
- ۷- سیتاما: در هفتم

ولی در غرب برای اولین بار فیثاغورث ریاضی دان یونان به استفاده از هفت صدای فوق که در شرق مروج بود و به انگلیسی ریاضی و صوت اله موسیقی را به وجود آورد که هفت صدای هفت سر فوق به آن تطبیق میگردد و یا گفته میتوانیم که مذکور اولین بیانی ساده ابتدایی بود صرف دارای برده های سفید بقایه بیانیهای امروزی ناگفته نماند که بیانیتهای موسیقی تازه از است و بعداً آرایه زبان یونانی نام گذاری کرد.

موصوف تجربه خود را آغاز کرد با استفاده از اینکه اهتزاز یا فریکوئسی از روی دفعات فی ثانی اندازه گیری می شود. مثلاً هر قدر که دفعات اهتزاز آواز در فی ثانی زیاد باشد به همان اندازه سطح سوه آواز (زیر) می باشد و همچنین به استفاده از قانون دین:

- ۱- تاریخچه ریاضی از یک جنس مشخص باشند.
- ۲- بارگیری باشند.
- ۳- در کتب زیاد قرار گرفته باشند.
- ۴- نامبرده برای اجرای عطیه خود نخته چوبی را انتخاب کرد و ریتم ثابتی را به آن کوفت که نقطه مذکور را (A) نام گذاری می کنیم.



و بعداً در نقطه (B) میخ متحرک را محکم نمود و انحصار های تاری را به دو میخ B و A بسته و توسط میخ متحرک کش نمود طبعاً با تماس صدای به وجود آمد مرتبه دوم عین تجربه نوق را در نقطه C و D نمود یعنی نقطه D میخ ثابت نقطه C میخ متحرک بود ولی موضوع مهم اینکه این بار فاصله DC طول تار AB بود. بعد از کش نمودن تار توسط میخ متحرک C مشاهده نمود که صدای تار CD و AB با هم مساوی ولی تفاوت صدای تار CD و دو چند صدای تار AB بود که این موضوع را شما در هارمونیه های دوسره خود دیده و میتوانید وقتی یکی از پرده های هارمونیه را فشار دهید و طرف دیگر پرده هشتم نیز را بزنید مشاهده کنید که عین تیوری فوق است.

حال طول تار سه را در یک سیار فاصله AD و BC را به هفت یا رجه مساوی تقسیم نمودیم بالای نقاط ۲-۳-۴-۵-۶-۷ میخ های ثابت را کوفت و مقابل آن بالای خط BC در نقاط ۱۰-

نوت: در سیستم هندی پرده ۸-۱۶ نامگذاری ندارد بدین ترتیب فاصله ا تا هفت را بنام سیتک یا هفتی یاد میکنند. چنانچه در سیستم غربی کلمه Octave یا هشتی دارد.

تازه ترین الفبای موسیقی در غرب در قرن ۱۷ در ایتالیا بوجود آمد قرار دین:

دو: ری می فا سول لا سی دو

و یاد را در مروج است به حروف انگلیسی مانند:

C-D-E-F-G-A-B

بقیه ر صفحه ۸۸

بقیه از صفحه ۲۴

## سیلا نوروز

میخوانم و نه آهنگ کنی پیری را  
من فقط از سبک بزاد بر پیروی میکنم  
- با همه آواز خوانانی که خواسته باشند من امتحان میدهم استند  
- آواز خوانانی که صبح شوق آواز خوانی به سرشان میزند و شب بیدار روی برده تلویزیون می برانند باور کنید از طرف فامیل ها و خویشاوندان شان باران پولی و تلفون می آید که آواز او را بشنوند و یاد برود گرام کاروان خله با او مصاحبه شود

پس شما هر ساعت و هر لحظه در آتش حسادت سوخته آید  
- من نسبت به کسی حسادت ندارم ولی بر روی واقعیت نباید پند کشید

آیا شما در رشته موسیقی تحصیل هم کرده اید؟  
- بله دو سال در لیسسه موزیک در رشته موسیقی تحصیل کردم اما یک گروه هنری دارم. سیه کدام آلات موسیقی در ترمی دارم؟

بالاخره تصمیم آخری تان چیست؟  
- بالاخره اگر اجازه ثبت آهنگ در راد یوتیویزیون برام داده نشود تبله جاز بزنم و دهل و هارمونیه شما قبلاً به این مطلب اشاره نمودید که امتحان آواز خوانی دادید و موفق شدید یکی ها از شما امتحان گرفتند؟  
- استاد محترم ما استاد محترم استاد هاشم موسی قاسمی معلم نیی خلاصه که ۴-۵ تن از استادان عزیز و حضور داشتند.

**عکاسی جهان نما**

عکاسی عکاسی جهان نما  
رنگه و سبزه و سفید می پذیرد  
در شهر مزار شریف مستقر  
شفاخانه ملکی شمال روضه تیرید  
تلفون ۰۲۲۱۴

# زند و اولاد از بدو چه میسر می آید

و در یکی از این شبهای منحوس - چرکین و لعنتی بود که مالک آب - تلخی را برایم داد تا سیرکتش - قیلا - میدیدم که شیشه ها از شر آب به خلقم رفته - این معامله گران انسان تهنی میشدند اما آنشب در - برکه غرق شده و زنده نمی آید - کی میتوانست مراد را کند ؟ دست و پا زان و بیخود خندیدند و گریستم - کی میتوانست مراد را کند ؟ دست و پا میتوانست گشودند - ام ربه من باز هد ؟ کی میتوانست آنچه را که ازین رود شده بود ، باز د هد ؟ کی میتوانست برایم روزهای کودکی ام - مادرم - عفت د اتم را بیاورساند ؟ هیچکس - هیچ چیز هیچگاه - روزها و شبها میگذاشت و من دانسته بودم که وسیله مساعد در آمدن پولی صاحب است - کم کسی از مهربانی هایشان بهره میگرفت - یک روز مراد خراطی بردند و فرمایند لباس برایم دادند - لباسیکه - شایسته یک روسی باشد - شایسته بی یک زن هرجایی - لباسی که زیاد تر مورد توجه مردان و لالو و میا ش باشد ، و خیاط دانست که من کن باید باشم قبل از اینکه لباس را بدوزد با مالک معامله خریدن را سربراه کردم مرابه خانه اش کشاند خانه میکند دست کسی از خانه قبلی ام ندانست و علاوه برین عده دیگری زنان روسی و بی خانسه نیز را اینجا مصروف خدمت و پرداخت جنسی مردان (مشتتری) در این مارکتی انسان فروشی بودند

فکرتی اتفاقا هنوز آفته باد و دست مگردت و مخدرات و الکل بود ، اینها محافل نمناک و سوره جمعی بودند همه محرم بودند ، در این خانه من به مثابه زن نوجوان به تمرین رقص انتخاب شدم و مدتی کسی گذشت و شریک شریک یا هام در سالون ها - اتاقها و حیوینی هاییکه جمعی از مردان عیاشان - قمار باز و وحشی جمع بودند طنین انداخت روزها و شبهای دیگری نیز چنین گذشت با این تفاوت که هزار بار رقص ها گاهی میخواستند برهنه برقصم وسیله ایمن حراب را در من با شراب و جرس تقویه میکردند و بدی نگذشت که یکروز از این روزهای تجمیع همه ما همراه با (خانه والای) مانعم به نجایم و فحشاء پشت میله های زندان رفتم - زندان این باشگاه آزادی ام - زنان محبوس را اینجا طوری به من نگاه میکردند که میشویدم - شاید با خود میگفتند این دخترک احمق بد بخت تر از ما است ، چنانیکه یک زن جوان وحشی با چشمهای همیشه از حدقه بدآمده اش میگفت : ( سرماره از پشت خار ) ، تعاروتها یک زن در زندان به همه داستان گذشتند ام علاقه گرفت و زنیکه به اتهام معامله گری روسی ها محکوم به حبس شده بود مدتی را که در توقیف بودم یاد نظر داشت بی کسی ام به من زیاد کنکها کرد بجه بعد از زندانی شدنم دیگر حتی از معامله گران خبری نبود که احوال را بگیرند بگر محبوبین (با یواز) ها داشتند و اما من جز هر لحظه سرگردن دوساره (با یواز) نداشتم ، زنیکه از واقعیت زنده می آید ام آگاه شده بود بیکروز آزاد نشد ولی همواره خبر را میگریفتم و بعد از یکماه بگریفتم و مقامات زندان برایم اطلاع دادند (توصیه راستی و مطابق قانون) نباید توقیف بمانی و در همین روزها آزاد خواهی شد و من که در اینجا یکسال و شش ماه (کیوها) سیری کرده بودم ، خبر آزادی ام رابه همان خانم - مهربان هر مسلم که در زندان آشنا شده بودم بازگفتم و او آدرس منزلش را داده بگفت بعد از آزادی با او زنده می خواهم کرد - به مجرد ورودم در منزلش که جایگاه نمناک بود ، در ریاضت که تقدیم چنین بوده که من نباید در واز نجای باشم ، آخر غیر از چنین جاهایی کجا میتوانست بناگاهم باشد ؟ کی میتوانست مرابه خانه اش فریاد چنین اشخاص معامله گر حد هد ؟ هیچ جا و هیچکس - چرا نتوانستم خود - کشی کنم ؟ زیرا نتوانشرا نداشتم - زیرا میدانستم که از فعالیت معامله گران برای روسی ساختن دختر دیگری جام را باید برمیگردم معلومگویی میکنم

اما اینبار بعد از مدتی که در این خانه زنده می میکنم ، صاحب خانه (ما همان زن) به خاطر جلوگیری از بندی شدن من و خودش سرا به عقد نکاح بصرن که مردی بود از قماش مردان ذلیل و ست فقرت - در آورد و در پیش این نکاح من یکی از اعضای فعال گروه عیاشی این خانه ششم ، و این وقتیکه که این خانم برایم محفوظه نویسیه خاطر عرضه حسن جوانم به مردان وحشی صفت که در برابر پشت پولی شیی وساعتی را کارم سرمیکردند و من به تنهایی ناگزیر بودم ، پرداخت آنها را طوری بکم که در لندن میخواست ، وقتیکه باید بداند آن اشخاص مرضی های جنسی در وجودم از این فعالیت ! ابا میوزم محکوم به اجرای همه امور خانه میشوم - خانه بیکه همیشه مهمانان بیگانه و مشتربان وحشی با آن سروگردا شتند ، شوهر که اصلا در اندراب زاده شده بود و بعد بی از اعضای فامیلش آنجا زنده می میکردند مرابه اینجا انتقال میدهد و دوباره ازین فحاشی میخواهد و اما حال دیگر مسرفی

بدش جنسی دانگم شده بود که باید ابا میوزم و کارهاییکه باید در اینجا انجام میدادم ، بالاتر از توانم بود - باید زیاد تر زنج بی کسی در میان ناگهان دین صفت ترا خودم را میکشیدم - روزها از درد و سوز سوز بالاتر از زنجی نباید میداشتم - ناگزیر و بیکار بودم ست به دروغ میزدم ، یعنی فرار میکنم - با تقبل دهه های شوری و بی عشق راه کابینل را میخیزم ، بد رکابل هر شب را باید نزد معاند آزادی گاه در منزلی - گاه در سرسرای - و گاه در درگاه سرسرایم ، بیرضی ام شدت پیدا میکند من مرده بودم و از روی بد فون شدنم رانین راهمه احساس سر رینده می یافتم و چندی بعد دوباره راه خانه ماد روشهر را میبوی میبهم ، اما بعد از اینکه تضرع برای معاف ساختنم از روسی گری میکنم و مرضی ام را دلیل من آورم از توجه و مهربانی های بهترین بی بهروره می ششم

این اجتماع بود که وادانم به فحشا کرده بود - اجتماعیکه تنها از کثافتنهای آن بهره داشتم ، هرگز کسی ازین دعوت به پاکن نشستن نکرد ، هرکسی به دست نظیر سلام دانگم بخاطر فروش جانم و بد بگری به خاطر برداختنهای جنسی اش - و من در رانینوی از نیازهای منستن - این بزرگترین اشتباه اطلاع بدیده ام

د بوی نگذشت که شوهر دوباره از زندان آمد همراه چنگ بود - لیس دادند به اتهام اصلی ام (فحشا) بلکه به اتهام سزقت پول و جواهرها زخانه اش و لیا را محکوم به جارسال حبس کرد بدم و دوساره زخم محدود زندانی برین تحصیل شد - محیطیکه هنوزم انتظارها را دارم ، محیطیکه در آنجا بی تفاوت ترین خبر برایم رسید ، خبر مرگ شوهرم آورد و من بعد از سوری نمودن میخانه توقیف ، در منزل ماد رش به ادا زنده می میکنم ، محکوم گردیدم و کمال بعد از این آزادی کسی از طریق تلهفون عشقش را به من بازگفت - کسیکه نمیشناختمش - اولین بار در سینما و ده گذاشتم - اولین بار یک مرد برایم از عشق گفت و او بخاطر ازدواج با یک روسی از خانه پدرش رانده شد - بعد از ازدواج متوجه شدم که او توان دادن نان من چه که توان مصارف احتیاج خود را - ندارد او معتاد هیروین است ، بدون اندک مخالفتی نظرم را تایید کرد که برقصم پول بیاورم ، بد تیرا در اینجا و آنجا در این محفل وان - محفل رقصیدم و اما نمیدانستم که باید برای رقصیدن نیز اجازه نامه داشته باشم - به کشته گتورفتم بعد از شرایط لانم برایم کارت دادند - که تا حال به اعتبار همان کارت در حلقه مردان مست و سی خود چرخ میخورم - پول میبهم و براسم ظلم را که هنوز کدک بکمال است ، بنام میدهم و به تکه های میبهم ، چرخ میخورم پول میبهم و شوهر معتادم را مرفوع میسازم

من حالا (کل بی بی) نیستم - او در دوازده سالی مرد من ((سهیلا)) شده ام ، ((سهیلا)) بیکه شرم سرخروی ((سهیلا)) هاست سهیلا بیکه شرم هر دخترترین است

شبهات برقصم روزها میخوابم - بد رکود کم از هر اس جلیب نظامی و عسکری در خانه رامین رانگاه میگرد تابندی شد ، او بیخود تر از من است من بر یاد رفته ام و از فرقی در بر یاد ی اعتیاد است

بگذر حالا دیگر که در غریبترین یک زن - بی حجاب زنده می اش را چنین قصه کند که ، دیگر زاده از این برای رسوایی چیزی باقی نمانده من در پیشری بزرگ شدم و پیشروی عادت شده ، پس از چه باید شویم ؟ چرا باید هراسید ؟ تعمان نگاه نکرده ام ، احتیاج و انسانهای سنگدل و معامله گرش برین ظلم کرده نگاه کرده اند ، اما حال دیگر شاید بدم زنده باشد و از قصه ام آنقدر رنج ببرد تا ببرد ، کاش چنین باغور میبود

مردانیکه در دستم خوابیده اند از قصه ام سوخی خواهران نویسنخ همسران شان کنند کاش چنین نیرو پیدا شتند (معامله گران از قصه ام دست به کیسه هاییشان بزنند و دیگر از معامله انسان آنرا برکنند کاش چنین تقوی میداشتند

و من از قصه خنده کم - آنقدر خنده کم تا بجمود دوباره زنده شوم و تقدیم بیکه اش باشد کاش چنین خوشبخت میبودم

من سواد ندانم اما زبان سواد زنده می آید - زنده می آیدم بزرگترین اشتباهیست که مجازاتش را با خود دارد و از گردن شزبان من در دهانم پادستد بگری در بر گهای گافتد ترسم می شود

من نه گهر نه اسلحه - نه زنده و نه مرده - تعمان بی انسانیت که سیم است بر من است و منم در بزرگ شرافت و خوشبختی است از من کوچیده ، شاید خدا چنین خواسته که این بد و خوشبختی و شرافت رابه انانی از زانی بدارد که توان م فون شدن در زین و جها و آشوب بی عشق راند از بند و بازو سیی ها که این توان رادارم - بر ما تا اوقت این آشوب روایند داشته شده که چون فریاد از ستاری زمین تا بیکران نایبند شوم ، زنده می طومار آماز شدن است و بیگر طومار زنده می و من آغاز شده ، انجام شدم ، مانند آن قناری که زبانش (زنده می اش) را - گرفته اند و انیش را بیخود م با فریاد و گور خود راهی مقرر می کند



# آیاتاسی و خیل میرمن یاستی

دغه  
ازمایش ساعت تیری  
ده، مگره بحان بوری  
بی هم باید وتری  
حتما تاسی ته خیل  
د کجکاو ی حسن اجازه نه  
درکوی، ترخومو خیل بحان  
نه و نی ازمایش کپی چی  
ترکوم اندازی بسوری د  
کورنی له بحیرکو میرمنوخچه  
شمیرل کنیزی

۱- فرض کوچه تاسی به کورکی  
خو ضروری شیان نه لری، او د  
بازارخچه یوازی یوشی رانیولا  
شی، کم یوشی به تاسی اول-  
واخلی.

الف - یخچال ۳۰ نمری  
ب - تلویزیون ۵ ۵۰  
ت - د کالیود مینه معلوما شین  
۲۰ نمری

ث - بالابوش ۱۰ نمری  
۲- آیاتاسی همیشه خیلند کالیو  
الماری تنظیموی.

هو ۲۰ نمری  
نه ۱۰ ۵۰  
۳- آیا هر هفته خیل کور همیشه  
به هغه معینه ورخ جاروکوی.  
هو ۲۰ نمری  
نه ۵ ۵۰  
۴- آیا مخرکی له دی چی میلانه  
موکورت راشی، کولای شی تمول  
خوراکی مواد به اشترخان کس  
تیار کپی.

هو ۸ نمری  
نه ۲۰ ۵۰  
۵- آیا کم وخت داسی تصادف  
واقع کنیزی چی خیلو، میلنو ته  
سوی بوپوی، مخ ته کنیزی.  
هو ۱۰ نمری  
نه ۱۵ ۵۰  
باتو به ۹۳ ۵۰

## کلیسیونهایم راه دوست دارم

ساخته و برایم امکان داده اند که  
مناسبات گسترده با رادیوهای -  
خارجی بخاطر گشتن پسته هایم  
داشته باشم.

زمری علاوه بر کلیسیون پسته،  
دو صد و بیست نوع سکه های تازه  
از افاضه از سی گورجهانرا که متجاوز  
از چهارصد سکه میشود نیز دست  
آورده، دسرکه های این کلیسیون  
نوجوان سیمای تانخ سرزمین هاو  
طل درازنه، تانخ چه درسیکه  
خط وجود داشته وچه قبل از آن  
برجسته است.

زمری سهار از این سکه ها  
از بیست و پنج گورجهان یکصد و بیست  
نوع بانک نوت را نیز در البومها نگه  
داری میکند.

اوارزو دارد تا با کلیه کلیسیونان کور  
تماس، تبادل و تعمیم تجارت  
داشته باشد چه تازه از دو سال به  
اینسوراه برادرش ابراهیم سهار  
زاد بخش کلیسیونسازی ادامه  
داده و بارهنگامی و شوق مستقیمش  
به حفظ و تنظیم این کلیسیونها دست  
یازنده.

کلیسیونر مابین سال آموزش را -  
پهوسه اول نمره، مومو و صفی بوده  
از ذوق و سلیقه، عالی برخوردار  
است.

کلیسیونهایم هر کدام تصویر  
و قسه بیست از تانخی و دورانی وطنی  
هأمر ابا هغه سرزمین ها و ممالک ایننا

منعنه، کلیسیون سازی  
در کورما پدیده بیست نو، معدود  
از کلیسیونران کت، گوگرد، عطریات  
شبیخ، سگرت، پسته، سکه و  
بانک نوت و ۰۰۰ را سرانجام دارم.

زمری سهار نوجوانی که متعلم  
صدف پنج لسه، انقلاب است یکی  
از این کلیسیونرها میباشد، وی پسر -  
بست هوشمند و دقیق، او اکنون با -  
کمال علاقه مندی سه هزار پسته  
مهر خورده، اضافه از ۴۰ کور -  
جهان را با سلیقه، لازم حفظ مینماید  
بسته عایر که با نظم خاص در البوم  
ها تنظیم شده اند، سببهای -  
اند از عرصه ها و حیوانات گوناگونی  
جوامع مختلف بشری.

زمری سهار که از شوق و  
حمایه، فایمیل، بخصوص برادرش -  
ابراهیم سهار برخوردار است، در  
حفظ و نگهداشتن کلیسیونهایش  
سخت دقت دارد و میگوید:  
(کلیسیونهایم را مانند کتابهای  
درسی ام دوست دارم، این پسته  
هأمر ابا هغه سرزمین ها و ممالک ایننا

سه هزار  
تکت پستی  
در یک  
کلیسیون

# اختراع پاپیروس

و دلتای نیل در آن هنگام فراوان یافت می‌شد، مصریان مخز این گیاه را بصورت نوار می ساختند و نوارها را دولا و سه لای بصورت چلیپایی روی یکدیگر می‌گذاشتند و پس از سر کردن آنها را پاشا ر بی‌یکدیگر چسباندند و سپس آنرا صیقل میدادند و آنرا به صورت کاغذ نوشتن استقا د میکردند.

ناگفته نباید گذاشت که کاغذ های راکه امروز استعمال میکنند، بسیار بعد تر از پاپیروس اختراع شده اند.

درجه اهمیت قرارداد داشتند اما آثار طولانی ادبی نیازمند نوعی کاغذ بود.

مصریان باستان مساله نیاز به کاغذ را با اختراع پاپیروس حل کردند، پاپیروس ماده نوشتن مناسبی بود که از مغز علفی بنام بردی Bardy بدست می آید و دریا تلاق ها

حظنویسی انگاهی ارزش اجتماعی خود را بتمامی اشکار ساخت که انسان توانست ماده بی را اختراع کند که به فراوانی و ارزانی در دسترس باشد. واضح است که تا زمانی که خط نویسی منحصر در آن بود که خطوط را روی سنگ حک کنند، استعمال آن محدود و به اموری می‌شد که در نهایت



میزند و باعث آسیب دایمی یا شروع تشکیل سرطان میشود. یکعده از سلول های که از این طریق مورد حمله قرار میگیرند شجریه بیماری کشنده لوکم می شود که سالها بعد ظاهر میگردد، همانگونه که سالها پس از انفجار اتمی در هیروشیما، موارد آن پیدا شد.

که علت آن احتمالا از اثر اختلال عمومی میتابولیس سلولی سبب تعداد بیش از حد ریشه چه ها یا رادیکال های است که در کارواکنش های انرژی وقفه ایجاد میکند، مقدار کمترین اشعه که البته باز هم خطرناک است می‌کانتین ( سنتیز اسید نوکلیک ) پروتین لطمه

نشر بیش از حد اشعه اتمی که فی المثل بر اثر تصادف در حمل و نقل ( بیل ) هسته ای تراوش میکند، یا بر اثر تماس مستقیم با بمب ها و یا از سقوط آنها ناشی میگردد، و اکنش های شدیدی در همه سلول های آسیب دیده ایجاد مینماید

## تأثیر اشعه اتمی بر موجودات زنده

کنید

س از شهر مزار شریف:

س : خانم نام که بسیار کم خلی ، بد برخورد و بد گذاره است زندگی راتلج نموده معما گویند چکار کنیم که زندگی را به خوبی و آرامی بگذرانم ؟

ج : برادر عزیز ! خانم نام بگیرد تا خانم اون نام سرعفس بیاید .

چرت عروسی خود میباید که به چرت بوره هم نمیشود .

راسیه احمدی از کلوله بشته متعلم سنت ۱ :

س : به گفته بعضی دوستانم سواد چندانی هم ندانم قساره ام بدگو نیستم ، آواز را چه عرض کنم ، میخواهم نظامی شوم چکنم ؟

ج : همی ، واسعه پیدا -

حالا که پرسیدید ... حومه خواندن دروس خود را -

هم ندانم ؟

ج : کلان ۱۹۸۱ را بید کنید .

خانجان از صوفی مویل :

س : محشر ستار نواز خوب ما مجرد است اگر نیست پس چرا خوب من نواز ؟

ج : محشر نامزد است و در

بقیه از صفحه ( ۴۵ )

است و حالا کامران مدت بسیار و چار دختر دارد ، خودش میگوید تعداد بچه ها و دخترها باید مساوی باشد ورنه برایم شوم است مرسیه از بو هنتون لایل :

س : چه کنم که علاقه به مطالعه پیدا کنم ، حالانکه حتی

است . اینها انواع منسوجاتی را از لباس شبانه گرفته تا خیمه مخملی هندی که با برگه های طلایی تزیین یافته در بر میگیرد . فرانسیسکا گالووی آمردیار - نمت اظهار میدارد : (( در پنج سال گذشته بازار منسوجات رونق گرفته است . تازه ترین منسوجات در لجنی لباس قرن بیستم است ، که در حال حاضر موزم ها خیلی زیاد مایل به خریداری آن اند )) . موزم استرالیایی بخاطر پیراهن ساده ، دراز و چین دار ابریشمی و جاکت بخلی که کار طراح ونیس آقایی ماریانو فورتونی بود مبلغ ( ۷۰۰۰ ) یوند پرداخت .

انتونی سپینک بانگامی اخترا آمیزه گذشته ها اظهار میدارد : (( برای بیش از سیصد سال جنسیت و کیفیت اساس فعالیت ما را تشکیل داده است ، آنچه که موجب خوشی من میگردد اینست که مسترد و - معیار مانست به گذشته بالا رفته است )) .

## مرگاه بهترین

بقیه از صفحه ( ۲۹ )

در منزل فوقانی اند ریولیترا ند باید الهایی سروکار دارد که از فتوحات معروفی از قبیل ترافالگر و واترلو و مبارزاتی که سالها قبل به باد فراموشی سپرده شده است از قبیل جنگ جین ( ۱۸۴۲ ) - اوی سینا ( ۱۸۶۷ ) جمووکشمیر ( ۱۸۹۵ ) ، سودان عهد خدیف ( ۱۸۹۶ ) نمایندگی میکند . بروی اکترمد الهایی برتانیوی نام گیرنده مدال ، رتبه و رشته خدمت او موجود است ، برای علاقمندان جمع آوری کننده مدال تاریخچه برنده مدال وکا - روایی های او بخاطر کسب مدال دلچسپ است .

یکی از دلچسپی های تازه سپینک تک باب -

قو طاسیه فروشی

علی گلرین

متصل کلینیک مرکز

# ادیان عمده هند

۲- ریشه و اصل تلم ریج ها در تناف آرزو نهفته است  
 ۳- هشت راه برای زدودن ریج و درد وجود دارد به این شرح ایمان درست، اراده درست، گفتار درست، کردار درست معیشت درست، آگاهی درست، اندیشه درست، خلصه و حال درست.

این آیین در سیلون و بنما به شکل ساده ترینام ((هینیا نه)) باقی ماند، در کوریا و جاپان به نام ((مهایانه)) و در تبت به بنام ((لاما)) وجود دارد.

در هند و چین مذهب جدیدی به نام آیین کائود ایا بود یسم جدید رواج دارد که مقدسات سایر ادیان را نیز مقدس می شمارند.

### ۲- جین

یکی از ادیان است که در قرن ششم قبل از میلاد، همزمان با ظهور دین بودیسم رواج یافت. اصول اخلاقی این آیین مبنی برین استوار است که به هیچگونه جاندار، هیچگونه بدی و آزاری نباید روا داشت.

آیین جینیسم از پیروان خود، زهد و خود فراموشی طلب میکند و برای روز ارزش فوق العاده قایل است، بر اساس این آیین هرکس برای رستگاری باید سه گوهر معرفت، ایمان و تقوا را رعایت خود فرار دهد.

شبه جزیره بزرگ هند سرزمین فرهنگ، عبادت و مذاهب مختلف است به قولی دین سرزمین در حدود سه صد کیش و آیین وجود دارد. اما عمده ترین ادیان سرزمین هند عبارتند از:

### ۱- برهمنی

دین اکثریت هندی هاست، این دین منحصر به ریشه هندی دارد، شاید آغاز این دین هشتصد سال قبل از میلاد باشد، بزرگان و کاهنان برهمنی - برعین نامیده میشوند، کیش تلیت از برهمنی شروع شده (ویشنو - برهما - شیوا) است، به همین دلیل خدای خود را به صورت انسان دارای سه سر انتخاب کرده اند، رسالت این دین با برهما (رشن) است، که از زنده گی آن اندکی آگاهی وجود دارد.

### ۲- بودایی

آیینی است که پیروان آن تابع بودا هستند، این دین ابتدا شبیه به برهمنی بود ولی ظاهر پر دازی کمتری داشت. اصل اساس این دین عبارت از اینست که حیات ریج است و هوس زاید و ترک نفس تنها وسیله رهایی ازین ریج میباشد، کمال مطلوب دین بودایی عبارتست از وصول به ((نیروانا)) و یاخنا.

اصول عمده بودیسم عبارتند:

۱- جهان سراسر ریج و عذاب است.

بقیه از صفحه (۸۵)

## درسهای موسیقی

ولی در هند قبل از قرن نهم الفبای موسیقی ذیل مروج بود: کهرج، رکهب، گندار، مد هم، پنجم، دهیوت، نکاد یا نشاد که با وجود آمدن موسیقی غربی - بندانی، نوع موسیقی کلاسیک تا امروز الفبای اختصاری بوجود آمد که آواز خوانان کلاسیک معمولاً در آثاری خوانند نوع اختصاری آنرا سرگم میکنند مانند: ساسری، گه، مه، به، ده، منی، سا، نوت؛ وقتی خواننده در آثاری آواز خوانی نام از الفبای فوق میگیرد آنرا ((سرگم)) میگویند همچنان یک نوع الفبای موسیقی در ایران هم موجود است مانند: برده، اورده، میانین، زینمایا، نمایان، روزنمایان، محسوس، هنگام. این بود خلاصه از ظهور الفبای های موسیقی که زیاد تر امروز در دنیا مروج است و جمعا این هفت سر را به نام سرهای طبیعی یا Natural tone و در سانسگرت به نام بلاول یاد می شود.

کارته نو تعمیر سیمای اقبال

قطاسیه فروشی ارزان

## دیوارهای (۵۰۰) ساله

و مقبول سما نمودند.

بقیه از صفحه (۲۷)

دیوارهای کرملین بیشتر از دو کیلومتر طول داشته که با در نظر داشت شکل اراضی منطقه به روی خط منکسر طوری که از هر برج میتوان تمام نقاط دیگر را مشاهده کرد، اعمار گردید. تمام برج های بیست گانه کرملین سیمای هستند اصلی خود و نام خود را دارد. دیوارهای برج های کرملین از خشت های خوب تکمیر شده سنگ ساخته شده که هر کدام آن تقریبا هشت کیلومتر وزن دارد. معموره چلیپا مانند از مصالح ریگ و آهک دیوار ها را عملا محفوظ نگاه داشت گرچه آنها نیز بخش های مشکل سار بوی تمام قلعه را: حملات، حریق ها، فیرهار توپخانه، انفجارات، و تبق ها را متحمل گردیده اما با حملات رهزوری هیچگاه متصرف نگردیده بودند. این دیوار نیمه ای از هزار ساله ایستاده و بعد از صدمت های مختلف هر مرتبه محتاطانه پوشش ها و خشت های آن تجدید ساختن گردیدند.

واقعاً که ارمن ها، گورجی ها، بلغاری ها، - پولیتدی ها، سنگ کاران بهار خوی بودند اما با آنهم برای بار اول جهت اعمار این دیوار استادان روم قدیم دعوت گردیدند. دیوارهای کرملین به محافظه گاه معمولی - گنجینه معنوی جهانی، مبدل گردید. در کرملین سکواتار هنر و باستانی استادان بزرگ هنر حفظ گردیده است. کرملین سکو - همین انسامیل روس - در شکل معنی و مفهوم معمول وحدت بدون اعمال به زور و تشدد شدن بیشتر مردم روسیه و دیگر مردمان روز زمین گردید.

دیدن کرملین توجه جمعیت گهیر مساحیان، نقاشان، شعرا، و اشخاص دارای حرفه های مختلف را بخود جلب نموده و برای ایشان لذت بخش میباشد. حتی در قرن شانزدهم خارجی های که از سکو دیدن نموده بودند کرملین را یک قصر بزرگ

# سپید دردی

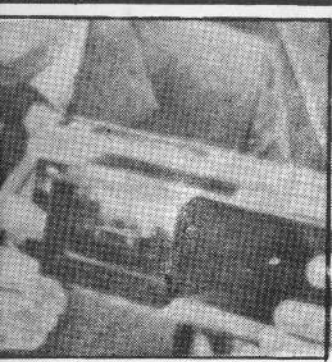
بقیه از صفحه (۸۲)

در همه موارد، اینبه های  
سکن که پالان میراها شکر خوردن  
دانه و احساس درد را تخفیف  
میدهد ولی طبیعتاً آسانی آنطوری که  
همه باقی میماند یعنی نمیتوانیم  
کرکتر و احساسات خود را تقویت دهیم  
رضعی که موجب بیماری میگردد در  
استخوان مواردی ملاحظه که چگونه در  
شرایط خاصی با آن برخورد صورت می  
گیرد همیشه تغییر یافته نمیتواند  
برخی اشخاص حتی میباید خیلی سا  
بهر رانم هم مشغولند و اینرا خیلی جدی  
تلقی میکنند • بعد از گذشت لفظه ای  
این بیماری خواهد گفت: (بساله را -  
کاملاً درک کردم ولی نتوانستم چیزی

احساسات را بگیرد) ولی در واقعیت  
امر چنین کاری را نمیتوانستیم -  
ساختار خوش وضع زوسی او چنین  
است •  
سردردی ها بسیار بسیار  
ها از فصل بیماری های معده ، جگر  
کلیه ها و ... هاست •  
اغلباً سردردی هاست که در تریلیج -  
ناراضی های متین قنرات بخصوص  
قنرات ناحیه رقی ، رما تیسزم  
بیماری های کولیک تلی نیز بروز  
میکند • در واقعیت امر ، تمام -  
بیماری ها سردردی را با خود دارند  
و از همین جهت است که دانستن  
طل آن لیکتور مهم تلقی میگردد و نه  
باید که ط آن راه درست تدای  
و ادوی با هم •  
در اغلب حالات ، ظهور سردردی  
دردی برای بیمار آشناست • به  
معاون یک قاعده ، بیمار رژی -  
های خیلی خوش را برای مبارزه با  
سردردی دارد • این رژی های  
تداوی صرف شکل طین نداشتند •  
بلکه اشکال خوب فلکوری • همسر  
وجود دارد • بیمار شکمت برای  
لخته کتاه قسمت خارج ، جوف

اف (بالای بینی) را با انگشتانی  
محکم بگیرد (برای یک دقیقه در  
فضای آزاد) بیمار با این کار احساس  
بهبودی خواهد کرد • این عمل را  
میتوان تکرار کرد • یا اینکه سر را  
می توان بایک تکه نازک مک  
بست • این تکه را تا ابرویان و -  
کوشاکش گنجد و پوست پیشانی  
کش بشاید • این کار با بسیاری  
بیماری های سردردی های ناشی  
اینهمه آمدن فشارخون دارند که  
نهاد میکند •  
در سردردی های مزمن یا  
ها در آب گرم بپوشد • هر چند  
از آب خیلی گرم نباید استفاده کرد  
در صورت آن تهیه معکوس آنچه که  
طلوب است به دست خواهد آمد •  
از پلاسترهای خردل میتوان در  
پشت گردن و منقعه های شانه  
یا روی قفساق ها استفاده کرد  
ولی این پلاسترها را نباید یکباره  
روی تمام این قسمت ها گذاشت •  
ساز خودی قسمت های -  
متنفر سردردی میتواند مفید ثابت

شود ، چین فشار متوسط بر روی -  
قنات دردناک سر می تر بوده است  
استفاده از مرهم ها (مانند مرهم  
پلنگ تشان) روی پیشانی و شقیقه  
ها میتواند خیلی مؤثر باشد • گاه  
گاهی با بپوشیدن بعضی صفتها و  
مطلوب ها یا بخار آمونیاک سردردی  
بطرف میشود •  
هرگاه در حالیکه روی جاده  
راه میرود چه سردردی دچار  
شده که شکمت ناشی از نوشیدن  
روی پیشانی باشد • شال یا کلاه  
تا نرا تا ابرویان تا پایین میباید  
گردد • این کار جذاب معلوم نخواهد  
شد ولی خیلی بهتر از آنست که به  
سردردی ناشی از شکر خوردن کی  
مثلاً شهد که میتواند شکست  
دوامداری را برای آن بیاورد •  
باید چارشدن به سردردی  
ها معمولاً میدانیم که چگونه  
با آن برخورد کنیم • ولی اگر  
سردردی برای بار نخست باشد  
باید با آب سرد و وضع پد تر شود  
پس در آن صورت باید فوراً با  
داکتور مشورت کرد •



## پرده شفاف تلویزیون

الکترونیک شوروی آخذ و  
تلویزیونی کوچک را بپارد •  
تعمیری که از کریستل مایع ساخته شده و فقط دارای ابعاد  
۲۰ × ۱۰ × ۶ سانتی مقرر

## مجله تلویزیونی

بقیه از صفحه (۷۷)

نوه مورد سوال قرار دم • هر  
چند که طرح های در زمینه  
بهبود آن همین اکنون هم در  
سردام •  
س - ایاصمیم افراد اینده که مجله  
تلویزیونی به یک مجله فزونی  
و خانوادگی بدل شود تا همه  
مجله هیز • هنر ؟  
ج - هرگز ! هنر تلویزیون برنامه  
های فراوانی برای خانوادها  
دارد : برنامه زن و جامعه  
کودک و اطفال ، جوانان  
نمایشهای تلویزیونی ، برنامه  
های ترقی و تفریحی ، فلم ،  
سپال و ...  
س - چه چشمال باشکالی در -  
راه ساخت برنامه ، ثان وجود  
دارد و ایا طرح و تهیه برنامه  
چقدر به اراخ روان و آراش  
زندگی ثان صده هیزند  
ج - تهیه برنامه بی چون مجله  
تلویزیونی هر چند که در گام  
نشت و سهل ساده به  
نظر میرسد ، اما ، حقیقت این  
است که دشواری های فراوانی  
دارد • این دشواری ها اگر از  
یک رهگذر امور تهیه برنامه را  
در بر میگردد که تمام مربوط  
تهیه کنندگان برنامه میشود ،  
از سوی هم ، محدودیت ها و  
امکانات اندکی هست که روال  
بهبود برنامه را صده هیزند  
از کم بودن وقت محدودیتها  
بودن امکانات و مدی منابع ،  
تصویری ضربه که بگذراند ، گاهی

کار و تهیه که در کل ما هرگز  
دست باز نمی توانیم شمری را در بزرگ  
های برنامه ، بگنجانیم ، نه راه -  
کله • آن از سوی مسئولین آرنهای  
و نشر توجه و در نتیجه سانسور -  
میشود ، چه این شمر مربوط به  
مولفان بزرگ باشد یا حافظ لسان  
الغیب یا از شاعران معاصر •  
من گاهی برای تهیه یک مطلب ،  
روزها سرگردانم و بارها با خاطر یک  
صوب و مورد نیاز چندین روز این  
زیر به آن در گفتم و نتیجه -  
هست که تهیه " برنامه ، تمامی  
لغات را به خود اختصاص میدهد  
و از نگاه فکری و روانی ، در حد فیر  
قابل تصویری خسته ام مجازد ، تازه  
صوم بخشهای برنامه راه ، شایسته  
در حال همین کی نیم •  
س - یک دایرکتور تلویزیون و مصور  
دایرکتور برنامه های ادبی چه  
آگاهی های را ضرورت دارد و چگونه  
باید در باره " برنامه اش تصمیم  
بگیرد یعنی روی کدام اصل اساسی  
اتکا کند ؟  
ج - دایرکتور برنامه های ادبی ، در  
کار اینکه یک ژورنالیست است ، با  
بست محدود نهادن به ادبیات  
هنر و سایر لایزه های و تهیه اش -  
دسترسی و آگاهی داشته باشد •  
اودر واقعیت یک ژورنالیست هنرمند  
است •  
س - فکر میکنم چه چیزی برنامه تا نرا  
میر بیشتر میدهد ؟  
ج - صد سال میشود سخن از زلف  
پارگت •  
در میدان مبلش که مضمون نمایند  
است •  
س - ایها تا کون مقامات تلویزیون شما  
را بخارج از کشور اعزام کرده اند •  
ج - من هنوز برای مقامات عالیه  
تلویزیون اقتدر هیزند نشده ام که  
لیاقت چنین چیزی را بر ابرام قایل  
شوند

## سدید

بقیه از صفحه (۳۱)

مرحوم (سدید) طی دوره  
کارش بی نهایت اعتماد فلم درهلوی  
سناریو نویسی برای هنرمندان  
و دست اندرکاران سینمای کشور  
لکچر های نیز تهیه می نمود •  
مرحوم سدید قبل از مرگ  
اش شش سناریو آماده کرده که  
دو سناریو یان را عباس (شبان) و  
کارگردان ورزیده سینمای مائیکمیل  
و نام های ( ستاره گان نمسی  
میزند ) و " هیزرت " فلمی تحت  
ساختار است و یک سناریو دیگر  
ان تحت نام ( تلاتش ) بوسیله  
موسسه هنری قیس فلم در جریان  
فلمبرداری قرار دارد •  
داکتور غلام محمد سدید  
در شان سه شنبه مورخ ۲۹ حمل ۱۷  
ساعت ۲-۷ دقیقه در حالیکه

دو ساعت بعدی ان ماشاهد  
نمایشی صحبت وی بهرام موم  
صدمین سالروز تولد ی نایفه  
سینما - چارلی چاپلین از وری  
نشرات تلویزیون جمع شوری  
افغانستان بودیم به عمر ۴۳ سالگی  
وفات یافت •  
آخرین کارهای او به سان  
اشکهای که در رخساره شیار  
می بندد و خشک ویه گونه  
لبندنی ناتمام به تمام شدن  
زندگی او ناتمام ماند • ترجمه  
نما بشنامه تیازنی او بنام  
( بدن شکست را خورد کنند )  
برنده جایزه اتحادیه هنرمندان  
گردید ، این آخرین یاد اش  
بود که هنر برای او اهدا کرد •  
و چی غم انگیز است این برای  
کسیکه با هنر زیست و در راه هنر  
و جلاش آن تلاتش ورزیده و سر  
انجام حباب اکسا پس رستمر

حسری از نفس انتاد •  
اعظم جوهر هنرمند شناخته  
شده را که یو تلویزیون و سینمای  
ما در رابطه به شخصیت فرهنگی  
مرحوم سدید گفت: (مرحوم  
داکتور غلام محمد سدید که شش سالگی  
خواهرزاده من بود دوست  
بسیار صمیمی من نیز  
بود • مرگ ناگهنگ او برای  
من نیز سخت رنج آورده شد •  
داکتور سدید انسان خوش  
برخورد ، خوش قلب ، متمم  
با دانش متواضع و صمیمی بود  
صحت ها و معلومات های علمی  
وی در بخش های مختلف برای  
ملازمان هنر و فرهنگ قابل  
استفاده بود • من شخصاً  
در بخش سناریو نویسی از مشوره  
های سودمند وی بهره میگیرم ،  
مرحومی دارای دو فرزند ، یک  
دختر و یک پسر بود دلپسنگی

## نظم معده

بقیه در صفحه (۹۱)

یک نوع بکتریا را در معده اتویسی شده و بعداً  
در ۱۹۴۰ Fred Berg این بکتریا را در  
انسان معده مرض گسترگستگویی شده ، دریافت  
نمود ، در ۱۹۲۹ در استرالیا G. R. Warren  
در شفاخانها Rogalpearl این میکروب را در بیو  
شیمی معده تشریح نمود و کلچر نمود و بالاخره  
تدقیق بیشتر یک ترکیب  
Tindacoeloflamoicillin  
تولید کرد که بکتریا را محو میکند  
بارد این واقعیت دیگر در ادب گستریت عا  
وزخ معده ، نه فقط به اساس تنزیل اسید معده  
که ممکن در اکثرها " مریشان قیلا " کم باشد ، میشود  
بلکه با محور و نابودی عاجل این ارگانیسم از معده  
و تعقیب مریشان ، تداور گردد و ناگفته نماند

مریضانیکه با محور و نابودی مکل این میکروب و تدای  
مکل جواب نمیدهند ، ممکن علت مریشی شان چیزی  
دیگر غیر از زخم معده باشد ، ممکن فقط حجای  
حاجز و ابز و فسزیت رستند رم ایتیمال باول و غیره  
باشد و ناگفته نماند که بعضاً " مریشان ناقل میکروب  
بیلورن صاب د سیمی نفخ و گاز هلو توسر و بدی  
بوی دهن ، توسع پطن بعد از غذا - عارق زدن  
مندا ام بوده که با تدای میکروب تمام امراض از بین  
میرود • در اخیر باید اضافه شود ، گرچه اسید  
معده در تولید قرحات رول دارد ولی تنزیل تخریب  
مقاومت میکرو زای بعد در ارتاعشر توسط بکتریا  
بیلوری برای تاثیر فکوریته و بقت اساسی قرحات  
گستریت ۱۸ میباید ( دکتور روح اللعویان )

مریضانیکه با محور و نابودی مکل این میکروب و تدای  
مکل جواب نمیدهند ، ممکن علت مریشی شان چیزی  
دیگر غیر از زخم معده باشد ، ممکن فقط حجای  
حاجز و ابز و فسزیت رستند رم ایتیمال باول و غیره  
باشد و ناگفته نماند که بعضاً " مریشان ناقل میکروب  
بیلورن صاب د سیمی نفخ و گاز هلو توسر و بدی  
بوی دهن ، توسع پطن بعد از غذا - عارق زدن  
مندا ام بوده که با تدای میکروب تمام امراض از بین  
میرود • در اخیر باید اضافه شود ، گرچه اسید  
معده در تولید قرحات رول دارد ولی تنزیل تخریب  
مقاومت میکرو زای بعد در ارتاعشر توسط بکتریا  
بیلوری برای تاثیر فکوریته و بقت اساسی قرحات  
گستریت ۱۸ میباید ( دکتور روح اللعویان )

# تصویر بردار...

بقیه از صفحه (۳۱)

کرده و دست نشن برده، از آن به بخلصورت تدریج تصویر برداری را آموخت و پس از آن برای تهیه زاینترها به ولایات کسور عزیز و همچنان در مورد به کسور های اتحاد شوروی هندوستان ویتنام، کمپوچیا، چکوسلوواکیا و نیویارک سفرهای داشته از هر یک کدام راپورتار تنظیم و آماده کشور کرده است.

در اجرای اموزار که می توان تصویربرداری استفاده کرده است.

از اینمیتود تصویر برداری - تلویزیون و امکانات نیز که کشور تلویزیون هم از تبادل نظرسنجی و تجارب دیگران استفاده اعظمی بعمل آورده است.

با امکانات محدود که در تلویزیون، آیا تلم های نیز فلز در آری کرده است؟

بلی کارهای در تصویر دارم و توفیق امروزم اولین محترم اموزهنر و فرهنگ تهیه آموزش بهتر بود - شترنگد اشتن و سایلند چه سفر تکنیکی برای کاربرد تصویر برداری و تصویربرداری ها و خانه بد و نشی فرهنگیان شان مساعدت نموده تا با نیویورک هم چشامتر در اجرای امور از این پیشتر و بهتر بردارم.

که نوشته ام در پند ح زبانی، هنر آکت و تمثيل به خود بالا و هم چنین اشعار شعری میباشد. امید دارم قناعتتان را حاصل نموده باشم.

من برای من جالب من میباشد امیراد رکنیستور تا و در زنده گی شما در افغانستان همین انگیزه برای شعر گویی چون نه اشک که در وصف آن شعر گویید که همه اشعار تاثر در وصف شخصیت های هوایا سروده است.

«اولاً اینکه عشق به اشعار خود را هم نسبت و این نگارنده است و کارهای دول هم از قدری راه و مغز انسان خارج است چنانچه حرکات مغز و نور و در دوران خون قلب خارج از اراده و انداره انسان است و نتیجتاً سلطان مغز بر سر زمین دل و جسم و مزاج و استعداد کنی میکند و حضرت سلطان کنیای عشق امیران مطلق العنان و تلویزودل و روح انسان میگرد و در میماند خورشید در فضا و همه چیزهای دیگر را از زمین برده تا یکی های گوشه های بدل را در زمین ساخته و تقویت کینه و بد او و بعضی و تقویت با از زمین قلب تحلیه میکند.

«ثانیاً اینکه بزای تصویر برداری اشعار خود بیک منبع الغام ضرورت داشته همیشه فکر میکردم چیزی را که کرده ام و میبوی بی در خود احساس میکردم مانند یک آتش فشان منجمد شده در حالت قبض از لحظه انفجار خود را احساس میکردم و این منبع الغام باید حتماً زنده انباشته و چون از یک طرف هنوز زخم جملات در لغت انسان صورت نگرفته بود و مشکل میشد منبع الغام بر خود آید حتی نامکین نبود و از جانب دیگر چون به منبر لاله زیاد داشت و هم مانند جوانهای دیگر بعضاً علم های هنری و ادبی را راهی دیدم که در نتیجه معجزه بالا براد زلم حاصل دیدم منبع الغام خود را پیدا کردم و بقصد استان را بخودشان میدادند.

نماینده درین شعر در دریا میسوی دل خود به ملک دیگر میفرودم یک چشم ندیدم که از آن چشم کور است این شعر چه شعریست که میخوانند از بقیه از صفحه (۷۵)

# مجنون قرن

بقیه از صفحه (۷۳)

بقیه این ترانه را در مجله مطالعه نمایند و نگاهته نمایند تمام جزایه روزنامه هائیکه گفته آمد پانزده خنوسه موجود است و یاد رکتاب خانه نامه کابل در صورت لزوم آزادیده میتوانند.

یک عمر می توان سخن از زلف یار گفت در زیند آن میاغر که مضمون نموده است و اما راجع به نشرات مطبوعات هند طوری که قبلاً هم بعضی رسانیده شد، آنرا ترجمه کرده و در یکی از شماره های آینده میبایست منتشر خواهد شد البته در صورت موافقه اداره سب و روز و خوانندگان گرامی اس:

مجنون علی مشرفی ایابرسیده می توانم که شما برای بد در هنری تان اشعاری سروده است یا خیر، انشا الله خود خفه نس شوید؟

عربی صاحبه اصطلاح شطرنجی در لغت هندی نام شعر سروده ام یک و دو صد و در صدی بلکه هزارها یعنی ده هزار شعر سروده ام که در جوان شعر بند کور بنام ریخوس شرقی یا قد هوایا میباشد و اشعار مشرق زیاد هم درین باره نوشته ام که در مجلات انجمنی و زیاد تر آن در جزایه و مجلات اردوی هندوستان به نشر رسیده که خدمت تان تقدیم است و بیسوان اشعار مذکور را به مدعو بالا تقدیم نموده ام اگر نمونه ازین اشعار را بجهورتان تقدیم نماید، بقصد آنرا نشر نخواهید کرد زود رصاحه گذشته نموده شعر را شما خواستید و من گفتم نوشتی، مناسبتاً به آنرا نشر نکرده ام بلکه که دلیل آنرا میدانم شاید به ترم و تراکم مضمون و شعر در چار میباشند البته تمام اشعاری که در سیاه و پنجر میرسد بسیار عالی و استادانه هست که شعر ناقص من محتوا و ناچیز و اولان ندانستید که در مجله زمین تان نشر شود و اکنون که ازین سؤال کرده بد در چه مورد شعر سروده است و لایم بود یک نمونه آنرا برای تان عرض نمایم اما بد لایل غرق از اظهار آن صرف نظر نسوم البته اشعاری

میباشد جدیداً اختراع نموده اند - قطر این سرده تلویزیونی ده سانتی متر است. این وسیله بر اساس عینی سر - کسین استوار است و باید که سلاید رنگه است. منتها درین جانر عوض سه قشر مواد عکاسی رنگه سبز، آبی و سبزی که انعا در ترکیب شعین جبرنگ را میسازند (سه قشر کربن پستل مایع را که سه شفافیت خود را در اثر تفاوت پوتنسیال برقی تغییر میدهند) نگار برده اند.

بوده جدید تلویزیونی درین امر پاینده های معمولی تلویزیونی متعابز متعابز دکه برده جدید با مغز فوق العاده که برق کار کرده و همچنین تصویر تلویزیونی را به گونه سلاید در مقابل رویشی بیسوان مشاهده نکردم در این جا از روشنی عادی روز نیز اعتقاد شده من توانم اینچنین اخذ های تلویزیون هنوز در هیچ جای بی تولید نمی شود.

ولانصدی زیاد از حد غافلتم بد اینته ولی سخن در شصت هائیکه باور داشته یک چیز را در میان تمام که همیشه در زمان طوفانی در تلام بود و بی هموار میگردید تا بر سطح آب را خاصیت سازد البته چه رنگی و چه در زیند داشتند از اهرار که به کسی نگفت در دست تان روز هائیکه سناریوی تاریکی زندان را با همی سنی و احسن نظری کارگردان روزید و سینما تلم کرده بود خوشحال به نظیر میروید ولی با تاتر که میگردید به سرفرازم در راتر شکسته قلبی چشم از جهان بست و بار در صوبه خود نشانده بجای دکتور غلام محمد طه بد برای همیشه در قلب ما و در جمیع ما خالی است و یاد ها و خاطره هایش در ذهن ما ماندگار روحش شد و بیسان موسی راد شش

بیشتر و در نتیجه چسنگی بیشتر به چشم با وجود اینکه باید اعتراف کرد که او یکی از چهره های بود رخش سینمای هند و یکی از باارمنگ ترین مردم ترین، خوش برخورد ترین افراد فرهنگی است در جهان نمایش امروزی او به همان بیمانه که در روی برد سینما (بد) جنبه مینماید به همان بیمانه در خارج از حد بوده سینما (خوب) شناخته میشود با وجود پیشبرد نقش های کثیف در باره دست داشتن او در کثافت کاری های رسوایی پس خرفی زده نشده است فلسازان جرات آنرا ندانند که با این ابراه ابدان و سیایسی یکشنده مردم در باره آن حرف صد نفی برزند بعین نسبت در روز و بیرون صنعت فلم سازی از محویت تراوان سر - خورن است.

گرمی یابد که به عرض حلت توجه نشانگر به بریم چوپرو نیز نقش بسیار در چنانچه علم های (بازی) و (سینا) بر زمین منسوال بنایافته است تا حال برود بیسوان نتوانسته اند کسی را بد انباشند که جایگزین بریم چوپرو بنامزد آنها یک میگردند درین روزگار بریم چوپرو بیشتر تحریفی خورد و ادعای نمایند که استعدادهای نمایشی او را با جلال است بد اند که اگر شور و شوق او نباشد گذشته رویه انرا بیست ولسی رویه کاهش هم نیست بعین سبب با وجود شلوغ بودن بازار فلمسازی از غیر بیخه گان، از نیاز با ویک زود هم کاهش نیافته است برود بیسوا، بر عکس تان میبوزند که در روزهای خود او را نیز نشان نمایند زیرا انعامی اند که فرین فراوان پس از هر فلم بالاتر رفته میروند حتی یک سینما روحانی ندیده میتوانند او، مانند امیتا به چن با تاقیه هر فلم جدید

# بریم چوپرو

بیراهون فلم کالا بقا را یک تیم اشکارا بریم چوپرو را چنین ستودند (در وقتنگه فلم در آری فلم که بریم چوپرو در آن حدیث اکتور در وقت نفس داشته باشد، خیرت برانگیز است زیرا حضور او در فلم چنان اثر انگنده است که اکتور دیگر را و امید آرد تا سوبه غیر نمایی و در جملات جاری نقش خود را با بالا ببرد) خوش کار بریم چوپرو در آنست که نمیخواهد مغزین تقلیدی و یک نواخت حلوه کند او در هر فلمی چیز دیگری احساسی در قالب کرکتر سرده شده چنان حیا میگرد که او را زنده میسازد و نشانگر او امید آرد که آن صحنه را میبوی از واقعیت آن در این موضوع حقیقت دارد اگر برود بیسور یک جفت ستاره (عتر بیسگان) تازه، استخراج میکند خود را

# مرد خشن

بقیه از صفحه (۳۱)

(جان واین) سه بار از ده واج نموده و نمره آن هفت نژند و (۱۷) نواحه میباشند و در سن (۵۰) سالگی به موزن سرطان دچار شده مدتی تب ابری گردیده و کسار امروزمی را در هنر فلسفی از این استند اولی بتاریخ ۱۱ جون ۱۹۷۱ در شفاخانه بیسور مستی لا انجلس اعانه مرض سرطان گردید و چشم از جهان بست.



# سازمانت کودکان

# چه مالک خوبی!

بود و نبود دخترکی بود  
فرخنده نام ، فرخنده خروسی  
داشت و خروسی هر صبح زود از  
خواب بیدار شد و دیدگون  
با ننگ می کشید :

کیکرکی ! صبح بخیر صاحب !  
پس از آن سوي فرخنده دیده ،  
از کف دستش هاله مارا با منقار  
خوشی چید و آرام بروی دراز  
چو کویی که جلو خانه شان قرار  
داشت ، کارش می نشست .  
خروس برهائی رنگارنگی داشت  
و طوری جلایش میکرد که گویا همه  
بارون جرب شده باشند ، روزی  
از روزها فرخنده نزد زن همسایه  
ماکیانی را دید و از ماکیان و  
بسیار خوشش آمد ، به زن همسایه  
گفت :

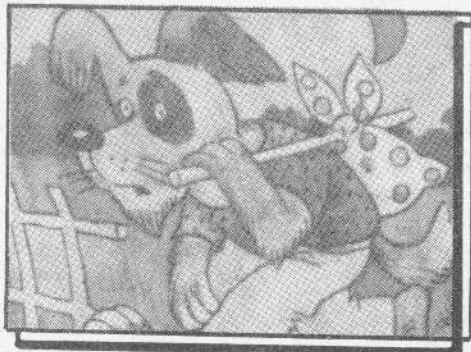
ماکیان تابه من بده و من  
در بدل خروس را بشما میدم !  
باشنید این حرفها خروس  
تاجش را به پایین آویختند  
و سرش را به زیر انگند ، چه  
این خود مالکش بود که میخواست  
ویرابه کس دیگری بدهد ، زن  
همسایه با فرخنده این تعویض  
را قبول و ماکیان را در بدل خروس  
به فرخنده داد ، فرخنده  
به زودی با ماکیان دوست شد ،  
ماکیان با پرهای سفید خود  
احساس گریس و آرامش می نمود ،  
همه روزه يك بیضه تخم میگذشت  
گنگ ، گنگ مالک عزیز ، از زومندم  
تخم ، را با اشتها و مزه زیاد صرف  
کنید .

فرخنده تخم را نوش جان میکرد ،  
همواره ماکیان را در آغوش گرفته  
و بروی برهائی زیبایش بصرهائی  
دست می کشید .

یکی از روزها زن همسایه  
رو بروی شان همراه پایک مرغابی  
به دیدن فرخنده آمد ، فرخنده  
وقتی چشمش به مرغابی افتید ، از  
مرغابی خوشش آمد و از زن -  
همسایه خواهرش کرد :

مرغابی تان را به من بدهید  
و من در بدل ماکیان خود را به  
شما خواهم داد !  
ماکیان از شنیدن این حرفها  
نمگین شده و از تاه ترشد پند  
بالعایش جانب زمین آویخته  
گردید ، با تأسف ، چاره بی جز

ترجمه : م ، رهتاب



تسلم شدن به سرنوشت ندا -  
شت ، چه این مالکش بود که  
من خواست وی را به کس دیگری  
بدهد .  
دری نگذشته بود که فرخنده  
با مرغابی دوست همیشی شد ،  
یا هم یکجا به دریای رفتند و در -  
آنجا مرغابی در کنار فرخنده شنا  
میکرد .

گنگ ، گنگ ، گنگ ، مالک عزیزم  
آنقدر رها دور شما منم ، زیاد را  
در آنجا زرف است ( با این صدا  
دخترک دوباره به ساحل دریا  
بر میگشت و مرغابی از بی او می آمد  
یکی از روزها همسایه بی باک  
کوچک و دوست داشتنی خود به  
خانه فرخنده ، شان به معناسی  
آمد ، فرخنده هنوز سگ را به  
قد رکابی از چشم نگذشتند ، بود  
که گفت :

سگ تان را به من بدهید و در  
بدل من مرغابی خود را به شما  
خواهم داد !

وقتی مرغابی گفتا فرخنده را -  
شنید ، بالعای خود را از زوی قهر  
به هم زده و از منقارش آواز -  
اند و هگینی لرزان ، لرزان بلند  
می کشد ، همه بی فایده بود و  
چاره نبود ، همسایه مرغابی را زیر  
بغل گرفته و با خود برد .

فرخنده بروی سگ مقبول دست  
کشید و گفت :

خروس داشتم که با ماکیانیش  
تبدیل کردم ، ماکیانی داشتم و آن  
را در مقابل مرغابی به کس دادم  
و حالا مرغابی را داده و سگ  
قشنگی بدست آوردم ، همینکه  
این سخنها به گوش سگ رسید ،  
دم خود را جمع نموده و به زیر  
در از چوکی خانه فرخنده خود را  
پنهان کرد ، در تاریکی شب  
هنگامی که فرخنده در خواب  
شیرین بود ، دروازه را آهسته  
باز نمود ، و پایک خیز به بیرون  
خانه جست و پابه فرار نهاد ، در  
راه این سگ دوست داشتنی  
زیر زبان زوزه میگرد :

با همچو مالکی نمی خواهم  
يك جا زنده گنم ، وقتی  
دخترک بیدار شد خود را تك و  
تنها یافت .

# آیاتناسی د...

- ۶- آیامیلانه دې خوښيزي هو ۱۵ نوري نه ۶ د
- ۷- آیامخکي لدې چی د کور څخه د خوراکي موادو د رانیولو په غرضوړي د نوموړو موادو - لست نیسی هو ۲۰ نوري نه ۳ د
- ۸- آیاهمیشه خپل کورنۍ ته وړي په ټاکلي وخت بخوي هو ۱۵ نوري نه ۸ د
- ۹- آیاد خوراک پخولونوي آشوزي د ستورونه استعمالوي هو ۱۲ نوري نه ۵ د
- ۱۰- آیاهمیشه تاسي د آشه زخانو سامان آلات منظم په الماري کسړ کيزدي هو ۲۵ نوري نه ۵ د
- ۱۱- آیاد کوربه کارونوکي ستاد گوزوند ملگري کمک کوي هو ۱۲ نوري نه ۶ د
- ۱۲- آیاتاسي پخجال د کور د پير د ضروري شيانو څخه شميري هو ۴ نوري نه ۱۶ د

په لاسو راوړل شوي نوري جم کسري د آزمايش نتیجه تر ۱۵۵ نوري پوري که غواړي چی د کورنۍ د خپل کور د ميرمنوله جملی څخه وشميرل شي بايد پخپلو کارونو کی نور هم د تجديد نظر وکړي تر ټولو د مخا بايد د دې چی د وخت په موند اقتصادي واوسي او په ښه صورت سر مخيل کارته سازمان ورکړي د ۱۵۶-۱۹۵ نوري پوري تاسي کارکه ياستي هرنی ستاسوپه کورکی خپل مشخص تعادي لري که چيري تاسي کوم وخت څه شي بايد ولټوي د لدې کبله چی تاسي تراوسه پوري د کورنور ضرورت پات په ښه توگه ندې زده کړي د ۱۹۵ نورو څخه پورته ستاسوپه کورکی د استقيا خيالي دي هميشه پوخه شي مينغي يا کوي او يا جاروکوي اما اعتبار ولري چی د کارونه لانوره هم په قدرت او په کم وخت کی تراوسه تر سره کولاي شي لدې کبله لږ نور سوي ترخوچه وخت لري اما بايد هيزه کړي چه بدون د کورنۍ مشکلاتو څخه نور مصروفيتونه لکه تياتر سينما کتابونه اولمگري هم شته دي



خانواده سوگواراست

## فایده...

بقیه از صفحه ۳۵ بعد از نسخ نامردي همیشه فاميل ماز طرف اعدا تعهديد ميشد دوسين که صاحب منصب اند همينکه آنها در وظيفه ميوند فاميل ما مورد تعهديد قرار ميگرفت بولي من هرگز به سرام چيزي نميگفتم موضع را بنهان ميکردم تا مباد امنين آنها بر خورد صورت گيرد بالاخره بتار يخ ۱۱ حوت سال ۶۶ روز سه شنبه ساعت ۲ آن حاده المناك رخ داد آتش جاويد بسرسر بخانه آمده بود صبح چند ين بار صد اين گونم گهت ملد رنگدار خوابم نميدانم چرا خوابم بوره ميشود و وقتی در زده شد ما رينا د ختم رفت تا ببينند کيست همراه با باز شدن دروازه صد اي د و غم مومي و فرساد د ختم شنیده شد و جاويد و ارخطا از خواب برخاست بطرف برون دويد د ختم سر انيتا که بيشتر از برادر خود ش ربه قاتل زسانیده بود مور د اصابت مومي قرار گرفت و لوسي برادر خونش را سپر خواهر ساخت که يك مومي درجان خواهر و ۸ مومي درجان برادر جاي گرفت و وقتی من به نزديکی بسير رسيدم خواهر و برادر هر دو د راغوش هم بودند برادر با وجود آنکه سوراخ سوراخ شده بود ميگوشيد خواهر را از افتادن مانع شده ولي بعد هر دو بزمين

افتادند من باي لي و سوراخ عقب قاتل ميدويدم او بطرف سرك ميدويد و وقتی به سرك عمومي رسيدم زير سينما اقبال همراه يانه و شارسندوي اورا احاطه کرديم چون در دستش سلاح بود کسی جرئت نميکرد نزديکيشن شوده گفتم اورا بگيريد تفنگچه مرميسي ندارد و بابت شده در غيران من تا اينجا زنده نمرسيديم درين اثنا دو مظيفين حوزو رسيدند و اورا گرفتند او را دوباره به محل حاده آوردند به جن خود اترار کرد همه جاها را نشان داد گهت بازم من ام هم را ميگفتم و دختر را ميبرم هم را به شفاخانه بردم ولي او مرده بود طب عدلسي ۸ مومي را در وجود او نشان داد ولي من همان لحظه بخون فرزندم سوگفت ياد کردم او که بسر را ظالمانه گهت من اورا توسط قانون ميگفتم دو د ختم زخمی شدند یکی در کرده و دیگری در رطن درين يكسال چقدر دويدم روزها بالبال و هس خشک بايين و بالا تا دويدم يكسال مدت کسی نيست در طول اين مدت بارها از طرف فاميل نعمت الله هغه ما تعهديد هدم بارها گهتد شما که خون ربا خون می شوييد ماهه تا ترا نابود ميکنم ولي هرگز از تعهديد آنها نترسيده ام زيرا در صورتی که نعمت الله اهدام شود چانس سپم خود را براي نابودي فاميل من از دست ميدهد اينک نمر مکتوب را بدست دانه که نعمت الله د ولد نور علم بتاريخ ۱۱ ار ۱۲ ار ۱۳ به اهدام محکم شد با اهدام اولم اندکی آرام خواهد گرفت ديگر جسم سوراخ سوراخ شده جاويد که فقط ۱۸ سال داشت مقابل چشمانم هزارها بار جان نخواهد داد

# نقش جديد من...

بقیه از صفحه ۳۱ من در فلم سفر نقش مصطفی را بازي ميکنم که با گروه از جوانان که براي سواد آموزي به قريه دور افتاده ميروند فلم نيز از همين جا آغاز مييابد و حوادث فلم يکی بي ديگري اتفاق ميافتد و گروه از جوانان به شمول مصطفی با اين حوادث درگير ميشوند و قهرمان متن با ديگر جوانان با شجاعت و باي مرد ي با ان دست و پنجه نرم ميکنند و در مجموع فلم نمايانگر آنست تا آدم ترسو و زبون نبوده و بدون ترس با شجاعت بهتسو ميتواند به هدف دلخواه خود برسد من از نقش راضي ميباشم زيرا اولين بار است که نقش يک جوان تحصيل کرده و روشنفکر را بازي ميکنم و نقش هاي من عمدتاً با نقش توري د در فلم مسافر و فضلود فلم مرد هاره قول است فرق دارد در اين فلم با من سعید اورکزي واسع صدي اسد الله آرام خورشيد فريده همرا انجانا شمسی موسي را دنشر فتح الله بزند شاه محمود شارق زلمسی عبادي همبازي ميباشند فلمبرد در فلم محترم قادر طاهري بوده و اهنگ از محترم شاد کام مييانشد

# دواړې

بڼه ازمنحه (۲۲)

سنت يك تلاشگر ايمده ال بود  
 بازي هر چيز نيك مانهيد ايمده گر -  
 خنده دار بود از دل ملى -  
 خنديد' سهم نگاه ميگرد و هلى  
 ميخنديد و انيس خنده بخود  
 مبلزنيده' اين كوشى مراجعات داده  
 به تويح تهم پردازم \*

سنت يى مقدمه خطاب به  
 ديگران گت: ببينيد اين آدم هر  
 كاره است، ولگرد، انا، شامر،  
 ايمد وار، تنها چاشق پشه و -  
 ماجراجو، او ميخواند شما را مقاصد  
 سازد كه عالم، مونسيم، اشراى  
 و بازيگر پولواست و در زين حال از  
 بوداشتن تهم سوخته سكرت و -  
 شيرينى برخاك افتاده ننگ ندارد -  
 خوب من او ريسه خود را  
 به پايان ميرسانم ميدانم كه وقت  
 و شرايط بر ايم بهمار مناسب بود -  
 محبوب مردم سراسر جهان شدم -  
 هم دوستم داشتند و هم از من  
 نفرت ميگردند \*

بلى زنده گى از ديمه هاشم  
 خويشمن و بهتمن رابم ارزاني كرد -

البته يك كى از ناملمات راهم  
 تلاشچيان چارلى بهتر چه  
 ها و كارگران بودند، و برخلاف تصور  
 همگانى فلمايش تا سال ۱۹۲۰ -  
 هنوز مورد عاقله امان و اشرفان  
 ترارنگرفته بود، نيز آنها هنوز  
 خام و عوام پسند بودند - شايد -  
 تقاضاى زمان بود كه آنهاوش رنگ -  
 ماهانه داشته باشد - طبقه با  
 سواد و تصميل كرده كنى در برتبه  
 چارلى عاقله مند شدند و ميانها را  
 نتوانستند او را منحرف سازند - از  
 ((ولگرد)) ۱۹۱۵ گرفته تا ((كوچه  
 درام)) ۱۹۱۷ او دوش ننگ ۱۹۱۸ -  
 و ((پسوك)) ۱۹۲۱ او ((زايير)) ۱۹۲۳  
 و ((جستجو خلا)) ۱۹۲۵، او -  
 ((روشنايى شهر)) ۱۹۳۱ او -  
 جديد ۱۹۳۶ آنچه به نظر ميرسد  
 نه دگرگونى بلكه ژرفاييى و كامل -  
 شدن شخصيت ((ولگرد)) است - حتى  
 لباسش كه اتفاقاً بر او بعد از ظهر  
 باراني تدارك شده بود كم كم معنى  
 خاص ميبافت - در اين لباس زنده -  
 يوشى از نگاه نجبا، لوكس  
 از نظر فقرا، نقش مبرد  
 فقير يى هم چيزى رهازي ميگرد  
 باشجاعت تمام واقفيت تلخ فقيرت يى -

دستی خود را نادیده میگرفت چارلی  
 نمونه مردم بی همه چیز و فقیر شد  
 برای تجسم روحیه ((مرد کوچک)) از  
 حيله های بصری و تبدیل ناگهانی  
 اشيا كه در قلمهاى نخستين به  
 كاربرفت استفاده ميگرد - مثلاً در  
 ((پسوك)) وقتی چارلى دستكش يى  
 انگشتش را برون ميگريد تا هم سوخته -  
 يى را از قوطى سكرت (قوطى سارهن  
 است) برون آورد اين حرکت عادى  
 را ظورى انجام مدهد كه مانند  
 تنفس بسيار ضريف و گرانجا به  
 نمر هرود - در ((روشنايى شهر))  
 چارلى در مهمانى مجلل اشياى را  
 يى بلعدو از درون شكش صدای  
 فصل شنیده ميشود و نيز در كار باره  
 وقتيكه توشه هاى كافذ با مكروش لاش  
 مخلوط ميگرد - اين دو واقعه هر  
 يك عموه براينكه به جاي خود بسيار  
 خنده دار است در ضمن تعاليشگر  
 است كه چگونگى چارلى از در و جان  
 ميگردد تا هرگز جماعت نشود - تا  
 ميلموتوان، دختران، بانوان خويش  
 لباس او را در جمع خود ميپذيرند و لى  
 چارلى بخوبى ميدانست كه كوچك  
 مردى هرگز نمیتواند هرگز اين -  
 جماعت شود - سرنوشتش چنين است  
 كه هميشه در تاريخى به اهد و انتظا

بسرزد و هميشه با همين درونى نسا -  
 اهدى را از خود دور براند -  
 شايد در اينكه چاپلين در روز -  
 گاراني كه مردم به سنن و رسوم  
 جامعه گردن نهاده بودند -  
 شخصيت ولگرد خود را جلهدهد  
 معنائى خاص نهفته باشد - شايد  
 چاپلين ديگر (صردك كوچك) به  
 نهر و ايمتادگى اش در برابر اجتماع  
 ايمان نداشت و شايد احساس ميگرد  
 كه رسانيدن پياش به جهانسان  
 بمان صبح تر و مستقيم ترى را ايجاب  
 ميكد - وان اناكه به نفس و ملامت  
 نروانى چارلى ولگرد ديگر بران -  
 اين منظور كاني نبود - حتى ارسال  
 ۱۹۴۰ به بعد بافلم ((ديكتاتور  
 بزرگ)) چارلى شخصيت خود را كاتر  
 گذاشت، تا ازته دل پياش اهد -  
 واپس دهد و دلگرم كننده اش به  
 كوتهاى مردمان خرد شونده در  
 نيرسا و ظلم و استبداد برساند -  
 در فلم بعديش ((سپوورد)) -  
 ۱۹۴۷ چارلى ولگرد بلكن نايديد  
 شده - در اين فلم، كه شايد -  
 هميان اميز تهن فلم باشد، قاطعى  
 در دفاع از خود ميگردد - جنليت او  
 انا گناه نيست بلكه عقايسه  
 آن وحشتناك است - ((قتل يك  
 تن انسان را چنينكار همراز و لى  
 قتل چندين ميلمون تن باعث افتخار  
 است))

از وي - تاسى و لوستل جسى  
 ادارى مرستيال د دغى نيمى  
 و رضى صلاحيت به زور - تولسو  
 د فترتونه د خيل خان د سر -  
 پرست والى رسمى اطلاع بررسوله  
 اود هماغنى و رضى له فرمى و روسته  
 چى فنى مرستيال ترجمى خان  
 و رساوه - نوپولود فترتونه يى د  
 خيل كالت متحد المال مكنوبونه  
 و ليزل - به دوهمه و رى سعار  
 ادارى مرستيال بنغه جسى  
 موسى ته راضى - حال دا جسى  
 فنى مرستيال له پيښى ناخبره  
 به اووه جسى پكسى موتركى له  
 نورو ما مورينود مخه خان موسى  
 ته راروسى - خوكله چى خو كيدا ر  
 ورته و اى چى ادارى مرستيال  
 ترده د مخه راغلى دى - نونسى  
 مرستيال د موسى به عومنى  
 د روزه كى لكه و رگى به خاى  
 و ر كلك باقى كيزى - اوسر به  
 و گوروى دغه لويه د جابه كته  
 راخرخسى -  
 (يونم او ملام موزيك دى به  
 خيله لوستونكى و غمز وى)  
 راوى : كه فنى مرستيال  
 موسى د روازي به خوله كسى -  
 لرگى غرنى ته تكيه نه و اى كرى -  
 نوبى له شكه به به خمكه راغور -  
 بخيدلى و اى - دومره و رسر -  
 بخت يارى و كره چى د ما مورينو  
 موتره و رارسيدلى - كه نوبه  
 دغسى وضعيت د فنى مرستيال

ليدل كومه و ر - خبره نه و هغه  
 د ادارى مرستيال به دغه موقتى  
 برلاسى نا اميده نه شو - او نيغ  
 خيل دفتر ته لار - فنى مرستيال  
 د دى له باره چى ادارى مرستيال  
 يى به راتللو يوه نه شى - خيل  
 بو تونه يى د د هليزه د روزه كى  
 و ايستل اولكه د چرگانو د غله  
 غوندى د گوتوبه خو كو خيل دفتر  
 ته لار -  
 (د فنى مرستيال د و و و و -  
 قد مونوبه مگرونوكى دى محترم  
 لوستونكى د قمرگلى دغه مند ره  
 چى : ((و و و و كيدا - قد مونسه  
 اشنا)) له خانه سره زمزمه كرى (ي)  
 به دغه و رى ادارى مرستيال  
 د و مره د روند د رياست به چوكى  
 باندى ناست و چى به اړ مونو  
 به هم جانه و اى و رخنه اړ و لى -  
 د غرنى و و و يى هم د خيل كار  
 ميزله پاسه و خور - او به دا لويه  
 و رى كى يى ترمازد يگره پورى به  
 جاي روزه هم ماته نه كره -  
 د فنى مرستيال خانه سامان  
 حضرت مير چى يو و رى د مخه يى  
 د كيم غرو وى كار له باره له فنسى  
 مرستيال مخه اجازه اخستى وه -  
 به دغه و رى كار ته نه و راغلى -  
 كله چى ادارى مرستيال له دى  
 پيښى خبر شو - د اجيرا نوحا -  
 ضري يى دفتر ته و رغوښته او به  
 خيل قلم يى ((نيم روزه)) نيمر -  
 حاضر كرى - فنى مرستيال به دغه

و رى د چوكى به نه نيولود و سره  
 خپه نه و - لكه د خيل خانه سامان  
 غير حاشيد لوچى به قهر كرى -  
 دوه د رى خله يى تيلفون ته  
 لاس و رتير كرى - خود تيلفون له  
 لاري ادارى مرستيال به يى ابه  
 كرى - خو هر خله به يى به  
 شيطان لعنت كى او دغه كميات  
 يى بل وخت ته - ريسنود - هغه  
 پوهيده چى ادارى مرستيال د  
 رياست به چوكى پورى ميسخ  
 شوئى نه دى - او غرو به يو وخت  
 و رى نوبه يى - هغه وخت  
 چى فنى مرستيال يى فال به  
 زه - كى نيولى د د رسى وخت  
 باي ته رسيدل و و - كله جسى  
 رسى وخت باي ته و رسيده - نو  
 فنى مرستيال د ادارى مرستيال  
 د غالفكير كولو له باره د نورو ما مو -  
 رينو به خير له دفتر ته راويوت او  
 په لوى لاس د رياست د دفتر  
 د كرى تر خت تير شو او به داسى  
 حال كى چى ادارى مرستيال  
 د رياست د چوكى له سر نه ورته  
 د ستر كولا ندى كتل له موسسى  
 ووت -  
 ادارى مرستيال د رسى وخت له  
 باي ته رسيد و و روسته پوره يسو  
 ساعت لا هماغسى تينگ به چوكى  
 پورى نېستى و - كله چى د خيل  
 رقيب به تللو پاوه شو - نو  
 د روزه يى به خيل لاس وركولپ  
 كره او كوئجى يى به حيب كى له

خانه سره و اجوله - خو خبره و  
 چى فنى مرستيال بله كوئجى  
 لا برون تر لاسه كرى و و او هم يى  
 د ديوال له لاري موسى ته د -  
 بيرته رانوتلونيت كرى و -  
 (دلته دى يوازي درياب يوه  
 لنده نغمه د خوتانيله باره -  
 و نزل شى) -  
 فنى مرستيال د ما بنام و و و ي  
 به كوركى و خور - اود سهار له  
 باره يى يوه وچه و و و و او خبو  
 ايشيدلى هكى له خانه سره  
 به بكمركى و اجولى - د ما بنام  
 به خره كى د موسى به ديوال  
 و روايت او به بيخه زه يى د  
 رياست د روزه و ر خلاصه كره او به  
 خرخى چوكى شيز اووه خرخه  
 هاخواد يخواتاو راتاو شو - كه خره  
 هم د شپى د خوب او بلاستى  
 له باره به دفتر كى يونغ او -  
 مناسب كوچ هم بوته و - خوله  
 دى و و و يى چى سهار دى ويسه  
 و او چوكى يى ادارى مرستيال  
 و نه نيسى - نوبه يى به هماغه  
 چوكى سباركه - (دلته دى لوستو -  
 نكى داسى فكر كرى چى كوئدى  
 چرگان بانگونه كوي اوله دغسو  
 بانگونه سره يو خاى دى د صحنى  
 بيلولو يوموزيك هم و ر سر و و و و ي  
 سهار ادارى مرستيال بيل  
 د خيل رقيب له و و و يى به هماغه  
 و و و و وخت موسى ته راغلى -  
 باقى به (۷۷) مخ

# دواړې



# مجنون قرن...

قیمه از نسخه (۹۱)

راجع به ملاقات های رسمی و شخصی  
تان با ماد هویلا میخوامم بدانم

ملاقات ها که زیاد دست داده اما یک بارتی  
و یا ملاقاتی که در منزل مد هویلا تقریباً صورت  
رسمی در حضور اکثر هنرمندان فنی و ژورنالیست  
های هندی ترتیب شده بود که کمی از آن رحمت  
منام - ترتیب بارتی در خانه مد هویلا در -  
( بندره ) بعضی صورت گرفت که از جمله  
هنرمندان در آنجایی، نیویاری، دلیپ گماز  
نوروزان، بلراج سها نی و چند نفر دیگر هنرمندان  
معروف و علاقه مندان مد هویلا تشریف داشتند  
راستی در سفر خترافان که دو خواهر بود رسید  
و حدیثاً در جهان فنی شروع بکار نموده بودند  
البته از طرف من درین دورات اشتراک داشتند که  
اسمهای شان، شاه گل و ملکل بود - بر علاوه روز -  
نامه نگاران تایمز اندیا، سکری، اداکار، آنزو  
و چندین ژورنالیست های ران یو هند و کهنکشان  
فلم ستار، شمع دهلی، فلم نیوویو، حضور هم  
رسانیده بودند - دعوت ساعت چارم شروع شد  
همگی حاضر شدند - دو هم شیره مد هویلا، کیتوز  
و جنجل هم دروازه از مهمانان پذیرایی میکردند -  
موجهر شوهر همشیره مد هویلا هم تشریف داشت  
که او هم یک هنرمند جهان سینما باشد - فلم بود ار  
عکاس موقع گرفته بودند این دعوت رسمی را مد هویلا  
بافتخار من ترتیب داده بود - بعد از صرف عصره  
بسیار عالی و مجلل سخن از هر دو زبان آغاز شد  
از کابل و هوای آن و سوه جات تازه و خوشک  
افغانستان که مخصوصاً بسته وادام، کشمیر  
و انگور و خر بوزه افغانستان در هند شهرت  
فوق العاده دارد - آهسته آهسته سخن بجاهای  
جسارت و بیاریک کشیده شد - ژورنالیست ها را شما  
می شناسید - از خدا می خواهند مومنی برای شان  
پیدا شود که آدم را سوال بپس کنند سوالا مختلف  
یکی میگفت چند رمدت بود که ماد هویلا دوست  
میداری بد یگری می برسد - سبب و عوامل این عشق  
چینت گری می میگفت چرا مد هویلا برای محبت  
انتخاب کرده بی و بد یگری می رسید معنی عشق چیست  
و من باید همه این سوالها جواب میگفتم، بعد و ن  
آماده گی پیش بینی شده یکی به انگلیسی سوال

میکرد یگری به هندی و من به اردو و چارمی  
هم به زبان دری - من در بین خیران و سرگردان  
مانده بودم که اولتر یکدم شان جواب بد هم  
همچنان مد هویلا را میوال بیج کرده بودند که  
آیاتو هم علی مشیری را دوست میداری یا اینکه  
عشق او کفره است یا یگری میگفت چطور است  
با او ازدواج کنی ؟  
و من درین گمرو دار درست آنرا پیدا کردم که  
کتاب (( وینوین شوق )) را که برای مد هویلا نوشته  
بودم و شام ده هزار بیست میباشد - با تشریفات  
مخصوص بحضور تقدیم کنم که این صحنه از طرف  
حاضرین با یک زده تهای زیاد، استقبال کرد -  
چون این کتاب را بقلم من نوشته بودم و هر صفحه  
آن میناتور و دیزاین جداگانه داشت و چندین قطعه  
تصویر مد هویلا را رسم کرده بودم که از جمله یک  
رسم مذکور مد هویلا را در لباس انسانی که مخصوص  
افغانستان است نشان میداد - بنابراین کتاب  
دست بدنت کرده - دوباره بدست مد هویلا رسید  
که او کتاب را پوشیده بالای میز مقابل خود گذاشته  
گفت (( این یک کتاب مقدس است برای من که باید  
تقدیس شود - بر علاوه امتیازات معنوی آن - این  
کتاب و نویسنده آن شهرت فوق العاده من بخشید  
که شعر برای یک ستاره فنی ازین نوع العاده  
دارد )) - مد هویلا ضمن بیان خوش اخلاصه  
نمود: (( تو من لقب وینوین شوق را دادی که این  
لقب نه تنها در مطبوعات هند بلکه در جمله فلسف  
دای - جست آمریکا هم من بیوگرافی من منتشر  
گردیده و اینک مجله مذکور را برای من هم فرستاده  
است ))  
من از تو بسیار گدادم که قدر و منزلت مرا  
انقدر بلند بردی که به ستارگان آسمان رسانیدی  
و این برای من راستن مایه افتخار و مباهات است  
خیال کنی که من قدر و قیمت تو را شعاع ترا  
نمیدانم و یا حق ناشناس و ناسیاس هستم ))  
مد هویلا افزود: (( در یکی از جراید فنی بعضی  
خوانندم که ترا مجنون من بیست خطاب کرده -  
بودند و من این را نمانید نمیکم - اگر به معنی جنون  
آن باشد و اگر به معنی وفاداری، فداکاری و عشق  
باید اریاشده جزای ؟  
زیرا تو شاعر هستی - نویسنده بود اکثر هستی  
پس توانی مجنون عاقل نامید و موسول و رهنمای  
عشاق هستی - تو نمونه عن و زاده آهنین و تعمیر  
عالی هستی - تو توانستی با تمام مشکلات دست  
و پنجه تم گش و ناممکنات را ممکن سازی، هستند  
در بعضی هزاران نفر که میخواهند با ستارگان فنی  
از نزدیک ملاقات نمایند و این برای شان امکان  
پذیر نیست و تو بر علاوه اینکه از افغانستان  
تالیا ( پیدی ) آمدی بعد از کدام حادثه  
بود که مرا وادار کرد تراه نزد خود بپذیرم - هر  
صورت از این همه زحماتی که در راه من کشیده  
ای باز همه اشعاری که برایم نوشته ای بیکبار دیگر  
سپاس و شکران خویش را در حضور همه این هنرمندان  
دایرگروه، ژورنالیست ها و مدبران جراید بجز  
تقدیم میدام - امید رام بد پرته گردانم - در اخیر  
گفتار و بیانیه مد هویلا در وقت از قسمت آخرین  
کتاب را برای من چنین خواندم - یعنی بعد از ده هزار  
بیست که سروده بودم - گفتم :

هو کن گریمن جسارت کرده ام  
ازم در یک اشعارت کسره ام  
نیت نگاهشتری مفتون تو  
گشته عالم غرق در آسوس تو  
مد هویلا فوراً گفت : من غرق در آسوس تو  
در اینجامد بر موسول مجله کهنکشان گفتم :  
( زمانیکه فردوسی کتاب مشهور شاهنامه را برای  
سلطان محمود غزنوی بفرویش سلطان نوشت  
سلطان غزنوی در بدل حریت یکدانه اشعری برای  
بخشید یعنی در عوض صحت هزار بیت که سروده بود  
صحت هزار طلیبی اشعری برای فردوسی داد - و او  
درین اثنا طرف مد هویلا نظر انداخته - خاموش  
ماند - مد هویلا گفت : (( من قدرت برداخت  
ده هزار طلا را بدم و این مبلغ را برای داکتر هلی  
بپردانم )) - من گفتم : (( قبول نمیکم - زیرا فقط یک  
شکر تو برای من از ده هزار طلا بیشتر ارزش دارد ))  
گفت : (( من میدانم و تو شکر موازیات ترا زده -  
هزار طلا میدانی )) - مد هویلا همیشه مرا بنام هلی  
خدا میگرد و من هم او را مد هوی - و گاهی متاخرم  
میکردم - محفل تا ساعت یازده شب دوام کرد - مجلس  
اشی بود - همه نوع موزم در آن اشتراک داشتند  
در وقت بد شدن حسین و رقیب - بعد از صحبت  
موسیقی شروع و چند پارچه رقم محلی هندی  
و سپس طعام شب - و بعد از آن هم محفل بی پایان رسید  
همه معناتان خدا حافظی کردند و رفتند درین  
وقت من منتظر بودم که چنگ که بلراج سها نی سرا  
از ترن بد بیرون کرده بگفت : (( بیا همراه من برویم  
زیرا هتل محل رهائین تو از اجازت یاد دور است ))  
درین وقت مد هویلا مداخله کرده بگفت : (( بهتر  
است هلی شب همین جا ماند جا دارم )) - و من این را  
از خدا میخواستم - و از هم بردا بعد از صرف ناشتبا  
در کتابچه با دست خود نوشتم :  
خداوندنا چه منزل بود شب جاییک من بودم  
هر سورقم بسمل بود شب جاییک من بودم  
بوی بیگر نگار سوز قدی لاله رخساری  
سرا یا آنت دل بود شب جاییک من بودم  
رقیبا گوش بر آواز او درناز من حیمران  
سخن گفتن چه مشک بود شب جاییک من بودم  
- به هر حال اکنون که ماد هویلا عزیز شما  
جهان فنی را وداع گفته کنون عاشق کی استید ؟  
من قیلا هم گفته ام که عذف شما از مطرح  
نمودن این گونه سوالا بیرونا بودن جنجال  
و مشکلات برای من است که میخواهید خصما - سرا  
توسط کسی بی آب سازی - هر صورت جوابتان  
را میدهم زیرا باشما وعده کرده ام که بسوالا  
تان جواب گو باشم  
پس گفتم :  
ما من خداداندولی در شانه من بینم  
کاز سوادی کیسوی کسی دیوانه خواهم شد  
درایان صاحبه اگر سوالی دیگری داشته  
باشید از شمار بیاری زحمتتان که با من این صاحبه  
را انجام دادید اظهار سپاس منبام - با تقدیم  
یک راضی علامه اقبال :

ببای خود من زنجیر تقدیر  
تو این گنبد گردان رهی است  
اگر باور خیزد در سبب  
که چون پروا کنی جولانگی است

# در ارتب نامہ ہائے

درین ماه بازم از دوستان خود نامہ های بومحبت بدست آوردیم ، ما از نظریات و انتقادات آنان استفاده می کنیم ، تشکر از همه شما .

یاقین احمدی ، فرید احمدی ، برشنا نظری ، محمدعارف شمانی ، محمدشاه آشنا ، سلیم زادت برچی ، حمایت قیسی ، یلا شیم ، اسما زینت فرشته ، نسیمه میرگل ، خسرو محمد ظاهر عزیز ، محمدصابر رحیمی ، مسعود توخی ، حمیرا تننا ، فتح محمد فتاح ، سجیه آریائینی ، شمع حسن ، زرمینه دانش الهام الدین نعیمی سید فراخرفی ، دیاناویس فریبا وین خیرصافی ، احمد نوید ، احسان الدین ، تمیم صادق سیحیل فرملی ، محمد داود فرملی رحیمه معین

مریم دانش ، نظیفه بیروز مسل ، هوالطیف ، حیدر دانشجو عادلہ انور عزتی ، فلورا اتایی رویا مشعل ، صدیقہ فریبا سریزاده ، عمایون ، سید محمود شرفی ، نیلہ فروغ ، رابعیہ ، دیبا اثر ، شرمیلا ازلیسه سوریا ، بریالی شرفی کارمند شوراب زریز حسینا غزال ، رابعیہ ربایسی محمد مصطفی مستور ، مسعود توخی ، لیلما عمراخین ، فرید فرملی ، سونیا اسلمیار ، زهره بول ، فرزانه سیدالی ، شکریدہ نادیه رضایی ، ناجیہ ، ختابہ نور ، احمد شکیب ، عبدالرشید و حیدر الله ، احمد فرید سرباز صاف احمدی ، روشانه ، نظیفه ابراهیمی محمد نذیر شکیب انسر ، روحانه اعلیاری ، خالی مومند ، فرزانه

عطیہ ، رشیدہ ، فرزانه ، شکریدہ ، حنین ظفری ، عبدالوہاب راسخ ، هنگامہ ، رابعیہ راح ، حمیلہ کوهستانی ، فائزہ یادگار محمد آصف مراد ، گل آفا راعب کرام الدین نیاسی ، فوزیہ نوایی عوث اللہ ہمدرد ، سید قاسم سعیدزادہ ، مسرورہ دوریش محمد زیار وزیری ، رابعیہ وفا ، فاطمہ ، رقی اللہ فدایی ، ژولیا ، بهار اکبرزادہ ، فائزہ مارینا عبدالمجید یزدان برست گل علی نعیم ، نصرت اللہ فریدہ نیلاب ، فریدون خرم سید احمد شاه حسینی ، کشکشا عبد الخالی تقی ، بهرام علی خالدہ شعب ، محمد آصف فاطن ، فائزہ شعاب زرمینہ فقیر یار ، محمد سالم ، نجیہ امید ، الا اناعرفان ، عادلہ

اختر ، غلام عباس شاکری ، نقیہ رحیمی ، محمد عارف تنہا ، مومند ، نوربہ میرزاد ، داکتر ملالی شریف محمد ظاهر خورشید ، نیاز محمد حمیدی ، خیال محمد عبیدی ، ماریا ، شکیبا نیلہ انور ، مارینا خوشہ چین احمد شکیب کوهستانی سید امید کوهستانی ، نادیه یوسف زری ، غلام داود محمد یار سمیرا اثریفتلی ، محمد داود سید امرالہ ، اصمہ مدین یار امید ، فیزہ محمد متین ، لیلی سعادت خیال محمد حمیدی ، فاطمہ نورزاد ، مارینا انور ، احمد شکیب ، سید اسد اللہ نقشبندی ، محمد داود حساس ، سید موسی عباسی ، احمد سیاہ صبیح سرباز خاندونی و امنیت دولتی سروان

وسید نجیب اللہ عاشق محمد امام حزین محصل سال چهارم پوهنخی فارسی بوختون کاب .

دوستان خوب از کسارت ارسال تان تشکر و توفیق مرید شما را تمنایم .

رضوان ساحلی از مزار شریف ، چهار نامہ تان سر بہ سر رسید ، کب های تان قبول ، اما باید بداند کہ در میان مطالب سیاسی ہم چیزهای دلچسپ وجود دارد .

عبد الاحد ثابت ، معلم میشود شما ہم آدم بزرگاری هستید لطفاً اگر تون خبرنگاری دارید یا خلیلی حکیمزادہ از ولایت هلمند ، کامیابی بیشتر نصیب تان ، چرانسی ان ما ہم میخواهد سیارون را اول بہ شما بفروسم ، حتماً در نظر دارم کہ بہ ولایات محلہ برسانیم .

## مود و فیشن یا سرنوشت مبین

شمس علی شمس محصل انستیتوت طب علی نامہ بی این مطلب را بہ ما نوشته و صفا تذکر داده اند کہ اگر چاپ نشود همکاری ام را قطع می نمایم .

(( بہ سرنوشت مبین خویش می اندیش ))

چہ زیباست تا جوانان ما کہ آیندہ سازان کشور خویش اند بہ جای آنکہ در انتخاب رنگہای سرخ و سبز لباس های بد روز دقت میشوند بہ چهاران خزان زدہ مبین شان ببندیشند زیرا مردم از او شان تقاضای خدمت را دارند و نمی خواهند در نزد دشمنان اشک السود شان قامت آراستہ بہ لباسهای خلاف فرهنگ ملی شان جلوه نمایند اگر صفحہات پسران و دختران مجلہ سیارون را دقت شود حریف ہم از احساس جوانان در برابر اجتماع و مردم شان نخواہیم یافت بلکہ فقط مود ہا را می بیند و رنگہا را برمی گرداند اگر این صفحہات را از مجلہ جدا ساختہ و کلکسیون نمایم فکر میکنم کرد آورده های بہترین را ہم می درگوشی رنگہا در جہان مود و فیشن خواهد بود و ذوق های گوناگون جوانان ما با شکم های گرسنہ و در انتظار نان سوسنق ہمہ ذوقها محسوب خواهد گشت .

سرسیزی و شوگوانی مبین بہ تلائم جوانان متعلق است نہ بہ بیبیرایہ گوناگون آنها . و من فقط بہ سرنوشت مردم و جامعه خویش می اندیشم و از ذوق های کودکانہ و نابہ هنگام امتناع میوزیم زیرا این دقت ( بہ مود و فیشن ) بہ یک پژوهندہ علم و معرفت زیندہ نیست .

( براد عزیز ! درین صفحہات خلاف نظر شما مسائل اجتماعی نیز مطرح شدہ و ہتازہ اینکہ نمیتوان ذوق و زیبایی را از جوانان گرفت حتی در شرایط جنگ چہ انسان نیازهای دارد کہ باید انرا در نظر گرفت )

**یاسخ های کوتاه**

محمد نعیم ولی عزیز اولی محصل در بلغاریا !

براد عزیز وقتی ازین راه دور نامہ می فرستید لطفاً از بهترین مطبوعات بلغاریا چیزی ارسال

کنید ، نہ از دیوان های کہ فراوانتر است .

احمد جاوید مجید بخشیریی نامہ تان رسید اما چرا اینقدر کلمہ و گداری همکاری تان را بدین مشورم بہ ما نامہ بنویسید .

## از نظریات شما تشکر

دوست گرامی احمد اللہ داغ از مفرکنذر ، سلام ہا ہا ما ہم بدینا تشکر و نظریات شما را بہ مجلہ سباز مود توجہ ما نظر گرفتیم ، تشکر از دوستانی چون شما کہ با صحبت تان ما را یارین میرسانید ، مواد شماره یک تا ششم شان مواردی است کہ وقت آن گذشتہ و اما در بارہ شعر جوانان حرف تان میتواند تأثیر بدین باشد .

چاپ شماره اول کارمکن ہم نیست و ہم است ولی از لحاظ زمانی برای چاپ دوبارہ آن فرصت نداریم ، ما کہ نشر نشدن نام آہنگ سازان کہ عادت را بدین سرنوشت مبین است .

مربوط بہ خود آنها ما نشر است و کہ ما انما نظر اداریہ مجلہ ما نیست کہ بہتر است ما نشر می فرستیم و از جوانان نام آہنگ ساز تشکر یاد نمود . از شما تشکر .

## بہ ما در تماس شوید

براد عزیز برشنا نظری ، نظریات شمارا د مورد داستان بازگرسرکردن در نامہ ارسال تان خواندم . تشکر از توجہ تان اما د مورد این کہ داستان مذکور از داستان دیگری تحت عنوان بازگرسرکردن بدین نوشته الیور گولڈ اسمیت چاپ شماره سوم سال ۱۳۴۹ مجلہ سخن کابی شدہ برای قابل تا مل است . اگر چنین چیزی واقعیت دارد لطفاً شماره متذکرہ مجلہ سخن را بہ دقت سیر مجلہ بیازید ، از همکاری شما صمیمانہ سپاسگزاریم .

## یاسخ تان را بخوانید

بعد از عمر سلام خدمت تان باید عرض کنیم کہ جوانان ما چرا در برنامه های مختلف را بدین تو یز یون همچنان در مجلات نامہ ما ارسال میکنند . اگر منظور اینست کہ باید این مطلب یا آن مطلب در ایسن یا آن برنامه بہ نشر برسد ، تعیہ کنندہ گان برنامه مطالب آنرا نیز تعیہ میکنند ، چرا جوانان اینقدر نامہ ما ارسال میکنند .

با ارسال کردن یک یا چند نامہ

باید گفتہ و رزند جوانان دیگر کنورما بلا ، بہ این فکر نیستند کہ باید بہ راد یو تلویزیون نامہ ہا ارسال بکنند ، جوانان کشیر ما خوب دارند کہ فقط اسم و آدر خود را از طریق راد یو و یا تلویزیون بشنوند و در مجلات نام شان بہ چاپ برسد .

تعیہ کنندہ گان برنامه ہا ، برنامه ما را بہ مردم تعیہ میکنند و مردم ما نمیتوانند بدون ارسال کردن نامہ ہا بہ برنامه واقعیت بکنند ، و بشنوند .

این دیگر فقط یک مصرف اضافی است ، ہم وقت خود را تلف میسازند و ہم وقت مسؤولین برنامه ما را .

امید دارم نامہ ما را سرتابا بہ نشر رسانید کہ جوانان ما در این بارہ چہ میگویند .

فوزیہ و صادقہ فارغ التحصیل لیسہ عالی مکریم .

خوانندہ گرامی ! ارسال نامہ بہ مجلات و بہ نامہ های راد یو تلویزیون در ہمہ کشورہا بہ عمل است آنچه کہ درین نامہ ما آورده است دارد بہ شفافیت ، انتقادات و نظریات خوانندہ و شنوندہ ہاست ، ارسال مطلب یک امر حتی است .

# مطالب ارسالی شما

## نقش ناخنها در تشخیص کرکتر

دانشمندان اخلاق انسانها را ازبانه چشم وموي سرودست بالاخره ازندان واندام ورخی دیگرکردارعمل تشخیص واززیبی نموده اند ویکش از دانشمندان اخلاق اشخاص را از روی ناخن تشخیص نموده .

۱- اشخاصیکه روی ناخن دست های شان نقطه هایی سفید است به جنس لطیف (زن) علاقه مند اند ولی این علاقه مندی زودگذر بوده ازیک زن دلسرد شده وبه زن دیگری علاقه گرفته دل می بندند .

۲- اشخاصی که دارای ناخن کوتاه میباشند ، انسان هایی بزرگ باره ، متحن وبرهیزگرگالی میباشند ودر مقابل مذاقات ومضاکلا حوصله فراوان دارند .

۳- کسانی که ناخن طویل ونوک تیزطبیعی دارند ، دارای خطوط زیاد ومسایب باشد برای تعلیم وترتیب ومعلمی مساعده ومعلمی برکاروشایسته معرفی گردیده اند .

۴- کسانی که ناخن بیضوی ((گرد)) وصاف وشفاف دارند مردمان برحوصله ، آرام وصلح دوست وصلح هستند .

۵- ناخن دست راست انده که کم رشد وکم باشد معمولا اشخاص شکم پرست وبرسرف هستند وبالاخره همه اروزند ار خود را به شکم صرف کرده وبدریسا ط چیزی نمی گذارند .

۶- کسانی که دارای ناخن فرمزی رنگ وروشن هستند مردمان مهربان ، خوب قلب خوش مشرب ، شیرین کلام ودوست داشتنی هستند .

۷- بالاخره انهایی که درموضع ناخن گرفتن ناخن های خون را به یک اندازه معین ((مساوی)) به دقت می چینند انسانهای باعزم سریع وثابت قدم به شمار میروند .

روشنه ((زین)) ازگوزن کابل سنتر

## زبان پوستر

چطور از طرز چسباندن - پوستر بر روی پاکت از دورن فرستنده آگاه شویم ؟

۱- پوستری که راست چسبانیده شده باشد ، مفهومش این است ((فکرشواردم بیرون است))

۲- چنانچه پوستر را افقی ودر بجانب چپ چسبانیده ، مفهومش این است ((دیوانه وار ترامیرستم))

۳- اگر سر پوستر در زیر متمایل به سمت راست باشد مفهومش این است ((بمن اطمینان داشته باش))

۴- چنانچه پوستر را افقی ودر بجانب چپ چسبانیده ، مفهومش این است ((ترا دوست میدارم))

۵- اگر پوستر بطور معکوس و متمایل بر راست چسبانیده ، مفهومش این است ((دیگر ترا دوست ندانم))

ارسانی : حلیه

## نگته ها

۱- کم دانستن ویراگفتن مانند پول نداشتن وزیاد خرج کردن است .

۲- مانند مرد عمل ، عمل کن ومانند مرد فکر کننده ، فکر کن

۳- جدیت وشتکار آدمی را بفضله نزدیک میکند .

۴- از سبکی چارمغز توان دانست که بی مغز است .

۵- خوشبخت ترین مردم کسی است که برای تضایق دیگران ارزش قائل شود وازشادی دیگران انقدر رشاد میشود که گویی ایمن شادی مروط به خود اوست !

۶- در جمع آوری دوستان وهمچنان در دوری از انسان حمله کن !

فرستنده : شریف نورین

مستوره محبت نامری (استعداد تاز، راد ریخشهای دیگر هنر تجربه کید تنها نامری بیشه نیست) بلقیس احمدی از بوهنی علم طبیعی (بیتی از گردید) تان :

رنگی ز صفا نیست درین خانه خدایا  
برخیزم از خانه به میخانه گرم  
سایره شکیب از ولایت جوزجان (پارچه کردن حملات و مصراع وار نوشتن شعر نیست) از شعرا ی متقدم زیاد تر شعر خوانید .) شکلا ازلیسه "آمنه" فدوی (خوب است اگر بجای شعر داستان نویسی رایبته کنید .) احمد شاه کامکار از ولایت جوزجان یکی از دو بیتی های تان با کمی تصرف :  
الله یار جان بگیرم اصل نامست  
کبوتری میگردم به با مست  
اگر یکبار بگویی یار شیرین  
شوم ندقه همونک زبانت  
(نام) و (بام) با (زبان) قافیه نمیشود . حالات فعل بی جهت از حال پاینده تغییر میکند - مصراع سوم نیز زیاد است .) خالده خرم اقل "مهم" :

استعداد خوب شعری دارید ، مگر در استعمال کلمات دقت نموده قوامه سنتی شعرا را بیشتر آشنا شهد "بندی از سروده" تان را با کمی دستکاری چاپ کردیم :  
خواهراتم بگذرید از مد تو  
مد تو ارقی ندارد یک دو جو  
تو مکن تقلید از هر بیگانه  
ابروی خود همیزان رایگمان  
کی توامد خوب و نهیام کند  
بسل تو این کار رسوا میکند

هنزه نوین از نوسوالی بلخمری :  
دوستی های که به نام ((تک بیت)) فرستاده بودید رسید در نقل آثار هنری دقت کنید . سفوکودی به شهر دور دستی دل نازکتر از جام شکستی  
بهارتک وفاکن ((بیوفا)) چنان  
به هر آیین و هر طبع که هستی  
ترک وفا نادرست است باید ترک چفا باشد .

لیدا نارام از پ . اقتصاد :  
((نارام)) راه منظر که مانوشتم بنهسید ، منتظر آفیده های خوب تان هستم .

عبدالرزاق حسن یا مازت ختمک ساختمانی :  
برادر عزیزه اوقات بیگاری را کارکند و نه شعری راکه به مجله می فرستید بنهسید از کت ؟ از شما هاکس دیگر ؟

ملالی محبت : نامه ات رسید ، مگر شعر ازکی بود ؟  
فریده احمد فاعل : رابعه بلخی : شعر ((در خیال)) شما گامی های فراوان دارد .  
جستن معشوق از طرف شام و در شعری ، ((سنتی)) نه نخواهد ، همینطور رسم است . در قسمت شعری می توانید از کاتبین ادبی نهسیده گان جوان رهنمای شهد فرهاد حاجب ازل : خبیبه :  
به املا و اثباتوجه کید بیتی از شعر تان :  
دیشب که به خواب تو خیالات پتان بود .  
در کلبه "فکره" گان اه و خغان بود .

ماریا رحیمی ازلیسه دوستی (خواهر عزیز ، دیوان حافظ را که مادم دارم) . نوریه عطا (تجربه تان را در شعرهای بیوزن توسعه بخشید ، استعداد خوب دارید) . سمیرا نجیب سادات و خاطره همایون بیژاد ازلیسه ، مریم (دوستی تان قابل شکر نیست) . عادل اختاری از وزارت امور عودت کندگان (شعر انتخابی تان را گرفتیم یک بیت آن :  
بی عشق ای طبیعتی نیست در جهان  
تا بیره درد کمر نشناسی دوام کن  
سخن مراد مسکین امسرق غ ولایت مزارشرف ،  
(شعر تان گامتی های دارد با آنهم دوست آنرا نسر کردیم استعداد تان را با مطالعه بیشتر پرورش دهید :  
کنون از حال زار من مبرسید  
که غرق دوستان در عالم خود  
خراب یزار و حیران نمودی  
بت شیرین ادا می از غم خود )  
شکیلا نور از بوهنی علم طبیعی یک بیت از شعر انتخابی تان :  
ای قاسد آرزو نامه زد لذت زنداری  
از هر تسلی زبانش سخنی ساز  
لینا نارام ازلیسه آریانا (خواهر عزیز) ماد را در بیت دربی ژانری به نام طرح ندارم به املا دقت کنید .  
اینهمه قبل بنام ازلیسه ، مریم (دوست عزیز با شعر ارسالی تان زنده باشید :  
ای صبا یا شهنه سالک از فلسفگی  
از فراق نان سیلو جان ما بر لب رسید  
بردود یوار شورا این سخن باید نوشت  
تا یکی این زهر تلخ جنگ تحمیلی شید  
میروسی نژاد ازلیسه انصاری (دستور زبان) و زن قافیه و دیگر معاییر شعری را با ما مزید . رباعی تان لغزشهای فراوان داشت ، فرید احمد امید ازما -  
شرف (استعداد خوب دارید بیشتر زحمت بکشید آینه روشن شمارا استقبال میکند ، دوست از نزل تان :  
باز فصل باغ بوستان میرسد  
لبیل دل در گلستان می رسد  
سبز میگردد چمنزار امید  
نوعوس باغ خندان می رسد)  
شکیلا پوهس از مزارشرف (طبع روان تان را روان تر میخوانیم سه بیت نزل تان با یاد داشت کوچک ما :  
باز فصل نوهاران آمده  
فصل شوق مند لیان آمده  
باز گلگهای فریبا و قشنگ  
سوی بوستان و گلستان آمده  
من شکیلا خوانم هر دم این سرو  
لبیل غیلم نزل خوان آمده  
واژه بوستان در مصراع چهارم ثقیل است اگر ((بوستان)) بسازم این تعمیم رفع میگردد و مصراع پنجم را به خاطر ثقل واژه هر دم این طور بسازید خوب است :  
((هر زمان خواند شکیلا این سرو)) . آری از طب کابل (شعری در رسا وجود دارد ، فقط بیشتر زحمت بکشید و شعر مطالعه کنید .) پارچه . ک . ازلیسه رابعه ، بلخی (صرفهای که به آری جان گفتیم در مورد شما نیز صدق میکند .) تونر عبد -  
الصادق ((هارون)) از کینناری بگرامی (دوستی های تان را به برنامه های فولکلوری راد یو فرستید) . شکیلا نجیب ازلیسه آریانا (نامه تان با جها ر چشم رسید یک بیت از گردید های تان :  
چشم اگر این است ابرو این و ناز و شوه این  
الوداع ای صبر و تقوی الوداع ای عقل و دین )

# براساس فال گزینیم

## متولدین ماه حمل

موفقیت‌های شایانی پیش‌رو دارید، اما دقت کنید که متکبر و خودخواه نشوید. از صحت‌تان مواظب باشید. بادوستان مهربان‌تر باشید. دیدار تازه در تغییر سرنوشت شما نقش خواهد داشت.

## متولدین ماه میزان

ملاحت ساختن دیگران برای برائت خود کارشایسته نیست. باید شهامت آنرا داشته باشید که خطاها و اشتباهات خود را ببینید و با پیشانی باز آنرا جبران کنید. کودکان عزیز می‌توانند شما را خوشحال کنند. مجردها به ایجاد زندگی مشترک تاجند روز دیگر آغاز می‌کنند.

## متولدین ماه ثور

عشردن و مصیبت‌بیمورد عمر شمارانیم می‌سازد. از مصروفیت و کار بیشتر همیشه لذت می‌برید و این نکته بی‌است که متوجه آن نشده‌اید. قضاوت هرگونه میباید شما همانطور زنده‌گی نمایید که استید. ضرورتیست مطابق میل هر یک باشید.

## متولدین ماه عقرب

ضعف بزرگ شما، ضعف اراده‌تان است که نمیتوانید تصمیم عاقلانه بگیرید. دوری شما از خانواده و وطن کارنا درستی است. اعتماد شما نسبت به خانواده‌تان به جاست اما آنها بدون شما احساس کمبود مینمایند. مجردها دیدارهای خوبی در پیش دارند. دقت کنید انسان را با تمام ابعادش باید بشناسید.

## متولدین ماه جوزا

امیدهایی که برای خوشی و خوشبختی در خانواده بزرگ شما ایجاد شده به واقعیت می‌پیوندد. یکی از مسافران شما به زودی نزد شما می‌آید و دیدار تازه شما با یک عزیزم کرده برای تان بسیار پر لذت خواهد بود. فضای خانواده تان را همواره شما نگه دارید سعی نکنید آنرا وقت و ناوقت از دست کنید.

## متولدین ماه قوس

بسیاری از عزیزان انتظار دارند تا شما با آنها مهربان‌تر باشید. کودکان بزرگ تان بیشتر به محبت نیاز دارند. کسانی که متاهل نیستند به فکر ایجاد خانواده میشوند ولی بهتر از مصارف اضافی صرف نظر نمایند. درس بزرگ زنده‌گی برای متولدین این‌ماه تحمل و شکیبایی است.

## متولدین ماه سرطان

تصمیم شما برای تحمل دشواریها و مشکلات عاقلانه است. زندگی باغم‌هایش زیباست. دیدار تازه‌ای که دارید برای شما امیدهای جدیدی میدهد. بدبینی و کدورت را از خود دور کنید و با امیدهای بزرگ خانواده‌تان رانیز جرات بخشید. آرزوهای تان برآورده میشود و انهم در همین روزها.

## متولدین ماه جدی

خیالات بزرگی در سر دارید که با کار و پیگیری جدی میتوانید آنرا به واقعیت تبدیل سازید. هیچگاه با شاگردان تان رویه‌نا درست نکنید آنها به محبت و آموزش نیاز دارند اگر آنرا درست تربیت نکنید عذاب وجدانی بزرگی شمارا از پت مینماید.

## متولدین ماه اسد

انتخاب دوست و یاور زنده‌گی تان کار معقول است. تشوشت روانی خود را دور سازید. خوبست که دل‌بسته‌گی‌های تان به کار زنده‌گی افزایش می‌یابد. بیشتر به فکر آموزش باشید. آنچه را که در رویاها تصویری کنید واقعیت خواهد یافت.

## متولدین ماه دلو

یا حق و ناامیدی را از خود دور سازید. تصمیم برای دوست داشتن یک کسی عاقلانه است. یک دوست خوب میتواند یک ثروت هنگفت و عظیم باشد. قدر دوستی را دانستن، قدر زنده‌گی را دانستن است.

## متولدین ماه سنبله

سفری در پیش دارید که برایتان پر خاطره و جالب است. نامه‌های دوستان تان را بی‌پاسخ نماند. همسران را از خود دور سازید چون آریگانه پناه خود را در وجود شما می‌یابند.

## متولدین ماه حوت

به صحت‌تان توجه داشته باشید. ورزش مصروفیت بسیار خوب برایتان خواهد بود. نگذارید کسی از شما بی‌جهت آزرده شود. دیدار عاشقانه بی در پیش دارید. امیدوار باشید که بخت با شماست.

# تهدیدهای فضا

## تهدید بود که سیاره بزرگی با کره زمین تصادم نماید

بیفتد . سیاره مارا بارچه بارچه ساخته چنان خاک و قیاری تولید میکند که ماها اتوسفیر را خوا- همد پوشاند و مانع رسیدن شعاع آفتاب خواهد گردید که در نتیجه یخبندان انسانها تلف خواهند شد و نباتات از زمین خواهند رفت . درباره جلوگیری از چنین حادثه منجمین نظر میدهند . یک راکت مجهز با کلاهک هسته‌ای میتواند چنین سیاره‌ای در حال تقرب را نشانه گرفته و پیش از آن ل شدن به جو زمین از بین ببرد . اما درین صورت نیز بارچه‌های سیاره به زمین خواهد ریخت . نظر بهترینی که در سال های ۱۹۸۰ رایه شد میگوید به جای نابودی سیاره خونتر خواهد بود اگر مسیر آنرا توسط مواد منفجره انحراف دهیم .

ترجمه: حسن نیر

بت خواهد کرد و یا با حرکت در لهره آفرین و تخریش اعصاب از نزدیکی زمین عبور خواهد نمود . حتی اگر سیاره اف سی ۱۹۸۹ به زمین نخورد سیاره مشابه بالاخره به آن اصابت خواهد کرد . سیاره‌های با عرض نیم میل در - سیستم شمسی در حرکت اند و طور متوسط در هر ۱۰۰۰۰۰ سال داخل اتوسفیر زمین میشوند درین میان سیاره‌های بزرگتر به عرض پنج یاده میل وجود دارند که در هر ده میلیون تا یکصد میلیون سال به زمین اصابت میکنند که به تمامی سیاره‌ها خطر بزرگی را متوجه میسازد . همین سیاره‌ها به عقیده بسیاری دانشمندان ۶۵۰ میلیون سال پیش سبب نابودی حیوانات عظیم الجثه در روی زمین شدند به نظر عده بی از ستاره شناسان اگر این اجرام سماوی به زمین

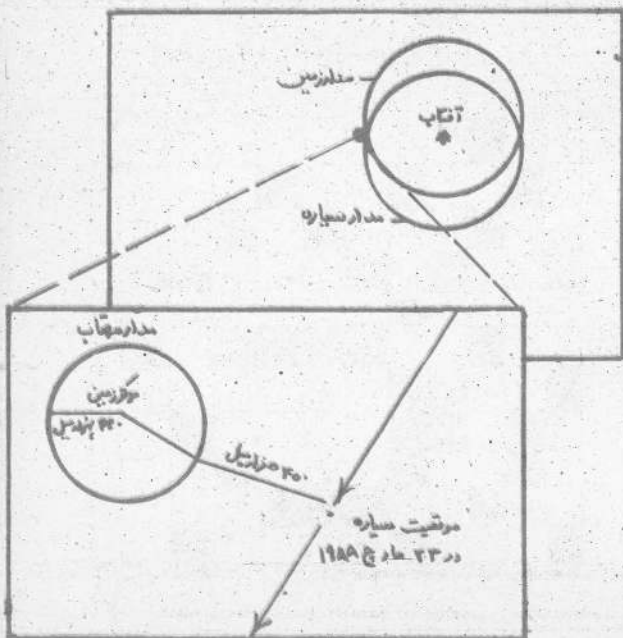
اریزونای شمالی کشف شد و ایسن درست او اسط مارچ بود که سیاره مذکور با مصونیت از زمین دور میشود . اقای هولت عکسهای این سیاره را که توسط یک تلسکو- پ ۱۸ اینچ در رصدخانه بالامور در جنوب کالیفورنیای تهیه شده بود مطالعه کرد . گفته میشود عرض این سیاره شاید صد یارده بوده باشد و اگر به همین پیمانه کوچک هم بوده باشد در صورتیکه با سرعت ۵۰۰۰۰ میل فی ساعت به زمین اصابت میکرد . حفره‌ای به بزرگی یک میل که چندین صد فوت عمق میداشت ایجاد میتوا- نست یعنی گودالی به همان وسعت که در حدود ۴۰۰۰۰ سال پیش در اریزونای شمالی توسط یک سیاره ایکه به زمین افتید بود به وجود آمده است . اما چنین حادثه‌ای اگر امروز اتفاق افتد کافی است که مرکز عمده بر جمعیت رانا بود کند . ستاره شناسان میگویند اف سی ۱۹۸۹ بر خواهد گشت . مانند زمین که به دور - آفتاب گردش میکند منتها به عوض ۳۶۵ روز ۳۸۰ روز را در مدار سیاره دریاه آپریل دوباره از نزدیکی زمین بگذرد غالباً در یک فاصله مصون ترقرار خواهد داشت . اما منجم بریان ماریسن از رصدخانه هاروارد سمت سونیان که بر مبنای تخمینات هولت محاسبات خود را رایه داشته میگوید در صورتیکه محاسبات ماد قیق باشد این سیاره میتواند بازم خطرناک به وجود آورد یا اینکه به زمین اصا-

شب بیست و سوم مارچ (۳ حمل) کجا بودید . خارج از منزل . همراه بادوستان یا مشغول تما- شای برنامه های تلویزیون . به هر حال شما نمی دانستید که در همان لحظات در چند قدمی شما یک فاجعه قرار داشتید . شما ازین خطر آگاه نبودید . اما یک سیاره بزرگ به چنان فاصله نزدیک از زمین به سرعت عبور کرد که در ۵۲ سال گذشته سابقه نداشته است .

اگر این صخره عظیم به زمین اصابت میکرد فاجعه‌ای مانند انفجار هزاران بم هایدروجن می آفرید و ملیونها انسان رانا بود میکرد و در صورتیکه این سنگ آسمانی به بحر می افتاد امواجی به بلندی صد مایتر ایجاد میکرد .

پیش ازینکه شمار زیاد بهراس بیفتید لازم است بفهمید که نزدیکترین فاصله این سیاره از زمین در حدود ۴۵۰۰۰۰ میل بود یعنی در حدود دو چند فاصله زمین با مهاب . با انهم در شرایط و محاسبات کیهانی امکان اصابت این صخره زیاد بعید نبود . از سال ۱۹۲۲ به اینسو هیچ سیاره به این پیمانه با زمین نزدیک نبوده است . در آن سال یک سیاره کوچک به قطر تقریباً نیم میل از عین فاصله از نزدیکی زمین عبور کرد .

این سیاره جدید که مطابق سیستم نمره گذاری رسمی اتحادیه بین المللی نجومی اف سی ۱۹۸۹ نامیده میشود . نخست توسط پروفسور هنری هولت از یوهنتون





# مسطربازي

سفید بازی را شروع می کنند  
و در سه ( ۳ ) حرکت مهره سیاه را  
مات می کند .

سفید بازی را شروع می کنند  
و در دو ( ۲ ) حرکت سیاه رامات  
می کند .

## جدول ضرب المثلها

عمودی :

- ۱- نقره - لباس خر
- ۲- معکوس ان قوت است - جور برانگنده - بوي نيست .
- ۳- غم نداری انرا بخسر - قوغی کمر - نزدی بی پای - معکوس ان اواز خر .
- ۴- ان بود برکتش نی - ی خ س
- ۵- ... حول بالله - نوشید نیست - بدون ان غذا لذتی ندارد .
- ۶- مزین به در کس به انگشت که نزنده ... معکوس ان شکایت .

- ۷- پروا (اصطلاحی)
- ۸- تکه ناکاره (اصطلاحی) نفس اصطلاحی - کاری کن که نی ان بسوزد نی کباب .
- ۹ - یکی اواز صاف و رسا دارد و دیگری ای ... دارد - زیر بوریا .
- ۱۰ - جنگ ... سر ... عدد شروع جدول .
- ۱۱ - بایش رابسته کن همسایه ات را زد نگیر - استم - همان خوک و همان ...

# پرسش ها

انقی :

- ۷- مار از ان بدش بدم غارش سبزی می کند . زورش به ان نمی رسد پیالانش می زند .
- ۸- زمستان زفت روسیاهی به ان مانده .
- ۹- شق (اصطلاحی) - هرجا انست دریای لنگ است - خشک بی سر .
- ۱۰- معکوس ان روشنی ( پینتو) - شراب - نخستین عدد .
- ۱۱- قطی ارمعروف است - وقتی ازت اند تروان با هم می سوزد .

- ۱- نام همین جدول ان را خدا کریم است .
- ۲- می گویند ... بد برادر ندارد - ... مردان دیر پخته می شود .
- ۳- تاک - برای ادم تبیل می گویند که ... تخی است - شل بی پای .
- ۴- بوج های بلند - پدر پدر کلان .
- ۵- دنیا را آب بگیرد اورا تانید بایش است - بالق لق سگ مردار نمی شود .
- ۶- کوزه شراب - عربها

## چقدر پول دارند

سه دختر قرار گذاشتند که سینما بروند هر کس باید می گفت که چند انگانی با خود دارد . شکیبا گفت : من انقدر بیسه دارم که اگر با پول ماریا،  $\frac{1}{3}$  پول شعلانیز جمع شود . ماریا گفت : من انقدر پول دارم که اگر با پول شعلا،  $\frac{1}{3}$  پول شکیبا نیز جمع شود . شعلانیز گفت : من ده انگانی دارم ولی با این ده انگانی  $\frac{1}{3}$  پول ماریا را نیز جمع کنید . حال شما گویید هر کدام انها چه اندازه پول با خود دارند

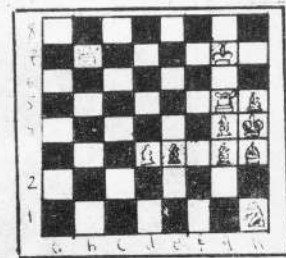
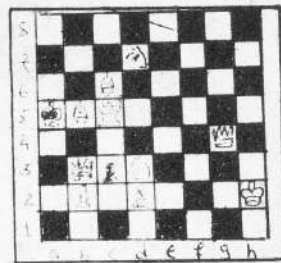
## مخاسبه کنید

می گویند که عمر اسپ رابه اساس دند انها پیش تعیین میکنند ولی بیایید ما و تمام رینجا قابلیت ریاضی خود را یکار بینه ازیم . ان اسپ چند سان عمر دارد در حالیکه  $\frac{1}{2}$  ( یک بر دو ) است

جدول ضرب المثلها

	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱											
۲											
۳											
۴											
۵											
۶											
۷											
۸											
۹											
۱۰											
۱۱											

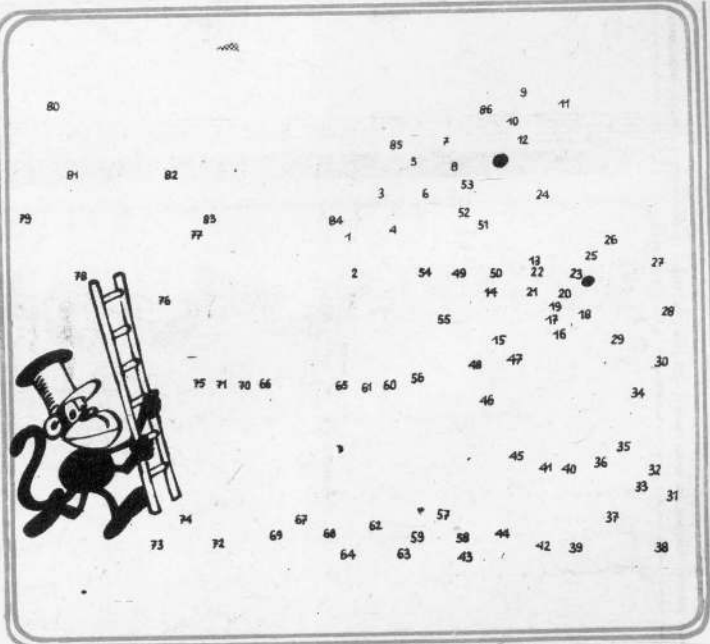
# سرگرمی‌ها



پیش ادبی

## حل کنید جایز بگید

### برای اطفال



اگر میخواهید بدانید که برای زینه چه صورت است عدد راه ترتیب با هم وصل نمایید

درین شماره مجله ما پرسش های ادبی را مطرح می سازیم؛ دستد اران مجله بخصوص علاقمندان عرصه ادبیات فرصت دارند تا یکی دو ماه درین مورد مطالعه نموده و سپس پاسخ های ما را ارسال بدارند. البته ما جایزه های عالی برای آنها در نظر داریم. میتوانید پاسخ هارابه زبان های دری و پشتو ارسال نمایید.

۱- مولانا جلال الدین بلخی کی بود و چند اثر ادبی از او جامانده است.

۲- سنایی چگونه شاعری بود و چند دیوان شعر دارد.

۳- کتاب فیه مافیه یک ارزیابی و نتیجه گیری کلی در یکی دو صفحه تهیه نمایید.

۴- فهرست نویسندگان معاصر افغانی را با نام آثار چاپ شده آنها آماده بسازید.

۵- شهادت نامه آثار یکتا از نویسندگان معاصر افغانی یک تحلیل و نقد صرف به حیث خواننده تهیه نمود. ما بفرستید.

۶- آیا شهادت نامه نویسندگان قبایل آزاد معلومات دارید؟ لطفاً درین باره ما بنویسید.

۷- آثار رحمن بابا و خوشحال خان خټک کدام هاست؟

۸- دوره های ادبیات را در افغانستان چگونه مطالعه نمود. ایده درن خود را ازین دوره ها بنویسید.

۹- چه وقت وضع ادبی در کشور ما درخشندگی بیشتری داشت.

## سرگرمی‌ها

سرگرمی‌ها  
درین شماره مجله ما پرسش های ادبی را مطرح می سازیم؛ دستد اران مجله بخصوص علاقمندان عرصه ادبیات فرصت دارند تا یکی دو ماه درین مورد مطالعه نموده و سپس پاسخ های ما را ارسال بدارند. البته ما جایزه های عالی برای آنها در نظر داریم. میتوانید پاسخ هارابه زبان های دری و پشتو ارسال نمایید.

قابل توجه هوپوانان!  
قره کسی جوایز بوی های فروشگاه بزرگ افغان به تاریخ ۱۸ سرطان صورت می پذیرد.

ادرس اعلان شرکت ترانزیتی صفحه عقب را چنین تصحیح نماید:  
ادرس: شعرنو مقابل پارک سرك نمبر (۷) مارکیت جاده عقب زینب ننداری  
نمبر تیلوفن (۳۰۲۶۲)

# شرکت ترانزیتی و بارچالانی کاشفی هرات



**باشرکت ترانزیتی و بارچالانی کاشفی  
هرات در تماس شوید و مشکلات  
تان را به سهولت حل سازید**

آدرس: شهر نو مقابله پارک نمبر ہفتہ مارکیٹ

## هوس تیس HOSTESS

یک نام آشنا برای خانواده ها .  
صابون ، شامپو ، جلائی موی و مواد ظرفشویی هوس  
برای هروقت برای هرکس ، برای هر جا .  
این اجناس را طور عمده از جاوید لعد ، کوچی مارکیٹ  
تملینده کی ان در کوچی مارکیٹ دکان موہن لعل و ہمہد کانهایی  
شهر ولایات بدست آورید . همچنان این شرکت صابون ضد بخار  
( DM4 ) را تازه وارد نموده است .

نیازمندان عجلہ نمایند :  
تلفونوما ( ۲۰۰۰۹ - ۲۲۶۲۹ )

## وحید اللہ پلاستیک

وحید اللہ پلاستیک ہر نوع اسناد و کارت های شمارا توسط  
ماشین بوش می کند . همچنان قرطاسیہ مورد ضرورت د و ایسر  
و طلاب معارف را به قیمت نازل تقدیم میدارد .

آدرس: میر پور میڈیشن مقابلہ تانکہ تیس

# فروشگاه ارزان

آدرس: شمس‌نو مقابل زینب نداری



ارزینام تازه ترین  
اجناس مورد  
نیازتان استقاده  
نمایید ارزان و به  
مفادیتما

# قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی مجلات و سایر جراید کشور را به سترس شما قرار میدهد همچنان هر نوع قرطاسیه مورد ضرورت دوايروطلاب معارف را به قیمت نازل تقدیم میدارد.  
قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی توسط ماشین بصری اسناد و کارت دست داشته شمارا بون میکند.

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی چوک میرو سیر میدان نماینده کسب در چوک جاده میوه متصدت جسر افغان

صنایع ملی را تقویه نمایید

# فروشگاه

## بزرگ افغانان

بزرگترین مارکیت فروش بوتها ساخت وطن

۱۰ هزار افغانی جایزه

فقط با خرید یک جوره بوت

و بار هم

۵۰ هزار ۲۰ هزار ۱۰ هزار

# افغانی جایزه نقدی

صرف با خرید یک جوره بوت

بوتهای ساخت وطن با بوتهای خارجی رقابت میکنند  
بخرید و امتحان کنید

مشتریان محترم بله های خرید را نگهداری کنید و  
در روز قرعه کشی که بعداً اعلان میگردد آنرا با خود داشته باشید



بزرگترین فروشگاه همیشه در خدمت شهروندان است  
قدای خوب قیمت مناسب

کتابخانه دیجیتال

**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)  
Ketabton.com: The Digital Library**